

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اندیشه‌نقریب

سال دوم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۸۵



صاحب امتیاز: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

زیر نظر: آیه‌الله محمدعلی تسخیری

مدیر مسئول: علی اصغر اوحدی

شورای سردبیری

سید حسین هاشمی، عزالدین رضائزاد، مرتضی محمدی

مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا)

علیرضا اعرافی، عباس برومند اعلم، سید احمدرضا حسینی، سید منذر حکیم، سید هادی خسروشاهی، محمدحسن زمانی، محمدرضا غفوریان، ناصر قربان نیا، نجف لکزایی، محمدهادی یوسفی غروی

مدیر اجرایی: محمدعلی ملاهاشم

ویراستار: احمد اکرمی

حروف چینی و صفحه‌آرایی: سید محمود حسینی

- ✓ فصلنامه «اندیشه تقریب» با هدف استحکام بخشیدن به وحدت میان مسلمانان و نیز طرح مباحث اندیشه‌ای در زمینه مشکلات و چالش‌های فراروی جهان اسلام، در حوزه‌های گوناگون فقهی، حقوقی، کلامی، فلسفی، تاریخی و ... انتشار می‌یابد.
- ✓ فصلنامه در جهت اهداف یادشده، از مقالاتی که دارای موازین علمی باشند، استقبال می‌کند.
- ✓ فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است.
- ✓ نقل مطالب فصلنامه با ذکر مأخذ بلامانع است.

نشانی: تهران، خ آیت‌الله طالقانی، نرسیده به چهارراه شهید مفتاح، شماره ۳۵۷، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی و پژوهشی

تلفن: ۸۳۲۱۴۱۱، ۸۸۲۲۵۳۲؛ دورنگار: ۸۳۲۱۴۱۴ - ۸۳۲۱۴۱۶

ق.م: خیابان ساحلی، نبش لواسانی ۱۷، پلاک ۱۶۱/کد پستی: ۳۷۱۳۶۳۶۵۷ / تلفن: ۷۷۵۵۴۶۴ / ۷۷۵۵۴۵۶

پست الکترونیک: andisheh@taghrib.org

فهرست مندرجات

| | |
|---|-----|
| سرمقاله..... | ۵ |
| مقالات اندیشه‌ای | ◀ |
| مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی / آیت الله محمدعلی تسخیری..... | ۱۱ |
| استراتژی تقریب / دکتر محمد رضا رضوان طلب..... | ۲۵ |
| نگاهی به جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در رشته تاریخ و پی‌آمدهای آن / سید منذر حکیم..... | ۴۵ |
| الگوهای اعتمادساز در روابط بین‌المللی با تأکید بر کشورهای اسلامی خلیج فارس / مرتضی شیروودی..... | ۵۷ |
| نقش عالمان دین در ایجاد همبستگی پیروان مذاهب اسلامی / محمد حسین فصیحی..... | ۷۷ |
| پیشگامان تقریب | ◀ |
| سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی شقراوی (بلندای استقامت) / رحیم ابوالحسینی..... | ۹۵ |
| عبدالمجید سلیم (مرزبان شریعت)..... | ۱۱۳ |
| سرزمین‌های جهان اسلام | ◀ |
| سودان پهناورترین کشور جهان اسلام / ع.ر - امیردهی..... | ۱۴۵ |
| گزارشی از یک کتاب | ◀ |
| معرفی دو میراث مکتوب غربیان در نقد دموکراسی..... | ۱۷۱ |
| اخبار فرهنگی | ◀ |
| مآخذشناسی اندیشه تقریب / سلمان حبیبی | ◀ |
| أ. آثار منتشر شده به وسیله مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی..... | ۲۰۵ |
| ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب..... | ۲۱۲ |
| خلاصه مقالات به زبان عربی / انور رصافی..... | ۲۱۹ |
| چکیده مقالات به زبان انگلیسی / محمد اخوی پور..... | ۲۲۴ |

سرمقاله

موعود اسلام

موضوع آغاز سخن این شماره را به مناسبت حلول ماه شعبان و نشر مجله در آستانه ولادت حضرت مهدی عج، موعود اسلام قرار دادیم. گرچه تبیین این موضوع و پرداختن مناسب و تفصیلی به آن، در خور سرمقاله نیست، اما یادآوری چند نکته، مورد توجه و عنایت همگان خواهد بود.

۱- آموزه مهدویت در اسلام

متون مقدس دین اسلام (کتاب و سنت) به اجمال و تفصیل از آموزه مهدویت سخن گفته است. ظهور شخصی در آخرالزمان برای برپایی قسط و عدل در زمین و حاکمیت دین الهی، از اعتقادات و باور راسخ مسلمانان است. اعتقاد به آمدن مهدی از اهل بیت پیامبر ص، نزد عموم شیعیان هم‌چون رکنی ایمانی مورد اهتمام بوده و هست؛ تا جایی که گاه شیعه بودن را مساوی با اعتقاد به غیبت مهدی در این روزگار و آمدن شکوهمندش در سرانجام دانسته‌اند. گرچه نمی‌توان گفت آموزه مهدویت در میان اهل سنت از ضروریات مذهب یا دین به شمار آمده، اما اصول مذهب سنی و منابع روایی و کلامی آن‌ها، این آموزه را انکار نکرده، بلکه در بسیاری از این آثار از آن یاد کرده‌اند.

۲- مهدی باوری در منابع اهل سنت

علاوه بر منابع روایی مهمی هم‌چون سنن ترمذی، سنن ابو داود، مستدرک صحیحین حاکم نیشابوری، مسند ابن حنبل، و سنن ابن ماجه، شمار قابل توجهی از آثار عالمان سنی را می‌توان یافت

که آموزه مهدویت را پذیرفته و نقل کرده‌اند.^۱ گذشته از عالمان صاحب قلم سنی در اعصار گذشته، شمار زیادی از دانشمندان سنی معاصر نیز درباره آموزه مهدویت قلم زده و سخن به قبول گفته‌اند؛ از جمله: شیخ ناصر الدین البانی، از نویسندگان مجله مجمع علمی عبری در دمشق، شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد، عضو هیئت علمی دانشگاه اسلامی مدینه (یک سخنرانی از او با عنوان عقیده اهل السنّة و الاثر فی المهدی المنتظر منتشر شده و شیخ عبدالعزیز بن باز، مفتی وقت عربستان، بر آن توضیحاتی از سر قبول افزوده است. از وی همچنین مقاله مفصلی با عنوان الرد علی من کذب بالاحادیث الصحیحة الواردة فی المهدی در مجله الجامعة الإسلامیة به چاپ رسیده است)، دکتر احمد محمود صبحی، مدرّس فلسفه در دانشکده ادبیات دانشگاه اسکندریه، سعید ایوب، نویسنده و متفکر مصری، در کتاب عقیده المسیح الدجال فی الادیان، محمد بن احمد بن اسماعیل، نویسنده معاصر در کتاب المهدی حقیقة لاخرافة (وی فهرستی بالغ بر شصت نفر از عالمان گذشته و معاصر را که در قبول عقیده مهدویت سخن گفته یا حدیث نقل کرده‌اند ذکر می‌کند و در پی آن نیز سی و یک نفر دیگر را که احادیث مربوط به مهدی موعود را ضعیف دانسته‌اند بر می‌شمارد).

از دیگر معاصران، دکتر محمد بیوی مهران مصری، استاد دانشکده آداب دانشگاه اسکندریه است. وی نام دوازده کتاب از علمای اهل سنت را که درباره مهدی موعود نوشته‌اند، ذکر می‌کند و مدعی می‌شود که آنچه علمای سنی در این باره نوشته‌اند بیش‌تر از شیعیان است. او همچنین، به عنوان شاهدی بر فراگیری و رسوخ و اصالت آموزه مهدویت، نمونه‌هایی از شعر شاعران را درباره مهدی موعود ذکر می‌کند. (ر.ک: مقاله «گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در اسلام، مجله هفت آسمان، شماره ۲۱).

۳- تبارشناسی حضرت مهدی علیه السلام

بنابر مطالب پیش گفته، مسلمانان معتقدند پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در سخنان متعدّد به ظهور شخصی در آخرالزمان بشارت داده است. وی که موعود اسلام بلکه موعود سایر امم و به عنوان «منجی انسان‌ها» قلمداد شده، در روایات متواتر شیعه اثنا عشری و خبرهای مستفیض اهل سنت از نسب زیر برخوردار است:

«المهدی هو: ابن الإمام الحسن العسکری، ابن الإمام علی النقی، ابن الإمام محمد النقی، ابن الإمام الرضا، ابن الإمام موسی کاظم، ابن الإمام جعفر الصادق، ابن الإمام محمد الباقر، ابن الإمام

۱- در کتاب الأمام المهدی عند اهل السنّة تألیف فقیه ایمانی، (المجمع العالمی لأهل البیت، سال ۱۴۱۸) نام ۶۷ کتاب از عالمان سنی که درباره مهدی موعود به شکل ایجابی قلم زده‌اند، آمده است. نام ابن تیمیّه (۷۲۸-۶۶۱ق)، که از عالمان سنی تندرو است، نیز در این فهرست می‌باشد. وی نیز به صحت روایات نبوی حاکی از قیام یک نفر از اولاد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نسل حضرت فاطمه علیها السلام اذعان می‌کند.

علی السجّاد، ابن الإمام الحسین الشہید، ابن الإمام علی امیرالمؤمنین علیه السلام او ابن فاطمة الزهراء بنت الرسول الاعظم صلی اللہ علیہ وسلم]

این تبارشناسی حضرت مهدی است و باید در طول زمان، هم‌چنان حفظ گردد. سخن ابن حجر عسقلانی (از علمای اهل سنت) در این باره قابل توجه است. وی می‌گوید:

«بر همه لازم است که نسبت به این نسب شریف اهتمام و غیرت دینی ورزند و آن را به درستی ضبط کنند تا کسی به پیامبر اسلام، جز به حق نسبت داده نشود. همواره نسب‌های اهل بیت پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم در گذر زمان محفوظ است و شخصیت آنان که بدان واسطه از دیگران تشخیص داده می‌شوند، از دستبرد جاهلان و ناهالان مصون است. خداوند در هر زمانی به افرادی الهام می‌کند که به تصحیح آن پرداخته، اهتمام به حفظ آن نمایند». (الصواعق المحرقة، ص ۱۸۵، باب ۱۱).

نه تنها تبارشناسی حضرت مهدی علیه السلام به صورتی که ذکر شد، در منابع متعدد فریقین آمده، بلکه علاوه بر شیعه اثناعشری، عده‌ای از دانشمندان اهل سنت، به ولادت حضرت مهدی در نیمه شعبان ۲۵۵ق. تصریح کرده‌اند. مرحوم محدث نوری در کتاب کشف الاستار، اسامی ده‌ها نفر از نویسندگان اهل سنت که قایل به این مطلب‌اند را آورده است.

با این توصیف، روایات اندک و ضعیفی که در بعضی از کتاب‌ها نقل شده، مبنی بر آن که مهدی موعود علیه السلام از فرزندان عباس عموی پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم است، از جایگاه متقنی برخوردار نیست؛ چنان که روایاتی که از نام پدر مهدی به عبدالله تعبیر کرده است، دارای ضعف سندی است و این روایات قلیل در برابر کثرت نقل مخالف قابل اعتنا و اعتماد نمی‌باشد. (برای توضیح بیشتر تر. ک: کورانی، علی، معجم احادیث الإمام المهدي علیه السلام، ج ۱، مؤسسة المعارف الاسلامیة؛ العمیدی، سید ناصر هاشم، در انتظار ققنوس، ترجمه و تحقیق مهدی علیزاده، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته اللہ علیہ و رضائزاد، عزالدین، نسب الإمام المهدي موعود الامم، مرکز جهانی علوم اسلامی).

۴- وظایف مهدی باوران

شایسته به نظر می‌رسد که برخی از وظایف کلی مهدی باوران در عصر قبل از ظهور، به اجمال یادآوری شود:

- الف) ضرورت تعمیق پیوندهای عاطفی - دینی با موعود اسلام از راه‌های گوناگون؛
- ب) تحقق امنیت روانی با تأکید بر انتظار «منجی موعود» و رسیدن به ساحل سبز و امن امید؛
- ج) برخورداری از ویژگی‌های سخت‌منتظران همانند: آراستگی به عدالت و تقوا، آراستگی به بردباری و پایداری، بهره‌مندی از دین‌شناسی بنیادین، لزوم اصلاح‌طلبی و ظلم‌ستیزی، تلاش در توسعه فرهنگ مهدویت و...؛

ه) مقابله با توطئه‌های بیگانگان و استکبار جهانی علیه «مهدی باوری»؛ نمونه‌هایی از این دست توطئه‌ها چنین است: ۱- دخالت مستقیم و حمایت از پروسه «شخصیت‌پردازی و مهدی‌تراشی مانند جریان مهدی الصومال در آفریقا، جریان میرزا علی محمد شیرازی معروف به باب در ایران، میرزا غلام احمد قادیانی در پاکستان، سید محمد جونیوری در هند و محمد بن عبدالله قحطانی در حجاز؛ ۲- تخریب پایه‌های فکری «مهدی باوری» از طریق ژست‌های علمی و به ظاهر شرق‌شناسی افرادی همانند: فان فلوتن، گل‌زیرهر یهودی، ولهوسن، پروکیلمن و دونالدس و...؛ ۳- پرورش و حمایت از خودباختگان سرسپرده در کشورهای مختلف مانند احمد کسروی، شریعت سنگلجی، سلمان رشدی، و احمد الکاتب و...؛ ۴- انتشار تبلیغات مسموم رسانه‌ای و ساختن فیلم‌های سینمایی و حتی اسباب‌بازی بچه‌ها برای خشن و مشوه جلوه دادن اسلام و آموزه مهدویت در آخرالزمان؛ ۵- تحریف اندیشه ناب «مهدویت از طریق ارایه مقالات به ظاهر تحقیقی در کتاب‌های معتبر و پرمخاطبی که در گستره جهانی انتشار می‌یابد، مانند مقالات نشریافته در دایرة المعارف بین‌المللی؛

Encyclopaedia Britannica, V14

و) طرح علمی مباحث مهدویت در ابعاد اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی برای اقشار مختلف جامعه؛

ح) آسیب‌شناسی مهدی‌باوری و ارایه راه‌های مقابله با آن از سوی فرهیختگان.



اندریشه‌های
مقالات

لا يمشى تقرب

مشکلات جهان اسلام و درمان آن در پرتو جهانی سازی

آیت الله محمد علی تسخیری*

چکیده:

جهانی سازی جنبش فراگیر است که همگان دیر یا زود با آن روبرو و وادار می شوند که در مواضع خود تجدیدنظر کنند، جهان اسلام نیز به عنوان بخش عظیمی از این جهان در معرض زیان این پدیده ساختگی دست امریکا است.

نگارنده در این نوشتار به تعریف اجمالی از جهانی سازی خصوصاً تعریفی که غربی ها و بالاخص امریکا مبنی بر نفی هر تمدن غیر غربی و تلاش برای تحمیل مدل امریکایی بر سایر تمدن ها و زیر سلطه در آوردن جهان به دست داده، می پردازد و بدنبال آن پیامدهای منفی چنین جهانی سازی را برمی شمارد و موانع جدی که امریکا در تحقق اهداف یکجانبه گرانه خود با آن روبرو است از جمله جهان اسلام که مدعی جهان مداری اسلامی است اشاره می کند. از این رو مشکلات جهان اسلام در رویارویی با این پدیده و درمان آن دغدغه اصلی نگارنده است و بدین منظور ابتداء وضعیت امروز امت اسلامی را مطرح نموده و سپس گام ها و راهبردهای عملی که جهان اسلام باید در سطح کشورهای اسلامی و در سطح جهانی برای مقابله با جنبه های منفی این تهاجم بزرگ بردارد را مورد بررسی قرار می دهد.

کلیدواژه: جهانی سازی، جهانی سازی غربی، جهان مداری اسلامی، امت اسلامی، راهبرد عملی.

همه جهان، از جمله جهان اسلام، در پرتو سیستم جهانی جدید که به نوبه خود مظهر عظیمی از جنبش فراگیر جهانی سازی بوده با حالت تازه ای از تعامل غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا روبه رو گردیده است، که این مسأله همگان را وادار می کند نسبت به مواضع خود تجدید نظر کنند، زیرا زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی فولکلورهای مردمی جهان به طور کلی در معرض خطر این خیزش بزرگ و فراگیر قرار گرفته است.

* دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

ما نیز بر این باوریم که جهان اسلام بیش از سایر بخش‌های جهان در معرض زیان این پدیده قرار گرفته است، چون جهانی سازی وحشی - که خود غربی‌ها این نام را بر آن گذاشته‌اند - روی آن تمرکز دارد. استراتژی‌های تهیه شده در پرتو این سیستم با صراحت به آن اشاره دارند (نظیر استراتژی آمریکا در سال ۱۹۹۷). بلکه ما تقریباً یقین داریم که این حمله در درجه نخست متوجه ما است و این امر از تمرکز فشارهای نظامی و فرهنگی و اقتصادی علیه ما و نیز اجرای پروژه‌های استعماری نوین هم‌چون طرح خاورمیانه بزرگ که در برگیرنده جهان اسلام و اطراف آن است استفاده می‌گردد. و با توجه به این‌که ایدئولوژی اسلامی ما متناقض با بسیاری از ارزش‌ها و معیارهای تمدنی غرب می‌باشد، اکنون غرب با چالش‌های بزرگی روبه‌رو است.

علاوه بر این، تراکم تاریخی روانی که قرن‌های زیادی از کشمکش و تبادل نقش‌های احراز پیروزی نظامی میان طرفین وجود داشته است، که زمانی جهان اسلام به قلب غرب گسترش می‌یافت و گاهی اشغال غرب متوجه همه جهان اسلام می‌گردید و هیچ منطقه‌ای از آن دور نبوده است، باعث پیدایش یک کینه تاریخی و یک حالت روانی شده بود که تأثیر خود را روی استراتژی‌های طرفین در نگرش به یک‌دیگر گذاشته است، حتی در زمینه نظریه پردازی تاریخی و تجزیه و تحلیل علمی که یک ضرورت تاریخی است منعکس شده است.

جهان اسلام امروزه از جهانی سازی شدیدترین رنج را می‌برد و این رنج ناشی از این نیست که جهانی سازی یک حالت تمدنی طبیعی است که بشریت را از کثرت به وحدت و همبستگی در زمینه‌های گوناگون پیش می‌برد، که چنین چیزی شایسته و بجا بوده و شکی در واقعیت آن نیست. بلکه این رنج ناشی از آن است که غرب تلاش دارد با سوار شدن بر ترک این اسب، راه آن را به سوی تحقق هدف‌ها و منافع تنگ نظرانه مورد نظر خود کج نموده و زمام همه امور را در دست بگیرد و سلطه نظامی و اقتصادی و فرهنگی و غیره خود را تعریف نماید و این همان خطر بزرگ است که چنان‌چه بخواهیم از میراث تمدنی عظیم خود پاسداری نموده و در ساختن تمدن جهانی سهیم باشیم، باید برای مقابله با آن برنامه‌ریزی نماییم. از این رو باید به طور اجمال مفهوم جهانی سازی را شناخت تا برای مقابله با چالش‌های آن برنامه‌ریزی نمود.

تعریف جهانی سازی

تعریف جهانی سازی یک تعریف مبهم و پیچیده است و تعریف‌های آرایه شده برای آن، متناقض و متنوع و گوناگون است و در واقع انسان با شناخت نوع تفسیرها و تعریف‌های آرایه شده برای

جهانی‌سازی پی می‌برد که جهانی‌سازی یک تلاش برای نفی تمدن‌های غیر غربی و تحمیل سرمایه‌داری و تلاشی برای تحمیل مدل آمریکایی بر سایر تمدن‌ها و زیر سلطه در آوردن جهان از سوی آمریکا است.

ما در این جا سه مورد از این‌گونه تلاش‌ها را یاد آور می‌شویم:

۱- تعریف جهانی‌سازی ارایه شده از سوی کمیته بین‌المللی در سال ۱۹۵۸، آن را دخالت در امور اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و رفتار سایر جوامع جهانی از طریق الغای مرزها و تابعیت ملی و اقدامات دولتی دیگر کشورها دانسته است. (مجله النهج، شماره ۵۰، ۱۹۸۸).

۲- برخی از تعریف‌های غربی برای جهانی‌سازی آن را تحول سرمایه‌داری در سایه سلطه کشورهای مرکزی و حاکمیت یک سیستم جهانی نا برابر دانسته‌اند. (مجله الواحه، شماره ۱۶، ص ۱۵۳).

۳- تعریف روزناو آمریکایی. وی در تعریف جهانی‌سازی این سؤال‌ها را مطرح می‌کند که: آیا جهانی‌سازی ناشی از تجانس و همانندی یا تعمیق تفاوت‌ها است؟ آیا جهانی‌سازی منابع واحد دارد یا گوناگون و آیا جهانی‌سازی فرهنگ واحد دارد یا متعدد؟ و سر انجام معتقد است سه مطلب در مسئله جهانی‌سازی وجود دارد که عبارت است از بر چین مرزها و برجسته نمودن مشابهت‌های موجود در جوامع بزرگ و تحمیل روش زندگی آن‌ها بر دیگران. (جیمس روزناو- دینامیک‌المعرفة).

از این رو ما می‌توانیم بگوییم که جهانی‌سازی در واقع آمریکایی‌شدن روابط سیاسی و حقوق اجتماعی در سطح جهان و تحمیل فرهنگ سلطه غرب بر دیگران است که این مسئله خطرناک‌تر از اندیشه‌های شیطانی است. جهان غرب با بهره‌گیری از توان تکنولوژی علمی و فرهنگی و نظامی خود این‌اندیشه را مطرح کرده است و برخی از فلاسفه و نویسندگان نیز تئوری‌های نظری را برای اجرای آن زمینه‌سازی کرده‌اند. همه ما با نظریه هنتنگتن آشنا هستیم. وی در این نظریه بر تمدن غرب تأکید دارد و آن را در زمینه‌های تسامح و انسان دوستی و تکثر بر دیگر تمدن‌ها متمایز می‌داند و تمدن‌های غیر غربی را به استبداد و پیروی محض از ارزش‌های گذشته و ناکامی در حل مشکلات انسانی هم‌چون فقر و بی‌کاری و سطح پایین زندگی و زیادی زاد و ولد و دیکتاتوری متهم می‌کند. این نظریه به غرب پیشنهاد می‌کند با دیگر تمدن‌ها همکاری نکند و تکنولوژی خود را به آن‌ها صادر نماید و کشورهای غربی در زمینه‌های اقتصادی و سیاسی و اداری به وحدت برسند. این تئوری بر این باور است که تمدن غرب بر پایه میراث یونانی و مسیحی غربی و سکولار و قانون سالاری و تکثر اجتماعی و جامعه مدنی و حقوق بشر استوار است که این امور بخشی از تمایزهای تمدن غرب به شمار می‌رود و در دیگر تمدن‌ها تحقق نمی‌یابد.

فوکویاما نیز سیستم سرمایه داری را هدف و غایت تاریخ می‌داند و بر این باور است که همه جوامع باید به سوی سرمایه داری حرکت کنند و باید شرایط سیاسی و اجتماعی که مهم‌ترین آن ایجاد تحول در ساختار اجتماعی است به سوی برابری و عدم قشری‌گری و قومی‌گرایی حرکت نماید و تفسیرهای مذهبی مرتبط با این تحول را ایجاد نمود و نیز جامعه توسعه یافته به ایجاد نهادهای میانه رو و اعتدال میان افراد و دولت اقدام کند. وی همچنین غلو نکردن در برتری و تمایز قومیتی که موجب انزوای تمدنی می‌گردد و نیز ارائه تفسیرهای روشن فکری از متون مذهبی، و انتقاد از کلیه حرکت‌های افراطی و اقدام نخبگان به پشتیبانی از ارزش‌های دموکراسی و آزادی را خواستار شده است. بنابراین او جامعه سرمایه داری را به عنوان یک هدف مطرح می‌کند که همه تمدن‌ها باید به سوی آن حرکت کنند. (مجدالدین خمشی، العربی، شماره ۵۱۲، ص ۲).

بیدهام برایان اندیشمند انگلیسی نیز در سلسله مقالاتی که آن را در سال ۱۹۹۴ در مجله اکونومیست منتشر کرده است بر وجود مشابهت میان وضع کشورهای اسلامی در قرن پانزدهم هجری و وضع اروپا در قرن پانزدهم میلادی تأکید داشته و بر این باور است که این دو وضع در فراهم آوردن زمینه مناسب برای انجام اصلاحات و در نوع نهادهای مذهبی موجود نزد مسلمانان و نهادهای کلیسا در قرن پانزدهم میلادی و در سطح استعماری که از آن رنج می‌برند و اشتیاقی که برای بهبود اوضاع از خود نشان می‌دهند با هم مشابهت دارند. وی بر این باور است که یک عامل وجود دارد که این وضعیت را تحریک و پشتیبانی کرده است.

در زمانی که مسلمانان عامل خارجی را در ایجاد تحول در زندگی اروپا در آن زمان تشکیل داده بودند، غرب نیز امروزه به عاملی برای پیشبرد جهان اسلام به سوی تحول و پیشرفت تبدیل شده است. وی معتقد است این حرکت از سوی اسلام‌گرایان آزاده‌ای که به دموکراسی ایمان دارند آغاز می‌شود و باید برای پشتیبانی این افراد با قدرت حرکت کرد. وی در پایان مقالات خود سه توصیه به جهان اسلام ارائه می‌دهد تا شایستگی تعامل با غرب و وارد شدن در کاروان تمدن انسانی امروزی را پیدا کند:

- ۱- منسجم شدن با اقتصاد نوین؛
- ۲- پذیرش اندیشه برابری مرد و زن؛
- ۳- تلاش در جهت بهره‌گیری از اصول دموکراسی و اجرای آن در سیستم حکومتی. (مجله المنهاج، شماره ۲۲، سال ششم، ص ۲۴۸).

به این ترتیب، روند آماده سازی برای تئوری جهانی‌سازی و آمریکایی‌نمودن روش‌های زندگی در برگیرنده زمینه‌های کامپیوتری و اینترنتی و ماهواره‌ای و به کنترل در آوردن سازمان‌های

بین‌المللی گردیده است. این‌گونه دستگاه‌ها برای دسترسی به این هدف باید پاسخ مثبت دهند، زیرا در غیر این صورت یا نادیده گرفته می‌شوند و یا این‌که با موانعی روبه‌رو خواهند گردید، همان‌گونه که اخیراً ما شاهد تلاش سازمان ملل متحد برای تشکیل شورای حقوق بشر به جای کمیته بین‌المللی مأمور این مهم بوده ایم. هر چند که این مسئله تحقق بخش شعارهای آمریکا در این مورد بوده است ولی چون به این کشور مجال نفوذ در آن داده نمی‌شد، در برابر آن ایستاد. آمریکا با بهره‌برداری از رویدادهای ۱۱ سپتامبر تلاش کرد خود را به عنوان نیروی اول جهان مطرح نماید و سرنوشت‌های سیاسی همه کشورهای جهان را در کنترل خود درآورد. از این نمونه است طراحی این کشور برای به کنترل در آوردن فرهنگ‌ها و ارزش‌ها و دخالت در قانون‌گذاری‌های اجتماعی دیگر کشورها، به صورتی که در کنفرانس‌های خانواده در قاهره، کپنهاگ، مکزیکوسیتی، پکن و غیره شاهد آن بوده ایم که آمریکا با شعار حمایت از حقوق بشر و در قانون‌گذاری‌های اجتماعی دیگر کشورها دخالت نموده و خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوقی نظیر حقوق جنسی و حقوق زایمان و نظیر آن در قانون این کشورها شده است. (ر.ک: کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره و پیامدهای آن، نوشته مؤلف).

پیامدهای منفی جهانی سازی

پیامدهای منفی این‌اندیشه خرابکارانه برای همه جهانیان آشکار شده است. از این رو جهانی‌سازی از اوصاف زیادی هم‌چون جهانی سازی دیوانه و جهانی سازی تله، و یا چیزی که یا می‌خورد و یا خورده می‌شود نامیده شده است. تحقیقات گوناگون انجام شده در این باره، این پیامدهای منفی را یادآور شده است که ما در این‌جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱- تسلط و سیطره قدرت‌های بزرگ بر جریان اقتصادی جهانی و منابع تولیدی و مبادلات مالی و تجارت بین‌المللی؛ تا آن‌جا که گفته می‌شود در جهان ۵۰۰ شرکت بزرگ وجود دارد که ۷۰ درصد حجم تجارت بین‌المللی را در کنترل انحصاری خود دارند و تنها ۲۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت خودکفایی به سر می‌برند، در حالی که ۸۰ درصد از جمعیت جهان در وضعیت دریافت کمک و اعانات از دیگر کشورها بوده و از این راه زندگی را سپری می‌نمایند. از زمان تشکیل سازمان تجارت جهانی تا سال ۲۰۰۵ میانگین سالانه در آمد ایالات متحده آمریکا دست‌کم ۲۰۰ میلیارد دلار بوده است، در حالی که میزان زیان‌های کشورهای آفریقایی در این سال‌ها سالانه نزدیک به ۲۰۹ میلیارد دلار بوده است.^۱

۱- اسناد میناوندی، به نقل از گزارش شورای ملی تولید و امور اقتصادی (مهر) که در تاریخ ۲۰۰۲/۳/۱۷ ارائه گردید.

۲- تسلط آمریکا بر رسانه‌های علمی؛

۳- شکستن هیبت، اعتبار و توان توسعه کشورهای کوچک؛

۴- دخالت در قانون‌گذاری‌های داخلی ملت‌های جهان، همان‌گونه که در کنفرانس‌های خانواده و غیره شاهد آن بوده‌ایم؛

۵- تهاجم فرهنگی به همه بخش‌های جهان و تلاش برای ریشه‌کنی دیگر فرهنگ‌های موجود در این بخش‌ها و پی‌گیری اجرای تطبیق‌های عصر ماورای مدرنیته و العای نقش دین، به طوری که فیلسوف جاک دریدا خواستار برچیدن نهادهای دینی و آموزشی در کلیه کشورهای جهان شده است. (عبدالعزیز حمودة، الثقافة- اختیار الثقافة القومية، الاهرام، ۲۰۰۲، ص ۱۳).

ما هم اکنون شاهد تلاش غرب برای صدور برخی از ارزش‌های خود هم‌چون دموکراسی و آزادی شخصی و آزادی جنسی به عنوان ارزش‌هایی مسلم و بی‌چون و چرا به دیگر کشورهای جهان هستیم، تا جایی که اخیراً مسلک لائیک را به عنوان یک اصل انسانی که نمی‌توان آن را کنار گذاشت مطرح کرده است. به این صورت می‌توان درباره الگوهای اقتصادی غربی از دید فرهنگی سخن گفت و نیز می‌توان درباره تهاجم گسترده و چند بعدی فرهنگی و تلاش در جهت محو هویت‌های ملی و ایجاد هویت‌های مجازی و مصنوعی از طریق رسانه‌های تبلیغاتی گسترده و تأثیر گذار صحبت نمود. عرکاهش دادن جایگاه محافل بین‌المللی و بهره‌گیری از آن‌ها به نفع قدرت‌های بزرگ نظیر بهره‌گیری از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و سایر سازمان‌های بین‌المللی به منظور اجرای سیاست‌های مربوط به منافع آن‌ها؛ به طوری که اخیراً رئیس یکی از کشورهای غربی اعلام کرد که ناتو و نیروهای غربی به خاطر سوءاستفاده آن‌ها از سازمان‌های بین‌المللی بزرگ‌ترین ضربه را به نظم جهانی وارد کرده‌اند.^۱

۷- آلوده کردن و قربانی نمودن محیط زیست توسط قدرت‌های بزرگ برای تأمین منافع مادی؛

۸- تلاش زیاد برای تغییر نقشه سیاسی برخی از مناطق جهان (هم‌چون منطقه خلیج فارس،

۱- دلایل مربوط به این سوء استفاده‌ها روز به روز بیشتر می‌شود و چنانچه این سازمان‌ها برای آن‌ها سودی نداشته باشد آن‌ها را رها می‌کنند و این همان چیزی است که در وضع آمریکا نسبت به معاهده (کیوتو) که آلودگی محیط زیست را ممنوع می‌کند شاهد آن بوده‌ایم، چون آنها متوجه شده بودند که اجرای این معاهده باعث کاهش تولید ذغال سنگ و نفت سنگین و انرژی اتمی شان می‌شود. در حالی که این کشور اخیراً این معاهده را از سوی دادگاه جنایی بین‌المللی امضا کرده و در تشکیل آن مشارکت داشته است ولی در جهت معافیت سربازان خود از اقدامات دادگاه قدم برداشته است. هم‌چنین در جهت خارج شدن از موافقت‌نامه (ctbt) مربوط به ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای تلاش کرده است و تلاش اجرایی خود را در زمینه تحریم سلاح‌های شیمیایی متوقف نموده است.

منطقه شمال آفریقا، روسیه و تایوان) که احتمالاً به منظور ایجاد یک ساینس پیکوی جدید انجام می‌گیرد.

البته پیامدهای منفی زیادی برای جهانی سازی وجود دارد که ما در این جا از ذکر آن خودداری می‌نماییم.

موانع موجود بر سر راه جهانی سازی یک جانبه ای آمریکا

ما اطمینان داریم آمریکا که این حرکت جهانی سازی را دنبال می‌کند به رغم امکانات زیادی که در اختیار دارد نخواهد توانست هدف‌های خود را توسط آن تحقق بخشد، زیرا موانع زیادی در این راه وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱- ایستادگی کشورهای بزرگ و ائتلاف‌های جهانی در برابر این جهانی سازی که با منافع آن‌ها تعارض خواهد داشت؛

۲- ایستادگی ملت‌های جهان در برابر طرف‌های مرتبط با مسخ هویت آن‌ها و احتمال اشغال کشورهایشان که احتمالاً در بطن این طرح وجود دارد؛

۳- بروز بحران‌های جهانی در زمینه‌های گوناگون و به ویژه در زمینه‌های اقتصادی، هم‌چون بحران انرژی که احتمالاً همه سیستم‌های جهانی را به خود گرفتار خواهد کرد؛

۴- عدم امکان ادامه روند آمریکا در به چالش کشیدن سیستم روابط بین المللی و نادیده گرفتن نهاد‌های جهانی، به طوری که جهان را علیه آمریکا خواهد شوراند؛

۵- افزایش آگاهی جهانی نسبت به وجود این طرح‌ها که موجب افزایش روند مقاومت و تبدیل ابزار مدرن مورد استفاده جهانی سازی به ابزاری برای آگاهی بخشی مردم جهان نسبت به وجود این طرح‌ها خواهد شد؛

۶- آگاهی مذهبی روبه افزایش ملت‌های جهان که بزرگ‌ترین مانع در مقابل چنین طرح‌هایی خواهد بود.

جهان‌مداری اسلامی و جهانی سازی غربی

پیش از پرداختن به اقدامی که امت اسلامی باید در این رابطه انجام دهد سعی خواهیم کرد موارد تفاوت موجود میان جهان‌مداری اسلامی و جهانی سازی را به طور خلاصه یادآور شویم. جهان‌مداری اسلامی از ویژگی‌های زیر برخوردار است:

- دارای جنبه جهانی و اقتناعی است که ایدئولوژی خود را به ملت‌های جهان تحمیل نمی‌کند و در صدد سلب فرهنگ و روش زندگی دیگر ملت‌ها نیست بلکه در جهت هم زیستی و تفاهم با آن‌ها تلاش می‌کند، که چنین چیزی با متون اسلامی و رویدادهای تاریخی قابل انسجام با این متون مورد تأکید قرار گرفته و هیچگونه اجبار در عقیده و یا مسخ فرهنگی دیگران و یا تفاخر نژادی در آن انجام نگیرد.

- جهت سلب حقوق و چپاول منابع دیگر کشورها تلاش نمی‌کند.

- در جهت اشاعه و گسترش مفهوم‌های مربوط به منافع مادی نظیر تعمیق الگوهای مصرفی تلاش نمی‌کند، بلکه میان خطامشی‌های خود و تولید انسانی و نیاز عمومی موازنه ایجاد می‌کند و هرگونه کفر ورزیدن به نعمت‌های خداوندی و نیز ظلم و ستم در توزیع و اسراف در تولید و توزیع مواد مصرفی را نفی می‌نماید و هدف آن خوشبختی و کرامت انسان است.

- جهان‌مداری اسلامی در صدد وارد آوردن زیان به افراد و گروه‌ها و یا جوامع نبوده بلکه تلاش او در جهت اعطای حق به صاحب حق بوده و امنیت را در زمینه‌های گوناگون برای همگان فراهم می‌نماید.

- جهان‌مداری اسلامی تلاش نمی‌کند تا سلطه یک ملت، یا یک قشر و یا یک فرد را بر دیگران تحمیل نماید و با هرگونه دیکتاتوری و برتری طلبی مبارزه می‌نماید و آن‌را مظه‌ری از مظاهر طاغوت می‌داند و مبارزه با طاغوت را یکی از دو هدف پیامبران در کنار پرستش خداوند در زمین می‌داند.

- جهان‌مداری اسلامی در جهت اشاعه و گسترش ارزش‌های انسانی و اخلاق نیکو به عنوان یک هدف اجتناب ناپذیر تلاش می‌نماید.

- این جهان‌مداری تلاش واقع بینانه و با اصالتی می‌نماید تا مظاهر انسانی را در رفتار شخصی و اجتماعی و بین‌المللی خود تجلی بخشد.

- از عناصر فطری عدالت است که دین در تحقق آن در همه زمینه‌ها تلاش می‌کند و هر چیزی را که با آن منافات داشته باشد حذف می‌نماید.

- جهان‌مداری اسلامی تلاش می‌کند به دیگران احترام بگذارد و منطق گفت‌وگو را گسترش دهد؛ (لیحیی من حیی علی بینة و یهلهک من هلهک عن بینة؛ به کسانی که خواهان زندگی بر اساس شواهد باشند فرصت زندگی می‌دهد و کسانی که راه هلاکت را با شواهد در پیش گرفته باشند به هلاکت می‌رساند) و این مسئله نیز از اقتضات فطرت انسانی است.

- در جهت نشر همکاری و معارفه و استخلاف الهی و همیاری اجتماعی تلاش می‌کند.
- انسان و مرکزیت او را با معیارهای تعهد و کار او ارزیابی می‌نماید.
- میان آزادی‌های فردی و منافع اجتماعی توازن ایجاد می‌کند و سرانجام همه مسایل اجتماعی را برپایه فلسفه واقع‌گرایانه استوار می‌نماید و از آن مسیر حرکت می‌کند و خود را به مقتضیات آن و ویژگی‌هایی که در این جا مجالی برای ذکر آن نیست متعهد می‌نماید.
اما جهانی‌سازی غربی در موضع مخالف آن چه گذشت قرار دارد. این جهانی‌سازی - همان‌گونه که قبلاً بیان شد - دارای ویژگی نفرت فرهنگی و چپاول‌گری یا به‌گونه وحشیانه و دیوانه وار و یا به شکل پیشرفته و مدرن است، و تلاش می‌کند منطق حیوانی مصرفی را در جهان تعمیم دهد و در همه امور دیگر جوامع حتی در زمینه‌های اجتماعی و مدنی آن‌ها دخالت کند و هدف آن تحمیل سلطه خود در همه زمینه‌ها بر دیگران است، و هیچ‌گونه ارزشی برای اخلاقیات قائل نیست بلکه اخلاق را در جهت تحقق اغراض و هدف‌های سیاسی خود به کار می‌گیرد.
همان‌گونه که اخیراً در بیانیه اندیشمندان آمریکایی شاهد آن بوده‌ایم، در فرهنگ غرب جایی برای مسایل معنوی وجود ندارد بلکه غرب با همه ابزاری که در اختیار دارد، از جمله رسانه‌های تبلیغاتی و آزادی جنسی، با آن مبارزه می‌کند و عدالت نیز از نظر غرب نسبی است به طوری که باید با منافع تنگ‌نظرانه آن‌ها سازگار و متناسب باشد و سرانجام به طور وحشیانه منطق کشمکش را به جای گفت‌وگو مطرح می‌کند.

اما درباره معیار عدالت و ارزیابی، هیچ معیار عدالت و ارزیابی جز قدرت و منافع تنگ‌نظرانه خود نمی‌شناسد. از این‌رو سیاست یک بام و دو هوا را در تعامل با دیگران به کار می‌گیرد؛ به این معنا که دیگران حق تعامل انسانی را ندارند - طبق نظریه هابز در تقسیم بندی جوامع بر اساس مدرنیته که امروزه پیروان بیش‌تری از اندیشمندان غربی و به ویژه در انگلیس و آمریکا پیدا کرده است. و سرانجام - همان‌گونه که بیان شد - جهانی‌سازی غربی از شرایطی که برای خود مناسب می‌بیند بهره‌برداری می‌نماید بی‌آن‌که به یک فلسفه واقعی که توجیه‌گر تهاجم وحشیانه اش باشد تکیه نماید.

اوضاع امروز امت اسلامی:

امت اسلامی امروزه آثار یک نبرد درازمدت را که دهها سال و شاید صدها سال ادامه داشت از خود زدوده است. برخی از موارد اشغال در برخی از مناطق جهان اسلامی هم‌چون اندونزی از سوی غرب بیش از سه قرن ادامه داشته است و این ملت‌ها طی این مدت رنج‌های بسیار و شکست‌ها و

غارتهای گوناگون و تجزیه جغرافیای و تاریخی و زبانی و غیره را متحمل و از هدایت دینی محروم گردیده و در معرض آموزه‌های لائیکی و ستیزه جویانه و غیره غرب قرار گرفته و در پایان قرن بیستم در اثر غفلت و خیانت و عدم برنامه‌ریزی، دچار آسیب‌های فراوان شده‌اند. در عین حال، این امتهای هم‌اکنون در معرض خطرات بزرگتری قرار گرفته‌اند که همه موجودیت فرهنگی و تمدنی آن‌ها را هدف قرار داده است.

در چنین شرایطی، امت اسلامی چه اقداماتی می‌تواند انجام دهد؟ ما براین باوریم که اوضاع کنونی تا میزان زیادی به وضعیتی که مسلمانان در پی شکست در جنگ اُحد داشته‌اند شباهت دارد. در آن زمان مسلمانان در معرض دردهای ناشی از زخم‌های جنگ و تفرقه و نفاق و تشکیک عقاید قرار گرفته بودند، اما رهبر مسلمانان «پیامبر ﷺ» مسلمانان شرکت‌کننده در جنگ اُحد را یک بار دیگر آماده نبرد می‌کند و به این وسیله ترس و واهمه را در دل قریش انداخته و آن‌ها را از تجاوز مجدد منصرف می‌کند.

ما باید آن وضعیت و طرح‌های حضرت رسول اکرم ﷺ و آموزه‌های قرآن کریم درباره آن زمان را بررسی نماییم و از آن برای وضعی که اکنون با آن روبه‌رو هستیم بهره بگیریم. خداوند متعال شصت آیه از سوره آل عمران را در روز اُحد نازل نمود به طوریکه ابن هشام در سیره خود می‌گوید: «فیها صفة ما کان فی یومهم ذلک و معاتبه من عاتب منهم». (سیره ابن هشام، ج ۳، ص ۱۱۲) درس عبرت‌ها و وقایع جنگ اُحد را می‌توان به قرار زیر مرور نمود:

- مطرح شدن شایعات از سوی دشمنان، در حالی که حضرت رسول اکرم ﷺ مسلمانان را برای نبرد آماده می‌نمود، که این مسئله موجب می‌شود دو گروه از مؤمنان گذشته‌های عقیدتی و عامل توکل بر خداوند توانا را فراموش کنند و دچار شکست و ناکامی شوند که وعده رسول اکرم آن‌ها را به راه صحیح و رستگاری باز می‌گرداند.

- پایبندی به ایمان، رمز پیروزی است و این مسئله جزء سنت‌های تاریخی است (آیه ۱۳۷ آل عمران).

- مسئله تقویت معنویت‌ها و این که شخص مؤمن متوجه می‌شود که به رغم وجود زخم‌های وارد آمده به بدن او، پیروز است و پیروزی و شکست دست خداوند است که هیچ نیرویی توان شکست او را ندارد. و این مسئله برای مؤمنان یک آزمایش و شناسایی و برای کافران زوال و فروپاشی بوده است؛ (آیات ۱۴۰-۱۳۹).

- لزوم ایمان به رسالت و ثابت قدمی نسبت به آن، زیرا این امر مقتضای شکر نعمت رسالت است (آیه ۱۴۴).

- لزوم حفظ روحیه شور و حماسه و امید و پایداری بر خط ایمان و انتظار وعده الهی و پرهیز از وعده‌های دشمن (آیات ۱۴۶-۱۵۱).

- وعده الهی وعده ای حقیقی است که مسلمانان هنگامیکه به خط او پایبند بودند آنرا با چشم خود دیده‌اند و هنگامی که صبر و تقوا را که شرط پیروزی بود از دست دادند با آزمایش شکست روبه‌رو گردیدند (آیه ۱۵۲).

- شکست ناشی از حیرت برخی از مسلمانان و عدم فراموشی منافع تنگ نظرانه و ابراز شک و تردید نسبت به برنامه رهبری و ترس از مرگ و توجه به وسوسه‌های شیطانی. قرآن کریم یک بار دیگر آن‌ها را از قدرت الهی و وعده‌های پیروزی و معنای مرگ و فرا رسیدن اجل آگاه می‌کند و از تخیل‌های جاهلیت بر حذر می‌دارد (آیات ۱۵۵-۱۵۸).

- دعوت به سازمان‌دهی وضع موجود و از سرگیری وضعیت طبیعی روابط میان رهبر و امت در چارچوب نرمش و رحمت و نشر مشورت و پذیرش مسئولیت مشترک با حفظ رهبری برای حرکت به سوی اجرای طرح‌های آماده شده در چارچوب توکل به خداوند. (آیه ۱۵۹)

- رسول اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان و به ویژه آن‌هایی که در جنگ احد شرکت داشتند دستور مجهز شدن جهت مقابله با دشمن، در واقعه‌ای که «حمراءالاسد» نام داشت را صادر می‌نماید تا قریش متوجه میزان عزم و تصمیم رهبر مسلمانان شده و از تصمیم خود برای حمله به مسلمانان منصرف شود. (آیات ۱۷۴-۱۷۲).

ما نیز برای مقابله با تهاجم وحشیانه جهانی‌سازی باید از این وقایع تاریخی درس عبرت بگیریم.

موضع امت اسلامی و گام‌های عملی که باید در برابر جهانی‌سازی برداشت

پیش از تبیین این گام‌ها، تأکید بر این نکته ضروری است که مخالفت انفعالی با جهانی‌سازی با شکل‌های گوناگون آن بی‌نتیجه خواهد بود، زیرا برخی از گونه‌های جهانی‌سازی دربرگیرنده حالت‌های ترقی‌خواهانه است. بنابراین باید با تأمل، گام‌های عملی و حساب شده‌ای را جهت ایستادگی در برابر جنبه‌های منفی این تهاجم جهانی بزرگ برداشت.

اقدام به تهیه یک راهبرد علمی، روشن و فراگیر که همگی در تهیه آن مشارکت داشته باشند و آن را به اجرا در آورند و نیز بیان نظریاتی که زمینه را برای این نگرش تخریبی فراهم آورده است، بسیار مفید و راه‌گشا خواهد بود.

در مورد راهبرد مورد نظر، به چند گام مهم در این زمینه، اشاره می‌شود:

الف - در سطح جهانی

- ۱- باید جنبه‌های ایدئولوژی سلطه آمریکا و هدف اصلی از مقوله‌های این بخش را (هم‌چون دهکده کوچک جهانی و آزادی بازار و آزادی دخالت در امور دیگران و گشایش مرزها و نظایر آن) روشن و رسوا نماییم؛
- ۲- باید برای جلوگیری از تسلط بازار بر جنبه سیاسی در کلیه مظاهر آن و حذف آن برنامه ریزی جدی نماییم؛
- ۳- لزوم تلاش در جهت تعمیق ارزش فطری انسان با ارایه تئوری فطرت اسلامی؛
- ۴- لزوم تأکید بر هویت‌های منطقه‌ای و هویت ملت‌های جهان و آگاهی دادن به آن‌ها جهت حفظ هویت‌ها و فرهنگ‌های خود؛
- ۶- لزوم بالا بردن توان علمی و توسعه‌ای ملت‌ها؛
- ۷- لزوم تلاش برای اعطای آزادی‌ها و حقوق اصلی ملت‌ها؛
- ۸- لزوم تقویت نهادهای بین‌المللی و تعمیق استقلال عمل آن‌ها؛
- ۹- لزوم تعمیق منابع فرهنگی متنوع.

ب - در سطح کشورهای اسلامی

- ۱- تعمیق تلاش در جهت تقویت نهادهای جهان‌شمولی اسلامی و فعال نمودن آن در بخش‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
- ۲- لزوم ایجاد تحول در مطالعات منطقه‌ای و جهانی و توجه به تاریخ؛
- ۳- لزوم تقویت کلیه عوامل پایداری و همکاری و وحدت هم‌چون مسئله آموزش و فراگیری زبان عربی و تعمیق آن و لزوم احیای معنویت‌ها که وجه تمایز ما و دشمنان ما است؛ خداوند در سوره نساء، آیه ۱۰۴ می‌فرماید:
«وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانِ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا؛ سستی نکنید، اگر شما در رنج باشید آن‌ها نیز مانند شما در رنج هستند و حال آن‌که شما به خدا امید دارید، آن‌چه را که آن‌ها به آن امید ندارند و خدا بسیار دانا و حکیم است.»
- ۴- لزوم بازگرداندن حالت طبیعی رهبری اسلامی و روش تعامل آن با امت در چارچوب نرمش و محبت؛
- ۵- لزوم تعمیق ارزش‌ها درباره زندگی و مرگ و تمدن و نوع ارتباط با خداوند و ایمان به قدرت او و توکل بر او و عدم تعرض به یک‌دیگر.

میان‌روی اسلامی بیان دقیقی از توازن حکیمانه اسلامی است، از این رو ابتدا باید کشف شود و سپس در دل‌ها تعمیق گردد.

۶- لزوم گسترش روحیه مشورت در همه معانی آن در جامعه؛

۷- لزوم اجرای دقیق مواد اعلامیه حقوق بشر اسلامی؛

۸- اقدام لازم جهت تبدیل تهدیدهای گوناگون به فرصت‌ها؛ در آیه ۱۷۲ سوره آل‌عمران آمده است: «الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آن‌ها گفتند لشکر بسیاری علیه شما فراهم شده پس از آنان بر حذر باشید بر ایمانشان افزوده شد و گفتند خدا ما را کفایت می‌کند و نیکو مددی است.»

۱۰- توجه به اصالت، نوگرایی و اجتهاد جمعی در تحقیقات مذهبی و ترویج روحیه مقاومت در

برابر این حمله جهانی بزرگ؛

۱۱- حمایت از مسئله بیداری اسلامی؛

و سرانجام نباید فراموش کرد که یک جهانی‌سازی بزرگ دیگر هم اکنون در حال گسترش است و آن عبارت است از گرایش به توسعه معنویات و روح دین‌داری نزد ملت‌های جهان و تفاهم میان رهبران مذهبی و به ویژه در جهان اسلام که فهم همه جانبه اسلام مورد توجه آنان قرار گرفته است؛ فهمی که این امت را در جایگاه تمدنی مطلوب خود قرار می‌دهد.

ما بر این عقیده‌ایم که مظاهر این گرایش جهانی به معنویات روز به روز ریشه‌دارتر می‌گردد. موارد زیر تأییدکننده این ادعا است:

الف - حرکت توده‌های مردم در جهان اسلام به سوی دین‌داری و درخواست از علمای دینی برای دخالت مستقیم در زندگی عمومی مردم و ابراز نظر در مسایل آن‌ها؛

ب- تحکیم نقش کلیسا در مسایل سیاسی و اجتماعی در جهان مسیحی و به ویژه در کشورهای که پس از فروپاشی شوروی تشکیل یافته‌اند و آزادی نیروهای مذهبی بودایی در اتخاذ تصمیمات اجتماعی در جنوب آسیا؛

ج- افزایش اقبال مردم به نظریات و کتاب‌های دینی؛

هـ- توجه اخیر سازمان ملل متحد به رهبران مذهبی، همان‌گونه که در کنفرانس‌های نیویورک و بانکوک شاهد آن بوده‌ایم؛

و- گسترش گفت‌وگو میان ادیان و مذاهب گوناگون.

منابع و ماخذ:

١. قرآن كريم.
٢. جيمس روزناو، ديناميكية المعرفة.
٣. دكتور عبدالعزيز حمودة-الثقافة- اختيار الثقافة القومية، الاهرام ٢٠٠٢.
٤. كنفرانس جمعيت و توسعه قاهره و پیامدهای آن، نوشته مؤلف.
٥. سيره ابن هشام، ج ٣، دار احياء التراث.
٦. مجدالدين خمشی، العربي، شماره ٥١٢.
٧. مجله المنهاج، شماره ٢٢، سال ششم.
٨. مجلة النهج، شماره ٥٠، بهار سال ١٩٨٨
٩. مجلة الواحة، شماره ١٦.



استراتژی تقریب

دکتر محمد رضا رضوان طلب*

چکیده

تا کنون مقالات فراوانی در مورد تقریب مذاهب اسلامی به عنوان یک ضرورت، تدوین و منتشر گردیده و کنفرانس‌ها و نشست‌های متعددی در این باره برگزار شده است که بیش‌تر جنبه تأکیدی داشته‌اند. به نظر می‌رسد وقت آن فرا رسیده که از تمرکز بر این بداهت، دست برداشته و به تبیین و طی گام‌های عملی در مسیر تقریب پردازیم. این مقاله ضمن ارایه تعریف‌های دقیق از معانی استراتژی و تقریب به عنوان دو مفهوم اساسی این بحث، و بررسی اهداف آن، به ارایه دست‌کم بیست راه کار عملی تقریب مذاهب اسلامی می‌پردازد و در پایان، تقریب و همبستگی مذاهب را چشم اندازی محتوم برای جهان اسلام می‌داند و مخالفان و معاندان را از نبرد با آفتاب برحذر می‌دارد.

کلید واژه‌ها: استراتژی، تقریب، مذاهب اسلامی، اهداف، اختلاف، وحدت، فتنه، تشیع، تسنن، تشنج زدایی، تهمت، برائت، جهان اسلام، تفرقه.

شاید با مفهومی که ما از «استراتژی» در ذهن داریم، بحث از تعیین استراتژی را در سن کهن‌سالی شجره تقریب^۱، دیرهنگام ارزیابی کنیم، اما با بررسی معنا و مفهوم استراتژی به این نتیجه خواهیم رسید که این بحث، به صورت دوره‌ای و بلکه سالانه و به اقتضای متغیرهای گوناگون قابل طرح بوده و کاملاً کاربردی و غیرتکراری است. بنابراین، ابتدا معنای استراتژی را بررسی نموده و سپس به بحث در مورد معنی تقریب و اهداف و طرح‌های کاربردی آن می‌پردازیم.

* عضو هیأت علمی دانشگاه تهران.

۱- دارالتقریب اسلامی در مصر به سال ۱۳۲۵ هجری شمسی (۱۹۴۶ میلادی) به دست مرحوم علامه محمدتقی قمی رحمته‌الله و با همراهی و همکاری جمعی از اساتید و رییس وقت الازهر، شیخ مصطفی عبدالرزاق، بنا نهاده شد.

معنی استراتژی

از بررسی فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌های مختلف، این نتیجه به دست می‌آید که واژه استراتژی (Strategie) (فرانسوی) Strategy (انگلیسی)، اصطلاحی است که در حوزه نظامی تولد یافته و بازگرفته از کلمه لاتینی Stratos به معنی ارتش و کلمه agein به معنی فرماندهی کردن است. اما فرهنگ‌نویسان برای آن معانی و تفاسیر گوناگونی ارائه کرده و مدیران در عموم حوزه‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی آن را به کار گرفته‌اند. کوتاه‌ترین تعریف از آن عبارت است از: «روش یا سیاست کلی برای دستیابی به هدف‌های معین». (آقابخشی و افشاری، ص ۵۶۸). بنابراین پیش‌نیاز تعیین استراتژی، هدف‌گذاری است و در کنار آن، ریز برنامه، نقشه عملیات، توصیف کار عملی و تعیین لیست امکانات مورد نیاز ضرورت دارد. استراتژیست معروف فرانسوی «ژنرال آندره بوفه» (Andre beaufre) در کتاب مقدمه‌ای بر استراتژی (introduction la strategie) می‌گوید:

«استراتژی، فنی است که پیش از اندیشیدن به وسایل و ابزارها، امکان چیره‌گی بر دشواری‌های هر کارزاری را فراهم می‌کند».

در قالب مثال می‌توان چنین ترسیم کرد که در برنامه حرکت به سمت یک نقطه جغرافیایی مشخص، تعیین نقطه مقصد، وسیله، جاده و ملزومات سفر همه خارج از استراتژی و پیش‌نیاز آن است و استراتژی آن است که پیش‌بینی کنیم با چه ریتم و سرعتی حرکت کنیم که در پستی و بلندی‌ها به مانعی برخورد نکنیم، با شب و عوامل تهدیدکننده روبه‌رو نشویم، انحراف از جاده پیش نیاید و امثال آن.

بنابراین، استراتژی را می‌توان به معنی تدابیری دانست که یک پروژه را از رویارویی با خطرات و تهدیدها یا انفعال در برابر موانع مصون می‌دارد. دانشمندان علوم سیاسی معتقدند رؤسای جمهور و سیاست‌مداران نباید پرکارترین مردم کشور باشند. اگر زیاد کار کنند، نشانه ضعف یا فقدان استراتژی است. اصولاً آن‌ها کاری برای انجام دادن ندارند. کار آن‌ها محدود به تعیین و کنترل رعایت استراتژی است و اگر کشوری خوب اداره شود استراتژی‌های آن خوب انتخاب شده است.

نکته دیگری که در فهم استراتژی تقریب دخالت دارد، آن است که این مفهوم از مفاهیم اضافی است که با شناخت مضاف‌الیه قابل درک و تشخیص است. بدیهی است استراتژی نظامی، استراتژی پیشرفت، استراتژی خنثی‌کننده، استراتژی رویارویی و استراتژی بازدارنده، هرکدام تعریف خاص خود را دارند. بنابراین در کنار آشنایی با معنی استراتژی باید معنی تقریب و اهداف آن نیز دانسته شود و ما در این مقال اشاره‌ای گذرا به هریک از این موارد خواهیم داشت.

تقریب چیست؟

معمار بزرگ بنای تقریب در قرون اخیر مرحوم علامه محمد تقی قمی رحمته الله علیه می‌گوید: «هدف ما اندماج مذاهب فقهی در یک‌دیگر نیست، زیرا اختلاف امری است طبیعی و در این‌گونه اختلافات، زیانی نبوده بلکه موجب توسعه فکری و فراهم آمدن تسهیلات و گشایش رحمت الهی خواهد بود».
(علامه قمی، ص ۶۶).

بدون شک تقریب مذاهب به معنی توحید و یکی کردن مذاهب و جای‌گزین نمودن مذهبی به جای مذهب دیگر نیست، بلکه در لغت، تقریب از باب تفعیل به معنی نزدیک کردن دو چیزی است که از هم دور افتاده‌اند. بنابراین ابتدا مفهوم تبعید تصور می‌شود و سپس تقریب شکل می‌گیرد و واژه تقریب اشارتی به پیشینه تنافر و تباعد دارد که ضرورتاً ناشی از اختلاف فکری و تفاوت رأی و نظر نیست، بلکه خاستگاه آن دوگانگی در باورهای اساسی و ریشه‌ای و متکی بر کینه قلبی و احساس عداوت و دشمنی از طرف مقابل است.

دو نفر که نوار یک سخنرانی را گوش داده و از دسترسی به سخنران برای رفع اشکالات و تصحیح فهم خود دور مانده‌اند، اگر هر دو نسبت به میزان عمق بحث و غنای علمی سخنران اتفاق نظر داشته باشند و نسبت به یک‌دیگر نیز بدبینی نداشته باشند و هر دو بکوشند مراد سخنران را خوب درک و از نظرات او تبعیت نمایند، اما از گفته‌های او برداشت متفاوت در برخی از جزئیات پیدا کنند، این اختلاف نظر هیچ‌گونه عداوت و دشمنی را پیش نمی‌کشد، بلکه در کمال صمیمیت، هرکدام در کنار دیگری عقیده و نظریه خود را دارند و این تفاوت امری طبیعی است و لازم نیست کوششی برای وحدت نظر این دو نسبت به مسئله یاد شده صورت گیرد. آن‌چه مفید بلکه ضروری است، آن است که این اختلاف رأی و نظر با دسیسه دشمنان به یک عداوت و کینه تبدیل نگردد و نیز ناشی از یک تفاوت در بنیادهای فکری و اعتقادی جلوه داده نشود و هم‌دوشی و هم‌آوایی دو نفر در حمایت از محیط مفاهمی موجود و احترام به آن، جای خود را به رویارویی و درگیری آن دو و چنگ‌اندازی به چهره گوینده ندهد و در این میان اصل پیام دچار تحریف و تغییر نگردد.

پس از بروز چالش و تنش بین این دو که در مسیر حق پژوهی گام نهاده‌اند، اقداماتی از قبیل موارد زیر به عنوان کارهای تقریبی آغاز می‌گردد:

۱- تبیین باورها و برداشت‌های مشترک بین این دو و تطبیق و مقایسه آن با موارد اختلاف از

حیث اهمیت؛

۲- توجه به پیامدهای تنش و درگیری در راستای حفظ اصل پیام؛
 ۳- جست‌وجوی توجیه قابل قبول برای نظریه طرف مقابل از سوی هر یک از طرفین؛
 ۴- معرفی چهره و اهداف پشت پرده کسانی که برای تبدیل این اختلاف به یک نزاع و هیجان کوشش می‌کنند؛

۵- برشمردن ثمرات سکوت و خویش‌ن‌داری در راستای تحقق منویات پیام‌دهنده.
 موارد یادشده و ده‌ها اقدام دیگر که در بخش گام‌های عملی تقریب به آن اشاره خواهد شد، عملیات تقریبی است که فاصله را بین دو طرف کاهش داده و موضوع بدبینی و خصومت را از بین می‌برد. اما تدابیری که از پیش، وقوع چنین تنش‌ی را مهار کند، یا در صورت بروز آن و لزوم انجام اقدامات تقریبی، ملاحظاتی اصولی را برای روبه‌رو نشدن این اقدامات با مانع و سوء برداشت، تدوین نموده و صورت‌های مختلف آن را حدس بزند و موانع را شناسایی و از پیش برطرف نماید، از استراتژی‌های تقریب است.

دکتر محمدالدسوقی استاد دانشگاه قطر می‌گوید: «نزدیک کردن مذاهب اسلامی، یعنی تلاش برای شکستن تعصبات و فراخواندن امت اسلامی بر محور ایده مشترک و کلمه واحد براساس اصول عقاید و مولفه‌های بنیادین دینی». (علی دروب التقریب، ص ۵۴)

همکار وی آقای دکتر احمد عبدالرحیم السائح نیز می‌گوید: «تقریب بین مذاهب اسلامی، یعنی اتحاد ملت مسلمان براساس اصول اسلامی که مسلمان بدون قبول آن مسلمان نیست و در مورد غیر این اصول بنیادین، باید دیدگاه ما نه چیره‌جویانه بلکه حق‌پژوهانه و معرفت‌مدارانه باشد». (پیشین، ص ۶۳-۶۵).

وی سپس به نقاط مشترک تمامی مسلمانان، یعنی خدای واحد، پیامبر واحد، قبله واحد، قانون و کتاب دستور واحد و پنج اصل معروف بین آنان و اعتقاد همه فرقه‌های مسلمانان به روز رستاخیز اشاره کرده و می‌افزاید:

«پای‌بندی به این مشترکات ما را امتی یک‌پارچه قرار می‌دهد که از هدف واحد، شیوه‌ای همگون و رهبری و راهبرد عقایدی متحد برخورداریم. زیرا همه اعتقاد داریم که هدف ما در زندگی بر اساس آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (الذاریات/۵۶)، اطاعت کامل و بندگی خداست و روش ما با الهام از آیه شریفه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳) و بر اساس دستور خداوند سبحان، همبستگی و یگانگی است و رهبری ما به فرمان خداوند به پیامبر خاتم حضرت

محمد ﷺ سپرده شده است و در اصول عقاید نیز هم کیش و هم عنانیم. بنابراین، تنها چیزی که به آن نیاز داریم، آن است که هر کدام دیگری را به خطا و بدعت‌گذاری متهم نسازیم.»

مرحوم آیت‌الله محمدحسین آل کاشف‌الغطاء نیز در مورد تقریب مذاهب اسلامی چنین می‌فرماید: «وحدت مقوله‌ای رفتاری و منشی و به معنی سجایا و صفات، رفتارها و منش‌ها، پای‌بندی‌های پایدار و اخلاق برجسته است. اتحاد آن است که مسلمانان از ثروت‌ها و دست‌مایه‌های خود به طور مشترک و بر اساس موازین قسط و عدل بهره‌گیرند. وحدت به معنی هضم فرقه‌ای در فرقه‌ای و سکوت فرقه مغلوبه نیست و از عدالت به دور است که ما فرقه‌ای را که در انزوا و مورد اتهام قرار گرفته و از خود دفاع می‌کند، به دلیل دفاع از حق خود به تفرقه‌افکنی و کینه‌توزی متهم کنیم، بلکه باید سخن او را بررسی نماییم، اگر حق با اوست او را یاری دهیم والا با استدلال او را قانع سازیم.» (حول الوحدة الاسلامیه، ص ۳۶).

از توضیحاتی که درباره معنی دو واژه استراتژی و تقریب به طور جداگانه ارایه شد و اشاراتی که به عملیات تقریبی و مصادیق آن گردید، نتیجه گرفته می‌شود که استراتژی تقریب، به معنی تعیین سیاست‌های راهبردی برای مصونیت سامانه تقریب از برخورد با موانع و آسیب‌ها و رسیدن به سر منزل مقصود است و این راهبرد نیازمند برنامه‌های عملی و کاربردی برای پوشاندن حفره‌ها و خلأهای موجود و مهار تنش‌های پدید آمده در روابط مشترک و دستیابی به آرمان‌های مذاهب اسلامی است. این توضیحات روشن ساخت که مجهولاتی که ما باید به تبیین آن بپردازیم، عبارت‌اند از:

- ۱- هدف تقریب؛
- ۲- راهبردها و استراتژی تقریب؛
- ۳- برنامه‌های عملی تقریب.

اهداف تقریب مذاهب اسلامی

۱- پیش‌گیری از فروپاشی درونی آیین اسلام

از نخستین روزی که پیامبر عظیم‌الشان اسلام به عنوان ختم رسولان برای ابلاغ پیام بیداری مأمور گردید، دشمنی‌ها و کینه‌ها علیه آیین جدید به گونه‌های مختلف خودنمایی کرد. ملحدان و مشرکان کینه‌توز، هیچ‌گاه پنهان نمی‌کردند که از نسخ آیین گذشته و به سخریه گرفته شدن تمامی

بافته‌های خرافی خود عصبانی و نگران‌اند و الا منازعه‌ای با شخص مدعی رسالت یا پیروان او ندارند و از هر گفتمان و وفاقی که بر اساس حذف آیین نو و نادیده گرفتن جریان فکری جدید انجام شود، حتی اگر در آن واگذاری قطب‌های قدرت و ثروت به مدعی جدید پیش‌بینی شود، استقبال می‌کنند. در آن روزگار گونه‌های مختلف براندازی آیین اسلام عزیز و سرفراز، از جمله تطمیع، تهدید، شکنجه، بایکوت، محاصره اقتصادی، جنگ روانی و ده‌ها تهدید و یورش نظامی تجربه گردید، اما «یُرِيدُونَ لِيطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُّورِهِ...».

برای هر دشمنی، عملیات روانی یا جنگ داخلی بی‌خطرترین و سریع‌ترین راه دست‌یابی به هدف است، اما معمار هوشیار و آگاه نظام اسلامی، یعنی پیامبر گرامی اسلام ﷺ، با ایجاد برادری بین مسلمانان در نخستین روزهای رهایی از چنگال ستمگران قریش، روزه‌های امید دشمنان را برای ایجاد شکاف بین صفوف مسلمین و راه‌اندازی دعوی مهاجر و انصار، سپاه و سفید، عبد و آزاد مسدود نمود.

اما سیاست ایجاد تفرقه به بهانه‌های گوناگون و القای شبهه‌های ذهنی برای مسلمانان در عرصه‌های مختلف همواره در دستور کار دشمنان بود. به گونه‌ای که حتی تمام رفت و آمدهای خانوادگی پیامبر اکرم ﷺ و رابطه‌های آن حضرت با افراد، واگذاری مأموریت‌ها، تقسیم غنائم، تصمیمات مربوط به صلح و جنگ و هر تصمیم دیگری، زیر ذره‌بین شیطنت‌آمیز دشمنان پردازش و به نکته ابهام برای تهییج اختلافات داخلی تبدیل می‌شد و مردمی که صحنه وابستگی شدید عاطفی و ایمانی آنان به پیامبر در فتح مکه، نخستین دشمن آن حضرت یعنی ابوسفیان را شگفت‌زده کرده بود، گاهی از استحکام نظرات آن بزرگوار و اتصال آن به وحی یا به تصمیم شخصی وی که «ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى» سؤال می‌کردند. ولی به هر حال کشتی طوفان‌زده حکومت نوپای اسلامی با درایت پیامبر اکرم ﷺ در برابر هر خطری به خوبی کنترل می‌شد و حتی از یورش‌های نظامی که تا واپسین روز حیات پیامبر اکرم ﷺ آن حضرت را مجبور به تجهیز سپاه و اعزام سربیه کرد، جان سالم به در برد تا آن که کشتیبان، به حکم سنت لا یتغیر الہی به سوی خالق خلایق پرکشید.

اما آیا معقول است که ببنداریم با رحلت منادی توحید، همه تلاش‌ها و تهدیدها پایان یافت و تمامی دشمنان از سعایت و دشمنی پشیمان شدند و دیگر به جای هدف قراردادن اسلام، قرآن و مأذنه‌هایی که برفراز آن، نام مبارک پیامبر اسلام برده می‌شد، اینک به فکر مفاهمه مثبت و سازنده با

مسلمانان و یاری دادن آنان افتاده‌اند یا باید باور کنیم که آن روز روز روشنایی سوسویه‌های خاموش و خفته امید به نفاق‌افکنی و تفرقه برای فروپاشی نظام نوپای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دل تاریک آنان بود. تنها کسی که توطئه شکننده دشمنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را علیه تمامیت اسلام تشخیص داد و با سترگی و صلابت و ثبات اندیشه به نبرد با آن پرداخت، امام تقریبیان حضرت علی رضی الله عنه بود. به طوری که در یک دست‌نوشته ماندگار و حکیمانه از او چنین آمده است: «دیدم گروهی از مردمان از دین برگشته و دیگران را به نابود ساختن دین خدا و شریعت پیامبر صلی الله علیه و آله و آیین حضرت ابراهیم رضی الله عنه فرا می‌خوانند، پس ترسیدم که اگر اسلام را یاری ندهم، رخنه و خرابی در بنیان آن به وجود آید که مصیبتی بزرگ را بر من تحمیل نماید، پس آن‌گاه به نزد ابابکر رفتم و با او بیعت کردم و مصمم در برابر حوادثی که کیان اسلام را تهدید می‌کرد، ایستادگی کردم تا آن که باطل رخت بریست و از میان رفت و نام مبارک الله، به رغم خواسته کافران عظمت یافت. در حالی که ابابکر مسئولیت حل و فصل امور را برعهده داشت. پس او را خیرخواهانه همراهی کردم و در آنچه رضایت خدا در آن بود با تمام توان از او اطاعت کردم». (ثقفی، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۳۰۲؛ علامه مجلسی، ج ۳۳، ص ۵۶۸ و ابن ابی‌الحدید، ج ۶، ص ۹۵).

علامه دکتر عبدالمتعال صعیدی استاد دانشگاه الأزهر می‌گوید: «علی ابن ابی طالب رضی الله عنه اولین بنیان‌گذار تقریب بین مذاهب است، با این که می‌دانست از دیگران به خلافت سزاوارتر است ولی با ابوبکر و عمر و عثمان به مدارا رفتار کرد و از هیچ‌گونه کمک نسبت به آنان دریغ نفرمود». (مجله رساله الاسلام، سال سوم، شماره چهارم).

شرایط فتنه‌ای که امام علی رضی الله عنه در آن احساس خطر و نگرانی فرمود در بیان دیگری از آن بزرگوار چنین ترسیم شده است: «ابوسفیان [که پیش از این، مردی را برای شناسایی اوضاع مسلمانان مأمور کرده] به محض دریافت خبر رحلت خاتم‌المرسلین و اطلاع از بیعت مردم با ابوبکر در جمع مسلمانان حضور یافت و چنین گفت: به خدا سوگند من شعله‌ای را می‌بینم که جز خون آن را خاموش نمی‌کند. کجاست عبدمناف؟ ابوبکر را چه به ولایت امور مسلمانان! پس علی و عباس کجایند و چرا حکومت به غیر فرزندان عبدمناف داده شد؟» (طبری، ۱۳۵۷، ج ۱، ص ۱۳۳۱).

پس از این مکر و اشک تمساح‌گونه، ابوسفیان که لحظه‌ای به خدا و رسول، ایمان نیاورده بود چنین گفت: «ای علی! دست بگشا تا با تو بیعت کنم، به خدا سوگند اگر بخواهی سپاهی پیاده و سواره علیه ابابکر گرد آورم». اما علی رضی الله عنه [خباثت نیت او را شناخت و] از گشودن دست امتناع کرد و به او

چنین فرمود: «به خدا سوگند تو جز فتنه‌انگیزی هدفی را دنبال نمی‌کنی. همانا تو دیر زمانی است که بدخواه اسلام بوده‌ای و ما نیازی به نصیحت تو نداریم». سپس ابوسفیان نامید گشت، مأیوس از جای برخاست، در حالی که با خود شعری را می‌خواند که مضمون آن این بود: تیری رها شد آن گونه که می‌خواستیم به هدف نشست و وارونه خورد و کسی برای آن گریه نکرد. (پیشین).

خطر امروز اسلام برای منافع جهان‌خواران نسبت به عصر رسالت با توجه به برخورداری کشورهای اسلامی از منابع قدرت، ثروت، جمعیت و تکنولوژی، افزایش یافته و به موازات آن دشمنی و حساسیت آنان نسبت به آرمان‌های ظلم‌ستیز اسلامی نیز رو به تزاید است و تنها راه موفقیت آنان به کار گرفتن مکانیزم‌ها و تاکتیک‌هایی است که بدون درگیری، موجب فروپاشی درونی اسلام گردد. تقریب، با هدف پیشگیری از به انجام رسیدن این توطئه بزرگ دشمنان اسلام، برنامه‌هایی را طرح و ارائه می‌نماید.

۲- صیانت از عظمت مسلمین

با آن که هم اکنون حدود یک چهارم از جمعیت ۶ میلیارد نفری جهان را مسلمانان تشکیل می‌دهند، اما این جمعیت حدود ۱/۵ میلیاردی نتوانسته است در طول پنجاه سال گذشته در برابر یک جمعیت ۳ میلیون نفره، از پاره‌تن خود یعنی فلسطین مظلوم، دفاع کند. آیا این امر جز به این دلیل است که مسلمانان با طرح اختلافات واهی و تشعب و تجزی، عظمت و عزت خود را مخدوش ساخته و خود را ناتوان نموده‌اند؟ قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ آیا تا کنون هیچ اجتماعی از عقول مسلمانان تشکیل شده تا دستاورد

این همه طعن و نفرین و ردیه و منبر نهادن علیه یک‌دیگر را بررسی نمایند؟

آیا بدیهی تر از این قضیه، گزاره‌ای را می‌توان یافت که جدایی اجزای یک مجموعه به دشمن، فرصت، شوکت و قدرت می‌بخشد تا عظمت امت اسلام را نابود و بی‌خاصیت نماید؟! چرا زنگ‌های خطر در این مجتمع تمدن‌ساز، یعنی دهکده جهانی اسلام، دیر به صدا در می‌آید و خطری که بارها بر چهره آنان پنجه انداخته، آنان را بیدار نمی‌کند؟ امروزه شناسایی نقطه آسیب‌پذیری مسلمانان یک ضرورت و هوشیاری است. یهود می‌کوشد تمام وابستگان خود را از سراسر دنیا جمع و حتی مسیحیت صهیونیستی را ضمیمه خود نماید و دشمنی‌های ریشه‌دار خود با مسیحیان را فراموش کند تا مبارزه خود را با دشمن اصلی، یعنی اسلام، سازمان بخشد.

سیصد کلاهک هسته‌ای در زرادخانه اتمی اسرائیل با چه هدفی ذخیره می‌شود؟ شارون در آوریل ۲۰۰۴ و پس از مدت‌ها پنهان‌کاری در مورد فعالیت‌های اتمی گفت: «آمریکا، نیاز اسرائیل به داشتن نیروی بازدارنده برای مقابله با تهدیدهای ایران و دیگر کشورهای مخالف که موجودیت اسرائیل را تهدید می‌نمایند، درک و از آن حمایت می‌کند» (سایت اطلاع‌رسانی فلسطین).

آیا سزاوار است مسلمانان نیز هم‌نوا با دشمن خود، شوکت و عظمت جامعه اسلامی را نقض و اعضای به هم پیوسته این پیکره زخم‌دیده را از یک‌دیگر جدا سازند؟ سیادت و عظمت خیره‌کننده، فقط در پرتو به فراموشی سپردن منیت‌ها پدید می‌آید. استاد بزرگ تفریب و رییس دانشگاه الازهر، علامه شیخ محمود شلتوت، می‌گوید:

«تقسیم مذاهب به شیعه و سنی، تنها، اصطلاحی در نام‌گذاری است، و الاً تمام مسلمانان اهل سنت‌اند؛ زیرا همگی عمل به سنت و دستورات پیامبر ﷺ را واجب می‌دانند» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۲).

علامه شیخ سعید شعبان، رهبر اهل سنت شمال لبنان نیز می‌گوید:

«من گمان نمی‌کنم هیچ‌گاه مردمی هم‌چون امت مسلمان ما مبتلا به محنت شده باشند. علی‌رغم آن‌که حق، همواره ثابت، پایدار و پدیدار است، اما آمریکا همواره با ملت مسلمان بازی کرده است، چرا که دشمنان توانسته‌اند از روزنه‌های اختلاف به داخل صفوف امت ما نفوذ کنند... از خاطر نمی‌برم که در کوچک‌سالی در بیروت می‌دیدم که شیعه و سنی در یک مسجد بدون تعرض به یک‌دیگر نماز می‌خواندند... آری! ما این‌گونه اسلام را دین واحد یافتیم. آیا می‌خواهید شیخ ضلالت را بشناسید؟ آن‌کس که نقاط اختلاف مسلمانان را برمی‌شمرد، شیخ ضلالت و آن‌کس که نحوه اتحاد با آنان را می‌آموزد، شیخ هدایت خوانده می‌شود. در کتاب جاء دورالمجوس در جلد دوم آمده است که شیخ سعید شعبان شیعه شده و خواهر و دخترش را به ازدواج شیعه در آورده است. این مطلب را مؤلف کتاب بیان نموده است، ولی من هم اکنون به شما می‌گویم من سنی نبوده‌ام تا شیعه شوم من از روز نخست مسلمان بوده‌ام و دانسته‌ام که اسلام دین خداست. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» «و من یتبع غیرالاسلام دینا فلن یقبل منه...». (ملحمة الوحدة، ص ۱۷).

به هر حال، تقریب از عظمت و یک‌پارچگی مسلمانان صیانت می‌کند و فکر تعرض به اسلام را از سر دشمنان بیرون می‌سازد. جامعه‌ای که مردم آن هیچ نشانی جز نشان اسلام ندارند، رخنه‌ها را می‌پوشانند تا دشمن از آن به صفوف متحد ایشان نفوذ نکند، نه آن‌که با ایجاد حساسیت در مورد مسایل جزئی، شکاف‌ها را به گذرگاه امن برای تهاجم دشمن تبدیل نمایند.

۳- قطع طمع دشمنان اسلام

اگر صفحات تاریخ پرحادثه دفتر اسلام را ورق بزنیم، هر کجای آن، رد پای درنده‌ای گرگ‌صفت را می‌بینیم که با دندان‌های تیز خود به خیل پیروان آیین محمدی هجوم آورده است. مرحوم علامه شیخ محمدحسین آل کاشف‌الغطاء می‌گوید: «امروز هر کر و لالی از مسلمانان می‌فهمد که در هر نقطه از کشور پهناور اسلامی، نهنگی از نهنگان غربی و یک افعی از افعی‌های استعمار، دهان گشوده تا این قطعه و سرزمین را ببلعد. آیا این خطر کافی نیست تا مسلمانان را مجتمع نماید و شعله‌های غیرت و حماسه را در عزم و اراده آنان بیفروزد؟ آیا این دردها و درد این گرفتاری‌ها آنان را به وحدت و فراموش کردن کینه‌ها و انمی‌داری، در حالی که گفته شده «به هنگام گرفتاری، کینه از یاد می‌رود».

(حول الوحدة الاسلامیه، ص ۳۷).

سرزمین مسلمانان سرشار از انواع ثروت‌ها و همواره مورد طمع جهان‌خواران بوده است. حدود ۷۰ درصد منابع انرژی و زیرزمینی دنیا در خاورمیانه است. قسمت‌های مهمی از آفریقا با همه ثروت و معادن و ذخایرش از آن مسلمین است و در اروپا و آمریکا مسلمانان دارای عده‌ای چشم‌گیرند. تنها چیزی که می‌تواند چشم طمع دزدان مسلحی که کشورهای اسلامی را احاطه کرده‌اند و بنام امنیت، ناامنی را برای پیروان پیامبر گرامی اسلام ﷺ، به ارمغان آورده‌اند، کور کند همبستگی ملت‌های اسلامی است. وحدت ملت‌های اسلامی مهم‌ترین راه‌کاری است که می‌تواند توطئه‌ها را علیه مسلمانان در نطفه خنثی سازد.

آری! بسیار شگفت‌آور است که مسلمانان در صدر اسلام با دست خالی توانستند بر قوای دو امپراطور بزرگ ایران و روم غلبه نمایند، ولی امروز با داشتن این همه امکانات، هر روزی قطعه‌ای از پیکر کشورهای اسلامی با یورش دژخیمی از تن جدا می‌شود. دلایل طمع‌کاری دشمنان نسبت به کشورهای اسلامی در چهار چیز خلاصه می‌شود:

الف- عقیده ناب مسلمانان به مبانی ظلم‌ستیزی و ضد استعماری؛

ب- موقعیت مهم و حساس کشورهای اسلامی از حیث دسترسی به شرق و غرب و حاصل‌خیزی و داشتن ذخایر زیرزمینی؛

ج- سرمایه نیروی انسانی شمار قابل توجهی از جمعیت جهان؛

د- پیش‌کسوتی دانشمندان و پژوهش‌گران مسلمان در علوم و فن‌آوری‌های مختلف و نشانه‌های تمدنی.

۴- خرسندی خاطر پیام آور وحدت

شکی نیست که تمامی مسلمانان به پیامبر گرامی اسلام، عشق می‌ورزند و او را از فرزندان و نوامیس خود بیش‌تر دوست دارند. او پدر امت و نبی رحمت و سراپا رأفت و مهربانی بود. اگر در یک خانواده، فرزندان و اخلاف بزرگ خانواده با هم اختلاف و نزاع کنند، بی‌گمان ملالت و غبار غم را بر قلب بزرگ‌خاندان نشاند و روح او را آزرده‌اند. آیا وقت آن نرسیده که مسلمانان با فشردن دست یک‌دیگر، خاطر پیامبری را که «حریص علیکم» (توبه ۱۲۸) بود و آن قدر برای تعالی جامعه اسلامی کوشید که خداوند فرمود: «طه * مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى» (طه/۲۱) شادمان سازند. به طور قطع پیامبر از شقاق و خلاف، شادمان نمی‌شود.

خداوند در قرآن درباره وحدت مسلمانان می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳)؛ «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال/۴۶)؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (آل عمران/۱۰۵). پیامبر ﷺ نیز در این باره می‌فرمود: «ما اختلف أمة بعد نبيها الا ظهر اهل باطلها على اهل حقيها» (هندی، حدیث شماره ۹۲۹). هم‌چنین می‌فرمود: «لا تختلفوا فان من كان قبلكم اختلفوا فهلكوا» (پیشین، حدیث شماره ۸۹۴). و امام علی عليه السلام می‌فرمود:

«و الله لأظنُّ أنَّ هؤلاء القوم سيدلون منكم باجتماعهم على باطلهم و تفرقكم عن حقيكم». (نهج البلاغه، خطبه ۲۵).

آری! امروزه ضروری است که امت اسلامی با نادیده گرفتن اختلافات موجود و حفظ وحدت، زحمات و محنت‌های طولانی‌مدت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در دستیابی به این هدف بزرگ را ارج نهند. دکتر محمد الدسوقی استاد دانشگاه قطر می‌گوید:

«وحدت اسلامی به حکم فقهی شرعاً واجب است و تنها یک عمل ترغیبی نیست که داوطلبانه بدان دعوت شوند بلکه این کار یک عمل واجبی است که هر مسلمان معتقد به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر خاتم باید بدان پایبند باشد و این واجب، گریبان‌گیر احاد مسلمانان است که روز قیامت درباره آن، مورد سؤال قرار می‌گیرند و به همین دلیل هرچه از لوازم وحدت باشد، آن نیز واجب است. زیرا هر چه واجب به آن بستگی داشته باشد، از ضروریات است و مسئولیت تقریب به عهده دانشمندان است زیرا عامه مردم تابع آنان‌اند». (علی دروب التقریب، ص ۵۹).

۵- تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی

شهید دکتر عبدالعزیز رنتیسی در مقاله‌ای، پس از شمردن دردها و مشکلات جهان اسلام می‌گوید:

«برای احیای اسلام باید ایالات متحده اسلامی تشکیل دهیم». وی می‌گوید: «دخالتهای بیگانگان به ویژه آمریکا در امور داخلی ما به عنوان کشورهای اسلامی، به جایی رسیده که این کشور متجاوز حتی به خود اجازه می‌دهد در تهیه بیانیه نشست‌های سران کشورهای عربی و اسلامی اعمال نظر کند. دشمنان امت اسلامی می‌کوشند بین کشورهای اسلامی دشمنی ایجاد کنند؛ حوادثی که در افغانستان و عراق است، گواه این مدعاست. حتی تشکیلات خودگردان فلسطین را برضد مقاومت فلسطین و به ویژه علیه جنبش مقاومت اسلامی حماس تحریک می‌کنند. راه برون رفت که در پرتو آن می‌توانیم پراکندگی مسلمانان را به اتحاد در درون یک دولت تبدیل کنیم، تشکیل ایالات متحده اسلامی است. اگر در این مورد یک نظرسنجی انجام دهیم، در می‌یابیم که مسلمانان در این مورد متحدند. (سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین).

استراتژی تقریب:

معمولاً پژوهش‌گران و محققانی که تاکنون در عرصه تقریب قلم زده یا سخنرانی کرده‌اند، بیش‌تر به ذکر فضایل وحدت بسنده نموده و بر ضرورت هم‌یاری و اتحاد تأکید نموده‌اند، اما به نتیجه سازنده‌ای دست نیافته و راه کاری عملی برای دست‌یافتن به وحدت ارائه نداده‌اند. ما ضمن ارج نهادن به مساعی انجام شده در راه وحدت امت‌های اسلامی، از مشعل‌داران این نهضت فکری در عصر حاضر می‌خواهیم پس از اتخاذ و تبیین و استراتژی و آرایه برنامه‌های کاربردی، کمیته‌های اجرایی را برای دسترسی به اهداف تقریب فعال نمایند و هم‌زمان با مذاکرات، اقدامات عملی را نیز پیش ببرند. ما در بحث نظری، اهداف تقریب را برشمردیم و پیش از آن معنی واژه‌های استراتژی و تقریب را بیان نمودیم. در این جا به بیان سیاست راهبردی (یا استراتژی) تقریب مذاهب اسلامی پرداخته و پس از در نظر داشتن این راهبردها، راه کارهای دسترسی به اهداف تقریب را جست‌وجو خواهیم نمود.

۱- تشنج‌زدایی

دشمنان اسلام تاکنون کوشیده‌اند با برانگیختن احساسات شخصیت‌های مجهولی هم‌چون آیت‌الله بلژیکی، شیخ حسن آلمانی و شیخ یوسف فرانسوی و با برپا نمودن محافلی که در آن‌ها

به ظاهر تاریخ اسلام را بیان می‌کنند اما هدف آنان برجسته کردن یا ساختن صحنه‌هایی است که احساسات طیف‌های داخلی مسلمانان را علیه یک‌دیگر تهییج می‌کند، جو تشنج را دامن زند و هر یک از دو طرف درگیر را به مجروح ساختن طرف مقابل تشویق نمایند.

از سوی دیگر، خلفای راشدین با نام‌گذاری فرزندان خود به اسم یک‌دیگر و انجام ازدواج‌های فامیلی و شرکت در نمازهای جماعت به امامت فردی که با او در مورد نحوه اداره جامعه اسلامی پس از پیامبر اختلاف نظر داشته‌اند، سعی در تشنج‌زدایی و عادی کردن روابط داشته‌اند. و پس از آنان ائمه اربعه مذاهب همین شیوه و سنت را رعایت کرده‌اند و حتی پشت سر امامی که فتوای او با فتوای آنان مخالفت داشته نماز خوانده‌اند.^۱

اگر چه در کتاب‌ها آورده‌اند که «سئل عن بعض الشافعية عن حکم الطعام الذی وقعت علیه قطرة نبیذ فقال یرمی لکلب أو حنفی»، اما به طور قطع، طرف سؤال و جواب، دشمنان شافعی و حنفی و مخالفان پیامبر اسلام بوده‌اند. یا اگر آورده‌اند که «سئل عن حنفی هل یجوز للحنفی ان یتزوج المرأة الشافعية فقال ان ذلک لا یجوز لانها یشک فی ایمانها»، این‌ها یا به دلیل جهالت دوستان و یا شیطنت دشمنان است که چنین پیکره یک جامعه را آزرده و دردمند می‌پسندند تا ناآرامی و تنش را بر آن تحمیل نمایند و الا هیچ‌گاه رهبران آگاه و عالم و متکی به وحی و سنت چنین سخنانی را به زبان نمی‌آورند و اختلاف نظر و رأی، آنان را به سوی تشنج‌آفرینی و تخطئه و توهین نمی‌برد. امامیه نیز فقهای اربعه را مجتهد می‌دانند که دارای صواب و خطا هستند اگر چه خود، به فتوای آنان عمل نمی‌کنند اما آنان را محترم و دارای رتبه علمی می‌دانند.

دکتر عبدالمجید سلیم از رهبران الازهر می‌گوید: «اصحاب پیامبر گرامی اسلام ﷺ و پیروان نیکومنش آنان و رهبران مذاهب، گاه با هم اختلاف داشتند و یکی حجت و دلیل دیگری را رد می‌کرد و از نظر خود با برهان و احتجاج نیکو دفاع می‌کرد، اما تاکنون نشنیده‌ایم که یکی از آنان دیگری را به بدی یاد کند یا او را متهم نماید و هیچ‌گاه این اختلاف عامل دشمنی و کینه نبود و هیچ زمان نظرات خود را که در آن اختلاف داشتند، از پایه‌های ایمان و اصول شریعت نمی‌دانستند که مخالف آن کافر یا معصیت کار در برابر خدا باشد و از بحث نظری و گشوده بودن

۱- هم‌چون نماز خواندن ابوحنیفه و یارانش که قایل به وجوب بسم‌الله نبودند، پشت سر امام مدینه که قایل به وجوب آن بود و اقتدای ابویوسف حنبلی مذهب در نماز به رشید مالکی مذهب، در حالی که احمد بن حنبل بر خلاف مالک، خون گرفتن را موجب بطلان وضو می‌داند و رشید در آن‌ساعت حجامت کرده بود و سپس به نماز ایستاد و ابویوسف پشت سر او نماز خواند و گفت چرا پشت سر رشید نماز نخوانم در حالی که شافعی در صبحگاهی که در نزدیک آرامگاه ابوحنیفه نماز می‌خواند، به احترام او قنوت نماز را به جای نیاورد.

راه اظهار نظر در عقاید و اصول دین حمایت می‌کردند و برای مهار کردن فتنه و حفظ وحدت از آن چه از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رسیده است، جانب‌داری می‌کردند تا عزت و سعادت و منزلت خود را در پرتو آن تأمین نمایند و به همین دلیل، همواره صاحب قدرت و عزت و مهابت بودند». (مجله رساله‌الاسلام).

دکتر احمد عبدالرحیم السائح (استاد دانشگاه قطر) نیز در مورد امکان، بلکه ضرورت وجود اختلاف بدون تشنج و تخطئه می‌گوید:

«مسلمانان زبانی از این نمی‌برند که با هم اختلاف رأی و نظر داشته باشند، زیرا اختلاف از سنت‌های جامعه است، اما زیان از آن است که اختلاف نظر به جدایی از یک‌دیگر و دوری از لوازم برادری، که خداوند در کتاب عزیز خود آن را مقرر فرموده بینجامد، نه به این معنا که اختلاف رأی یک دستور باشد که خداوند به آن فرمان داده باشد بلکه به این عنوان که تفاوت رأی یک واقعیت است، چه مردم بخواهند یا نخواهند و مکاتب فکری مختلف در دایره اسلام امری طبیعی و جالب، بلکه اجتناب‌ناپذیر است. تا آن زمان که اسلام زنده و دین زندگان باشد و این اختلاف به این سبب باشد که برحیات دین افزوده شود و تا آن زمان که مسلمانان نیازمند به تبیین و ادامه میراث فکری خود باشند باید مذاهب کلامی و مکاتب فکری اسلامی موجود باشد. و به مصلحت مسلمانان نیست که آن را سرکوب نمایند؛ زیرا از بهترین خدماتی که یک مسلمان به دین می‌کند، آن است که در مورد آن اندیشه و فکر داشته باشد و اگر کنکاش و اندیشه از آن محو شود، اسلام به ضعف و جمود می‌گراید». (علی دروب التقریب، ص ۶۷).

آری، حوزه فکر و اندیشه این ظرفیت را دارد که تفاوت‌ها را در خود بپذیرد و جز صفا و دوستی، موج و طنینی نداشته باشد و در این باب سخن و نمونه تاریخی بسیار است.

اینک فهرست راه‌های عملی سیاست تشنج‌زدایی را پیشنهاد می‌کنیم:

۷۱- ممنوع کردن بدگویی و دشنام از سوی سران فرقه‌های اسلامی نسبت به فرقه‌های دیگر

قرآن کریم دشنام دادن حتی به سران کفر و نفاق را منع کرده و می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/۱۰۸).

امام علی علیه‌السلام آن گاه که مطلع شد گروهی از اصحاب او اهل شام را دشنام می‌دهند به آنان فرمود:

«انی اکره لکم ان تکونوا سباین ولکنکم لو وصفتم اعمالهم و ذکرتم حالهم کان اصوب فی القول و ابلغ فی العذر و قلتم مکان سبکم ایاهم اللهم احقن دماءنا و دماءهم» و در روایتی از پیامبر

اکرم ﷺ چنین نقل شده است که حضرت، حتی از دشنام دادن شیطان نیز منع کرد و فرمود به جای دشنام به شیطان، بگوئید: اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. (هندی، کنز العمال، حدیث ۲۱۲۰).

۲/۱- نفی تهمت از فرقه‌های اسلامی توسط سران فرقه‌های دیگر

کتاب‌های زیادی به دستور و با سرمایه‌بناگاه‌هایی که علیه اسلام فعالیت دارند، برای بدبین کردن فرقه‌های اسلامی نسبت به یک‌دیگر تدوین شده که پر از تهمت و افترا است و خوشبختانه در طرف مقابل، جهادگرانی با جهاد قلمی خود توانسته‌اند فتنه‌های بزرگی را خاموش نمایند و حقایق را روشن سازند. این پژوهش‌گران حق‌جو باید به ادامه جهادگری خود تشویق شوند و حقایق را بنویسند و چه بسیارند نویسندگان منصف اهل سنت و شیعه که حقایق مغلوب شده را در نوشته‌های خود به اصل و انصاف برگردانده‌اند.

۳/۱- اعلام براءت عقول جهان اسلام از تندروی‌ها

هنگامی که فردی آگاه ولی مزدور یا ناآگاه ولی دلسوز با قلم و بیان خود جراحی بر پیکر امت اسلام وارد کرد عقول و خبرگان گروه‌های مختلف اسلامی باید برای ترمیم و التیام جراحات بپاخیزند و از بدخیم شدن زخم‌های وارد شده جلوگیری کنند. این خراش و جراحی و جبران، بارها در حوزه اسلامی اتفاق افتاده و بارها نیز به صورت یک‌طرفه وانهاده شده است. حدود ۴۶ سال پیش، یعنی در سال ۱۳۸۰ هـ.ق، وقتی مجله «رایة الاسلام» چاپ ریاض، نامه ابراهیم الجیهان به علامه شیخ محمود شلتوت را درج کرده بود و در آن به اعتقادات شیعه و ائمه اهل بیت علیهم‌السلام توهین شده بود، آیت‌الله شیخ عبدالکریم زنجانی نامه‌ای برای امیر کویت، شیخ عبدالله سالم الصباح، فرستاد و از وی خواست با توجه به مشاهدات خود در نجف در مورد قرآن‌های موجود در حرم و به خصوص قرآن موجود در خزانه قرآن حرم که به خط امام علی علیه‌السلام بوده است، تهمت تحریف قرآن توسط شیعه یا وجود قرآنی غیر از قرآن موجود را در بین شیعه نفی و تهمت‌های دیگر نویسنده را از ساحت اعتقادات شیعه دور کند. ۱۰ روز بعد امیر کویت در پاسخ به وی چنین می‌نویسد: «تلگراف مورخه ۱۳۸۰/۵/۱۵ شما در مورد مجله «رایة الاسلام» دریافت شد. در این مجله، خواننده شکوائیه شما [ابراهیم الجیهان] به عقاید برادران دینی ما متعرض شده است و ما عمل این جاهل مفسد را تقبیح می‌کنیم و مایلیم آن‌چه را می‌دانید دوباره تأکید کنیم که ما به خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم احترام می‌گذاریم و در محبت نسبت به آنان با شما همراهیم و نیازی نیست که ما بگوئیم که کار او [ابراهیم الجیهان] عواطف ما را هم‌چون شما جریحه‌دار کرد، زیرا ما در دین، یک‌پارچه هستیم و اعمال این جاهل

شکافی در آن ایجاد نمی‌کند. به محض آن‌که خبر عمل او به ما رسید او را از کویت تبعید کردیم و همه ما امیدواریم که این کار در آینده تکرار نشود. در پایان فرصت را غنیمت شمرده و بهترین آرزوها و زیباترین تحیات خود را تقدیم و برای حضرت شما در خدمت به دین آرزوی توفیق می‌نمایم. خداوند سایه شما را مستدام و شما را محفوظ دارد». (ثابت).

۴/۱- ارایه قرائت وفاق از نقاط اختلاف

طبیعی است که بین فرقه‌های اسلامی و به خصوص بین شیعه و سنی اختلافاتی وجود داشته باشد اما باید از نقاط خلاف، وجه و زاویه وفاقی را ارایه کرد که تشنج را مهار و تفاوت را حفظ کند. سید مرتضی علیه السلام می‌گوید: «در حالی که حدود پانصد نفر از زیدیه و غیر آنان در مسجد کوفه دور شیخ مفید علیه السلام را گرفته بودند، مردی از زیدیه که قصد فتنه‌انگیزی و اختلاف‌افکنی بین شیعه و زیدی را داشت، شیخ مفید علیه السلام را مورد خطاب قرار داده و گفت: چگونه توجیه می‌کنی انکار امامت زیدبن علی را؟! شیخ فرمود: تو بر من گمان باطل بردی! آن‌چه من در مورد زید اعتقاد دارم، هیچ‌کس از زیدیه با آن مخالف نیست! مرد پرسید: اعتقاد تو در مورد امامت زیدبن علی چیست؟ شیخ فرمود: من از امامت زید همان را می‌پذیرم که زیدیه قبول دارند و آن‌چه را آنان رد می‌کنند، من نیز رد می‌کنم. پس می‌گویم زید پیشوا در دانش و زهد و امر به معروف و نهی از منکر بود و امامتی که صاحب آن باید نص و معجزه و عصمت داشته باشد نداشته است و این چیزی است که هیچ‌کس از زیدیه با من در آن مخالف نیست. همه افراد زیدی مذهب که در آن مجلس حاضر بودند از شیخ تشکر و تقدیر کردند و شیطنت و فتنه‌گری مرد آشوب طلب باطل شد». (آذرشب، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

۵/۱- تفکیک نظرات شخصی افراد از مرام‌نامه مکاتب

هر یک از مذاهب، افراد، یا روایاتی دارند که اگر با بهانه‌جویی مورد بررسی قرار گیرد، می‌تواند اساس وفاق و تقریب را مختل نماید. اما این نظرات نمی‌تواند منعکس‌کننده رأی جمع و مرام‌نامه مذهب و مکتب باشد. بنابراین، همان‌گونه که در کلمات و سخنان اندیشوران هر دو طایفه شیعه و سنی آمده است، رأی یک فرد هر چند مهم باشد، نظریه خود اوست و ملاک برای قضاوت، رأی اکثریت است که در معمول موارد اختلافی، سخن میانه و معقول را ارایه می‌کند.

۶/۱- دور کردن افراد تندرو از عرصه‌های تصمیم‌گیری

موضع‌گیری‌های تند طالبانیسم و صدور فتوای حلیت جان و مال مردم می‌تواند برای راهبرد تشنج‌زدایی بسیار مضر باشد. وجود این افراد در مصادر تصمیم‌گیری و قدرت با تجهیز ده‌ها لشکر

تخریبی برای تضعیف بنیة مسلمانان برابری می‌کند. از این رو سزاوار است از اهرم‌های جانبی و لابی‌ها و رایزنی‌های منطقی برای به حاشیه راندن این افراد و محدود نمودن فعالیت‌های آنان استفاده شود.

۲- توان‌افزایی

جامعه اسلامی باید جامعه‌ای توانمند و مقتدر باشد. اقتدار جامعه اسلامی دشمنان را به خود مشغول می‌سازد و افراد موجود در درون این مجتمع را به کار سازنده، تولید علم، تولید ثروت و فن‌آوری وامی‌دارد. بیش‌تر دعوای خشک و خام، ره‌آورد ضعف و رکود علمی و ناتوانی اقتصادی کشورهای اسلامی است که دام و صید دیگران قرار می‌گیرند. در حالی که دنیا با شتاب هر چه سریع‌تر به نوآوری و تکامل علمی می‌اندیشد و حتی فرضیه‌های علمی و باورهای فلسفی خود را نو به نو عوض می‌کند و جزم‌اندیشی قرون وسطایی به خردگرایی راسیونالیسم و سپس به منزلگاه تجربه‌گرایی و پوزیتیویسم و از آن به پُست مدرنیسم رو می‌کند، چرا ما همواره در مورد اختلاف فتحه یا کسره لام ارجلکم بحث کنیم؟!

از سیاست‌های راهبردی تقریب، توان‌افزایی جامعه اسلامی است که رهبر معظم نظام اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مدظله‌العالی نیز به گونه‌های مختلف و در رهنمودها و پیام‌های خود بر آن تأکید داشته‌اند. راه کارهای عملی پیشنهادی این راهبرد چنین است:

۱/۲- تشکیل دانشگاه‌های بین‌المللی و بین‌مذهبی؛

۲/۲- تلاش برای دستیابی به فن‌آوری هسته‌ای، نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی؛

۳/۲- گسترش روابط اقتصادی بین کشورهای اسلامی و تقید به عدم انجام معاملات با کشورهای غیر اسلامی در صورت امکان مبادله با خودی؛

۴/۲- تشکیل سازمان‌های اقتصادی چند ملیتی اسلامی.

۳- معرفت‌آرایی

در عصر انفجار اطلاعات مهم‌ترین مؤلفه قدرت، ابزار اطلاعات است. جورج بوش پدر در اواخر دوره ریاست جمهوری‌اش می‌گوید: «به عنوان رییس جمهور ایالات متحده آمریکا می‌توانم به شما اطمینان بدهم که عملیات شنود، فاکتور اصلی فرایند تصمیم‌گیری در عرصه بین‌المللی است» (مجله

سیاحت غرب ۴، ص ۴۴، به نقل از مجله کنفیدانسیل دفانس، ژوئیه ۲۰۰۰). هم‌چنین اسرائیل در سال ۱۹۹۴م اعلام کرد ۴۰ درصد بودجه این کشور فرهنگی است و این مبلغ، در زمان صلح، افزایش خواهد یافت. استفاده از ابزار فرهنگ، اطلاع رسانی و تبلیغات رسانه‌ای، می‌تواند مهم‌ترین نقش را در موفقیت جوامع داشته باشد. پروژه مهم و حساس تقریب بدون استفاده از تکنولوژی IT به نتیجه مطلوبی نخواهد رسید. آرایش اطلاعاتی و تبلیغاتی جهان اسلام در محدوده داخل فرقه‌های مسلمان و در فضای خارج از آن در سالم به مقصد رسیدن ازابه تقریب، نقش مهمی ایفا می‌کند. در این مورد، راه کارهای عملی زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱/۳- افزایش آشنایی فرقه‌های اسلامی نسبت به یک‌دیگر از طریق تدوین کتاب، تهیه مقالات و مجلات دیجیتالی و رسانه‌ها؛

۲/۳- آگاه ساختن مسلمانان از شرایط و طرح‌های آن‌سوی اردوگاه مسلمانان و پشت پرده دهکده جهانی، خاورمیانه بزرگ، جهانی شدن و معاهده‌هایی همانند NPT و غیره؛

۳/۳- بهره‌برداری بهتر از کنگره عظیم حج؛

۴/۳- ایجاد تسهیلات در روابط علما، دانشمندان و پژوهش‌گران کشورها و مذاهب مختلف برای دیدار با یک‌دیگر؛

۵/۳- انتشار مرام‌نامه و منشور واحد ملت‌های مسلمان؛

۶/۳- بازنویسی و پالایش متون اصیل هر یک از مذاهب که دارای مواردی می‌باشند که به تقریب مذاهب اسلامی لطمه وارد می‌کند؛

۷/۳- فراهم آوردن زمینه‌های فکری، قانونی و حقوقی تشکیل اتحادیه کشورهای اسلامی؛

۸/۳- حضور فعال مسلمانان در مجامع بین‌المللی، علمی و حقوقی؛

۹/۳- شبکه کردن و متصل کردن مجامع تقریب بین مذاهب اسلامی در ایران، لبنان، مصر، عراق و غیره و تشکیل کنفدراسیون بین‌المللی تقریب بین مذاهب اسلامی.

سخن پایانی

در پایان، ضمن آرزوی توفیق برای تمامی منادیان تقریب به عنوان ارادت‌مندان و پیروان واقعی پیامبر گرامی اسلام، به مخالفان این ایده مقدس توصیه می‌گردد شرایط زمان و مکان را درک نمایند. با گشوده شدن مرزها و تغییر شرایط، امروزه اباطیلی که مبانی بدبینی و خصومت را تشکیل می‌داد،

رنگ باخته و تنها جاهلان و متحجران فرقه‌های اسلامی هستند که پایبند به بافته‌ها و پیرایه‌های دشمنان اتحاد فرقه‌های مسلمان باقی مانده‌اند. امروزه در قلب حجاز که روزی مرکز نشر اکاذیب علیه شیعه بود، کتاب‌ها و منابع شیعی به وفور مبادله و به طور رسمی در نمایشگاه‌های بین‌المللی عرضه می‌شود و کتاب‌فروشی‌های پایگاه تشیع، یعنی قم، پر از کتاب‌های اهل سنت است. بیاییم خود را از صف جاهلان جدا نموده و آیینی را که به زودی عالم‌گیر می‌شود و هراس جهانی شدن آن، دشمنان را فرا گرفته است، باور نموده و برنامه خود قرار دهیم. به امید روزی که پرچم لاله الا الله و محمد رسول الله بر فراز عالم به اهتزاز در آید.

منابع و مأخذ

- ۱- آذرشب، محمدعلی، *ملف التقریب*، تهران، *المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیة*، ۱۳۷۹ ش.
- ۲- آقابخشی، علی و افشاری، مینو، *فرهنگ علوم سیاسی*، نشر چاپار.
- ۳- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، *شرح نهج البلاغه*، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ق، ج ۶.
- ۴- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، *همبستگی مذاهب اسلامی*، تهران، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
- ۵- ثابت، محمدسعید، *الوحدة الاسلامیه*، مطبعة الغری الحدیثه، نجف.
- ۶- ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، عطار، ۱۳۷۳، ج ۱.
- ۷- *حول الوحدة الاسلامیة*، منظمة الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
- ۸- *رسالة الاسلام*، سال سوم، شماره چهارم.
- ۹- سایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین.
- ۱۰- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۷ ق.
- ۱۱- علامه مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۳۳.
- ۱۲- علی دروب التقریب، *دارالتقريب بين المذاهب الاسلامیه*، بیروت.
- ۱۳- قمی، محمدتقی، *منادیان تقریب*.
- ۱۴- *مجله سیاحت غرب*، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، شماره ۴.

- ١٥- مجلة حوزة، دفتر تبليغات اسلامي، شماره ٤٣/٤٤.
- ١٦- مجلة رسالة الاسلام، شماره ١، سال اول، ربيع الاول ١٣٦٨ق.
- ١٧- ملحمه الوحدة.
- ١٨- نهج البلاغه.
- ١٩- هندی، علاء الدين على التقى بن حسام الدين، كنز العمال.



نگاهی به جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در رشته تاریخ و پی آمدهای آن

سید منذر حکیم*

چکیده

تمدن عظیم اسلامی مرهون جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در جامعه جاهلی گذشته - که بستر نزول قرآن بود - می‌باشد.

جامعه جاهلی گذشته پرست، به وسیله قرآن، با توجه ویژه به اعماق تاریخ، به علت‌های تحوّل و تکامل جوامع بشری دست یافت، و با دانش‌های برگرفته شده از قرآن کریم به تاریخ‌شناسی و شناخت عمیق فلسفه تاریخ راه یافته، و با توجه به منبع سرشار معرفتی - یعنی قرآن کریم - به سوی آینده‌شناسی و آینده‌سازی حرکت نمود و در زمانی بسیار کوتاه پرچم‌دار تحقق یک جنبش عظیم معرفتی در جامعه نوپای اسلامی شد. علوم اسلامی نشانه این تحوّل و جنبش عظیم نرم‌افزاری است که در کم‌تر از سه قرن پدیدار شد. نگرش قرآن به دانش و منهج تعامل قرآن با دانش، از مهم‌ترین علت‌های این جنبش نرم‌افزاری است که در این مقاله مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

کلیدواژه‌ها: جنبش نرم‌افزاری، قرآن کریم، رشته تاریخ.

مقدمه

قرآن کریم که در جامعه‌ای جاهلی و بیگانه با علوم روز خود، بر یک فرد درس‌نخوانده فرود آمد، فرهیختگانی منحصر به فرد به وجود آورد، و پیروانی نخبه و دانشمندی با معارف عمیق تربیت نمود و جامعه جهانی را از تاریکی‌های اسطوره‌ها و تخیلات، به قله‌های رفیع علم و معرفت رساند. تمدن عظیم اسلامی مرهون جنبش نرم‌افزاری قرآن کریم در آن جامعه جاهلی - و پی آمدهای آن در سایر جوامع بشری که به آغوش اسلام راه یافته و از خرمن معارف قرآن خوشه‌چینی نمودند - می‌باشد.

* محقق و نویسنده و مدرس حوزه و دانشگاه.

جامعه جاهلی گذشته پرست، از گذشته پرستی دست برداشت و به سوی اعماق تاریخ توجه نمود، و دلایل تحوّل و تکامل جوامع بشری را شناخت، و با دانش‌های برگرفته شده از رهنمودهای قرآنی به تاریخ‌شناسی و فلسفه تاریخ راه یافته، و با این منبع معرفتی سرشار از حقایق، به سوی آینده‌شناسی و آینده‌سازی حرکت کرد، و در مدتی بسیار کوتاه یک‌جنبش عظیم معرفتی در جامعه اسلامی نوپا به وجود آمد.

علوم اسلامی - از قرآن‌شناسی گرفته تا علوم حدیث و فقه و اصول و سپس ریاضیات و نجوم و طب و شیمی و فلسفه و کلام و انواع هنر - نشانه‌ای این تحول عظیم نرم‌افزاری می‌باشد که در کم‌تر از سه قرن به وجود آمد.

نگرش قرآن کریم به علم، نگرشی متفاوت از نگرش جوامع آن روز یا امروز می‌باشد و این نگرش، یکی از عوامل اساسی تحول این جنبش نرم‌افزاری است.

منهج و روش تعامل قرآن کریم با مقوله علم، و هدفمند نمودن علم و معرفت، و ابزار قراردادن علم برای مقاصد برتر، با آن نگرش ویژه نسبت به تکامل انسان‌ها، مهم‌ترین عامل‌های این جنبش نرم‌افزاری به شمار می‌روند.

قرآن کریم روح پژوهشگری و تحقیق را در جان‌های خفته بیدار نمود و روش صحیح پژوهش را در سرتاسر قرآن و در آیاتی ویژه مورد توجه قرارداد.^۱

قرآن کریم خود بستری مناسب و منبعی نامحدود برای کاوش و تحقیق می‌باشد، و انسان‌ها را نیز به سایر منابع معرفتی راهنمایی کرده و انگیزه‌های فراوانی برای تحقیق و معرفت و کنکاش در سایر منابع معرفتی به وجود می‌آورد.

یکی از منابع معرفتی نامحدود و قابل توجه، گذشته انسان‌ها و جوامع بشری است، که معارفی فراوان و با ارزش برای ایجاد تحوّل پیوسته در جامعه انسانی، به انسان‌های تاریخ‌شناس و تحلیل‌گر ارائه می‌دهد، و آنان را برای آینده‌شناسی و آینده‌سازی در بهترین شرایط قرار می‌دهد.

آنچه در این مقاله به اختصار مطرح می‌شود، نگاه قرآن کریم به علم و به مقوله تاریخ و به خود قرآن کریم است که ریشه‌های این تحوّل نرم‌افزاری را نشان خواهد داد و در یک اصطلاح نامه و هفت فصل ارائه می‌گردد:

۱- به سوره زمر آیه ۱۸ توجه فرمایید که در بردارنده روش صحیح پژوهش و انتخاب مبنای علمی در مسایل مختلف می‌باشد.

اصطلاح‌نامه (واژه‌نامه)

۱ - جنبش نرم‌افزاری

تحول علمی و تولید علم و دانش را جنبش نرم‌افزاری نام نهاده، و این تحول، شامل تحول در روش دستیابی به حقایق علمی نیز می‌گردد. و هنگامی که تکامل علمی از لحاظ کمی و کیفی چشم‌گیر باشد و یک مقطع جدیدی از تحول و تکامل علمی به شمار رود به صورت یک جنبش نمودار می‌گردد. بنابراین، جنبش نرم‌افزاری عبارت است از یک تحول عظیم در یک یا چند رشته علمی.

۲ - قرآن کریم:

آن‌چه به صورت وحی قرآنی در ۱۱۴ سوره قرآن کریم گردآوری شده است، مورد نظر ما در این نوشته می‌باشد.

۳ - رشته تاریخ:

علم تاریخ (گذشته‌شناسی - باستان‌شناسی)، تحولات فرهنگی و اجتماعی امت‌ها، فلسفه تاریخ، تاریخ صدر اسلام، تاریخ ملت‌های جهان، تاریخ جهان... و آن‌چه در رشته تاریخ می‌توان آن را بررسی نمود، مورد نظر ما در این نوشته می‌باشد.

فصل ۱: علم هدایت‌گر

هدایت‌مداری به جای علم‌پرستی

قرآن کریم به علم و دانش توجهی ویژه دارد. این توجه ویژه عامل اصلی در ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی بوده است.

روشن است که تمدن اسلامی تمدنی مبتنی بر علم و فرهنگ و دانش و ادب بوده، ولی این به آن معنا نیست که قرآن کریم علم‌گرایی و علم‌زدگی را ترویج نموده و فرهنگ علمی خود را بر این اساس ساخته و پرداخته است.

قرآن کریم اصطلاح «هدایت» و مشتقات آن را حدود ۳۴۰ مورد و در کنار «علم» و مشتقات آن در بیش از ۷۰۰ مورد آورده است، که با محور قرار دادن هدایت برای انسان‌ها، توجهی ویژه به علم دارد. تعبیر قرآن در جریان هیبوط آدم به سرزمین تکلیف و مسئولیت، چنین است:

﴿فَأَمَّا يَا أَيُّكُمْ مِثِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۱.

علاوه بر این نکته، در قرآن کریم، تعلیم نیز در کنار تزکیه بلکه در پرتو تزکیه قرار داده شده است.^۲

تزکیه همان تربیت مطلوب است که رستگاری و فلاح انسان در گرو آن قرار داده شده است.^۳ در قرآن کریم همیشه باید سراغ اهداف برتر و هدف نهایی از آفرینش بشریت باشیم، و جایگاه علم و دانش را در یک خط سیر تکاملی، که انسان و رستگاری را به هم ربط می‌دهد، ببینیم، تا بتوانیم دیدگاه قرآن را نسبت به علم و دانش به طور دقیق پیدا نماییم.

از چهار آیه‌ای که تزکیه و تعلیم را در کنار هم مطرح نموده، سه آیه، تعلیم را در پرتو تزکیه و پس از تزکیه یاد کرده است، در حالی که فقط یک آیه، تعلیم را قبل از تزکیه و مقدم بر آن مطرح کرده است که این امر می‌تواند گویای این حقیقت باشد که تعلیم اگر با هدف تزکیه و تربیت انسان انجام می‌گیرد خود نیز تزکیه‌ای دیگر و تربیتی برتر به دنبال خواهد داشت.^۴

هدایت همان دانش هدف‌مندی است که انسان را به آن هدف مطلوب می‌رساند و آنچه به عنوان مهم‌ترین خواسته و نیاز انسان در مهم‌ترین سوره قرآن کریم - فاتحة‌الکتاب - مطرح شده است همان هدایت است که تمام انسان‌ها آن را با تمام وجود از خدا می‌خواهند.

در خواست هدایت به صراط مستقیم در آیه ﴿اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ (حمد/۶) یعنی درخواست راه‌یابی به کوتاه‌ترین راه و بهترین مسیر برای رسیدن به هدف والای آفرینش انسان که خواسته نهفته و آشکار هر انسان است که از اعماق وجود خود، خواهان آن می‌باشد.

بنابراین فراگیری علم و دانش در چنین بستری معنایی ویژه و مفهومی تربیتی خواهد داشت و به همین دلیل جایگاه رفیع علم و معرفت در قرآن کریم جایگاهی منحصر به فرد و ممتاز خواهد بود و همین جایگاه ممتاز علم در قرآن کریم، ریشه انقلاب فرهنگی اسلام و منشأ یک جنبش نرم‌افزاری توسط قرآن کریم بوده است، زیرا قرآن در تاریک‌ترین محیط اجتماعی و در پایین‌ترین سطح علمی در شبه جزیره عربستان فرود آمد که این خود یک معجزه به شمار می‌رود، به ویژه وقتی دریابیم که تمدن عظیم اسلامی را تمدنی ممتاز و رفیع و قابل توجه و قابل ستایش نسبت به سایر تمدن‌ها قرار داده است.

۱- بقره / ۳۸ (هر آینه از سوی من هدایتی برای شما بیاید، هر کس که هدایت مرا پیروی نماید از هر گونه ترس و هراس به دور خواهد بود.) تعبیر قرآن به هدایت، به جای علم و دانش، بسیار قابل تأمل می‌باشد.
 ۲- به سوره بقره، آیه‌های ۱۲۹ و ۱۵۱ و سوره آل عمران آیه ۱۶۴ و سوره جمعه آیه ۲ توجه شود.
 ۳- «به درستی که رستگار شد هر کس که خود را تزکیه نمود» (اعلی / ۱۴).
 ۴- البته آیه‌ای که تعلیم را مقدم بر تزکیه مطرح نموده از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام می‌باشد، در حالی که سه آیه دیگر که تعلیم را پس از تزکیه آورده است از زبان و کلام خداوند منان است.

فلسفه علم در قرآن کریم

قرآن کریم به زمینه‌های گوناگون معرفتی توجه نموده و علم را به عنوان یکی از عوامل برتری انسان بر ملائک معرفی نموده است؛ همان‌طور که در سوره بقره آمده است: ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾^۱ سرفصل‌هایی از قرآن کریم که در زمینه علم و دانش الهی و بشری قابل مطالعه و بررسی و استنباط است و باید مد نظر اندیشمندان قرارگیرد و دیدگاه قرآن کریم درباره علم را از آن به دست آورد^۲ از قرار ذیل می‌باشد:

- ۱ - تاریخچه علم در جامعه انسانی؛
- ۲ - حقیقت علم؛
- ۳ - ارزش گوهر علم؛
- ۴ - منابع علم برای انسان؛
- ۵ - ابزار علمی؛
- ۶ - روش‌های علمی؛
- ۷ - مراحل حرکت برای رسیدن به علم؛
- ۸ - مراتب علم و معرفت؛
- ۹ - شرایط لازم برای دستیابی به علم؛
- ۱۰ - موانع دستیابی به علم؛
- ۱۱ - علوم مفید و غیر مفید؛
- ۱۲ - علوم مجاز و ممنوع؛
- ۱۳ - اهداف نهایی و مرحله‌ای در فراگیری علوم؛
- ۱۴ - ظرفیت‌های علوم و ظرفیت‌های انسان؛
- ۱۵ - دانش اندوزی و دانش‌پژوهی و اندیشمندی؛
- ۱۶ - مسئولیت‌های اندیشمندان و دانش‌پژوهان؛
- ۱۷ - طبقه بندی علوم و معارف انسانی؛
- ۱۸ - فلسفه علم؛
- ۱۹ - نظام آموزشی؛
- ۲۰ - تولید علم و تکامل علوم و جنبش نرم‌افزاری از دیدگاه قرآن کریم^۳.

۱- بقره / ۳۱: «تمام نام‌ها را به آدم آموخت».

۲- این مجموعه از سرفصل‌ها، می‌تواند نظریه علم در قرآن کریم را نشان دهد.

۳- بررسی دیدگاه قرآن کریم نسبت به این سرفصل‌ها کتابی جامع می‌طلبد که تمام آیات علم و هدایت در قرآن را در کنار هم ببیند و دیدگاه‌های ویژه قرآن را با مصادیق و نمونه‌های قرآنی که بیش از هزار آیه را در بر می‌گیرد، روشن نماید.

فصل ۲: جایگاه ویژه قرآن کریم در پژوهش‌های تاریخی

ویژگی‌های منحصر به فرد قرآن کریم را در این بخش نمی‌توان نادیده گرفت؛ ویژگی‌هایی که قرآن کریم را منبعی اجتناب‌ناپذیر برای پژوهش‌های تاریخی قرار می‌دهد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از:

۱ - جامعیت قرآن کریم:

قرآن کریم بر خاتم پیامبران فرود آمده و برترین دلیل و سند جاوید بر حقیقت خاتم ادیان و آخرین شرایع الهی بوده و می‌باشد.

جاوید بودن قرآن و خاتمیت دین مبین اسلام مستلزم جامعیت این کتاب آسمانی و توجه او به تمام نیازهای انسانی در طول مسیر تکاملی بشریت بوده است؛ ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾^۱.

قدر مسلم این که قرآن کریم با توجه به مجموعه اهدافی که برای تربیت انسان‌ها در طول مسیر تکاملی ویژه بشر در نظر داشته، حتماً باید مجموعه نیازهای بشریت را به طور کامل و جامع در نظر گرفته و راه‌های صحیح تأمین این مجموعه نیازها را در اختیار انسان قرار داده باشد.

۲ - قرآن منبعی سرشار برای علوم انسانی:

علم و آگاهی مهم‌ترین رابط میان انسان و انسان، انسان و خدا، انسان و جامعه، و انسان و طبیعت می‌باشد، و به همین جهت، مهم‌ترین ابزار برای کسب کمال در اختیار انسان بوده و خواهد بود.

انسان نیز برای دستیابی به کمال، به مجموعه‌ای از علوم انسانی و طبیعی نیازمند است و با توجه به اصل جامعیت قرآن کریم، بسیار طبیعی است که قرآن کریم به علوم مورد نیاز انسان توجه جدی داشته باشد، و به عنوان منبعی سرشار برای این مجموعه از علوم - در حد اطلاع رسانی یا در حد جهت دهی و تعیین هدف و تشخیص مسیر سالم برای رسیدن به علوم و آگاهی‌های مطلوب - ایفای نقش کند.

آیه‌ای که در بحث جامعیت قرآن به آن اشاره شد، گواهی روشن بر منبع بودن قرآن برای تأمین مهم‌ترین نیاز انسان - که در مجموعه‌ای از علوم انسانی تجلی می‌یابد - می‌باشد. مراجعه پیوسته پژوهش‌گران در علوم مختلف و در طی قرون گذشته به قرآن کریم، و الهام گرفتن آنان از آیات الهی آن، دلیلی دیگر بر سرشار بودن این منبع بزرگ علمی است.

۱- نحل / ۸۹: «وما کتاب (قرآن) را بر تو فرود آوردیم در حالی که بیان کننده هر چیزی است».

۳ - قرآن منبعی منحصر به فرد:

قرآن کریم ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را کتابی بی نظیر و منبعی ویژه و بی بدیل قرار می‌دهد.

این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

الف: منبع و سرچشمه اطلاعات و دانش‌های یاد شده در قرآن کریم، مهم‌ترین و بالاترین منبع است؛

ب: قرآن کریم معجزه‌ای جاوید و ابدی است؛

ج: با وجود تمام تلاش‌های مودیانه دشمنان و مخالفان اسلام، قرآن کریم از هرگونه دستکاری و تحریف مصون مانده است و برای همیشه اطلاعات و رهنمودهای دست اول، متقن و بی‌شائبه دارد؛

د: حقانیت قرآن، با توجه به ویژگی‌های بالا، درجه انطباق اطلاعات قرآنی را با واقعیت‌ها به بالاترین درجه ممکن می‌رساند؛

ه: قرآن با ژرف‌نگری نسبت به انسان و جهان و هدف قرار دادن تربیت، انسان را در این جهان هدف‌دار دانسته و علم و دانش قرآنی را هدف‌مند نموده، و این هدف‌داری و هدف‌مندی با جامعیت نگرش‌های قرآنی همراه می‌باشد.

با توجه به این ویژگی‌ها، قرآن کریم در افقی بالاتر و در سطحی برتر از هر کتاب و منبع علمی دیگر - برای پژوهش‌گران معتقد به این ویژگی‌ها - قرار خواهد گرفت و کلیه اندیشمندان و صاحب‌نظران را به خود جلب خواهد نمود، همان‌طور که در طول تاریخ بشریت - از عصر نزول قرآن تا کنون - شاهد فتوحات علمی مستند به قرآن کریم بوده و می‌باشیم.

۴ - توجه ویژه قرآن به نیازهای واقعی انسان:

قرآن کریم هدف از آفرینش را به کمال رساندن انسان‌ها اعلام نموده است و تجلی این کمال را در پیوستن به خدا و لقای او مطرح کرده^۱ و عبادت خدا را یگانه راه رسیدن به این فرجام نیک دانسته است.^۲

هم‌چنین هدف از بعثت تمام انبیا - به ویژه خاتم انبیا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - را تحقق بخشیدن به هدف برتر آفرینش، یعنی تربیت و تزکیه انسان‌ها در جهت رسیدن به کمال معرفی نموده است.^۳

۱- وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ (نجم/۴۲)؛ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا

(کهف/۱۱).
۲- وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات / ۵۶).

۳- هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه / ۲).

بنابراین، لازمه مطرح نمودن چنین هدفی توجه ویژه به مجموعه نیازهای واقعی انسان‌ها است، زیرا تربیت انسان، جز تأمین نیازهای واقعی او و حرکت دادن او به سوی اهداف مورد نظر، از راه پرپار نمودن استعدادهای نهفته او به صورتی مطلوب و ایده آل، معنی و مسیر دیگری نخواهد داشت.

فصل ۳: علوم مورد نیاز انسان

علم و آگاهی، شاهره انسان‌ها برای تکامل و پویایی و حرکت به سوی اهداف ترسیم شده توسط آفریننده انسان می‌باشد.

آگاهی‌های مورد نیاز انسان برای رسیدن به کمال لایق خود متنوع و گوناگون است. شناخت خود، شناخت هستی و شناخت جهان یکی از پایه‌های آگاهی‌های مورد نیاز انسان است که بدون آن هیچ‌گونه حرکت تکاملی امکان‌پذیر نمی‌باشد. خودشناسی نیز دامنه‌ای گسترده و جهاتی متعدد دارد که رشته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم تربیتی را در بر می‌گیرد. از علوم طبیعی نیز آن‌چه را که انسان به دست می‌آورد می‌تواند در خدمت تکامل خود درآورد. ولی انسان‌ها از بدو آفرینش با داشتن مشترکاتی از امکان رسیدن به کمال لایق برخوردار می‌باشد.

ادیان الهی این مشترکات و آگاهی‌های ضروری را مورد توجه قرار داده و منبعی بسیار خوب برای دستیابی به آن آگاهی‌های ضروری و مشترک بوده، و این آگاهی‌های اساسی در تمام مراحل زندگی بشر همراه او و در اختیار او باید باشند.

علوم تجربی و علوم انسانی

آگاهی، ایمان و تقوا سه موتور محرک انسان به سوی آزادی و کمال لایق او می‌باشند که حرکت تکاملی او را بیمه نموده و او را به مقصد اصلی می‌رسانند. آگاهی انسان از خود و طبیعت و هستی نیز به آگاهی‌های نظری و تجربی تقسیم می‌شود، و بخشی از علوم نظری، زیربنایی برای علوم طبیعی و تجربی قرار می‌گیرند. شاید علوم نظری - که نوع بینش انسان را به خود و جهان و هستی ترسیم می‌کند - مهم‌ترین سهم را در تکامل انسان داشته باشد. در حالی که علوم تجربی به سرعت در حال تکامل بوده و تمام انسان‌ها در تمام دوره‌های تاریخی باید از امکان دستیابی به کمال بر خوردار باشند تا اهداف برتر آفرینش در هر عصر قابل دستیابی باشد.

ولی معنای این سخن این نیست که علوم طبیعی و تجربی سهمی در تکامل انسان‌ها نداشته و ندارند، بلکه چه بسا می‌توان گفت: به تناسب تکامل علوم طبیعی، سرعت حرکت انسان به سوی اهداف برتر آفرینش بیش‌تر می‌گردد.

فصل ۴: نیاز جدی انسان به رهنمودهای وحیانی در حوزه علوم انسانی

با تجربه حسی مستند به امور عقلی قطعی (یقینی) و بدیهی می‌توان بسیاری از فرضیه‌ها را محک زد و صحت و سقم آن‌ها را به دست آورد. در حالی که بسیاری از قضایای نظری - که در حوزه علوم انسانی مورد نیاز انسان بوده و می‌باشد - یا قابلیت تجربه حسی نداشته، و یا آن که تجربه حسی آن‌ها - که باید مستلزم ایمان به آن‌ها باشد - باید توسط چندین نسل متوالی اجرا گردد و به طور مکرر تجربه شود تا ایمان لازم به آن‌ها حاصل شود، و چنین تجربه‌ای مساوی با بازی با سرنوشت چندین نسل است، و هیچ عاقلی حاضر نیست با سرنوشت خود بازی کند یا دیگران او را مورد آزمایش قرار دهند تا از او بهره‌مند شوند. به عنوان مثال، در مسئله حتمی بودن معاد و آثار عملی مهم آن که در زندگی روزمره انسان نقشی اساسی دارد، باید به عقل و وحی استناد نمود تا از تکیه گاهی محکم و استوار برخوردار باشد.

فصل ۵: جایگاه ویژه علوم تاریخ در مجموعه علوم انسانی

تاریخ مجموعه‌ای از تجربیات گران‌بها و ارزشمند است که می‌تواند مورد مطالعه جدی قرار گیرد. تکرار حوادث مشابه در تاریخ برای ما امکان کشف علل و معلولات را فراهم می‌نماید، و با فراهم آمدن تمام شرایط لازم برای تحقیق و بررسی علمی، بسیاری از مسایل علم تاریخ - هر چند در حوزه علوم انسانی قرار می‌گیرند - رنگی تجربی پیدا نموده و برزخی را میان علوم نظری محض و علوم تجربی تشکیل می‌دهند.

ولی تمام مسایل علوم تاریخ نمی‌تواند در حوزه علوم تجربی مورد مطالعه قرار گیرد یا به حساب علوم تجربی گذاشته شود. و در صورت استفاده علوم تاریخی از عقل و وحی در کنار تجربیات بشری که منبع و سرچشمه اطلاعات تاریخی به شمار می‌روند، می‌توان گفت: علوم تاریخ در مجموعه علوم انسانی بر بسیاری از علوم نظری انسانی تقدّم داشته، و از این نظر یک سر و گردن بالاتر بوده، زیرا همراه با تجربیاتی گران‌بها بوده و به همین خاطر تأثیر بسیار زیادی بر مخاطبین خود داشته است. کسانی که با علوم تاریخی سروکار داشته و دارند، علاوه بر گذشته‌نگری، از آینده‌نگری بسیار خوبی برخوردار می‌باشند و بیش از فلاسفه و متکلمان و فقیهان می‌توانند به درون عقول و نفوس مردم نفوذ کنند.

جایگاه علوم تاریخ در قرآن کریم

چنانچه تاریخ را موضوع مشترک «علم تاریخ نقلی» و «علم تاریخ تحلیلی» و «علم فلسفه تاریخ» دانسته و به سراغ مطالب این سه علم در قرآن برویم به روشنی مشاهده خواهیم کرد که بیش از یک سوم قرآن به علوم تاریخ مرتبط می‌باشد و در واقع می‌توان گفت تمام آیات قرآن منبعی تاریخی برای عصر نزول قرآن به شمار می‌رود.

ضمن این که آیات فراوانی نیز درباره ضرورت توجه به تاریخ و بهره‌برداری بهینه از آن در قرآن کریم آمده است.

قرآن کریم عمده جوامع بشری و حرکت‌های سالم و انحرافی آن جوامع، و مسیر تکاملی یا نزولی آن‌ها را مورد توجه قرار داده، و با پرداختن به تاریخ انسانیت و جهان، از بیان آن چه برای جوامع آینده می‌تواند مفید باشد دریغ نکرده، و پس از بحث‌های معاد و توحید و نبوت، بیش‌ترین و مهم‌ترین بحث‌های زندگی ساز را بحث‌های تاریخی عنوان کرده‌است. به همین دلیل می‌توان به سراغ قرآن رفت و روش تعامل قرآن با تاریخ را به دست آورد و آن را در علوم زندگی ساز خود مورد بهره‌برداری قرار داد.

فصل ۶: برنامه ریزی برای بیگانگی با تاریخ‌شناسی و تاریخ‌گرایی

تاریخ یک جامعه، نشان‌گر عمق و گستردگی ریشه‌های فکری و فرهنگی و انسانی آن جامعه می‌باشد.

یک جامعه ریشه دار با یک جامعه نوپا و بی ریشه بسیار متفاوت می‌باشد، و اصالت فرهنگی و اجتماعی یک ملت مایه قوت و قدرت آن جامعه و ملت است.

قرآن کریم جامعه ایمانی را جامعه‌ای ریشه دار و قوی بنیة معرفی نموده و ایمان را سر آغاز حرکت اجتماعی اولین جامعه بشری می‌داند و از مؤمنین انتظار مبارزه همه جانبه و گسترده با جریان‌های انحرافی دارد و برای آن شواهد گوناگون تاریخی ذکر می‌کند.

اما از سوی دیگر، تلاش‌های برنامه‌ریزان فرهنگی در جوامع اسلامی تحت تأثیر بیگانگان قرار گرفته، و آن‌ها در صدد ایجاد بیگانگی جدی مسلمانان با تاریخ خود و به حاشیه‌راندن آن بوده و هستند. این تلاش‌ها بسیار پرمعنا بوده و مسلمانان خود را در معرض توطئه‌ای استعماری برای ایجاد بیگانگی آن‌ها با ریشه‌های فرهنگی و تاریخی خود می‌بینند.

این توطئه درجوامعی دیگر نیز مطرح بوده و تا حدودی توانسته است بیگانگی، بحران هویت مسخ فرهنگی را به وجود آورد.

این توطئه حساب شده بسیار جدی است و اهداف استعماری بلندی را تأمین می‌کند.

فصل ۷: راه کارهای بررسی روش تعامل قرآن و تاریخ

ضرورت بررسی راه کارها و روش تعامل قرآن کریم با تاریخ

قرآن کریم برای تاریخ‌شناسی اهمیتی فراوان قایل شده است و انسان‌ها را به بهره‌برداری بهینه و بایسته از تاریخ در زمینه تربیت و ایجاد تحوّل در جوامع بشری فراخوانده است، و این مطلب ما را وامی‌دارد تا برای قرآن کریم روشی ویژه در تعامل با تاریخ قایل باشیم، زیرا امکان ندارد که قرآن کریم با این میزان اهمیت که برای تاریخ قایل است، روش صحیح برای تعامل و بهره‌برداری از آن نداشته باشد.

خطوط کلی این روش را می‌توان از طریق شیوه‌های مطرح نمودن تاریخ و بسترهای گوناگونی که تاریخ در آن بسترها مطرح شده است، دریافت.

با توجه به روش ویژه قرآن که در طول قرن‌های گذشته آثار و برکات آن در ایجاد تحول در افراد و جوامع بشری مشاهده می‌شود، لزوم بررسی، مطالعه و کشف تمام اصول این روش تعامل روشن می‌گردد.

کسی که رسالت تاریخ را در ایجاد تحوّل به روشنی مشاهده می‌کند نمی‌تواند نسبت به بررسی روش و منهج تعامل با تاریخ بی‌تفاوت باشد، بلکه برخورد لازم می‌داند یکی از اولویت‌های علمی خود را پرداختن به تاریخ و منهج تعامل با آن قرار دهد.

تلاش‌های محققان در جهت کشف روش تعامل قرآن با تاریخ

گرچه بسیاری معتقدند ابن خلدون اولین کسی است که به فلسفه تاریخ توجه نموده و به تاریخ رنگی علمی و فلسفی داده است، اما با مراجعه به آیات قرآن و روایات وارده پیرامون آن‌ها - که از پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصومین علیهم‌السلام به ما رسیده است - و تلاش‌های فراوان اصحاب و پیروان ائمه اطهار که زمینه تدوین و بهره‌برداری از تاریخ اسلام را فراهم نموده، در می‌یابیم که امامان ما رسالت تاریخ را به خوبی دریافته و یک خطمشی علمی و یک جریان اساسی در جامعه مسلمان به وجود آورده‌اند، تا در برابر جریان تحریف تاریخ - توسط خلفا یا سردمداران منع تدوین سنت - ایستادگی نماید. بر خلاف اهل سنت که عمدتاً خود را از ریشه‌های تاریخی خود بریده می‌بینند، شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت با وجود سختی‌ها و فشارهای بسیار، خود را در طول قرن‌ها از این آسیب حفظ نموده و توانسته‌اند منشأ تحولاتی گسترده در جهان باشند.

اخیراً عده‌ای از دانشمندان غیر شیعه به این واقعیت پی برده و خواستار حرکتی جدی در زمینه بازنویسی تاریخ به روایت و بینش دیگر شده‌اند، اما دیگر دیر شده است، زیرا کتاب‌های تاریخ تدوین

شده است و نمی‌توان آن‌ها را از درون کتابخانه‌ها و وجدان دانشمندان و محققان بیرون آورد، و هرچه نوشته می‌شود ریشه آن باید به همان منابع برگردد، و گرنه حرکتی سطحی و گذرا خواهد بود. البته این سخن به این معنا نیست که هرچه در منابع تاریخی اسلامی اعم از کتاب‌های سیره و حدیث و تفسیر و تاریخ آمده است نشان‌گر تمام واقعیت‌های تاریخی است و هیچ‌گونه تحریفی در آن‌ها رخ نداده است، بلکه نشان‌گر عمق جریان تاریخ‌نگری و تاریخ‌گرایی است که ریشه‌های اصلی آن را قرآن کریم به وجود آورده و امامان معصوم آن را تقویت نموده‌اند.

بر خلاف آنچه تصور می‌شود که انسان‌های تاریخ‌گرا، همیشه در گذشته زندگی می‌کنند و از مسایل روز و آینده بیگانه‌اند، باید گفت دقیقاً خلاف این ادعا صحیح است؛ یعنی انسان‌های تاریخ‌نگر و تاریخ‌گرا، همیشه می‌توانند فراتر از زمان خود حرکت کنند، و به همین خاطر باید جریان تاریخ‌گرایی و تاریخ‌نگری را در کلیه رشته‌های علمی حیاتی تازه بخشید و آن‌را به گونه‌ای فعال‌تر و قوی‌تر مطرح نمود تا بتوان به سوی آینده‌ای روشن حرکت کرد.



الگوهای اعتمادساز در روابط بین‌المللی باتأکید بر کشورهای اسلامی خلیج فارس

مرتضی شیرودی*

چکیده

در چند دهه اخیر اقدام‌های متعددی جهت افزایش اعتماد، کاهش سوءظن و ایجاد ارتباط مناسب‌تر در حوزه‌های تنش‌زای جهان صورت گرفته است. این اقدام‌ها در آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، اروپا، آسیا، آفریقا و هم‌چنین بین آرژانتین و برزیل، نتایج مثبتی داشته است، اما چنان‌چه بخواهیم مدل‌ها و الگوهای اعتمادسازی را در منطقه خلیج فارس، به عنوان بخشی از جهان اسلام، به اجرا درآوریم، و سپس آن‌ها را به سایر مناطق و کشورهای اسلامی تعمیم دهیم، باید از چه الگوها و مدل‌های اعتمادساز بهره‌مند شویم؟ پاسخ به این سؤال را بی می‌گیریم:

کلیدواژه‌ها: الگوهای اعتمادسازی، خلیج فارس، صلح، امنیت، اقتصاد، منابع، سازمان، محیط، نفت، دریا، هوا، حقوق.

مقدمه

پاسخ اجمالی به سؤال مذکور عبارت است از: پیروی و اجرای مدل‌ها و الگوهای اعتمادسازی از سوی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس در زمینه امنیت، صلح، تجارت، پول، سرمایه‌گذاری، منابع استراتژیک، امور اجتماعی اقتصادی، مسائل زیست‌محیطی، نفت، موردیابی، هوانوردی و حقوق بشر. البته با توجه به وجوه مشترک فراوانی که در بین شیخ‌نشین‌های منطقه خلیج فارس با کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد، می‌توان از تجربه کشورهای این منطقه برای سایر مناطق جهان اسلام بهره گرفت.

* عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات اسلامی و مدرس دانشگاه.

امنیت

اولین و مهم‌ترین تصور بین‌المللی از الگوی اعتمادسازی پس از کنفرانس امنیت و همکاری اروپا شکل گرفت. مطابق مفادی که در آخرین موافقت‌نامه این کنفرانس در هلسینکی راجع به حل و فصل اختلاف به امضا رسید، کشورهای امضاکننده برای دستیابی به یک راه حل مسالمت‌آمیز سریع و عادلانه برای رفع اختلافات موجود بین خود، بر اساس حقوق بین‌الملل از طریق روش‌هایی مانند مذاکره، تحقیق، میانجی‌گری، سازش، داوری، حل و فصل و غیره توافق نمودند. اگر طرفین درگیر، طی یک مدت زمان معقولی نتوانند اختلاف خود را از طریق مشورت و مذاکره مستقیم، حل و فصل نمایند، هر یک از آنها می‌تواند ضمن ابلاغ به طرف مقابل، ایجاد یکی از سازوکارهای حل و فصل اختلاف را تقاضا نماید. (برژینسکی، ۱۳۶۹، ص ۱۵۰-۱۴۲).

این راه کار بعد از تأسیس، به جمع‌آوری اصلاحات و نظرات از طرفین اختلاف خواهد پرداخت، تا آنجا که بتواند طرفین اختلاف را در تشخیص روش‌های مناسب برای حل و فصل اختلاف کمک نماید. سازوکار ممکن است نظرات یا توصیه‌های کلی یا ویژه‌ای ارائه کند که مربوط به شروع یا از سرگیری روند مذاکرات میان طرفین اختلاف، یا به کارگیری هر یک از روش‌های دیگر حل و فصل اختلاف با توجه به شرایط آن اختلاف یا هر جنبه‌ای از جانب چنین روشی باشد. در موردی که یک اختلاف، صلح، امنیت و ثبات میان کشورهای امضاکننده کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را تهدید نماید، هر یک از طرفین اختلاف می‌توانند آن را نزد کمیته مسئولان ارشد مطرح کنند. این مسئله لطمه‌ای به حق هر یک از کشورهای امضاکننده برای طرح موضوع در درون فرایند این کنفرانس نخواهد زد. (پیشین)

این سازمان در ابتدا به خاطر اخطار به موقع و سریع، جلوگیری از منازعه، مدیریت بحران و به حالت اول برگرداندن اوضاع پس از جنگ و منازعه در فصل هشتم منشور سازمان ملل متحد، تأسیس گردید. ره‌یافت و عملکرد این سازمان جهت امنیت از طریق مشارکت و همکاری میسر می‌گردد. در این سازمان محدوده بسیار وسیعی از مسایل مربوط به امنیت هم‌چون کنترل تسلیحات، دیپلماسی پیشگیری‌کننده، اعتمادسازی و اقدامات امنیت‌ساز، حقوق بشر، و امنیت اقتصادی و محیط زیست، مدنظر قرار می‌گیرد. تمامی دولت‌های عضو در این سازمان از جایگاه و موقعیت مساوی و برابر نسبت به یک‌دیگر برخوردارند و تصمیمات بر اساس توافق کشورها گرفته می‌شود. (چامسکی، ۱۳۷۵، ص ۷۳-۵۶).

نقش کلیدی این سازمان در پیشرفت و بهبود امنیت و ثبات در همه ابعاد، در کنفرانس سران در

لیسبون در سال ۱۹۹۶، مورد تأکید قرار گرفت. این کنفرانس هم‌چنین توسعه منشور سازمان امنیت اروپا که در کنفرانس سران در استامبول در سال ۱۹۹۹، مورد تأیید قرار گرفت را پیش بینی نموده بود. منشور سازمان، تعهدات موجود و تعهد سازمان امنیت و همکاری اروپا و اسناد و وسایل قابل دسترسی آن‌ها را برای غلبه بر مشکلات بین‌المللی، و به خصوص خنثی‌کردن منازعات داخلی و بحران‌ها هم‌چون مسایل غیرقابل حل اقلیت‌ها یا فقدان دموکراسی تقویت می‌نماید.

تبدیل سازمان امنیت و همکاری اروپا از یک مجمع صرفاً مذاکره‌کننده به یک سازمان اقدام‌کننده و هدایت‌کننده، به خاطر منشور این سازمان است که ایجاد تیم‌های همکاری و مساعدت سریع در سیستم کشورهای این سازمان را مورد تأکید قرار داده است. این سازمان به عنوان اهداف ثانویه خود در نظر دارد میان تمامی مؤسسات و سازمان‌هایی که برای امنیت و ثبات در محدوده این سازمان فعالیت می‌نمایند، هماهنگی و همکاری به وجود آورد. (برژینسکی، پیشین).

سازمان امنیت و همکاری اروپا هم‌چنین چارچوبی برای کنترل تسلیحات متعارف و اقدامات اعتمادسازی در نظر گرفته است. در توافق وین (۱۹۹۹) کشورهای عضو متعهد شده بودند در مورد فعالیت‌های نظامی خود شفافیت داشته باشند. این دولت‌ها هم‌چنین اصولی را جهت راهنمایی نقش نیروهای مسلح در جوامع دموکراتیک تصویب نمودند. تمامی این مطالب گستردگی و وسعت حوزه عمل این سازمان را نشان می‌دهد؛ سازمانی که به راحتی توانسته حتی در آسیای مرکزی نیز برای خود جا باز نماید. (www.persiangufffestival.com)

کشورهای عضو همکاری خلیج فارس می‌توانند سازمان امنیت و همکاری در منطقه خلیج فارس را ترتیب دهند. همان‌طور که سازمان امنیت و همکاری اروپا به خاطر اخطار به موقع و سریع، جلوگیری از منازعه، مدیریت بحران و به حالت اول برگرداندن اوضاع پس از جنگ و منازعه، تأسیس شده است، کشورهای این منطقه نیز محتاج همکاری و مشارکت در این امور هستند. جلوگیری از منازعه، از خسارت‌ها و تخریب‌های فراوان ناشی از جنگ در منطقه جلوگیری می‌نماید. در طول یک دهه اخیر دو جنگ در منطقه خلیج فارس اتفاق افتاد که در صورت وجود چنین سازمانی شاید اوضاع سریع‌تر به دوران قبل از جنگ برگردانده می‌شد.

کنترل تسلیحات و حقوق بشر از دیگر مواردی است که امکان همکاری میان کشورهای منطقه را فراهم می‌آورد. از آن‌جایی که تمامی کشورهای خلیج فارس مسلمان هستند، به راحتی در چارچوب چنین الگویی می‌توانند مسایل حقوق بشر را تحلیل و بررسی نمایند. امنیت اقتصادی و محیط زیست که در این الگو جایگاه خاص خود را دارد، نقش به‌سزایی در اعتمادسازی منطقه‌ای ایفا خواهد کرد. خلیج فارس به عنوان مهم‌ترین منطقه محیط زیستی مشترک در میان کشورهای منطقه، یک

همکاری مشترک را از طرف تمامی کشورهای منطقه می‌طلبد. چنین سازمانی با تقلید از الگوی امنیتی اروپا می‌تواند در پایتخت‌های کشورهای عضو دفاتری باز نماید تا به طور مرتب این دفاتر در ارتباط با یکدیگر باشند.

در سازمان امنیت و همکاری اروپا کشورهای عضو متعهد هستند در مورد فعالیت‌های نظامی خود شفافیت داشته باشند. چنان‌چه کشورهای منطقه خلیج فارس نیز چنین تعهدی را در چارچوب الگویی مشابه بپذیرند، به طور قطع اعتماد جای‌گزین بدبینی موجود در منطقه خواهد شد. (چامسکی، پیشین).

صلح

نیروهای حافظ صلح بین‌الملل که تا کنون عملیات متعدد و گسترده‌ای داشته‌اند، تعریف و مفهوم خاصی دارند. مهم‌ترین مفهوم آن، عبارت است از واحدهای نسبتاً بزرگ نظامی که هدف آن‌ها کمک به صلح از طریق حضور در صحنه مخاصمه می‌باشد. آن‌ها معمولاً به عنوان نیروی حایل میان ارتش‌های مخالف عمل می‌نمایند. نظارت بر صلح نیز متضمن نیروهایی کوچک‌تر از نیروهای حافظ صلح است که هدف آن‌ها نیز اساساً همان هدف نیروهای بزرگ‌تر است. هدف از تأسیس نیروهای حافظ صلح بین‌المللی یا منطقه‌ای، کمک به حفظ صلح و امنیت منطقه مورد نظر است. هدف خاص این نیروها ایجاد جوی حتی‌المقدور با ثبات و عاری از تنش است تا مقاماتی که در صدد برقراری صلح می‌باشند، بهتر بتوانند مسایل را بررسی نموده و راه حلی را که به صلح پایدار ختم می‌شود، پیدا نمایند. (پیچی، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷-۱۲۴).

در منطقه خلیج فارس می‌توان نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای را با مذاکرات رهبران این کشورها به وجود آورد. این تشکیلات که از نیروهای نظامی و یا متخصصان غیرنظامی کشورها تشکیل می‌شود، می‌تواند در هنگام بروز درگیری میان دو کشور، نیروهایی را که وظیفه‌شان حفظ صلح است به مناطق مورد نظر بفرستد. این نیروها در سطح منطقه وظایفی را به عهده خواهند داشت که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از:

- نظارت بر آتش بس؛

- کنترل مرزها؛

- نظارت و مراقبت در مورد خروج و عقب نشینی نیروها؛

- حائل شدن میان نیروهای متخاصم.

ریاست این نیروها می‌تواند از راه‌های مختلف انتخاب شود، اما مهم‌ترین اصل در تشکیل نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای در منطقه خلیج فارس رضایت کلیه دولت‌های منطقه از تأسیس چنین

نیروهایی می‌باشد. از سوی دیگر، بی‌طرفی نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای نسبت به همه کشورهای منطقه از مهم‌ترین عوامل موفقیت این نیروها خواهد بود. نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای، هیچ‌گاه نباید به یک طرف مخاصمه متمایل گردند، وگرنه هیچ نوع تأثیری نخواهند گذاشت. از آنجایی که نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای از نیروهای نظامی خود این کشورها تشکیل شده است، جانب‌داری و یا سرزدن عملی که حمل بر جانب‌داری از یکی از طرفین شود، وضعیت سیاسی منطقه را برهم می‌زند و ممکن است آتش اختلافات شعله‌ورتر گردد. به این ترتیب، این نیروها خود تبدیل به بخشی از منازعه‌ای خواهند شد که جهت کنترل آن اعزام گردیده‌اند. (شایگان، ۱۳۷۸، ص ۹۶-۸۴).

بدون وجود پشتوانه مالی، اجرای عملیات حفظ صلح غیرممکن است. باید در ابتدا تمامی کشورهای عضو این سازمان در مورد چگونگی پرداخت سهمیه خود، به توافق برسند، وگرنه اختلافات در مورد چگونگی پرداخت این هزینه‌ها، تشکیلات را متلاشی خواهد ساخت. معمولاً روند پرداخت هزینه چنین نیروهایی بر اساس سهمیه‌بندی میان تمامی کشورهای عضو می‌باشد. نکته بسیار مهم در مورد نیروهای حافظ صلح چه در سطح منطقه و چه در سطح بین‌المللی این است که عملیات حفظ صلح یک استراتژی جهت حل درگیری نیست، بلکه این سازوکار در جهت کمک به دستیابی به برقراری صلح عمل می‌نماید. (www.persiangufoline.org)

چنانچه نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای در خلیج فارس بخواهد موفق عمل نماید باید با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف، با حفظ ماهیت مسالمت‌آمیز نیروها و تأمین نظرات همه دولت‌های عضو و همچنین دولت‌های میزبان، از خود قابلیت انطباق و انعطاف‌پذیری نشان دهد. وجود نیروهای حافظ صلح منطقه‌ای در خلیج فارس حتی اگر حضوری نمادین هم داشته باشد، نمایانگر اراده کشورهای منطقه در حفظ امنیت و ثبات منطقه به دست خود کشورهای منطقه می‌باشد. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۲-۹۴).

اقتصاد

می‌توان ادعا کرد که در دنیا، الگوهای اعتمادسازی در زمینه تجارت، پول و سرمایه‌گذاری و به طور کلی در زمینه اقتصادی فراوان‌تر و پایاتر از اعتمادسازی امنیتی و نظامی می‌باشد، زیرا همکاری و هم‌گرایی در زمینه‌های اقتصادی آسیب‌پذیری کم‌تری دارند. روابط بین کشورها بیان‌گر این است که کشورها کمتر به مبادله اطلاعات در زمینه امنیت پرداخته‌اند، حال آن‌که بسیاری از کشورهای متخاصم روابط تجاری، مالی و سرمایه‌گذاری را قطع نکرده‌اند. به عنوان مثال، دو کشور ایران و عراق در مورد امنیت از خود همکاری نشان نداده‌اند، ولی هم‌چنان به روابط اقتصادی مسالمت‌آمیز

ادامه می‌دهند. یا مثلاً در طول جنگ سرد، آمریکا به دشمن خود، روسیه، گندم می‌فروخت، ولی از آرایه اطلاعات اولیه در مورد سلاح‌های خود مگر در چارچوب پیمان‌های منعقدۀ خودداری می‌کرد. (لارسون و اسکیدمور، ۱۳۷۶، ص ۲۴۳-۲۳۱).

در طول تاریخ، تجارت بین ملت‌ها، موجب همکاری شده و نفع دولت‌ها در این بوده است که با یکدیگر وارد پیمان‌های تجاری شوند. در واقع عرضه و تقاضای نوعی الگوی اعتمادسازی مالی را فراهم آورده است. پس از جنگ جهانی دوم و مذاکرات برتون وودز و به دنبال مشکلات اقتصادی که گریبان‌گر کشورها شده بود، الگوهای همکاری مالی و پولی در چارچوب صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به عنوان مهم‌ترین نهاد سرمایه‌گذاری و پولی ایجاد شد. صندوق بین‌المللی پول اهدافی را از جمله افزایش همکاری‌های پولی از طریق این نهاد بین‌المللی با تشریک مساعی کشورها دنبال می‌کرد. هم‌چنین در نظر داشت تا راه را برای رشد تجارت بین‌المللی هموار نماید تا از این طریق به ایجاد اشتغال، درآمد بیشتر و توسعه و در نهایت، ثبات کشورها کمک نماید. البته این هدف در مورد کشورهای مسلمان تحقق نیافته است. منابع صندوق بین‌المللی پول از سهمیه کشورهای عضو می‌باشد. در حال حاضر بیش‌ترین سرمایه‌گذار در این صندوق، پس از آمریکا، عربستان سعودی است.

یکی از مهم‌ترین راه کارهای موجود برای ایجاد اعتماد و همکاری بیش‌تر میان کشورهای خلیج فارس، ایجاد صندوقی است که کشورهای منطقه بتوانند در آن سرمایه‌گذاری کرده و از وام‌های آن استفاده نمایند. کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از ثروت‌مندترین کشورها، دست‌کم در سطح آسیا، می‌باشند و به راحتی برای‌شان امکان سرمایه‌گذاری وجود دارد. از آنجایی که کشورهای منطقه خلیج فارس ادعا می‌کنند که همگی به سمت صنعتی‌شدن در حال حرکت می‌باشند، و احتیاج مبرمی به سرمایه‌گذاری و دریافت وام دارند، ایجاد صندوقی همانند صندوق بین‌المللی پول پایه‌گذار همکاری بیش‌تر و در نهایت اعتماد بیش‌تر میان آنان خواهد بود. (پیشین).

علاوه بر صندوق بین‌المللی پول، الگوهای همکاری مالی و پولی و تجاری دیگری نظیر بانک نوسازی و توسعه، گات و سپس سازمان تجارت جهانی در سطح کلان آغاز گردید. این الگوهای اعتمادسازی از سطح کلان به سطح خرد سرایت کرده تا سرانجام نفتا، اتحادیه اروپا، سازمان اقتصادی اروپا و آسه آن و غیره ایجاد شدند، که از این میان، سازمان اقتصادی اروپا هم یک الگو تلقی می‌گردد. هرچند که این سازمان با هدف توزیع کمک‌های آمریکا ایجاد گردید، ولی فعالیت‌های اصلی آن در جهت توسعه روابط اقتصادی کشورهای اروپایی، آزادی مبادلات، بالا رفتن سطح تولید، هماهنگی طرح‌های مربوط به برنامه‌ریزی اقتصادی ملی قرار دارد. البته اختلاف نظام‌های سیاسی و تفاوت میزان توسعه اقتصادی و تضاد منافع موجود، مانع از آن بود که مشکلات به آسانی حل گردد.

بند «ج» ماده ۱۰ معاهده، برای شورای این سازمان این امکان را پیش بینی نموده بود که بتواند کمیته با سازمان ارگانی را که ضروری می‌دانست، تأسیس کند. (www.mihanam.com)

شورا هم با استفاده از این اختیار، کمیته‌های بسیاری به وجود آورد که از این میان می‌توان به کمیته‌های فنی اشاره نمود. در سال ۱۹۵۰ کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اروپایی با امضای موافقت‌نامه‌ای اتحادیه اروپایی پرداخت‌ها را به وجود آوردند که دو وظیفه را بر عهده داشت: یکی فراهم ساختن زمینه پرداخت جمعی و دیون کشورهای عضو و دیگری تضمین اعطای بدون تشریفات اعتبارات به کشورهایی که کسری بودجه داشتند. در قلمرو این سازمان، نهادهای دیگری مثل آژانس اروپایی تولید و آژانس اروپایی انرژی هسته‌ای نیز ایجاد گردید. با این وصف، سازمان همکاری اقتصادی اروپایی مصمم بود میان اعضای خود یک منطقه مبادله آزاد ایجاد نماید که این تلاش با ظهور جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۵۸ که از شش کشور از کشورهای عضو سازمان تشکیل شده بود، عقیم ماند و راه به جایی نبرد. (دانیلز و رادیو، ۱۳۷۷، ص ۶۴-۷۱).

با تصویربرداری از این الگوها می‌توان الگوهای مناسبی را با توجه به نیازهای بومی در منطقه خلیج فارس طراحی نمود تا به کشورهای منطقه در جهت پیشبرد برنامه‌هایی که برای تجدید حیات اقتصادی خود طرح‌ریزی می‌نمایند، کمک نماید. جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند در مناسبات حوزه خلیج فارس مشارکت نموده و از لحاظ تجاری، مالی، پولی و با سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی اعتمادسازی کند. هنگامی که کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله ایران این اطمینان را داشته باشند که سیاست‌های تجاری، مالی و پولی یک جانبه دیگر تهدیدی برای اقتصاد منطقه نیست در واقع هدف اعتمادسازی مبتنی بر اقتصاد تحقق یافته است. (www.persian-gulf.info).

منابع

در تعدادی از معاهدات چندجانبه منطقه‌ای در مورد مدیریت مشترک منابع، موادی درباره حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات می‌توان پیدا نمود. از این رو، موافقت‌نامه ۱۹۶۳ راجع به کشتیرانی و همکاری‌های اقتصادی حوزه رود نیجر پیش‌بینی می‌کند که هر اختلافی بین کشورهای حوزه رود نیجر در مورد تفسیر یا اجرای موافقت‌نامه بروز نماید، باید به صورت دوستانه و از طریق مستقیم بین آن‌ها، یا از طریق سازمان‌های بین‌الدول پیش‌بینی شده در این موافقت‌نامه، حل و فصل شود. در صورت شکست چنین حل و فصلی، اختلاف باید توسط داوری، به خصوص کمیسیون میانجی‌گری، سازش و داوری سازمان وحدت آفریقا، یا از طریق حل و فصل قضایی توسط دیوان بین‌المللی دادگستری، حل و فصل شود.

کنونسیون ۱۹۵۶ راجع به کانال کشی از رود موصل و پروتکل ۱۹۶۱ راجع به جلوگیری از آلودگی رود موصل، مذاکرات مستقیم را پیش‌بینی می‌کند. در صورت شکست مذاکرات، این کنوانسیون، داوری را همراه با یک رشته موادی که این روش را تنظیم می‌کند، پیش‌بینی می‌نماید. این مفاد دربرگیرنده یک روش ویژه برای موارد ضروری و فوری نیز می‌باشد. (بدیع، ۱۳۷۶، ص ۲۵۴-۲۵۶).

کشورهای حوزه خلیج فارس که نقش ویژه‌ای در تأمین نفت و گاز جهان دارند، می‌توانند با ایجاد چارچوبی مناسب برای توسعه و بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گازی که در مرزهای مشترک آنان قرار دارد، در جهت اعتمادسازی قدم بسیار مفیدی بردارند. سیاست شرکت‌های نفتی از گذشته این بوده که با به کارگیری اهرم‌های سیاسی و عنوان کردن پیشنهادهای ضد و نقیض، در عمل کشورهای منطقه را رودرروی یک‌دیگر قرار دهند. با بهره‌برداری مشترک از نفت و گاز، به طور کلی رقابت کشورهای منطقه برای یافتن بازار مناسب تا حدود زیادی کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، توافق برای بهره‌برداری مشترک از یک حوزه نفتی، امکان سرمایه‌گذاری توسط مؤسسات و شرکت‌های بین‌المللی در نفت و گاز را افزایش می‌دهد و توجه کشورهای علاقه‌مند نیز، برای سرمایه‌گذاری در این حوزه گسترش می‌یابد. (پیشین).

یکی از جنبه‌های مثبت همکاری و هم‌گرایی برای توسعه منابع مرزی مشترک، به کارگیری امکانات و خدمات داخلی و تخصص‌ها برای بهره‌برداری اقتصادی منابع در منطقه می‌باشد که می‌توان از این تخصص‌ها و امکانات در جهت طرح‌های مشترک استفاده نمود. همکاری در طرح‌های مشترک می‌تواند از توانایی‌های عنوان شده حداکثر استفاده را بنماید و بهره‌برداری از منابع را با هزینه‌های کمتر و با به کارگیری منابع مالی و انسانی در مدت زمان کمتر به انجام برساند.

اعتمادسازی در زمینه منابع استراتژیک می‌تواند شروع همکاری‌های اقتصادی خوبی را در زمینه نفت و گاز که سرنوشت همه کشورهای خلیج فارس به آن وابسته است فراهم آورد. نتیجه این امر می‌تواند از یک سو، باعث سرازیری سرمایه‌های لازم به این منطقه باشد، و از سوی دیگر، می‌تواند عامل بالقوه‌ای برای صلح و ثبات منطقه و پایه‌گذار روابط نزدیک‌تری در دیگر موارد مورد علاقه کشورهای خلیج فارس به حساب آید. (مسجدجامعی، ۱۳۶۹، ص ۵۶-۶۴).

سازمان

مفهوم تحصیل به عنوان یکی از جنبه‌های حقوق بشر، امروزه بسیار مورد توجه و پذیرش است. این توجه، به خصوص بعد از بیانیه جهانی سازمان ملل متحد در مورد تحصیل برای همه که در سال ۱۹۹۰ تصویب گردید، دو چندان شد. تحصیل، جوانان، بهداشت و... از مهم‌ترین اهداف مورد نظر

سازمان ملل متحد می‌باشد. کمیسیون‌های اجتماعی و اقتصادی آسیا و اقیانوسیه در سازمان ملل متحد برای حل مشکلات مربوط به تحصیلات، نابود کردن فقر، رفع نیازهای اقتصادی و بازسازی اجتماعی تأسیس گردید. امروزه «اسکاپ» اصلی‌ترین سازمان در مورد فعالیت‌های سازمان ملل متحد در منطقه آسیا - اقیانوسیه می‌باشد. در حال حاضر ۵۱ دولت، عضو اسکاپ می‌باشند که در حدود ۶۰٪ از جمعیت جهان، یعنی جمعیتی معادل ۳ میلیارد و نیم از مردم کره خاکی، را شامل می‌شود.

ژاپن، استرالیا، جمهوری کره، سنگاپور، تایلند، اندونزی، مالزی، هنگ کنگ، کشورهای آسیای مرکزی، ۱۹ کشور جزیره‌ای اقیانوسیه، چین و... همگی عضو اسکاپ می‌باشند. کوچک‌ترین کشور در اسکاپ کشور نیو با جمعی در حدود ۲۰۰۰ نفر و بزرگ‌ترین عضو، کشور چین با جمعیتی بالغ بر ۱/۲ میلیارد نفر می‌باشد. در حال حاضر، مهم‌ترین اهداف و فعالیت‌های اسکاپ عبارت است از: کاستن فقر روستایی در آسیا - اقیانوسیه، کمک به کاهش استفاده نادرست از داروها و مواد مخدر و آیدز، حفاظت از محیط زیست، توسعه جوامع، حفاظت از فیل‌های آسیایی، هم‌گرایی صنعتی و تکنولوژی، و ایجاد یک خط خوب ارتباطی حمل و نقل میان کشورهای آسیا و پاسفیک.

(www.bashgah.net)

اسکاپ در این موارد تا کنون چندین کنفرانس برگزار کرده است. این سازمان در سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۵ و ۱۹۹۵ سه کنفرانس در مورد حفاظت از محیط زیست برپا نموده است. در کنفرانس (۱۹۹۰) کشورهای عضو اسکاپ تصویب نمودند که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ طرح عملیاتی منطقه‌ای جهت همکاری منطقه‌ای برای تقویت توانایی ملتها در مسیر توسعه پایدار را اجرا نمایند. یکی دیگر از مواردی که کشورهای اسکاپ به آن خیلی اهمیت می‌دهند و بیش‌تر از هر پروژه دیگری به آن پرداخته می‌شود، پروژه‌های راه آهن و بزرگ‌راه‌ها در میان کشورهای عضو جهت تقویت همکاری در منطقه می‌باشد. برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ پروژه یک بزرگ‌راه از سایگون تا مرزهای ترکیه مورد بررسی قرار گرفت. (مک‌لگان و نل، ۱۳۷۷، ص ۳۶-۲۴).

ارکان اسکاپ عبارت است از:

- بخش تجزیه و تحلیل سیاسی و توسعه تحقیقات؛
- بخش صنعت و تجارت بین‌المللی؛
- بخش محیط زیست و توسعه منابع طبیعی؛
- بخش توسعه اجتماعی؛
- بخش جمعیت و توسعه شهری و روستایی؛

- بخش حمل و نقل، ارتباطات، جهان‌گردی و توسعه زیربنای اقتصادی؛

- بخش آمار؛

- بخش اجرایی؛

- بخش مدیریت برنامه؛

- سرویس‌های اطلاعات رسانی به سازمان ملل متحد.

با وجود صنعتی‌شدن روزافزون کشورهای منطقه خلیج فارس هنوز بیش‌تر جمعیت این کشورها در روستاها ساکن هستند. چنان‌چه سازمانی شبیه به اسکاپ در میان کشورهای منطقه موجودیت یابد، گامی در جهت زدودن فقر روستایی در این کشورها بر خواهد داشت. هم‌گرایی صنعتی و فن‌آوری از آرزوهای کشورهای این منطقه است، اما تاکنون سازمانی که راه‌کارهایی در این مورد به کشورهای عضو ارائه دهد، وجود نداشته است. توسعه تحقیقات، صنعت و تجارت با توجه به توانایی‌های ایران در این زمینه می‌تواند راه‌گشای فضایی جدید برای این کشورها باشد. در خیلی از موارد صنعتی و تحقیقاتی، ایران توان رقابت با کشورهای خارجی را دارد، به همین جهت، از لحاظ ارزی نیز، به سود این کشورها خواهد بود که در چارچوب سازمانی شبیه به اسکاپ به همکاری با یک‌دیگر بپردازند. (پیشین).

اعزام دانشجو به دانشگاه‌های یک‌دیگر، کمک در زمینه جلوگیری از رشد ایدز در منطقه و کمک به همگانی کردن تحصیل در سطح گسترده، در قالب چنین سازمانی در منطقه، پیوندهای دوستی را عمیق‌تر کرده و گام‌های ابتدایی اعتماد به یک‌دیگر را سرعت می‌بخشد. به هر صورت، برای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس باید از یک جایی شروع کرد، و به نظر می‌رسد ایجاد چنین سازمان‌هایی امکان شروع این اقدام را به کشورهای منطقه می‌دهد. (مسجدجامعی، پیشین).

محیط

امروزه جهان اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... رابطه بسیار نزدیکی با محیط زیست دارد. ادامه حیات بشر و تمامی موجودات روی زمین اعم از جانوران، گیاهان و... به سلامت محیط زیست بستگی دارد. رشد سریع جمعیت و مصرف بیش از اندازه انرژی‌های آلوده‌کننده فسیلی، موجبات تغییرات زیادی را در محیط زیست فراهم آورده است. در قرن بیستم، این تخریب تقریباً برابر با تخریب در تمامی سال‌های قبل از آن است. به کارگیری تسلیحات، گسترش سموم، ماشینی شدن روزافزون زندگی‌ها، تخریب جنگل‌ها، بارش باران‌های اسیدی که ناشی از سوخت نفت چاه‌ها می‌باشد و... همگی تخریب محیط زیست را در پی داشته است.

هرچند طبق آمار و ارقام و در شرایط فعلی، کشورهای صنعتی با الگوهای توسعه خود، در موضوع تخریب محیط زیست مقصر به نظر می‌رسند، اما با وجود این، کشورهای رو به توسعه که سعی در تقلید از الگوهای کشورهای صنعتی دارند، نیز خطر زیادی متوجه محیط زیست می‌کنند. به عنوان مثال، امروزه در تایلند بیش‌تر از دو میلیون اتومبیل در خیابان‌ها در ترددند و این رقم سه برابر بیش‌تر از سال ۱۹۸۰ می‌باشد. در جهان سوم مجموع اتومبیل‌ها نسبت به دهه اخیر دو برابر شده است. (مندل، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰-۱۴۶).

این احساس خطر در سال ۱۹۸۹ به حدی رسید که کشورهای عضو سازمان ملل متحد اعتراف نمودند که تنها نیروی عظیمی که می‌تواند بشریت را از این بحران خطرناک روزافزون نجات دهد وحدت و یک‌پارچگی همه کشورها می‌باشد که باید بدون در نظر گرفتن فقیر یا غنی بودن آن‌ها اعمال گردد؛ زیرا همگی در قایقی هستیم که غرق شدن آن به مثابه در خطر افتادن جان همگی سرنشینان آن می‌باشد. به همین دلیل، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۹ خواستار تشکیل اجلاسی شد که در آن علاوه بر موضوعات محیط زیست، به مساعی روزافزون ملی و بین‌المللی در جهت ارتقای توسعه پایدار در همه کشورها پرداخته شود.

این اجلاس مهم‌ترین نمود همکاری بین‌المللی تمامی کشورهای جهان برای نجات محیط زیست می‌باشد. خطری که از سوختن چاه‌های نفت کویت جهان را تهدید کرد به مراتب بیش‌تر از خطر حمله عراق به کویت بود. متأسفانه کشورهای حوزه خلیج فارس (ایران، عراق، کویت، عربستان، قطر، بحرین، عمان و امارات عربی متحده) جزء اولین کشورهایی هستند که به شدت در معرض تخریب محیط زیست خود (اعم از هوا، دریا، خاک) می‌باشند. مهم‌ترین سازمانی که در سطح بین‌المللی در مورد محیط زیست فعالیت می‌کند، برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (یونپ) می‌باشد. یونپ به این دلیل تأسیس گردید که در سطح بین‌المللی، مشوق همکاری جهانیان برای حفظ تنها یک زمین باشد. در این مدت، که بیش از ۳۰ سال از تأسیس یونپ می‌گذرد، یعنی از سال ۱۹۷۲ تا به حال، این سازمان فعالیت‌های زیادی را در مورد گردآوری و ترویج اطلاعات علمی درباره مسایل محیط زیست و تدارک انعقاد قراردادهای بین‌المللی در این زمینه و نظارت بر فعالیت‌های کشورها در موارد فوق داشته است. (www.iran-e-sabz.org).

در کنفرانس ریو که یکی از مهم‌ترین کنفرانس‌ها در مورد محیط زیست است، قوانین و ضوابطی گنجانده شده است که کشورهای خلیج فارس می‌توانند برای به وجود آمدن جو اعتماد میان خود، شبیه این قوانین را در میان کشورهای عضو منطقه پیاده نمایند. نگرانی از تخریب جنگل‌ها و گسترش روزافزون کویر یکی از مواردی است که همکاری متقابل میان کشورهای منطقه را می‌طلبد.

با توجه به روند صنعتی شدن کشورهای منطقه، حفاظت از هوا و مخاطراتی که سلامت جو و هوا را به خطر می‌اندازد، همچنین حفاظت از منابع آبی موجود در این منطقه و موجودات زنده آب‌های خلیج فارس یکی دیگر از راه‌کارهایی است که امکان ایجاد همکاری میان کشورهای خلیج فارس را به وجود می‌آورد.

حفاظت از تنوع موجودات زنده خلیج فارس که بسیاری از آنان از مهم‌ترین اقلام صادراتی کشورهای منطقه می‌باشند، تلاش بسیاری را از جانب تمامی کشورهای منطقه می‌طلبد. (مجتهدزاده، ۱۳۷۲، ص ۳۰۶-۳۰۱).

با روند کنونی افزایش جمعیت و توسعه کشورها، مسایل زیست محیطی متعددی در دنیا رخ می‌دهد که ضرورت رعایت ملاحظات زیست محیطی در بهره‌برداری از منابع کره زمین در راستای توسعه پایدار را بیش از پیش روشن می‌سازد. با توجه به منابع انرژی منطقه خلیج فارس و علاقه کشورهای جهان به این منابع، بدیهی است که استفاده نادرست از این منابع و توسعه بی‌رویه این مناطق، خطر نابودی محیط زیست خلیج فارس را در پی خواهد داشت. این امر باعث می‌شود که کشورهای منطقه متحمل ضررهای جبران‌ناپذیری گردند. ضرورت رعایت ملاحظات زیست محیطی را می‌توان در واکنش‌های جهانی نسبت به این مسایل مشاهده نمود. از جمله این واکنش‌ها می‌توان به تشکیل کنفرانس انسان و محیط زیست در سال ۱۹۷۲ و نیز کنفرانس محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ اشاره کرد.

از طرف دیگر، سازمان ملل متحد برنامه‌های زیست محیطی خود را برای حفاظت از دریاهای در معرض خطر در جهان آغاز نموده است. این برنامه سبزه منطقه دریایی را دربر می‌گیرد که خلیج فارس به علت خصوصیت ویژه اکوسیستم آبی آن یکی از مناطق دریایی مهم آن است. روند جدید مطالعات زیست محیطی گویای این است که مسابقات تسلیحاتی کمتر از مشکلات زیست محیطی امنیت را به خطر انداخته است. بهترین الگوی اعتمادسازی محیطی طرح مدیترانه می‌باشد که مشکلات زیست محیطی مدیترانه را بسیار جدی تلقی نموده و دولت‌ها اقدامات اعتمادسازی سازنده‌ای را ایجاد کرده‌اند. (www.iran-nabard.com)

شایسته است کشورهای حوزه خلیج فارس نیز تصویری از این الگوها را به عنوان الگو، برداشت نمایند تا مشکلات ناشی از آلاینده‌های منطقه را مهار کنند. درک کشورهای منطقه از ضرورت حفاظت از محیط زیست شکننده خلیج فارس می‌تواند بستر مناسبی را برای تفاهم، اعتماد متقابل و همکاری‌های منطقه‌ای را فراهم آورد. اعتمادسازی در این زمینه می‌تواند با بکارگیری تجارب سایر مناطق دریایی جهان تسهیل گردد. نتیجه این اقدامات می‌تواند به بهبود مقررات همکاری‌های

منطقه‌ای، اجرایی‌تر نمودن توافقاتی‌های منطقه‌ای و همکاری‌های علمی و پژوهشی برای شناخت بهتر اکوسیستم منطقه، کمک نماید. (مجتهدزاده، همان)

نفت

اوپک مهم‌ترین سازمان بین‌المللی در رابطه با نفت است که بیش‌تر کشورهای تولیدکننده نفت جهان در آن عضو می‌باشند. گرچه سال‌ها پس از تأسیس اوپک، سازمان‌های دیگری از جمله «اوپک» یا کشورهای عربی تولیدکننده نفت نیز، تأسیس گردیدند، اما هنوز مهم‌ترین سازمان نفتی، اوپک می‌باشد. کشورهای عضو اوپک ۷۵/۹٪ کل ذخایر نفت جهان را دارا می‌باشند، و ۶۴٪ از این ذخایر در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد. در منطقه خلیج فارس از هر حلقه چاه نفت حدود ۲۵۰/۰۰۰ تن نفت در سال می‌توان استخراج کرد، در حالی که این حجم در آمریکا فقط ۱۰۰۰ تن در سال است.

از سوی دیگر، امکان کشف ذخایر نفتی جدید در منطقه خلیج فارس به مراتب بیش‌تر از هر نقطه دیگری در جهان می‌باشد. طی سال‌های اخیر، ذخیره کشورهای منطقه چنین بوده است:

- عربستان سعودی ۲۵/۲۵٪ ذخایر جهان؛

- کویت ۱۰/۱۵٪ ذخایر جهان؛

- ایران ۷/۶٪ ذخایر جهان؛

- عراق ۶/۳٪ ذخایر جهان؛

- امارات متحده عربی ۴/۷٪ ذخایر جهان. (برکشلی، ۱۳۷۸، ص ۹۴-۸۹).

این آمار نشان دهنده ارزش و اهمیت ویژه نفت برای کشورهای منطقه خلیج فارس می‌باشد. در اختیار داشتن این ماده حیاتی همکاری‌های بیش‌تری را در سطح منطقه می‌طلبد. اوپک می‌تواند الگوی قابل توجهی برای همکاری میان کشورهای منطقه در مورد نفت باشد. گرچه تعدادی از کشورهای عضو اوپک به اندازه کشورهای خلیج فارس به نفت متکی نیستند، اما آن‌ها نشان داده‌اند که داشتن منفعتی مشترک می‌تواند زمینه‌ساز همکاری‌های بسیار گسترده گردد. چنان‌چه تکان نفتی و تحریم فروش نفت کشورهای عربی به اسرائیل در اواسط دهه ۱۹۷۰ و موافقت کشورهای عضو اوپک در افزایش چند باره قیمت نفت نشان دهنده قدرت همکاری میان این کشورها است. حال چگونه می‌توان تصور کرد که کشورهایی هم‌چون عربستان، ایران، کویت و عراق که حیاتشان وابسته به نفت می‌باشد، نتوانند در میان خود سازمانی به مراتب قوی‌تر از سازمان کشورهای عربی تولیدکننده نفت به وجود آورند. حتی اگر تأسیس سازمان مورد نظر به دلایل سیاسی یا علمی

امکان‌پذیر نباشد، این کشورها می‌توانند روابط و رایزنی‌های بسیار خوبی با یک‌دیگر در مورد سیاست‌های نفتی مشترک داشته باشند. با تأسیس مؤسسه یا سازمانی که بتواند در مورد خط‌مشی نفتی کشورهای منطقه خلیج فارس به طور مشترک فعالیت نماید، و پروژه‌ها و تحقیقات علمی در این مورد را به طور مشترک میان کشورهای مورد نظر انجام دهد، می‌توان گام مؤثری در ایجاد اطمینان و اعتماد این کشورها نسبت به یک‌دیگر برداشت. (حافظ‌نیا، ۱۳۷۱، ص ۳۷-۳۴).

همان‌گونه که اوپک، باید در مورد خط‌مشی و سیاست و موقعیت خویش در جهان تجدیدنظر نماید، کشورهای خلیج فارس نیز باید نسبت به آینده و نفت خود تجدید نظر کنند. موفقیت سازمان تأسیس شده درباره نفت در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس تنها در رابطه با ایده‌آلی خواهد بود که آنان به دنبال آن می‌باشند. هنگامی این سازمان می‌تواند موفق تلقی گردد که بتواند حس اعتماد کشورهای منطقه را نسبت به آینده مشترک تقویت نماید. این سازمان باید بتواند تمامی یا بیش‌تر اختلافات مربوط به خط‌مشی قیمت‌گذاری نفت در میان کشورهای منطقه و سیاست‌های مربوط به آن را از بین برده و در این مورد هماهنگی به وجود آورد. (پیشین).

دریا

شرایط خاص منطقه‌ای خلیج فارس، استخراج و صدور نفت از این منطقه و تبخیر بالای آب و همچنین طرح‌های صنعتی متعددی که در برخی از کشورهای منطقه اجرا می‌شود، تأثیر منفی زیادی بر محیط زیست دریایی منطقه گذاشته است. حجم زیاد فعالیت‌های مربوط به اکتشافات و صادرات نفت و صنایع پتروشیمی، باعث آلودگی منطقه خلیج فارس شده است. این مسئله باعث شده است یک تهدید همیشگی برای محیط زیست دریایی در منطقه به وجود آید، به خصوص آن‌که زمینه‌های اصولی برای حفظ محیط زیست و دستیابی به یک توسعه پایدار و فن‌آوری مناسب به کلی به دست فراموشی سپرده شده است. (www.iran-awa.com).

تأسیس سازمان منطقه‌ای حفاظت از محیط زیست دریایی که به ابتکار کشورهای ساحلی منطقه شامل ایران، عراق، عربستان سعودی، امارات متحده عربی، قطر، عمان و کویت با هدف پژوهش و بررسی مسایل مربوط به محیط زیست دریایی خلیج فارس ایجاد گردید، به دلیل حوادث مختلفی تاکنون نتوانسته است به درستی به وظایف خود عمل کند. به علاوه، با وجود تلاش‌های سازمان منطقه‌ای به منظور تشویق و وادار کردن کشورهای عضو جهت تهیه طرح مقابله با حوادث اضطراری ناشی از حوادث و سوانح دریایی، نتیجه مطلوبی به دست نیامده است. همچنین، با توجه به این‌که کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها و ماده ۴۱ آن مقرر داشته است که کشورهای ساحلی مجاور تنگه

هرمز برای امنیت و سلامت کشتیرانی و حفاظت از محیط زیست دریایی خلیج فارس می‌تواند خط سیرهایی جهت رفت و آمد دریایی تعیین و برای تفکیک این تردد ترتیبی اتخاذ نمایند، اما قدرت‌های بزرگ دریایی این حقوق را نادیده گرفته‌اند و هم‌چنان مطابق خواسته‌های خود عمل می‌کنند. این امر نشان‌گر آن است که قواعد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی دارای نواقص جدی است و فاقد کارایی لازم و اعتبار حقوقی و مستحکم می‌باشد. بنابراین، ضرورت دارد کشورهای منطقه با توجه به مقررات حقوق دریاها، ضوابط مستحکم و یک‌پارچه‌ای را جهت حفاظت از محیط زیست خلیج فارس در گردهمایی‌های بین‌المللی مطرح سازند و با اجرای مطالعات کافی به منظور شناخت خصوصیات محیط منطقه‌ای خلیج فارس در زمینه‌های زیستی، شیمیایی و فیزیکی، پشتیبان یک‌دیگر باشند. البته با توجه به خساراتی که دو جنگ اخیر خلیج فارس به منابع زیست محیطی خلیج فارس وارد کرده، بررسی این تأثیرات بر روی جوامع زیستی منطقه به خوبی احساس می‌شود. (جعفری‌ولدانی، ۱۳۷۴، ص ۷۹-۸۵).

هرچند نمی‌توان انتظار داشت که تمامی مسایل مربوط به حفاظت از محیط زیست دریایی، با توجه به پیچیدگی‌های آن، حل شود، ولی می‌توان سلسله اقداماتی را در اولویت کار قرار داد و با به کارگیری راه کارهای مناسب، بر گسترش روابط کشورها، صورت عینی و عملی بخشید، زیرا حفاظت از آلودگی و تخریب دریا فقط به مرزهای ملی منتهی نمی‌شود و بدون همکاری کشورهای ساحلی، این امر امکان‌پذیر نخواهد بود.

هوا

زمانی حرکت تنها در آب و خشکی انجام می‌گرفت، و الگوها محدود به اقیانوس‌ها و خشکی‌ها می‌شد، ولی با پیدایش آتش و انقلاب صنعتی، نوع حرکت و ماهیت آن تغییر یافت. امروزه فضا جای‌گزین مطمئن‌تری برای حیات انسان پدید آورده است و روابط بین الملل وارد صحنه جدیدی شده است. به علاوه، حیات در کرات دیگر از اهداف انسان به شمار می‌آید. وجود میلیون‌ها کهکشان و میلیون‌ها خورشید در یک کهکشان با فاصله میلیون‌ها سال نوری، حس جاه‌طلبانه انسان را تحریک کرده است. کمبود منابع طبیعی، افزایش جمعیت، و وسایل زیست محیطی، نسل آینده را به کرات دیگر خواهد کشاند. نخستین الگویی که در این زمینه صرفاً به عنوان یک اقدام کوچک ولی مناسب مطرح می‌باشد، اعتمادسازی در زمینه هوانوردی و یا رژیم هوانوردی است. ابتدایی‌ترین ابزار انتقال در هوا در حال حاضر محدود به هواپیماهای باری و مسافربری، موشک‌های هوا به زمین و زمین به هوا و بالاخره ایجاد فضای بین‌المللی است، از این رو می‌توان

گفت دنیا در این زمینه وارد رژیم‌سازی شده است و باید اذعان کرد که ملت‌های حوزه خلیج فارس را می‌توان به این نگرش جدید، یعنی نگرش به فضا، به عنوان تصویری زیبا و احتمالی برای حیات این ملت‌ها پیوند زد. (پیشین).

در سال ۱۹۴۴ سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، جهت افزایش امنیت پروازها و توسعه منظم امور هواپیمایی غیرنظامی به وجود آمد. این سازمان به عنوان یک کارگزینی تخصصی در امر هواپیمایی کشوری به تهیه و تنظیم استانداردها و مقررات مورد نیاز سلامت و امنیت پروازها پرداخته، کارایی و انضباط حمل و نقل هوایی را افزایش داده و به عنوان رابطی جهت هماهنگی همه جانبه پروازهای کشورهای عضو خود عمل می‌کند. مجمع عمومی سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری که با شرکت همه اعضای این سازمان تشکیل می‌شود، بالاترین نهاد آن می‌باشد.

این مجمع، دست‌کم هر سه سال یک‌بار جهت بازنگری جزء به جزء همه برنامه‌های این سازمان تشکیل جلسه می‌دهد. نهاد اداره‌کننده ایکائو را شورای آن تشکیل می‌دهد که اعضای ۲۳ نفره آن برای یک دوره سه ساله از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. این شورا در طی دوره انتخابی خود، سه اجلاس برای استمرار هدایت کارهای ایکائو تشکیل داده است. این سازمان دارای هفت اداره منطقه‌ای در بانکوک، قاهره، داکار، لیما، مکزیکوسیتی، نایروبی و پاریس است. رئیس شورای دبیرکل ایکائو برای یک دوره سه ساله از سوی مجمع عمومی آن برگزیده می‌شود. (مسجدجامعی، پیشین).

از جمله اقدام‌های ایکائو، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- توسعه، تصویب و اصلاح استانداردهای بین‌المللی در کلیه زمینه‌های مرتبط با عملیات پرنده‌ها، تجهیزات پروازی، و لوازم خدماتی متعددی که برای پشتیبانی پروازها مورد نیاز است؛
- تهیه طرح‌های پروازی منطقه‌ای با همکاری کشورهای منطقه؛
- تهیه استانداردهای ایمنی پرواز کشورها با کمک کارشناسان آن‌ها؛
- تسهیل مقررات گمرکی و مهاجرت و تشریفات بهداشت عمومی؛
- تهیه پیش‌نویس قوانین پیمان‌های بین‌المللی پروازی (www.news.media.ac.ir).

از مجموع کشورهای منطقه خلیج فارس، سه کشور عربستان سعودی، عراق و ایران از اهمیت و قدرت برتری در زمینه پروازی برخوردار می‌باشند. این سه کشور هر سال هزاران زائر پروازی را سرویس‌دهی می‌کنند. عربستان سعودی به دلیل وجود خانه خدا در این کشور هر ساله میلیون‌ها نفر را جذب می‌کند، از این رو تشکیل سازمانی شبیه ایکائو که توان نظم بخشیدن به پروازهای مذهبی به کشورهای منطقه را داشته باشد، می‌تواند اقدامی در جهت اعتمادسازی میان کشورهای این منطقه محسوب گردد. حتی این کشورها می‌توانند تشکیلات مشترکی را به عنوان کارگزار تخصصی ایکائو در

منطقه خلیج فارس تأسیس نمایند. این تشکیلات خاص می‌تواند مسایل بسیار زیادی را در زمینه مشکلات موجود در خطوط هوایی میان کشورهای منطقه حل نماید.

انتخاب نمادی که در آن از تمام کشورهای منطقه استفاده شده باشد، به نوعی اعتماد را در میان کشورهای منطقه نوید می‌دهد. این نماد می‌تواند حتی آرم چنین مؤسسه‌ای نیز باشد. این الگو علاوه بر این که نقش بسیار مؤثری در ایجاد اعتماد میان مردم عموماً مذهبی منطقه دارد، از لحاظ اقتصادی نیز برای دولت‌ها و شرکت‌های خصوصی منطقه، سودآور است. (ای آزر و این‌مون، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱-۳۱۲).

حقوق

یکی دیگر از الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس می‌تواند در چارچوب اقداماتی باشد که در زمینه حقوق بشر صورت می‌گیرد. الگوهایی که از آن‌ها می‌توان به عنوان نمونه استفاده کرد، عبارت‌اند از:

الف. سیستم‌های حمایت از حقوق بشر بین کشورهای آمریکایی و اروپایی: کنوانسیون رم (۱۹۵۰) یک منبع الهام‌بخش برای پیمان ۱۹۶۹ بوده است. در این جا لازم است که هر دو سیستم با هم، در حالی که شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها نشان داده می‌شود، بررسی شوند. هر دو کنوانسیون یک مرحله اولیه عرفی شامل نهادهایی با وظایف میانجی‌گری و سازش (به ترتیب، کمیسیون حقوق بشر اروپا و کمیسیون حقوق بشر بین کشورهای آمریکایی) و یک مرحله ثانوی شامل نهادهای قضایی (به ترتیب، دیوان حقوق بشر اروپا و دیوان حقوق بشر بین کشورهای اروپایی) ایجاد نموده‌اند. کنوانسیون اروپایی امکان مداخله یک نهاد سیاسی (کمیته وزیران) با وظایفی میانجی‌گرایانه و سازش‌گرایانه و تا حدی قضایی را پیش بینی می‌کند. بر اساس هردو سیستم، درخواست‌ها و دادخواهی‌ها، اعم از این که از ناحیه کشورها باشد یا اشخاص، همواره باید در اولین مرحله به کمیسیون ارجاع شود. هنگامی که دعوی مربوط به نقض حقوق بشر، توسط کشورها و نه اشخاص نزد کمیسیون اقامه می‌شود، توسط کمیته وزیران، و نه دیوان، حل و فصل می‌شود. برای مثال، این موضوع در دعوی مربوط به تیروول جنوبی ما بین ترکیه و یونان، به وقوع پیوسته است.

ظهور سیستم آمریکایی نسبتاً جدید است و عملکرد آن هنوز خیلی قابل تأیید نیست. به جز اعمال صلاحیت مشورتی دیوان بین کشورهای آمریکایی، تحت عنوان حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین کشورها، تاکنون تنها چند مورد از دعوی تدافعی نزد دیوان اقامه شده است. تمام این دعوی علیه دولت هندوراس و توسط کمیسیون کشورهای آمریکایی به دیوان تسلیم شده است. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۴-۲۱۳).

ب. منشور آفریقا راجع به حقوق بشر و انسان: منشور آفریقا که تحت حمایت سازمان وحدت آفریقا تقویت شده است، کمیسیون آفریقایی راجع به حقوق بشر و مردمی را ایجاد کرده است. این کمیسیون مکاتبات کشورهای عضو منشور را مبنی بر نقض مفاد منشور توسط یک کشور دیگر عضو، دریافت می‌کند. این مکاتبات ممکن است بعد از شکست یک دور مذاکرات بین کشورهای ذی‌نفع در مورد حل و فصل دعوی حقوق بشر انجام شود یا این‌که به طور مستقیم با کمیسیون صورت پذیرد. کمیسیون می‌تواند تمام اطلاعات مربوط و لازم را از کشورهای درگیر مطالبه کند و در حالی که تمام روش‌های مناسب را برای دستیابی به یک راه حل دوستانه بررسی می‌کند، وظایف میانجی‌گریانه و سازش‌گریانه نیز دارد. در دعوی نقض گسترده و جدی حقوق بشر، این کمیسیون می‌تواند مکاتبات کشورهای غیرعضو منشور را نیز بررسی کند. در تمام دعوی، کمیسیون یک گزارش تهیه می‌کند که بیان‌کننده یافته‌ها و توصیه‌هایش درباره واقعیت امر می‌باشد. کمیسیون این گزارش را به مجمع سران کشورها و دولت‌های سازمان وحدت آفریقا ارائه می‌نماید. (الهی، ۱۳۷۰، ص ۴۹-۴۵).

نتیجه

بدیهی است الگوهای اعتمادسازی در منطقه خلیج فارس منحصر به الگوهایی نیست که در این مقاله شرح داده شد. در حقیقت، تأکید بر این الگوها به این دلیل می‌باشد که تحقق آن‌ها در منطقه امکان پذیرتر است. الگوهای دیگری نیز وجود دارد که اگر با توجه به شرایط و فضای موجود منطقه، به خوبی به کار گرفته شود، می‌تواند نتایج مطلوبی در پی داشته باشد. مطالعه و بررسی این الگوها که در سایر مناطق موفقیت‌های خوبی در فرایند اعتمادسازی به دنبال داشته است، می‌تواند رهنمون‌های مناسبی در زمینه‌های مختلف ارائه کند. جامعه کشورهای عربی نمونه‌ای از این الگوها است. ماده ۵ پیمان جامعه کشورهای عربی یک نقش داور برای شورای جامعه که مرکب از تمام نمایندگان کشورهای عضو می‌باشد، پیش‌بینی می‌کند. در صورتی که اختلافی بین دو عضو طرف دعوی در مورد استقلال، حاکمیت یا تمامیت ارضی یک کشور پیش بیاید و آن اعضا برای حل و فصل اختلاف خود به شورای جامعه رجوع کنند، آرای شورای جامعه مؤثر و الزامی خواهد بود. اجرای وظایف شورا به عنوان نهاد داور و ابسته به دو شرط می‌باشد: الف. رضایت و تسلیم طرفین؛ ب. محدودیت‌های موضوعی.

هنگامی که شورا در مقام داور عمل می‌نماید کشورهای دارای اختلاف، در مشاوره‌ها و تصمیمات شورا شرکت نخواهند کرد. هم‌چنین این پیمان پیش‌بینی می‌کند در صورت بروز اختلافی که ممکن است به جنگ بین دو

کشور عضو یا بین چند کشور عضو یا بین یک کشور عضو و کشور دیگر منجر شود، شورا باید به منظور آشتی دادن آن‌ها دست به میانجی‌گری بزند. اجرای وظایف مساعی جمیله و میانجی‌گری، منوط به تسلیم اختلاف به وسیله طرفین به جامعه نمی‌باشد. این شورا در عمل، مدل‌های مساعی جمیله، میانجی‌گری و سازش را نسبت به تمام اختلافات اعم از این‌که تهدیدکننده صلح باشد یا خیر، اجرا می‌کند، و در حالی که در برخی موارد شورا به طور مستقیم این وظایف را انجام می‌دهد، در موارد دیگر، کمیته‌های فرعی را مأمور انجام این وظایف می‌نماید.

گرچه پیمان جامعه کشورهای عرب به طور صریح شرکت دبیرکل خود را در روند حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات پیش بینی نکرده، ولی شورا از طریق آیین نامه داخلی نقش فعالی را برای دبیرکل در این مورد در نظر گرفته است. شورا معمولاً دبیرکل را در تشکیل کمیته‌های ویژه‌ای که برای مأموریت‌های میانجی‌گری و حقیقت‌یابی خود ایجاد نموده، گنجانده است. (www.persianguonline.org)

منابع و مأخذ

- ۱- الهی، همایون، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۰ ش.
- ۲- ای‌آزر، ادوارد و این‌مون، جونک، امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه فرانک طوسی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹ ش.
- ۳- بدیع، برتران، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶ ش.
- ۴- برژینسکی، زیگنیو، در جستجوی امنیت ملی، ترجمه علی مراد حقیقی، تهران، نشر سفید، ۱۳۶۹ ش.
- ۵- برکشلی، آنتونی، نفت و سیاست در خاورمیانه، ترجمه جواد معینی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۸ ش.
- ۶- پیچی، آتورلیو، جهان در آستانه قرن بیست و یکم، ترجمه علی اسدی، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ ش.
- ۷- جعفری‌ولدانی، اصغر، تحولات مرزها و نقش ژئوپلتیک آن در خلیج فارس، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۴ ش.
- ۸- جعفری‌ولدانی، اصغر، کانون‌های بحران در خلیج فارس، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
- ۹- چامسکی، نوام، نظم‌های کهنه و نوین جهانی، ترجمه مهبد ایرانی طلب، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۵.

- ۱۰- حافظ‌نیا، محمدرضا، *خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز*، تهران، سمت، ۱۳۷۱ش.
- ۱۱- دانیلز، جان دی و رادیو، لی اچ، *داد و ستد بین‌المللی*، ترجمه محمدهادی نژاد حسینیان، تهران، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۷۷ش.
- ۱۲- شایگان، فریده، *عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۸ش.
- ۱۳- ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا، *حقوق بین‌الملل عمومی*، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۱ش.
- ۱۴- لارسون، توماس و اسکیدمور، دیوید، *اقتصاد سیاسی بین‌الملل*، ترجمه احمد ساعی و مهدی تقوی، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶ش.
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز، *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*، ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی نوری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲ش.
- ۱۶- مسجدجامعی، محمد، *تحول و ثبات در خلیج فارس*، تهران، انتشارات حمید، ۱۳۶۹ش.
- ۱۷- مک‌لگان، پاتریشیا و نل، کریستو، *عصر مشارکت*، ترجمه علی مردانی نسب، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷ش.
- ۱۸- مندل، رابرت، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه فرزاد فرهمند، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹ش.

19- www.persianguulfestival.com.

20- www.persianguulfonline.org.

21- www.mihanam.com.

22- www.persian-gulf.info.

23- www.persianguulfonline.org.

24- www.bashgah.net.

25- www.iran-e-sabz.org.

26- www.iran-nabard.com.

27- www.iran-awa.com.

28- www.news.media.ac.ir.



نقش عالمان دین در ایجاد همبستگی پیروان مذاهب اسلامی

محمد حسین فصیحی *

چکیده

با توجه به این که انسجام مسلمانان در هر زمان به ویژه در شرایط فعلی (که مسلمانان لبنان و فلسطین آماج حملات بی رحمانه و ضد بشری اسرائیل غاصب با حمایت آشکار آمریکا قرار دارند. یک ضرورت عقلی و فریضه دینی است، امت اسلامی مکلف به ایجاد فضای اتحاد و برادری است. اما عالمان دین بیش از دیگران نسبت به این مهم تکلیف و نقش دارند.

در این نوشتار ابتدا به اهمیت و ضرورت اتحاد مسلمانان و مؤمنان در قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اشاره شده، سپس تعریفی از مسلمان و مؤمن ارایه گردیده است.

طبق تعریف شیعه و سنی، مسلمان و مؤمن کسی است که:

۱. ایمان به خدا و یگانگی او داشته باشد؛
 ۲. باور به نبوت و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و هر آن چه او با خود آورده است داشته باشد؛
 ۳. عقیده به معاد داشته باشد.
- آن گاه به اختصار به جایگاه عالمان دین در فرهنگ اسلام پرداخته شده است. در فرهنگ اسلامی علمای دینی از منزلت ویژه‌ای برخوردار بوده و از ایشان به عنوان جانشینان پیامبر و امینان خداوند و... یاد شده است.

در پایان نیز به بیست راه کار علما در ایجاد همبستگی مسلمانان اشاره شده است، از جمله:

۱. پرهیز از جمود فکری و جلوگیری از خرافات و بدعت‌ها؛
۲. توجه به دستورهای قرآن و سنت نبوی درباره ضرورت اتحاد؛
۳. اقتدا به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله؛
۴. بیان واقعیات پرهیز از تحریف؛
۵. آگاهی از عقاید یکدیگر.

کلید واژه‌ها: قرآن، پیامبر اکرم، علمای دین، وحدت اسلامی، همبستگی، مذاهب اسلامی، اختلاف.

* محقق، نویسنده و مدرس حوزه.

مقدمه:

هماهنگی و انسجام میان پیروان مذاهب اسلامی به ویژه در عصر کنونی که دشمنان اسلام از راه‌های گوناگون از جمله مبارزه با تروریسم و سلاح اتمی در صدد تضعیف و نابودی مکتب حیات بخش اسلام برآمده‌اند از مسایل بنیادی و بسیار با اهمیت است. از این رو تنها عامل تجدید عظمت اسلام و رهایی مسلمین و خنثی نمودن توطئه‌های دشمن، اتحاد مسلمانان جهان است. اتحاد از راه کارهایی است که نه تنها در مسایل سیاسی راه‌گشا است که در عمران، آبادی، پیشرفت، ترقی و... نیز مؤثر است. مراد از وحدت و تقریب، وحدت و تقریب اسلامی است نه سیاسی و مذهبی. به این معنا که همه مسلمانان با حفظ هویت مذهبی خود، علیه دشمنان اسلام در یک جبهه متحد شوند و از هویت دینی و فرهنگی خود دفاع کنند. چنین اتحادی عملی و شدنی است و هر مسلمان اعم از شیعه و سنی وظیفه دارد که در راه ایجاد آن به طور جدی قدم بردارد. وظیفه و رسالت علمای دینی در این باره بسیار سنگین است و این مقاله در تبیین نقش آنان در این مورد می‌باشد.

پیش از تبیین نقش علما و دانشمندان دینی در ایجاد همبستگی بین پیروان مذاهب اسلامی، با دیدگاه قرآن و سنت درباره اهمیت و ضرورت اتحاد مسلمین آشنا می‌شویم.

وحدت در قرآن

آیات متعددی از قرآن با تعبیرهای گوناگون مسلمانان را به اتحاد و توحید صفوف فراخوانده و از اختلاف و دشمنی بر حذر داشته است، از جمله:

۱- «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/۱۰۳).

۲- «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»؛ (آل

عمران/۱۰۵).

۳- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات/۱۰).

۴- «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ» (الفتح/۲۹).

۵- «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء/۹۲).

وحدت در سنت و سیره نبوی ﷺ

با مطالعه سنت و تاریخ زندگانی پربار پیامبر ﷺ به موارد زیادی برمی‌خوریم که حضرت در قول و عمل پیروان خود را به اتحاد دعوت نموده و نسبت به تفرقه و اختلاف هشدار می‌داد و همواره

مراقب بود تا مسلمانان با یکدیگر اختلاف نکنند و اگر کوچک‌ترین اختلاف و نزاعی بین آن‌ها پیش می‌آمد با آن برخورد می‌کرد و آتش فتنه را خاموش می‌کرد. از اقوال پیامبر ﷺ در این باره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف - ذمه المسلمین واحده یسعی بها ادناهم و هم ید علی من سواهم فمن اخفر مسلما فعليه لعنة الله و الملائكة و الناس اجمعین لا یقبل منه یوم القیامه صرف و لا عدل؛ عهد و امان مسلمانان یکی است و در زمینه پایین‌ترین آن‌ها هم می‌توانند تلاش کنند و مسلمانان یک دست و متحد بر دیگران‌اند و هر کس به مسلمانی خیانت کند نفرین خدا، فرشتگان، و همه مردم بر او خواهد بود و خداوند در روز قیامت هیچ عذر و بهانه‌ای را از او نمی‌پذیرد». (منصور علی ناصف، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۴۰۰).

ب - «المسلم اخو المسلم لا یظلمه و لا یُسلمه (ای الی الهلاک) من کان فی حاجته اخیه کان الله فی حاجه و من فرج عن مسلم کربه فرج الله عنه کربه من کرب یوم القیامه و من ستر مسلما ستره الله یوم القیامه؛ مسلمان برادر مسلمان است، به او ستم نمی‌کند، او را رها نکرده و تنها نمی‌گذارد. هر کس در پی حاجت برادر خود باشد خدا در پی حاجت او است و هر که اندوهی را از مسلمان برطرف کند خدا در روز قیامت اندوهی از اندوه‌های قیامت را از او برطرف می‌کند. هر کس مؤمنی را بیوشاند خدا او را در روز قیامت می‌پوشاند». (بیشین، ج ۵، ص ۲۰).

ج - «مثل المومن فی تواذهم و تعاطفهم و تراحمهم بمنزله الجسد اذا اشتکی منه شیء تداعی له سایر الجسد بسحر و الحمی؛ مؤمنین در دوستی، عطوفت و مهربانی خود نسبت به یکدیگر مانند اعضای پیکر یک انسان‌اند، هرگاه عضوی رنجور و دردمند گردد اعضای دیگری نیز از بی‌خوابی و سوز تب متأثر می‌گردند». (ابن حنبل، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۷۰).

پیامبر اسلام علاوه بر توصیه‌های قولی، در عمل نیز جهت ایجاد وحدت قدم برمی‌داشت. از جمله این موارد اُستی دادن دو قبیله اوس و خزرج است که سال‌ها در مدینه با یکدیگر دشمنی و خصومت شدید داشتند. پیامبر ﷺ در همان روزهای آغازین ورود خود به مدینه دشمنی و اختلاف دیرینه آن‌ها را به دوستی و اتحاد تبدیل نمود. (سیوطی، ج ۲، ص ۲۸۷ ذیل آیه ۱۰۳ آل عمران؛ به نقل از بحوث قرآنیة فی التوحید و الشکر، آیه الله سبحانی).

یکی دیگر از اقدامات عملی پیامبر اسلام جهت برقراری اخوت و همدلی میان مسلمانان و ریشه کن کردن اسباب اختلاف، بستن عقد اخوت و برادری میان انصار و مهاجرین است. با توجه به این‌که میان انصار و مهاجرین از لحاظ قومی، نژادی و اقتصادی فاصله زیادی بود منافقان سعی می‌کردند از این طریق میان آن‌ها اختلاف ایجاد کنند و جامعه نو بنیاد اسلامی را در مدینه به خطر

اندازند، اما پیامبر از طریق ایجاد عقد و پیمان برادری میان آنها، امید منافقان را به یأس تبدیل کرد.
(ابن هشام، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۱۵۰).

مسلمان و مؤمن کیست؟

از آنچه گفته شد، در ضرورت و اهمیت اتحاد مسلمانان برای هیچ مسلمانی تردید باقی نمی ماند اما جای این سؤال وجود دارد که به لحاظ کلامی و فقهی به چه کسی مسلمان و مؤمن گفته می شود. طبق روایات نبوی که شیعه و سنی در کتاب های حدیثی معتبر خود آنها را نقل نموده اند، مسلمان کسی است که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر خاتم بدهد و اعتقاد به معاد، نمازهای پنج گانه، روزه، زکات و حج داشته باشد.

«عن عكرمة بن خالد عن ابن عمر قال قال رسول الله: بني الاسلام على خمس: شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و اقامه الصلاة و ايتاء الزكاة و الحج و صوم رمضان؛ پیامبر فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد، بر پا داشتن نماز، دادن زکات و روزه ماه رمضان». (نجاری، بی تا، ج ۱، ص ۱۱).

«عن ابن عمر (رض) ان رسول الله قال امرت ان اقاتل الناس حتى يشهدوا ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و يقيم الصلاة و يؤتوا الزكاة فاذا فعلوا ذلك عصموا مني دماءهم و اموالهم؛ از ابن عمر نقل شده است که رسول خدا فرمود: ما مأمور شده ایم که با مردم بجنگیم تا این که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد بدهند و نماز را بر پا دارند و زکات بدهند، اگر چنین کردند خون و مالشان از ناحیه ما در امان است». (پیشین، ص ۱۳).

«عن ابي عمر بن الخطاب (رض) سئل رجل عن النبي من الاسلام قال: يا محمد اخبرني عن الاسلام، فقال رسول الله: الاسلام ان تشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و تقيم الصلاة و تؤتي الزكاة و تصوم رمضان و تحج البيت ان استطعت اليه سبيلا ... قال فاخبرني عن الايمان، قال: ان تؤمن بالله و ملائكته و كتبه و رسله و اليوم الاخر و تؤمن بالقدر خيره و شره؛ مردی از پیامبر در مورد اسلام سؤال کرد، پیامبر فرمود: اسلام این است که شهادت بدهی خدایی جز خدای واحد نیست و این که محمد رسول خدا است و نماز بر پا داری و زکات بدهی و روزه ماه رمضان را بگیری و حج خانه خدا را در صورت استطاعت انجام دهی. سپس آن مرد از معنای ایمان پرسید، پیامبر فرمود: ایمان به خدا و ملائکه و کتابها و انبیای خداوند و روز قیامت و قدر، خیر و شرش را باور داشته باشی». (قشیری، ۲۶۱ق، ج ۱، ص ۳۷).

«عن عجلان ابی صالح قال: قلت لابی عبد الله او قفنی علی حدود الایمان، فقال: شهادة ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله و الاقرار بما جاء به من عند الله و صلوات الخمس و اداء الزکاة و صوم شهر رمضان و حج البيت و ولایة ولینا و عداوة عدونا و الدخول مع الصادقین؛ عجلان می گوید خدمت امام صادق عرض کردم که مرا از حدود و تعریف ایمان آگاه کن، امام صادق فرمود: شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت حضرت محمد و اعتراف به این که آن چه پیامبر آورده است از جانب خدا می باشد و نمازهای پنج گانه و ادای زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا و دوست داشتن دوستان و دشمنی دشمنان ما، و وارد شدن در جمع صادقین، ایمان است». (کلینی، بی تا، ج ۱، ص ۲۹).

تعریف عبد القاهر بغدادی از مسلمان

عبد القاهر بغدادی از متکلمان اهل سنت در تعریف مسلمان سنی می گوید: «والصحيح عندنا ان امة الاسلام تجمع المقربين بحدوث العالم و توحيد صانعه و قدمه و صفاته و عدله و حکمته و نفی التشبيه عنه و نبوت محمد ﷺ و رسالته الی الکافه و بتأييد شریعته و بان کل ما جاء به حق و بان القرآن منبع احکام الشریعه و ان الکعبة هی القبلة التي تجب الصلاة اليها فکل من اقر بذلک کله و لم يشبهه ببدعة تود الی الکفر فهو السني الموحد؛ صحيح در نزد ما این است که امت اسلام جمع می کند هرکسی که اقرار به حدوث عالم و یگانگی سازنده و خالق آن و قدیم بودن خدا و این که خدا دارای صفات و عادل و حکیم است و اینکه خدا شریک ندارد و نیز اقرار به نبوت و عمومیت رسالت حضرت محمد و ابدی و جاودانی بودن شریعت آن حضرت داشته باشد و معتقد باشد هر آن چه محمد ﷺ آورده است حق است و قرآن سرچشمه احکام شریعت و خانه کعبه همان قبله ای است که نماز خواندن به سمت آن واجب است. بنابراین هرکسی به آن چه ذکر شد اقرار و اعتراف داشته باشد و بدعت که منجر به کفر بشود انجام ندهد سنی موحد و یگانه پرست است». (بغدادی، بی تا، ص ۱۳).

طبق تعریف بغدادی از سنی موحد، شیعیان نیز سنی موحدانند، زیرا به همه آن چه در عبارت بغدادی ذکر شد اقرار و ایمان دارند.

از آن چه بیان شد دو مطلب به خوبی استفاده می شود:

- ۱- وحدت و همبستگی مسلمانان علاوه بر این که واجب عقلی است یک فریضه و واجب دینی نیز می باشد و مسلمانان باید به این دستور و واجب دینی عمل نمایند.
- ۲- مسلمان و مؤمن کسی است که:
الف - ایمان به خدا و یگانگی او داشته باشد؛

ب - ایمان به نبوت و رسالت حضرت محمد ﷺ و هر آن چه به همراه خود آورده است داشته باشد؛

ج - عقیده به معاد و روز قیامت داشته باشد.

نقش علمای دینی در ایجاد همبستگی و وحدت اسلامی

به طور کلی در فرهنگ اسلام، علما و دانشمندان دینی از جایگاه و قداست بسیار بالایی برخوردارند و به تعبیر قرآن، دارای درجات و مراتب بالاتری نسبت به دیگران می‌باشند؛ «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱).
در احادیث نبوی، از علما و جانشینان پیامبر خاتم به وارثین انبیا و ستارگان آسمان و ... یاد شده است:

قال النبي ﷺ رحم الله خلفائي، فقيل يا رسول الله و من خلفائك؟ قال: الذين يحيون سنتي و يعلمونها عباد الله؛ پیامبر فرمود: خداوند جانشینان مرا رحمت کند، عرض شد ای رسول خدا جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که سنت مرا زنده نموده و به بندگان خدا آموزش می‌دهند». (هندی، ۱۴۰۵، ج ۱۰، ص ۲۲۹).

ان العلماء ورثة الانبياء ان الانبياء لم يورثوا دينارا و لا درهما انما ورثوا العلم فمن اخذه فقد اخذ بحظ وافر؛ همانا عالمان وارثان پیامبران اند، پیامبران طلا و نقره به ارث نمی‌گذارند، بلکه ارث پیامبر جز علم و دانش چیز دیگری نیست، هر که از آن بر دارد و استفاده کند بهره فراوانی برده است» (قزوینی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۸۱).

ان مثل العلماء في الارض كمثل النجوم يهتدي بها في ظلمات البر و البحر فاذا انطمست النجوم او شك ان تظل الهداة؛ علما در روی زمین همانند ستارگان در آسمان‌اند که به وسیله آن‌ها مردم در تاریکی‌های بیابان و دریا هدایت می‌شوند، اگر ستاره‌ها غروب نمایند نزدیک است که راهنمایان راه را گم کنند. (منذری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۰۰).

با توجه به جایگاه و مقام معنوی و اجتماعی علما و پیشوایان دینی، آنان دارای مسئولیت خطیر و نقش کلیدی و محوری در ایجاد وحدت و هماهنگی بین مسلمانان و برطرف کردن اختلاف و نفاق از میان ایشان‌اند، زیرا نقش و مسئولیت هر کس به میزان ارزش وجودی و جایگاه و موقعیت او در جامعه است. بنابراین همان‌گونه که قرآن و پیامبر اکرم ﷺ امت مسلمان را به انسجام و برادری فراخوانده و از اختلاف و دشمنی بر حذر داشته‌اند، علمای اسلام که طبق نص پیامبر وارث، جانشین

و امین خدا و پیامبرند باید با تاسی از پیامبران اختلافات و تنش‌های مذهبی، نژادی، منطقه‌ای و ملی را از راه‌های مختلف از جمله خطابه و منبر، کتاب، مجله، روزنامه، اینترنت و سایر ابزار تبلیغاتی، از میان مسلمانان ریشه کن نمایند و در مقابل، بذر محبت، همدلی و برادری را در دل‌های آنان بیافشانند.

اکنون وقت آن رسیده است که علما با درک زمان و شرایط حساس جهان اسلام با تمسک به کتاب و سنت و در نظر گرفتن اصول و مشترکات اسلام، از اختلافات و اعمال تفرقه انگیز پرهیز نمایند و جلوی کسانی که زمینه‌های دشمنی میان مسلمین و جدایی آنان از یک‌دیگر را فراهم می‌کنند گرفته و نقشه‌های خطرناک دشمنان اسلام را خنثی نمایند.

وحدت میان علمای اسلام رمز موفقیت، عظمت، پیشرفت و سربلندی مسلمین می‌باشد. اهمیت و ضرورت اتحاد و مدارای علمای مسلمان از آن رو است که همبستگی ایشان سبب انسجام، همدلی و همراهی سایر اقشار مسلمانان می‌شود؛ زیرا علما پیشوا و مقتدای امت اسلام‌اند و مردم از آن‌ها تبعیت می‌کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «صنغان من امتی اذا صلحا صلحت امتی و اذا فسدوا فسدت امتی، قیل: یا رسول الله و من هما؟ قال: الفقهاء و الامراء؛ پیامبر فرمود: دو دسته از امت من اگر صالح و شایسته شدند امت من صالح و شایسته می‌شوند و اگر فاسد شدند امت فاسد می‌شوند، سؤال شد آن دو طایفه کدام‌اند، فرمود: دانشمندان دینی و حاکمان».

راه کارهای علما در اتحاد مسلمانان

عالمان دین با راه کارهای زیر به خوبی می‌توانند مسلمانان را با یک‌دیگر نزدیک و متحد و اختلافات را از میان آن‌ها ریشه کن نمایند:

- ۱- ترویج فضایل اخلاقی و انسانی در میان جوامع اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۲- پرهیز از جمود فکری و کوتاه نظری و جلوی گیری از خرافات و بدعت‌ها؛
- ۳- اجتناب از تعصب ملی، نژادی، منطقه‌ای، قومی و مذهبی و توجه به این اصل که ملاک امتیاز و برتری در اسلام تقوای الهی است (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ) (حجرات/۱۳) و نژاد، رنگ و قوم تنها وسیله شناسایی از یک‌دیگر است نه امتیاز معنوی (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا) (همان)؛
- ۴- توجه به دستورات قرآن و سنت در باره اتحاد؛
- ۵- خود داری از تفسیر به رأی آیات قرآن کریم؛
- ۶- اقتدا به اهل بیت پیامبر اکرم ﷺ در برخورد با سران مذاهب اسلامی؛

- ۷- خودداری از سب و لعن و تکفیر و متهم نمودن یک‌دیگر؛
- ۸- اخلاص، حسن نیت، سعه صدر و رعایت آداب گفت‌وگو در مقام تفاهم و تبادل نظر و مباحث علمی (وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (نحل/۱۲۵)؛
- ۹- ارتباط مداوم میان علمای مذاهب اسلامی از طریق برگزاری نشست‌ها و سیمینارهای علمی و تحقیقی در فضای آزاد و صمیمی و تسلیم شدن در برابر منطق صحیح و قوی؛
- ۱۰- مقایسه و تطبیق موارد اشتراک و افتراق مکتب خلفا و اهل بیت (علیهم‌السلام)؛
- ۱۱- اجتناب از نقل روایات ضعیف و اسرائیلیات و اقوال نادر و اختلاف‌انگیز؛
- ۱۲- خودداری از صدور هر نوع فتوای تفرقه‌انگیز؛
- ۱۳- نقل روایات از کتاب‌های حدیثی یک‌دیگر؛
- ۱۴- توجه به این نکته که اختلاف در مسایل فقهی امری طبیعی و مطلوب است و کم و بیش در میان همه مذاهب وجود دارد؛
- ۱۵- توجه به مغز و روح دین و پرهیز از قشری‌گری و ظاهرگرایی؛
- ۱۶- مبارزه با جهل و بی‌خبری و عقب ماندگی و تلاش برای فتح قله‌های علوم و فنون مختلف؛
- ۱۷- پیروی از پیشگامان تقریب و منادیان وحدت اسلامی هم چون سید جمال الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، سید عبدالحسین شرف الدین، امام خمینی، شیخ محمود شلتوت و ...؛
- ۱۸- توجه به این مطلب که شیعه و سنی دشمنی مشترک دارند؛
- ۱۹- بیان واقعیات و پرهیز از تحریف احکام؛
- ۲۰- آگاهی از مسایل اعتقادی و فقهی و اصطلاحات مذاهب اسلامی.
- توجه عملی به راه کارها و پیشنهادات یاد شده، مسلمانان را به هم دیگر نزدیک و متحد نموده و سبب بازگشت عظمت از دسته رفته آنان و شکست دشمنان اسلام می‌شود.
- توضیح، تحلیل و بیان میزان تأثیر یکایک راه کارهای ذکر شده فرصت و مجال دیگری می‌طلبد و در این جا تنها به تبیین دو راه کار آخر به صورت خلاصه پرداخته می‌شود.

نقش بیان واقعیات و پرهیز از تحریف احکام اسلامی در همبستگی مسلمانان

مقصود از بیان واقعیات و پرهیز از تحریف احکام این است که علمای محترم مذاهب اسلامی هنگام بازگویی و تعلیم احکام و مسایل فقهی باید همان‌گونه که ائمه مذاهب اسلامی و مراجع تقلید در کتاب‌های فقهی و رساله‌های عملیه خود بیان نموده‌اند عمل نمایند. به عنوان مثال،

اگر عملی طبق نظر رئیس مذهب و مرجع تقلیدی مستحب است، در موقع تعلیم از آن به عنوان مستحب، اگر واجب است به عنوان واجب و اگر اختلافی است به عنوان مورد اختلاف از آن نام ببرند.

در مواردی دیده می‌شود که برخی علما اعمالی را که طبق فتاوی رؤسای همه مذاهب اسلامی واجب نیست به گونه‌ای برای مردم بازگو می‌کنند که تداعی واجب بودن نزد تمام مذاهب می‌نماید؛ برای نمونه می‌توان به مسئله تکتف در نماز (گذاشتن دست روی دست در حال قیام در نماز) و شهادت به ولایت حضرت علی در اقامه اشاره کرد. برخی از علمای محترم اهل سنت تکتف را طوری به مردم آموزش داده و می‌دهند که گویا واجب است و بدون تکتف نماز باطل است. آن‌ها به این نکته اشاره نمی‌کنند که اولاً همه مذاهب چهارگانه اهل سنت، تکتف در نماز را واجب نمی‌دانند؛ ثانیاً برخی از مذاهب اسلامی مانند مالکی نه تنها این عمل را واجب نمی‌دانند بلکه طبق بعضی از صورت‌ها ارسال (رها کردن دست در حال قیام نماز) را مندوب و تکتف را مکروه می‌دانند و ثالثاً آن‌هایی هم که تکتف را سنت و مستحب می‌دانند در نحوه آن اختلاف دارند؛ حنفیه معتقد است باید دست راست را بر دست چپ در زیر ناف گذاشت. اما شافعیه می‌گوید باید دست را پشت ناف و در زیر سینه گذاشت. (ر.ک: جزیری، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۵۱؛ حنفی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۷ و مرغبنانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷).

از طرفی دیگر، علمای شیعه اذان و اقامه را به گونه‌ای به مسلمانان شیعه آموزش می‌دهند که گویا شهادت به ولایت امیرالمؤمنین (اشهد ان علیا ولی الله) جزء اذان و اقامه است و بدون آن اذان و اقامه ناقص است. در حالی که هیچ یک از مراجع تقلید شیعه چنین فتوایی نداده‌اند. همه آن را مستحب می‌دانند و در رساله‌های عملیه خود تصریح کرده‌اند اگر کسی شهادت ثالثه را به این نیت که جزء اذان و اقامه است بگوید بدعت انجام داده است. (بنی‌هاشمی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۵۴۰). شیخ طوسی در کتاب مبسوط در این مورد می‌گوید: «الاذان و الاقامه خمسة و ثلاثون عشر فصلا ثمانية عشر فصلا الاذان و سبعة عشر فصلا الاقامه ... فاما قول اشهد ان علیا امیر المومنین و آل محمد خیر البریه علی ما ورد فی شواذ الاخبار فلیس بمعول علیه فی الاذان و لو فعله الانسان یاثم به غیر انه لیس من فضیلة الاذان و لا کمال فصوله؛ اذان و اقامه ۳۵ فصل است، هر کدام به ترتیب ۱۸ و ۱۷ جمله دارد، اما گفتن اشهد ان علیا امیر المومنین و آل محمد خیر البریه بنابر آن چه که در اخبار شاذ آمده است که فقها در بحث اذان به آن‌ها عمل نکرده‌اند اگر آن جمله را در اذان بگویند [به قصد جزئیت] گناه کرده است». (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۹۹).

بنابراین اختلاف در مسایل فقهی یک امری طبیعی است و هر مجتهدی که واجد شرایط باشد با توجه به مبانی و ادله شرعی که در اختیار دارد احکام اسلامی را از منابع آن استنباط و استخراج می‌کند. این اختلاف نظر تنها در میان علمای شیعه و سنی نیست بلکه در میان مذاهب اهل سنت و علمای شیعه نیز وجود دارد. مذاهب چهارگانه اهل سنت در بسیاری از جزئیات مسایل فقهی با هم اختلاف دارند که این امر هیچ مشکلی به وجود نمی‌آورد و چنین اختلافی مذموم نیست، بلکه موجب بالندگی و پویایی فقه می‌شود. برای نمونه می‌توان به اختلاف آن‌ها در مقدار مسح سر در وضو و تکتف در نماز و نحوه آن و معنای سنت، مندوب، مستحب، تطوع، فضیلت، واجب و فرض اشاره کرد.^۱

در نتیجه، اگر همه تعالیم اسلام را در سه بخش عقاید، اخلاق، و احکام فقهی خلاصه کنیم، شیعه و سنی در مسایل اعتقادی و اخلاقی یا با هم اختلاف ندارند و یا اگر اختلاف دارند اندک است. اما در مسایل فقهی اختلاف هم در میان خود مذاهب اهل سنت است و هم علمای شیعه در بعضی موارد با یک‌دیگر اختلاف نظر دارند.

اما نکته مهم این است که اختلاف علمی در مسایل فقهی و حتی اعتقادی اگر به خوبی هدایت و رهبری شود منجر به اختلاف سیاسی و دشمنی و مخاصمه نمی‌شود.

لزوم آگاهی علمای هر دو فرقه از مذاهب و عقاید یک‌دیگر

یکی از راه‌کارها و عوامل مهم اتحاد مسلمانان این است که علمای فرقه‌های مختلف اسلامی از مذاهب و عقاید یک‌دیگر آگاهی و شناخت صحیح داشته باشند، در غیر این صورت ممکن است نسبت‌های خلاف واقع به یک‌دیگر داده و هر کدام دیگری را متهم به داشتن عقاید غیر اسلامی و شرک آلود نمایند.

به عنوان مثال، برخی از شیعیان معتقدند برادران اهل سنت دشمن اهل‌بیت‌اند یا دست‌کم نظر مثبت به اهل بیت ندارند، در حالی‌که همه برادران اهل سنت با توجه به آیه مودت «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳) و آیه تطهیر «... إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب/۳۳)، و روایاتی که در ذیل این دو آیه از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره اهل بیت در کتاب‌های تفسیری و حدیثی دو فرقه نقل شده است، اهل بیت پیامبر را دوست دارند.

۱- جهت اطلاع از اختلاف نظر رؤسای مذاهب اهل سنت به کتاب الفقه علی مذاهب الاربعه، تألیف عبدالرحمن الجزیری مراجعه نمایید.

دیدگاه اهل سنت درباره محبت اهل بیت

عبد القاهر بغدادی از علمای بزرگ اهل سنت قرن پنجم، نظر اهل سنت را در باره محبت اهل بیت این گونه بیان می‌کند: «قالوا (اهل سنت) بمواله الحسن و الحسين و المشهورین من اسباط رسول الله ﷺ كالحسن بن الحسن و عبد الله بن حسن و علی بن الحسين زین العابدین و محمد بن علی بن الحسين المعروف بالباقر و هو الذی بلغه جابر بن عبد الله الانصاری سلام رسول الله ﷺ و جعفر بن محمد المعروف با لصادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا و كذلك قولهم فی سائر من درجه علی سنن ابائهم الطاهرين؛ اهل سنت، امام حسن، امام حسین و معروفین از فرزندان پیامبر مانند حسن بن حسن و عبدالله بن حسن و زین العابدین و امام باقر، کسی که جابر بن عبد الله انصاری سلام رسول خدا را به او ابلاغ کرد، و جعفر بن محمد معروف به صادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی الرضا را دوست دارند و نیز فرزندان دیگر اهل بیت را که بر سنت پدران طاهرین خود مشی می‌کنند دوست دارند». (بغدادی، بی‌تا، ۳۶۰ و ۳۶۲)

بنابراین شیعیان باید بدانند که محبت اهل بیت پیامبر اختصاص به شیعه ندارد بلکه برادران اهل سنت نیز آنان را دوست دارند. از این رو محبت اهل بیت، زمینه خوبی برای وحدت مسلمین و رهایی از دام اختلاف است.

دیدگاه امامان و علمای شیعه در باره غلات، تحریف قرآن و اصحاب پیامبر

در مقابل، تصور برخی از اهل سنت در باره شیعه چنین است: شیعیان اهل غلو (کسانی که حضرت علی و امامان و فرزندان او را به الوهیت و نبوت توصیف می‌کنند) و قائل به تحریف قرآن بوده و همه اصحاب پیامبر را سب و لعن می‌کنند و ... در حالی که امامان و علمای شیعه با شدت با غلات بر خورد کرده و غالیان را تکفیر نموده‌اند. امام علی در این باره فرموده است: «اللهم انی بریء من الغلات کبرائه عیسی بن مریم من النصارى اللهم اخذلهم ابدًا و لا تنصر منهم احدا؛ خداوند من از غلات بیزار می‌جویم همان‌گونه که عیسی بن مریم از نصاری بیزار می‌جست، خدایا آنان را خار گردان و هیچ یک از آنان را یاری مکن». (علامه مجلسی، ج ۲۵، ص ۳۴۶).

امام صادق نیز فرمود: «الغلات شر الخلق؛ بدترین مردم غالیان‌اند». (پیشین).

شیخ صدوق از محدثین و علمای بزرگ شیعه (۳۸۱ م) می‌گوید: اعتقاد ما در باره غلات و مفوضه

این است که آن‌ها کافر و بدتر از یهود و نصاری می‌باشند (شیخ صدوق، ص ۱۷ به نقل از فرق و مذاهب ربانی گلپایگانی).

شیخ مفید از متکلمین معروف قرن چهارم (۴۱۳ م) نیز همین نظر را درباره غلات دارد. (شیخ مفید، ص ۱۰۹).

بنابراین شیعه را با غلات یکی دانستن نشانه عدم اطلاع از دیدگاه شیعه در باره غلات است. هم‌چنین شیعیان قول به تحریف قرآن را نمی‌پذیرند و می‌گویند قرآن موجود همان قرآنی است که خدا بر پیامبر اکرم نازل فرموده است. همه علمای شیعه از فضل بن شاذان گرفته تا علمای عصر حاضر هیچ کس قائل به تحریف قرآن نشده است. گرچه برخی از روایات شاذ و ضعیف در باره تحریف قرآن در برخی منابع فریقین وجود دارد ولی کسی به آن‌ها عمل نکرده است.

برای نمونه تنها به نقل عبارت مرحوم شیخ صدوق درباره عدم تحریف قرآن اکتفا می‌شود. وی در رساله‌ای که در آن عقاید شیعه را بیان کرده است در مورد تحریف قرآن می‌نویسد: «اعتقادنا ان القرآن الذی انزلہ اللہ تعالی علی نبیہ محمد هو ما بین الدفتین و هو ما بایدالناس لیس باکثر من ذلک و من نصب الینا ان نقول انه اکثر من ذلک فهو کاذب؛ اعتقاد شیعیان در باره قرآن این است: قرآنی که خداوند متعال بر پیامبر خود حضرت محمد ﷺ نازل کرده است همین قرآنی است که در دست مسلمانان است، بیش‌تر از این نبوده و نیست و هر کس به شیعه نسبت دهد که آنان معتقد به قرآنی هستند که بیش‌تر از قرآن موجود است، دروغ‌گو است.^۱ (شیخ صدوق، اعتقادات الامامیه، ضمیمه شرح باب حادی عشر، به نقل از رسائل و مقالات آیت‌الله سبحانی، ج ۱، ص ۱۹۲)

دیدگاه شیعه در باره صحابه پیغمبر دیدگاهی معتدل و به دور از افراط و تفریط است؛ یعنی شیعه به اصحاب پیامبر ﷺ احترام می‌گذارد، اما طبق آیات قرآن و برخی روایات، بعضی از اصحاب از مسیر پیامبر خارج شدند و شیعه نسبت به آن‌ها حساس است.

بنابر آن چه گفته شد همه عوامل و راه‌کارهای یاد شده، به ویژه بیان واقعیات و دیدگاه‌های اصلی صاحبان مذاهب اسلامی و علمای صاحب نظر هر مذهب و آگاهی از عقاید یک‌دیگر و معرفی عقاید پیروان مذاهب اسلامی از کتاب‌هایی که مورد قبول آنان است نقش عمده در ایجاد وحدت و همبستگی مسلمانان دارد که عالمان دین با به کار بستن آن‌ها می‌توانند جلوی

۱- جهت آگاهی بیش‌تر از دیدگاه شیعه درباره عدم تحریف قرآن به مقدمه تفسیر البیان مرحوم آیت‌الله خوئی مراجعه نمایید.

تکفیر، طعن و اتهام بستن مسلمانان به یکدیگر را بگیرند و آن‌ها را در یک صف قرار دهند.

علمای فعلی جهان اسلام باید با اقتدا به عالمان گذشته خود، کلام، فقه و اصول مقارن و بین‌المذاهب بنویسند و تدریس کنند و از یکدیگر کسب فیض نمایند و مجالس مناظره و گفت‌وگو را در فضای صمیمی فراهم نمایند؛ همان‌گونه که در قرن چهارم هجری شیخ مفید و قاضی ابوبکر باقلانی در فضای صمیمی با رعایت آداب و شرایط مناظره با یکدیگر مناظره می‌کردند و به همین دلیل شیخ مفید در میان اهل سنت از احترام زیادی برخوردار بود و وقتی رحلت کرد تشییع جنازه او یکی از باشکوه‌ترین و شلوغ‌ترین مراسم تشییع جنازه بود با این‌که بیش‌تر مردم بغداد از اهل سنت بودند.

یا در قرن پنجم، مرحوم شیخ طوسی کتاب «الخلاف» در بیان دیدگاه‌های مذاهب اسلامی نوشت و یا فاضل قوشجی، از علمای اهل سنت، بر کتاب «تجريد الاعتقاد» خواجه نصیرالدین طوسی شرح نوشت و نیز مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۷۲) به تهذیب و تحقیق در مورد کتاب احیاء علوم الدین غزالی پرداخت.

هم‌چنین در گذشته نه چندان دور، سید جمال الدین افغانی، شیخ محمد عبده، علامه اقبال لاهوری، شیخ حسن بناء (رهبر اخوان المسلمین)، شیخ محمود شلتوت، آیت الله بروجرودی، شرف الدین عاملی، شیخ سلیم بشری، و امام خمینی، از منادیان وحدت اسلامی بودند که از هیچ تلاشی در ایجاد وحدت و اخوت اسلامی فروگذار نکردند، بنابراین بسیار شایسته است که علمای فعلی جهان اسلام به آنان تأسی نموده و در راه وحدت و انسجام مسلمین تلاش شبانه روزی نمایند و نغمه‌های شوم اختلاف را در نطفه خفه نمایند.

فتوای شیخ شلتوت بر جواز تقلید از مذهب شیعه

در پایان جهت حسن ختام، فتوای تاریخی و وحدت بخش شیخ محمود شلتوت رئیس وقت الازهر و نیز روایاتی را که حضرت امام خمینی در بحث تقیه مداراتی در کتاب رسائل خود نقل نموده است بیان می‌گردد:

شیخ محمود شلتوت در پاسخ این سؤال که آیا می‌شود از مذهب شیعه تقلید کرد چنین می‌گوید: «ان مذهب الجعفریه المعروف به مذهب الشیعة الامامیه الاثنا عشریه مذهب یجوز التعبد به شرعا کسائر مذاهب اهل السنه. فینبغی للمسلمین ان یعرف ذلک و یتخلصوا من العصبیه بغير الحق لما

مذاهب معینه؛ مذهب جعفری که معروف به مذهب شیعه دوازده امامی است مذهبی است که تقلید از آن و تعبد به آن شرعاً جایز است مانند سایر مذاهب اهل سنت. بنابراین سزاوار است که مسلمانان، مذهب شیعه امامیه را بشناسند و خود را از تعصب و دل بستن بدون دلیل از مذاهب خاص رها کنند». (بی آزار شیرازی، ۱۴۱۲ق).

امام خمینی در کتاب الرسائل خود در بحث تقیه مداراتی^۱ در مقام استدلال بر عدم اعاده اعمالی که به صورت تقیه مداراتی انجام شده است روایات زیر را، با به کار بردن تعبیر صحیح و موثقه درباره آن‌ها، نقل نموده است:

عنوان باب چنین است: «فی الروایات الدالة علی صحة الصلاة مع العامه».

۱- «صحیح حماد بن عثمان عن ابی عبد الله انه قال: من صلی معهم فی الصف الاول کان کمن صلی خلف رسول الله فی الصف الاول». سپس امام در ذیل روایت اضافه می‌کند که: «و لاریب ان الصلاة معه صحیحة ذات فضیلة جمّة فکذلک الصلاة معهم حال التقیه؛ امام صادق فرمود کسی که با اهل سنت در صف اول جماعت نماز بخواند مانند کسی است که در پشت سر رسول خدا ﷺ در صف اول نماز خوانده است.

بدون تردید نماز خواندن با پیامبر نه تنها صحیح است که دارای فضیلت بسیار بزرگ است، هم چنین نماز خواندن با اهل سنت در حال تقیه دارای فضیلت بزرگ است. (امام خمینی، ۱۳۸۵ق، ص ۱۹۸).

۲- «عن ابی عبد الله ... صلوا فی عشائره و عدودوا مرضاهم و اشهدوا جنازتهم؛ امام صادق به شیعیان خود فرمود: در میان طوائف و گروه‌های اهل سنت نماز بگذارید و به عیادت بیماران آن‌ها بروید و جنازه‌های آن‌ها را تشییع کنید». (پیشین، ص ۱۹۵).

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه، شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۴.
- ۳- ابن حنبل، احمد، مسند و بهامشه منتخب کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، دار الفکر، بی‌جا، بی‌تا.

۱- و المراد بالتقیه مداراة ان یكون المطلوب فیها نفس شمل الکلمة و وحدتها لاجل مدارات الناس و جلب محبتهم و جر مودتهم من غیر خوف ضرر کما فی التقیه خوفاً (امام خمینی).

- ۴- ابو محمد، عبد الملك (ابن هشام) السيرة النبويه، تحقيق عبد الحفيظ شبلي و ديگران، انتشارات ايران، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۵- امام خميني، روح الله، الرسائل، مؤسسه اسماعيليان، تهران، ۱۳۸۵ ق.
- ۶- بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، دارالمعرفه، بيروت، بى تا.
- ۷- بغدادى، عبد القاهر، الفرق بين الفرق، تحقيق محيى الدين عبد الحميد، دارالمعرفه، بيروت، بى تا.
- ۸- بنى هاشمى، سيد محمد حسن، توضيح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامى، قم، چاپ چهارم، ۱۳۷۸ ش.
- ۹- بى آزار شيرازى، عبدالكريم، الوحدة الاسلاميه، مؤسسه الاعلمى، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۱۲.
- ۱۰- جزيرى، عبد الرحمن، الفقه على المذاهب الاربعه، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ هفتم، ۱۴۰۶.
- ۱۱- حنفى، ابن همام، شرح فتح القدير على الهدايه، دار الفكر، بيروت، چاپ دوم، بى تا.
- ۱۲- شيخ صدوق، الاعتقادات فى دين الاماميه.
- ۱۳- شيخ طوسى، محمد، المبسوط فى فقه الاماميه، تصحيح محمد تقى كشفى، المكتبة المرتضويه، تهران، ۱۳۸۷ ق.
- ۱۴- شيخ مفيد، تصحيح الاعتقاد.
- ۱۵- علامه مجلسى، بحار الانوار، ج ۲۵.
- ۱۶- قزوينى، ابن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار احياء التراث العربى، بيروت، ۱۳۹۵ ق.
- ۱۷- قشيرى، مسلم، صحيح مسلم، تحقيق محمد فؤاد عبد الباقي، دار احياء الكتب العربى، بيروت، چاپ اول، ۱۳۷۴ ق.
- ۱۸- كتاب الخصال، تحقيق على اكبر غفارى، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم، ۱۴۰۳.
- ۱۹- كلينى، محمد بن يعقوب، اصول كافي، ترجمه و شرح سيد جواد مصطفوى، دفتر نشر فرهنگ اسلامى، تهران، بى تا.
- ۲۰- مرغينانى، برهان الدين، الهدايه شرح بداية المبتدى، المكتبة الاسلاميه، بى تا، بى جا.

- ٢١- منذرى، عبدالعظيم، الترغيب والترهيب، تحقيق مصطفى محمد عمارة، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ سوم، ١٣٨٨ق.
- ٢٢- منصور على شيف ناصف، التاج الجامع للاصول فى احاديث الرسول، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ سوم، ١٣٨٢ق.
- ٢٣- هندی، متقى، كنز العمال فى سنن الاقوال والافعال، تصحيح صفوة السقا، مؤسسه الرسالة، بيروت، چاپ پنجم، ١٤٠٥ق.



تقریب
بیشگامان

چکیده

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه و جهت همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر هجوم‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان‌که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های درازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن‌طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و بی‌پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب‌گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی دو تن از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقریب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده‌اند.

سید محسن بن عبدالکریم امین عاملی شقراوی (بلندای استقامت)

(۱۳۷۱ - ۱۲۸۴ ق) / (۱۹۵۲ - ۱۸۶۶)

رحیم ابوالحسینی

نسب‌نامه آل امین

سید محسن فرزند سید عبدالکریم فرزند سید علی فرزند محمد امین فرزند سید موسی فرزند سید حیدر فرزند سید ابراهیم می‌باشد که در نهایت نسب او به حسین ذی‌الدعوه (م ۱۹۱ ق) فرزند شهید جاوید اسلام زید بن علی بن الحسین زین‌العابدین علیه السلام می‌رسد. برخی از قراین و شواهد تأیید شده حکایت از این دارد که نسبت سادات جبل عامل به عبدالله محض بن حسن مثنی بن حسن بن علی علیه السلام منتهی می‌شود. به همین دلیل گاهی از امین عاملی با نسبت «حسینی» و گاهی با نسبت «حسینی» یاد می‌شود. (امین عاملی، ۱۴۰۳ ق، ص ۳۳۳).

نیاکان سید محسن در حله - از مراکز قدیم شیعه‌نشین در عراق - زندگی می‌کردند، اما یکی از اجداد او (احتمالاً سید حیدر) از سوی شیعیان جبل عامل برای مرجعیت و ارشاد به لبنان دعوت شد و از حله به جبل عامل منتقل گردید و قریه شقراء را وطن خود قرار داد و تا هنگام وفات در آن جا ساکن بود. اکنون مزار جد او معلوم است و سال وفات او بر لوح مزارش ۱۱۷۵ ق ثبت شده است. (صدر حاج سید جوادی، ج ۲، ص ۵۲۹). گفتنی است صاحب کتاب مفتاح الکرامه، یعنی مرحوم سید جوادی عاملی (م ۱۲۲۶ ق)، نوه پسری مرحوم سید حیدر است. (امین عاملی، پیشین، ص ۳۳۴).

خاندان امین پیش از آن‌که به لقب «امین» شهرت یابند، معروف به «قشاقشی» یا «قشاقیشی» بودند اما علت انتساب این عنوان به این خاندان معلوم نیست. بعضی از دانشمندان احتمال داده‌اند «قشاقشی» تحریف و ترجمه «اقساسی» است و اقساس نام فردی است که مالک روستایی در نزدیکی کوفه بود و به همین جهت اهالی دهکده، نام روستایشان را اقساسی گذاشته‌اند و اینها طایفه بزرگی هستند که نسبتشان به حسین ذی‌الدعوه می‌رسد. از آن‌جا که یکی از اجداد سید محسن، به «محمد امین» لقب یافت، به خاندان آن‌ها «آل امین» گفته شده است. (پیشین، ص ۳۳۳).

تولد، خانواده و دوران تحصیل

سید محسن در سال ۱۲۸۴ هجری قمری در یک خانواده کاملاً مذهبی در روستای شقراء از توابع جبل عامل لبنان چشم به جهان گشود. به همین دلیل گاه او را «عاملی» و گاه «شقراوی» می‌خوانند و چون فرزندی به نام محمدباقر داشت، کنیه‌اش ابو محمد الباقر شده است. برخی از سیره‌نویسان معاصر تاریخ ولادت او را سال ۱۲۸۲ ق نوشته‌اند (زرکلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۲۸۷)، اما بر اساس قراین و شواهدی که خود امین در زندگی‌نامه خود نوشته‌اش در آخرین جزء کتاب نفیس اعیان الشیعه، بیان نموده است، سال ۱۲۸۴ ق صحیح است (امین عاملی، پیشین، ص ۳۳۴).

پدرش سید عبدالکریم امین فردی با تقوا و پاک سیرت بود و بیش‌تر روزها را روزه می‌گرفت و از خوف عاقبتش همیشه گریان بود. در سفرهایش، به زیارت خانه خدا و بیت‌المقدس رفت و پس از آن، عتبات عالیات عراق را زیارت نمود و در همین راستا قصد عزیمت به سوی ایران برای زیارت امام رضا علیه السلام داشت که پسر عمویش سید کاظم امین او را از این سفر منصرف نمود و به او پیشنهاد کرد مخارج سفرش را برای طلاب علوم دینی هزینه کند و او نیز این پیشنهاد را پذیرفت و از عراق به جبل عامل بازگشت. وی سرانجام به همراه فرزندان و خانواده‌اش به عراق آمد و در سال ۱۳۱۵ ق در نجف درگذشت و در صحن شریف امام علی علیه السلام به خاک سپرده شد.

مادر سید محسن از زنان پرهیزگار و در تدبیر امور خانواده بسیار توانا بود و در سال ۱۳۰۰ ق دار فانی را وداع گفت. پدر و مادر سید گرچه بهره بلندی از علم و دانش نداشتند اما در پرورش سید محسن و تعلیم علوم مقدماتی به او از قبیل حفظ قرآن، آموزش خط، فراگیری برخی اشعار و مانند این‌ها، نقش عمده‌ای داشتند. هنگامی که وی را به مکتب فرستادند رفتار نادرست و خشونت‌آمیز مکتب‌دار باعث فرار سید محسن از مکتب شد، اما مادرش او را رها نکرد و به تعلیم او همت گماشت. سید محسن در سن ۱۶ سالگی مادرش را از دست داد و در سوگ او اشعار سوزناکی سرود که ترجمه بخشی از آن چنین است:

«ای قبر اگر بدانی که چه زن پاک سیرت را در خود جا داده‌ای که او لباس شرف بر تن داشت. ای بهترین مادر که به فرزندش نیکی و مهربانی فراوانی داشت مطمئن باش پسرت فرزند سختی‌هاست. چشمانت را با کارهای نیکش روشن می‌کند و انگار خود می‌دانستی که چه فرزند شایسته‌ای را به جای گذاشته‌ای. اما مادر، من که از فرط محبت و اشتیاق یک لحظه دوری تو قرار را از من می‌گرفت، اکنون چگونه می‌توانم طاقت بیاورم در حالی که دوری من و تو تا روز محشر است و رشته کارها از هم گسسته است.» (پیشین).

این اشعار با توجه به این که سید محسن تنها فرزند خانواده بود، از روابط عمیق بین این مادر و فرزند حکایت دارد. مادرش دختر شاعر و دانشمند محترم شیخ محمدحسین فلحه میسی بود و طبع شعری سید محسن نیز ریشه در این امر دارد. جد پدری اش «سید علی امین عاملی» فقیهی نامدار در نجف بود و سید استفاده‌های شایانی از او برد.

سید محسن بعد از این که در سال ۱۲۹۱ ق در سن هفت سالگی، قرائت قرآن را از اول تا آخر تمام کرد و نوشتن را فرا گرفت به علم نحو و هنر خوشنویسی رو آورد. ابتدا متن اجرومیّه^۱ را حفظ کرد و سپس کتاب قطر الندی و بل الصدی تألیف ابن هشام انصاری در علم نحو و کتاب تصریف سعد الدین تفتازانی را به پایان برد. وی این دو کتاب را در فاصله سال‌های ۱۲۹۵ ق و ۱۲۹۶ ق نزد پسر عمویش سید محمدحسین امین فرا گرفت. (پیشین، ص ۳۳۷). در همین ایام اشتیاق خواندن شعر در او تقویت شد و به یکی از دوستان پدرش به نام حاج محمود مروت که عازم بیروت بود سفارش کرد دیوان شعری برای او خریداری نماید. حاج محمود نیز دیوان ابو فراس حمدانی (م ۳۵۷ ق) را که یکی از بهترین دیوان‌های شعر عربی است، برای او خریداری نمود و این نخستین مطالعه شعر او بود و چون اشتیاق فراوان داشت، اشعار این دیوان را به دقت مطالعه کرد و بسیاری از ابیات آن را حفظ کرد و از همین جا پایه‌های ذوق شعری او شکل گرفت. (پیشین).

امین در سال ۱۲۹۷ ق برای ادامه تحصیل در مدرسه‌ای در روستای «عیثا الزط» نزد سید جواد مرتضی به خواندن شرح قطر الندی و شرح ابن ناظم بر الفیه ابن مالک پرداخت. هم‌چنین در همین ایام کتاب‌های شافیه ابن حاجب و مغنی اللیب را آموزش دید و چون با سرودن شعر آشنایی پیدا کرده بود منظومه‌ای در علم صرف تألیف نمود. (صدر حاج سید جواد، پیشین).

امین در ادامه تحصیلاتش به آبادی «بنت جبیل» رفت و در آن جا ضمن دیدار با شیخ موسی شراره که تازه از عراق آمده بود، دروس منطق، معانی بیان، اصول و فقه را نزد وی آموزش دید و استفاده‌های فراوان از او برد. در واقع مدرسه بنت جبیل با وجود شیخ موسی شراره از حرارت و رونق بالایی برخوردار بود، اما هنگامی که در شعبان ۱۳۰۴ ق این استاد زحمت‌کش چشم از جهان فرو بست، طلاب پراکنده شدند و مدرسه بنت جبیل رو به تعطیلی گرایید. از این رو امین به زادگاه خود شقراء بازگشت و تا سال ۱۳۰۸ ق در آن جا بود و در این مدت آموخته‌هایش را به طلاب مبتدی می‌آموخت و خود نیز مطالعاتی داشت. (امین عاملی، پیشین، ص ۳۴۴).

۱- کتاب کوچکی است در علم صرف که در اکثر حوزه‌های آن زمان تدریس می‌شد، ولی اکنون بیش‌تر در حوزه‌های اهل سنت تدریس می‌شود.

سفر به عراق

شوق سفر به نجف اشرف در جان سید محسن شعله افکنده بود اما شرایط نامساعد مالی اجازه این سفر را به او نمی‌داد. اما جهت پاسخ دادن به اشتیاق درونی‌اش برای تحصیل علم، مسافرت‌های کوتاهی به شهرهای مختلف لبنان از جمله بعلبک، صیدا و جولان انجام داد اما بعد از مرگ شیخ موسی شراره هیچ‌گاه ماندن در لبنان برای او رضایت‌بخش نبود و حتی سعی و تلاش مستنذین منطقه برای دعوت از علمای عراق جهت عزیمت به لبنان نیز ثمربخش نبود. هر چند مرحوم سید مهدی حکیم دعوت آنان برای آمدن به لبنان را اجابت کرد و مساعدت‌های مالی قابل توجهی انجام داد، اما این مدت چندان به طول نینجامید و به هر حال سید محسن برای ادامه تحصیلات باید به نجف می‌رفت. (پیشین، ص ۳۴۷).

این وضعیت از سال ۱۳۰۳ ق که شیخ موسی شراره دار فانی را وداع گفت تا سال ۱۳۰۸ هجری ادامه داشت تا این‌که روزی یکی از علمای لبنان به نام شیخ حسین مغنیه که خود عازم عراق بود، سید امین را برای رفتن به عراق تشویق نمود و از او دعوت به همراهی کرد. سید محسن که آرزوی رفتن به عراق را داشت نگران پدر پیرش بود که به تازگی بینایی خود را از دست داده بود. اما پدرش به او پیشنهاد کرد استخاره کند و بر خدا توکل نماید. استخاره سید محسن خوب آمد و به این ترتیب وی به اتفاق همسرش و به همراهی شیخ حسین مغنیه مہیای سفر گشت.

سید امین و مسافری همراه، در آخرین روز ماه مبارک رمضان سال ۱۳۰۸ هجری از زادگاه خود شقراء حرکت نموده و از مسیر صیدا و بیروت به بندر اسکندرونه و از آنجا به حلب رفته و در روز دوم عید قربان به کاظمین و بغداد رسیدند. (پیشین، ص ۳۴۸-۳۵۰).

ورود به نجف اشرف

این سفر او بیش از سه ماه طول کشید. وقتی سید به کاظمین رسید مرقد مطهر دو امام بزرگوار موسی بن جعفر و محمدتقی علیه السلام را زیارت کرد و سپس از راه بغداد و کربلا، عازم نجف گردید. زمانی که سید محسن وارد نجف شد آن شهر در اوج عظمت بود. شیعیان ایران، عراق، هند و پاکستان، روسیه، آفریقا و آسیای مرکزی و سایر نقاط جهان، وجوهات شرعی را تقدیم مراجع تقلید می‌کردند و به همین جهت مدارس آنجا آباد و پر از جمعیت بود. مهم‌تر از همه، وجود مجتهدان و مدرسان بزرگی از ایران، هم‌چون آخوند خراسانی، حاج آقا رضا همدانی، شیخ عبدالله حائری مازندرانی، سید محمدکاظم یزدی و میرزا حبیب الله رشتی، و از علمای عرب هم چون محمد طه نجف، شیخ علی رفیش، سید محمد طباطبایی فرزند سید محمدتقی طباطبایی آل بحرالعلوم، شیخ عباس علی و شیخ

عباس حسن آل کاشف الغطاء، و سید حسین قزوینی الاصل بود که هر یک حوزه‌ای برای تدریس فقه و اصول داشتند. هم‌چنین در خارج از نجف، مانند سامرا، میرزا سید محمدحسن شیرازی زمام مرجعیت را در دست داشت و در کربلا شیخ زین العابدین مازندرانی و در کاظمین شیخ محمدتقی از نوادگان شیخ اسدالله تستری، سید اسماعیل صدر و سید حسن صدر و بزرگانی دیگر رهبری مردم را به عهده داشتند.

تحصیلات در نجف اشرف

سید امین از این‌که به پایگاه علم و دانش قدم گذاشته بود بسیار خشنود بود و در مدت اقامتش در نجف که نزدیک به یازده سال طول کشید بهره‌های فراوانی برد. امین مرحله‌ی سطح، کتاب‌های شرح لمعه، قوانین، رسائل و مکاسب را در فقه و اصول نزد استادان درجه‌ی اول فرا گرفت و سپس مشغول درس خارج فقه و اصول شد. وی شرح لمعه را نزد پسر عمویش سید علی، قوانین را نزد شیخ محمدباقر نجم‌آبادی، رسائل را نزد ملا فتح‌الله اصفهانی معروف به شیخ الشریعه و درس خارج فقه را در محضر شیخ آقارضا همدانی و شیخ محمد طه نجف فرا گرفت و مدتی نیز در جلسات فقه میرزا محمدحسن شیرازی که در سامرا اقامت داشت، حضور یافت. دوره‌ی کامل خارج اصول را نزد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی صاحب کفایة‌الاصول گذراند.^۱ چیزی نگذشت که سید محسن امین در حوزه‌ی علمیه نجف در ردیف علما و دانشمندان صاحب اندیشه قرار گرفت و خود کرسی درسی به راه انداخت و شاگردان زیادی در حلقه درس او حاضر شدند.

شهرت امین در بلاد شام

سید محسن امین در حوزه‌ی علمیه نجف جزء افتخارات شیعه به شمار آمد و شهرتش از شهر نجف بیرون رفت، به ویژه از زمانی که وی به طور رسمی حلقه‌ی درسی تشکیل داد و شاگردان بسیاری در درس او شرکت داشتند، زیرا شاگردان بهترین مبلغ استادان خویش هستند؛ از این رو آوازه‌ی سید

۱- سید محسن امین با وجود مشکلات معیشتی و سختی روزگار، با انگیزه و جدیت تمام تحصیلاتش را دنبال کرد. ضمن این‌که نگرانی‌هایی که درباره‌ی پدر پیرش داشت و خاطر او را مکدر می‌نمود در سال‌های نخستین اقامتش در نجف برطرف شد، زیرا پدرش خبر حرکت به سوی نجف به همراه تعدادی از اهالی مورد اعتماد جبل عامل را در نامه‌ای به او داد و او را بسیار خوشحال کرد و از آن پس برای ملاقات پدرش لحظه شماری می‌کرد تا این‌که در یکی از روزها در کربلا به استقبال پدرش رفت و استاد او شیخ محمد طه نجف برای استقبال از پدرش به کربلا آمد و به سید امین تبریک گفت و اظهار امیدواری کرد که با آمدن پدرش، سید امین بتواند مدت بیشتری در نجف بماند. (پیشین، ص ۳۵۷).

محسن امین علاوه بر عراق به جبل عامل و دمشق نیز رسید و شیعیان جبل عامل و دمشق با تهیه طوماری از او دعوت کردند تا به نزد ایشان بازگردد و مرجعیت این منطقه را بر عهده گیرد. وی این دعوت را پذیرفت و در اواخر جمادی الثانی ۱۳۱۹ ق بعد از ده سال و نیم اقامت در نجف در حالی که ۳۵ سال از عمرش می‌گذشت رهسپار شام گردید. (صدر حاج سیدجواد، پیشین، ص ۵۳۰).

دوران زندگی ثمربخش امین که بیش از پنجاه سال به طول انجامید در دمشق که وطن دوم او به شمار می‌آمد سپری شد. آیت‌الله سید محسن امین عاملی شیعیان شام را با مشکلات و کمبودهای فراوان روبه‌رو دید که مهم‌ترین آن‌ها بی‌سوادی و عقب‌ماندگی اجتماعی و سیاسی و فقر مادی و فرهنگی و وجود اختلافات عقیدتی و عشیرتی و از همه بدتر شیوع خرافات در بین ایشان به نام مذهب بود. روضه‌خوانان در تکایا احادیث دروغ می‌خواندند و مردم عوام در ایام عاشورا دیوانه‌وار بر سر و سینه می‌کوبیدند و قفل و زنجیر به بدن می‌زدند و تن را با گل می‌آلودند و بعضی هم با شمشیر و قمه، زخم‌هایی بر سر می‌نشانند و خون جاری می‌کردند و این همه منکرات خلاف شرع، موجب استهزا و شماتت دیگران بود. چون منشأ همه این بلایا بی‌سوادی و بی‌فرهنگی بود، امین ابتدا به این امر پرداخت و در صدد برآمد از سویی مدارس به سبک جدید و با برنامه‌های صحیح تأسیس کند و از سوی دیگر برای دختران مدرسه بسازد و برنامه‌های درسی مناسبی برای آنان تدارک ببیند. (پیشین).

فعالیت‌های علامه امین عاملی در برابر خرافات و فقر فرهنگی دمشق

آیت‌الله سید محسن امین در نخستین اقدام خود، رجال و بازرگانان شیعه دمشق را دعوت کرد و توجه ایشان را به این مسئله مهم جلب نمود و شرکتی تأسیس کرد و ساختمان‌هایی خریداری نمود و دبیرستان‌های دخترانه و پسرانه به نام‌های محسنیه و علویه تأسیس و راه‌اندازی کرد. علامه سید محسن امین خود نیز ساعاتی در این دبیرستان‌ها تدریس نمود و از نزدیک پیشرفت‌های اخلاقی و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان را زیر نظر گرفت. امین به تعلیمات دینی توجه مخصوص نمود و ۹ کتاب درسی در اصول عقاید، احکام شرعی، عبادات، معاملات، موارث، حدود، دیات، تفسیر و اخلاق تألیف کرد که به طور مکرر به چاپ رسید و این کتاب‌ها علاوه بر دبیرستان‌های محسنیه و علویه، در سایر دبیرستان‌های سوریه و لبنان رایج گردید و به فارسی هم ترجمه شد.

در میدان مبارزه با خرافات و اصلاح وضع مراسم عزاداری کار امین دشوارتر بود. مخالفان او در شام و عراق تهمت‌هایی متوجه او نموده عوام را علیه وی می‌شورانند و بر منابر و در جراید و مجلات و مجالس روضه از طعن و سب او کوتاهی نکرده حتی نسبت کفر و زندقه به او می‌دادند، اما سید محسن در جهاد خود صادق و جدی بود و با برنامه‌های دقیقی جنگ با جهل

و خرافات را ادامه می‌داد. رفته رفته توجه مردم به امین جلب شد و بازار روضه‌خوان‌های بی‌سواد بی‌رونق گشت.

سید محسن در همین راستا کتاب‌های مهم مناقب و مقتل تألیف نمود که یکی از آن‌ها کتاب لواعج الاشجان در شرح واقعه کربلا و اخبار صحیح شهادت امام حسین علیه السلام و اهل بیت آن حضرت است. کتاب دیگری هم به نام المجالس السنیه تألیف نمود که شامل پنج بخش است، چهار بخش آن در سیره امام حسین علیه السلام و بخش پنجم در سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و فاطمه زهرا علیها السلام و امامان معصوم است. دو کتاب مذکور بعد از انتشار در سوریه و لبنان مورد استقبال فضلالی اهل منبر قرار گرفت و نسخه‌های بسیاری از آن‌ها به فروش رفت. آن‌گاه امین با جرئت و قدرت فتوایی صادر کرد که مضمون آن چنین است:

«مجروح کردن سر با قمه و شمشیر، پوشیدن کفن، زدن طبل، دمیدن در شیپورها و مانند این‌ها در مراسم عزاداری امام حسین حرام است. این اعمال به نص شرع مقدس و حکم عقل آزار روحی بوده و هیچ فائده دینی و دنیوی ندارند و علاوه بر این، بیگانگان شیعه اهل بیت علیهم السلام را قوم وحشی و مسخره‌آمیز معرفی می‌کنند، از این رو در این‌گونه اعمال نه رضایت خدا است و نه رضایت رسول خدا، و همه از عمل شیطان است». (امین عاملی، پیشین، ص ۳۶۳-۳۶۱ و صدر حاج سید جوادی، پیشین، ص ۵۳۱).

مخالفت با برنامه‌های امین

در راستای برنامه‌های اصلاحی سید محسن، برخی با او به مخالفت برخاستند و در بین عوام شایعه کردند که سید عزاداری امام حسین علیه السلام را حرام می‌کند و حتی نسبت خروج از دین به او دادند. بعضی از عمامه به سرها نیز که به طور کلی با افکار اصلاحی و تجددطلبی سید امین فاصله داشتند، مخالفت برخی از مردم را دست‌مایه قرار داده و به آنان گفتند: «سید امین در دمشق بازاری به راه انداخته و آرام آرام مردم عزادار را از عزاداریشان منع می‌کند، چه بسا چون آغاز کار است، با احتیاط حرف‌هایش را می‌زند اما ممکن است بعد از این از دین اسلام خارج گردد». (امین عاملی، پیشین، ص ۳۶۳).

آنان در ادامه مخالفت‌هایشان که کانون آن در نجف اشرف بود، خطبای منابر را تحریک کردند تا بر ضد افکار سید امین سخنرانی کنند. در رأس آن‌ها خطیبی مشهور به نام سید صالح حلّی قرار داشت که از نظر قدرت بیان و چیره دستی و شجاعت، کم‌نظیر بود. سید صالح در سخنرانی‌هایش مردم را به دو دسته تقسیم کرد، یک دسته را علویین و دسته دیگر را امویین نام نهاد و چنین القا کرد

که سید محسن امین و پیروانش در گروه امویون قرار دارند و از مردم خواست از آن‌ها ترسند زیرا آن‌ها جمعیتی اندک و غیرقابل اعتنا بوده و بیش‌تر آن‌ها محافظه‌کار و جاه‌طلب می‌باشند. (پیشین، ص ۳۷۸ و ۳۷۹).

سخنرانی‌های عوام‌پسندانه سید صالح تأثیر عمیقی بر مردم گذاشت و مردم به راحتی، به سید محسن امین و هوادارانش ناسزا می‌گفتند و آن‌ها را در ردیف بنی‌امیه به‌شمار می‌آوردند. حتی خود سید صالح آن‌قدر جرئت پیدا کرده بود که وقتی آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی فتوا به حرمت قمه‌زنی و زنجیرزنی صادر کرد، به مخالفت با این مرجع بزرگ برخاست و این وضعیت باعث دوگانگی عمیقی در میان علما و طلاب گردد. از یک سو دانشمندانی نظیر شیخ عبدالحسین صادق و سید عبدالحسین شرف‌الدین در لبنان با سید محسن امین و هم‌چنین با فتوای مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی مخالفت کردند و به دنبال آن طلاب جبل عامل ساکن نجف نیز مخالفتشان بیش‌تر شد، و از سوی دیگر عالمان بزرگی نظیر سید مهدی قزوینی در بصره، سید هبة‌الدین شهرستانی در بغداد و استاد جعفر الخلیلی در نجف به دفاع از حرکت اصلاحی سید محسن پرداختند و در راستای فتوای آیت‌الله سید ابوالحسن، حکم به تحریم قمه‌زنی و کفن‌پوشی دادند. در این میان مجتهدان بزرگی مانند شیخ عبدالکریم جزائری، شیخ علی قمی و شیخ جعفر بدیری با این‌که خود از مخالفان سید محسن امین بودند، اما جانب احتیاط را پیش گرفته و در صدد خاموش کردن فتنه برآمدند. (پیشین، ص ۳۷۹).

به تدریج مخالفت با حرکت اصلاحی سید محسن در نجف و شهرهای دیگر بیش‌تر شد و تعداد عزادارانی که با شمشیر و قمه بر سر و صورت خویش می‌زدند، افزایش یافت و این اخبار لحظه به لحظه برای علامه سید محسن امین گزارش می‌شد و استاد جعفر الخلیلی که رابطه نزدیکی با علامه امین داشت برای مقابله با مخالفت‌های جاهلان، روزنامه «فجر صادق» را راه‌اندازی کرد و در صدد انتقام گرفتن از خطیب مشهور سید صالح حلّی برآمد. به همین منظور از خطیب توانا شیخ محمدعلی یعقوبی که در جعاره (نزدیک نجف) اقامت داشت دعوت به همکاری نمود و یعقوبی با خطابه‌های آتشین خود، طلاب و مردم را از حرکت اصلاحی سید محسن امین آگاه نمود و چنان‌که از فتوای آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی دفاع نمود، که آثار شکست و بی‌تأثیر شدن خطابه‌های سید صالح حلّی نمایان گشت، چندان که لقب امویون بر پیروان علامه سید محسن امین برای همیشه از زبان‌ها افتاد. (پیشین).

سفری دوباره به نجف اشرف

در راستای موفقیت‌های حرکت اصلاحی امین، استاد خلیلی که جوانی کوشا بود و سهم بسزایی در این پیروزی‌ها داشت، عازم دمشق شد و قبل از هر چیز به دیدار علامه سید محسن رفت. منزل

سید محسن در کنار مدرسه محسنیه بود و در آنجا استاد خلیلی اخبار نجف را به اطلاع امین رساند و تصمیمات لازم برای ادامه کار گرفته شد. پس از بازگشت استاد خلیلی به نجف، زمزمه‌های سفر علامه سید محسن به نجف اشرف به گوش رسید، اما همه هواداران امین، با آمدن او به نجف موافق نبودند و حتی برخی از آن‌ها نامه‌هایی مبنی بر تأثیر این سفر به امین نوشتند و عزیمت او به نجف را بر خلاف مصلحت دانستند. ولی علامه امین که فردی شجاع و مصلحت‌اندیش بود، موقعیت کنونی را بهترین فرصت برای این سفر دید و عازم نجف شد.

خبر حرکت امین به نجف همه جا پخش شد و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی با صدور اعلامیه‌ای علما و مردم را به استقبال از امین دعوت کرد. مردم نیز در آن روز چنان از علامه امین عاملی استقبال کردند که در تاریخ نجف نظیر نداشت. در این خیر مقدم گویی، علاوه بر علما، فضلا، تجار و اقشار مختلف مردم، شیخ کلو الحبيب نیز که در خط مقدم مخالفان او بود با پای خویش به استقبال آمد و دست علامه امین را بوسید و خطاب به او گفت: «لعن الله من غشنيها هو ذا وجهك النوراني يشع بالايما ن فاغفر لي سوء ظني؛ خداوند لعنت کند کسانی را که مرا گمراه کردند، این چهره نورانی توست که مملو از ایمان است، پس مرا به خاطر سوء ظنی که پیدا کرده بودم، ببخشن.» (پیشین، ص ۳۸۰).

در آن روز امین میهمان مرجع بزرگ سید ابوالحسن اصفهانی بود و پس از آن به اتفاق استاد خلیلی نزد عالم بزرگ شیخ خلیل مغنیه رفت تا با طلاب و فضلالی جبل عامل دیدار کند. شیخ خلیل مغنیه که تا کنون علامه امین را ندیده بود در مقابل او زانو زده و تواضع نمود. فضلالی جبل عامل نیز که تا کنون داعیه مخالفت با برنامه‌های امین داشتند، اکنون از رفتار خود پشیمان بودند و از ترس این که استاد خلیلی مواضع آنان را فاش کند، خود را به استاد خلیلی نزدیک نموده و بیش از حد به او توجه کردند. (پیشین).

به هر حال، علمای نجف در تکریم و تجلیل از مقام شامخ علامه امین، از هیچ کوششی فروگذار نکردند و مدت‌ها به برکت قدوم وی، ولیمه دادند. علامه امین آن قدر در نجف ماند تا این که اسم «علویون و امویون» از زبان‌ها افتاد و این فرصت برای وی فراهم شد تا برنامه‌ها و نظریات اصلاحی خود را در رساله‌ای به نام «التنزیه» به چاپ برساند. (پیشین).

شیوع وبا در ایام جنگ جهانی اول

هنگام شروع جنگ جهانی اول در سال ۱۳۳۲ ق (۱۹۳۲ م)، علامه امین در جبل عامل به سر می‌برد. او با خود فکر کرد که اگر همسر و خانواده‌اش را به دمشق انتقال دهد با خطر کم‌تری روبه‌رو

خواهد شد، از این رو تمام دارایی‌هایش در شقراء را فروخت و عازم دمشق گردید. اما معلوم شد که ماندن در دمشق خطراتی به همراه دارد و به همین خاطر دوباره به جبل عامل بازگشت. در همین ایام بیماری وبا موسوم به «هوای زرد» شیوع پیدا کرد و چنان شد که حتی در روستای کوچک شقراء در یک روز دوازده نفر جان خود را در اثر این بیماری از دست دادند و حتی برادر از حمل جنازه برادر خود امتناع می‌کرد و سعی داشتند جنازه‌ها را بدون غسل و کفن دفن کنند اما سید محسن امین که در آنجا حضور داشت مردم را برای تغسیل و تکفین مرده‌هایشان فرا می‌خواند و خود نیز در این راستا سختی‌های فراوان کشید، چندان که گاهی برای تشییع جنازه‌ها کسی پیدا نمی‌شد تا چهار طرف تابوت را بردارد و سید محسن خود این کار را انجام می‌داد.

به هر حال، سال‌های سختی پشت سر گذاشته شد و علامه امین در این سال‌ها به عنوان یک عالم دینی پیوسته مشغول برطرف ساختن مشکلات مردم و دلداری دادن به آنان بود و حتی در همان ایام جنگ، برای حل و فصل منازعات دامنه‌دار، به خارج از جبل عامل مانند «هرمل» سفر کرد و عاملی برای اصلاح منازعات قومی و قبیله‌ای بود. (پیشین، ص ۳۶۸-۳۶۶).

بازگشت به دمشق

پس از خاموش شدن شعله‌های جنگ جهانی اول، علامه امین به اتفاق جمع زیادی از علما و زعمای جبل عامل به دمشق بازگشت تا در مراسم تاج‌گذاری ملک فیصل پادشاه دمشق، شرکت نموده و مقام پادشاهی را به او تبریک بگوید. به گفته وی، این جریان در سال ۱۳۳۹ ق اتفاق افتاد و در آن سال انگلیسی‌ها از سوریه خارج شدند اما فرانسوی‌ها تا یک‌سال دیگر در دمشق باقی ماندند. (پیشین، ص ۳۶۹).

توجه امین به شیعیان و رفع سوء تفاهم‌های موجود بین شیعه و سنی

علامه امین در دوران قیمومت فرانسوی‌ها در سوریه، برای کسب استقلال و آزادی مسلمانان و حفظ حقوق و رفاه شیعیان تلاش بسیار نمود و برای بالا بردن سطح فرهنگ و اخلاق شیعیان از هیچ کوششی دریغ نکرد، حتی مؤسسه‌ای برای نجات و بازگرداندن زنان منحرف به زندگی شرافتمندانه و معالجه بیماری‌های آنان احداث نمود.

او برای بهبود وضع تحصیل طلاب نیز قدم‌های بلندی برداشت و چون تجربه کرده بود وقت طلاب بیش از اندازه صرف فهم عبارات دشوار و کتاب‌های کهن می‌شود و یا مباحثی را می‌خوانند که فایده عملی ندارد، به تألیف کتاب‌های درسی در سطوح مختلف همت گماشت و کتاب‌ها و مقالات او

شأن شیعه را در جامعه اسلامی سوریه و لبنان بالا برد و تا حد زیادی سوء تفاهمات را برطرف نمود و بین مذاهب مسلمان، آشتی و وحدت برقرار ساخت تا جایی که شیعی و سنی او را به رهبری پذیرفتند و بیش تر علما و واعظانی که از اصلاحات مذهبی و فتوای او بر حرمت قمه زنی و زنجیرزنی به خشم آمده بودند، وقتی صداقت و ایمان او را آزمودند از کرده خویش پشیمان شده برای پوزش نزد او رفته و با زبان های مختلف، از او معذرت خواستند. (صدر حاج سید جوادی، پیشین، ص ۵۳۱).

فعالیت های سیاسی علامه امین در دمشق

علامه سید محسن امین علاوه بر مقام علمی و دینی، پیشاهنگ استقلال طلبان سوریه بود، چنان که جنبش آزادیخواهی «الحركة الوطنية فی سوريا» و اعتصاب شش ماهه سوریه ها در سال ۱۳۵۵ ق که منتهی به خروج بیگانگان از سوریه گردید، از خانه او آغاز شد. امین برای جلب توجه اعراب و جهان اسلام به قضیه فلسطین و کمک به فلسطینیان، علاوه بر جمع آوری اعانات برای آنان و بیان نطق های مؤثر و نوشتن مقالات بسیار در این باره، روزی را هم به نام «یوم الفلستین» اعلام نمود که همه ساله برگزار می گردید. او تنها روحانی مسلمان شام بود که هرگز نزد فرانسویان نرفت و هیچ وقت دعوت کمیسر عالی فرانسه را نپذیرفت و به صراحت اعلام نمود که من مأمور اوامر الهی هستم نه مأمور کمیسر عالی فرانسه. او به مأمور عالی رتبه فرانسوی که به خانه اش آمده بود و سخن نامناسی درباره ملک فیصل اول بر زبان رانده بود گفت:

«چون در خانه من هستی وظیفه مهمان داری اجازه نمی دهد سخن اهانت آمیزی بر زبان بیاورم ولی بدان که به گواهی تاریخ، روش سیاست مآبانه هرگز نتوانسته است برای همیشه بر حق غلبه کند و مطمئن باش عرب های سوریه سرانجام حق خود را از شما می گیرند و بر شما پیروز می شوند.» (پیشین، ص ۵۳۲).

امین به شیعیان سوریه می گفت مبارزه ایرانیان با انگلیس در ماجرای تنباکو باید سرمشق همه آزادی خواهان باشد. هر ملتی که تصمیم بگیرد و بر پای خود بایستد کامیاب می شود و هیچ بیگانه ای را یارای مقاومت در برابر اراده آن ملت نخواهد بود. آن چه علامه امین می گفت خود نیز به آن پای بند بود و از این جهت، محبوب دل های مردم شده بود. مواضع سیاسی امین در برابر تصمیمات فرانسوی ها کاملاً منطقی و شجاعانه بود. وقتی آنان «قانون طوائف» را که بر اساس آن مسلمانان به گروه های قومی و قبیله ای تقسیم می شدند، تصویب کردند، امین موضع سختی در برابر این تصمیم گرفت و آن را مغایر با نص صریح شرع مقدس اسلام معرفی نمود و به دنبال آن، جمعی از علما نیز به هواخواهی امین درآمدند و بر لغو این قانون پافشاری کردند. از این رو فرانسوی ها به اجبار قانون

مذکور را متوقف نموده و بیانیه‌ای صادر کردند مبنی بر این‌که قانون طوائف، فقط شامل مسلمانان سنی می‌شود. اما علامه امین با این مصوبه نیز مخالفت نمود و طی اعلامیه‌ای که به دو زبان عربی و فرانسوی نوشته شد و روزنامه‌ها نیز آن را منتشر نمودند، مسلمانان را امت واحده معرفی کرد و فرق‌گذاری بین طوائف سنی و شیعی را مردود اعلام کرد.^۱

فرانسوی‌ها تصمیم گرفتند امین را به عنوان ریاست و زعامت کل شیعیان لبنان و سوریه معرفی کنند و امور اوقاف و برخی مناصب دیگر را در اختیار او قرار دهند تا به این وسیله بتوانند او را ساکت نمایند. آنان تصور می‌کردند که علامه امین با اشتیاق تمام این پیشنهاد را می‌پذیرد، از این رو نماینده آنان با رایزنی‌هایی که قبلاً با هواخواهان مطرح امین به عمل آورده بود، با کمال احترام نزد او رفت و حکم را تقدیم او کرد، اما امین به نماینده آنان گفت:

«قل لصاحبه ان هذا الامر لا اسير اليه بقدم و لا اخط فيه بقلم و لا انطق فيه بفم؛ برو به نویسنده این نامه بگو که من برای این امر هیچ قدمی بر نمی‌دارم و هیچ مطلبی نمی‌نویسم و هیچ سخنی بر زبان جاری نمی‌کنم». (امین عاملی، پیشین، ص ۳۷۰).

آنان پس از این ماجرا، از یک سو نماینده ویژه‌ای نزد امین فرستادند تا او را متقاعد کند و از سوی دیگر بزرگان لبنان و دمشق را برای ترغیب و تشویق او روانه کردند اما هیچ‌کدام مؤثر واقع نشد و علامه امین به طور کلی با برنامه‌های فرانسوی‌ها و حضور آنان در این کشور مخالف بود.

در نتیجه مبارزات و مقاومت‌های امین، کشور سوریه در سال ۱۳۵۵ ق به استقلال رسید. در این راستا لازم بود مجلس نمایندگان برای کشور تشکیل شود اما این که این امر چگونه و با چه تعداد کرسی برای شیعه و سنی به وقوع بپیوندد موضوعی بود که می‌بایست از طریق انتخابات مردمی روشن می‌شد، که در این صورت، بر اساس تقسیم کرسی‌ها، شیعه در اقلیت قرار می‌گرفت. از این رو سید محسن امین که اولاً با روح این تقسیم که باعث تفرقه و جدایی می‌گشت مخالف بود و ثانیاً آن را موجب در اقلیت قرار گرفتن شیعیان می‌دانست، نامه‌ای به دولت نوشت که بر اساس مذهب شیعه همه مسلمانان امت واحده هستند و هیچ‌گاه شیعه اراده افتراق با برادران سنی را ندارد. این نامه مورد استقبال همه وطن‌خواهان سوری قرار گرفت و به دنبال آن حکومت این چنین مقرر کرد: «ان المسلمین طائفة واحدة لا فرق بین سنیهم و شیعیهم و ان هذه المقاعد المعینة للمسلمین فی جمیع انحاء الدولة السوریة هی للسنین و للشیعیین علی السواء؛ مسلمانان امت واحده‌اند و فرقی بین سنی و شیعه نیست و این کرسی‌ها که برای مسلمانان در بخش‌های حکومت در نظر گرفته شده، برای سنی‌ها و شیعی‌ها به طور یکسان است». (پیشین).

۱- متن عربی این اعلامیه در پاورقی جلد دهم کتاب اعیان الشیعه، صفحه ۳۷۰، آمده است.

حکومت وقت برای علامه امین به خاطر نفوذی که در بین مردم و علما داشت، احترام خاص قائل بود و به دیدگاه‌های او اهمیت می‌داد.

سفرهای مذهبی و زیارتی علامه امین

امین در سال ۱۳۲۱ ق به قصد زیارت خانه خدا از دمشق خارج شد و در این سفر خانواده‌اش را نیز به همراه داشت. وی از راه دریای مدیترانه به مصر رفت و با عبور از شهرهای پور سعید و اسماعیلیه به قاهره رسید. در آنجا مشهد «رأس الحسین» را زیارت کرد و مصری‌ها را به خاطر گرمی داشتن مقام رأس الحسین ستایش نمود و پس از حضور بر سر مزار محمد بن ابی بکر و امام شافعی و تکریم مقام ایشان و همچنین پس از بازدید از اهرام مصر، به دانشگاه الازهر رفت و چون ایام تعطیل بود توقف چندانی در الازهر نداشت. وی در مصر مهمان بعضی از شامیان مقیم قاهره بود. سپس از بندر پور توفیق به مکه رسید و پس از پایان اعمال حج تمتع، وارد مدینه گشت و قبر مبارک پیامبر اسلام ﷺ را زیارت نمود و از آنجا یکسره به دمشق بازگشت.

در این سفر میرزا علی اصغر خان صدر اعظم که از ایران تبعید شده بود، نیز با او همراه بود. میرزا علی اصغر خان ضمن بازدید از مدرسه علویه دمشق و کمک مالی به این مدرسه، بارگاهی برای حضرت رقیه بنا نمود. (پیشین، ص ۳۶۴).

امین پس از این سفر، در همین سال برای بار دوم و سوم به مدینه منوره عزیمت نمود و از نزدیک با وضعیت شیعیان مدینه آشنا شد و با بررسی کشمکش‌هایی که بین اهالی مکه و شیعیان نخواستله وجود داشت، در رفع منازعات آنان تلاش نمود. (پیشین، ص ۳۶۵ و ۳۶۴).

همچنین امین در همین سال به بیت‌المقدس سفر نمود و بعد از جنگ جهانی اول (۱۳۳۶-۱۳۳۲ ق) نیز سفری دوباره به بیت‌المقدس داشت که در این سفرها وی با نوع عبادات و آیین‌های مذهبی یهود و نصاری آشنا شد و تجربه‌های خوبی در این باره کسب نمود.

امین در سال ۱۳۴۱ ق بار دیگر توفیق زیارت بیت‌الله الحرام را به دست آورد و این بار با تجربیات بیش‌تر و دوستان بهتری همراه بود و از نظر مالی نیز دچار هیچ مضایقه‌ای نگشت. شرح این سفر در کتاب «رحلات مجازیه» امین نوشته شده است. (پیشین، ص ۳۶۶).

وی در سال ۱۳۵۲ ق به قصد زیارت امام رضا (ع) به ایران سفر کرد و حدود نه ماه در ایران بود و در روز جمعه نهم ربیع‌الاول همان سال وارد تهران شد.

از آنجا که علامه امین به عنوان یک رهبر مصلح شیعه در ایران شناخته شده بود و آیت‌الله سید ابوالحسن اصفهانی نیز قبلاً درباره او توصیه‌های لازم را به علمای ایران نوشته بود، از سوی علما و

طلاب و مقامات دولتی، استقبال و پذیرایی شایانی از او در تهران و سایر شهرها به عمل آمد. او در مراسم افتتاح دانشکده معقول و منقول شرکت نمود و طلاب را تشویق کرد. به تقاضای مردم امامت جمعه و جماعت را پذیرفت. آن مرحوم در اعیان الشیعه از استقبال و پذیرایی‌های دولت و ملت ایران تشکر بسیار کرده و نوشته است زبان و قلم من از شرح احترامات و محبت‌هایی که ایرانیان به من کردند عاجز است. (صدر حاج سید جوادی، پیشین، ص ۵۳۱).

اساتید و شاگردان علامه امین

مراحل تحصیل و تدریس علامه امین بیش‌تر در جبل عامل و نجف سپری شد. نخستین استاد او در جبل عامل پسر عمویش «سید محمد فرزند سید عبدالله» بود که بخشی از علوم ادبی را نزد او فراگرفت و سپس برای تکمیل ادبیات عرب در مجلس درس «سید جواد مرتضی» در «عیثا الزط» (یکی از بخش‌های جبل عامل) حضور یافت. پس از آن برای فراگیری منطق و اصول فقه نزد «سید نجیب الدین فضل الله عاملی عیثایی» به بنت جبیل رفت و کتاب‌های حاشیه ملا عبدالله، شرح شمسیه و معالم را از او درس گرفت.

و اما استادان او در نجف نخست پسر عموی دیگرش «سید علی فرزند سید محمود» بود که شرح لمعه را نزد او خواند و سپس برای سطوح بالاتر نزد اساتیدی مانند «سید احمد کربلایی»، «شیخ محمدباقر نجم‌آبادی»، و «شیخ ملا فتح الله اصفهانی معروف به شیخ الشریعه» زانو زد و استفاده‌های فراوانی از آن‌ها برد. هم‌چنین برای درس خارج اصول در حلقه درس استاد بزرگ «شیخ ملا کاظم آخوند خراسانی» صاحب کتاب نفیس کفایة الاصول، حضور یافت و برای فراگیری خارج فقه نزد اساتید صاحب نامی چون «شیخ حاج آقا رضا همدانی» و «شیخ محمد طه نجف» رفت و به این ترتیب مراحل اجتهاد را طی کرد و در ردیف یکی از علما و فضلالی موفق نجف درآمد.

علامه سید محسن امین هم در زمانی که خود مشغول تحصیل سطوح عالی‌ه بود و هم پس از فراغت از تحصیل، شاگردان متعددی تربیت کرد که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از: ۱- سید حسن امین فرزند سید محمود؛ ۲- سید مهدی آل ابراهیم حسینی عاملی؛ ۳- شیخ منیر عسیران؛ ۴- سید امین بن سید علی حسینی عاملی؛ ۵- شیخ علی بن شیخ محمد عاملی حدائی؛ ۶- شیخ عبداللطیف شبلی ناصر عاملی حدائی؛ ۷- استاد ادیب تقی دمشقی؛ ۸- شیخ مصطفی خلیل صوری که در ایام جوانی جانش را از دست داد؛ ۹- شیخ خلیل صوری؛ ۱۰- شیخ علی صوری؛ ۱۱- شیخ سمرو حمصی غوری؛ ۱۲- شیخ علی شمیعی حمصی غوری؛ ۱۳- شیخ علی جمال دمشقی. (امین عاملی، پیشین، ص ۳۷۱).

آثار و تألیفات

مرحوم آیت‌الله سید محسن امین آثار و تألیفات ارزنده‌ای به جامعه اسلامی عرضه نمود که بعضی از آن‌ها به زبان‌های غیرعربی ترجمه شده است و بیش‌تر کتاب‌های آن مرحوم بین پانصد تا هشتصد صفحه دارد. در این میان، کتاب گران‌سنگ اعیان الشیعه مهم‌ترین اثر او به شمار آمده و در واقع حاصل عمرش محسوب می‌شود. این کتاب تاکنون بارها به چاپ رسیده و چاپ متداول آن در ده جلد بزرگ و مشتمل بر ۵۲ جزء می‌باشد. جزء پنجاه و دوم این کتاب شامل زندگی‌نامه خود نوشت مؤلف و مقالاتی از دانشمندان درباره‌ی مقام علمی و کوشش‌های سیاسی و فرهنگی اوست که در این مقاله استفاده‌های فراوانی از این جزء برده شده است.

اما کتاب‌های دیگر آن مرحوم، طبق آن‌چه خود در جزء ۵۲ اعیان الشیعه (صفحات ۳۷۱ و ۳۷۲) گفته، به قرار ذیل است:

۱- نقض الوشیعه، که در رد کتاب الوشیعه نوشته موسی جار الله زمخشری است. زمخشری در کتاب الوشیعه اتهاماتی به شیعه وارد کرده که وی آن‌ها را نقض نموده است. (این کتاب بارها به چاپ رسیده است).

۲- لواعج الاشجان، در تاریخ واقعه کربلا، (چاپ شده است).

۳- تاریخ جبل عامل.

۴- اصدق الاخبار فی قصة الاخذ بالثار، (چاپ شده است).

۵- البحر الزخار فی شرح احادیث الائمة الاطهار، (سه مجلد از این کتاب چاپ شده است).

۶- شرح ایساغوجی، در علم منطق.

۷- ارشاد الجهال، در اصول اعتقادات.

۸- الدر الثمین فی اصول الدین، (جلد نخست آن چند بار چاپ شده است).

۹- التقليد آفة العقول، در اصول اعتقادات.

۱۰- حذف الفضول عن علم الاصول.

۱۱- حواشی المعالم، که در ایام آموزش کتاب معالم، آن را نوشته است.

۱۲- حاشیة القوانين.

۱۳- الدر المنظم فی مسئله تقلید الأعلم.

۱۴- اساس الشریعة، در فقه، (یک جلد آن چاپ شده است).

۱۵- ارجوزة فی النکاح.

۱۶- تحفة الاحباب فی احکام فی آداب الطعام و الشراب، (چاپ شده است).

- ۱۷- التنزیه لاعمال التشبیہ، در آداب عزاداری عاشورا.
- ۱۸- جوابات المسائل الدمشقیہ.
- ۱۹- جوابات المسائل الصافیتیہ.
- ۲۰- جوابات المسائل العراقیہ.
- ۲۱- جناح الناهض الی تعلم الفرائض، ارجوزہ‌ای در فقہ است کہ بیت اول آن چنین است:
الحمد لله القدیم الوارث المنشیء الخلق الممیت الباعث، (چاپ شدہ است).
- ۲۲- کشف الغامض فی احکام الفرائض، (در دو جلد بزرگ در احکام میراث).
- ۲۳- سفینة الخائض فی بحر الفرائض (چکیده کتاب کشف الغامض).
- ۲۴- حواشی العروة الوثقی (رسالہ عملیہ برای مقلدین).
- ۲۵- الروض الأریض فی احکام تصرفات المریض (چاپ شدہ است).
- ۲۶- الدروس الدینیہ (در ۹ جلد چاپ شدہ است).
- ۲۷- شرح التبصرة (چاپ شدہ است).
- ۲۸- درر العقود فی حکم زوجة الغائب و المفقود، در احکام همسری کہ شوهرش ناپدید شدہ است.
- ۲۹- دروس الحیض و الاستحاضة و النفاس (چاپ شدہ است).
- ۳۰- الدر الثمین، در مهم‌ترین مسایل طہارت، نماز، زکات، خمس، روزه و احکام میت. (این کتاب بارها بہ چاپ رسیدہ است).
- ۳۱- الدرۃ البہیة، در بیان تطبیق معیارها و ملاکات شرعیہ بر عرفیہ، (چاپ شدہ است).
- ۳۲- کاشفة القناع فی احکام الرضاع، منظومہ‌ای است در احکام شیر دادن (چاپ شدہ است).
- ۳۳- صفوة الصفو فی علم النحو.
- ۳۴- الاجرومیة الجدیدہ، در علم نحو (بہ طور مکرر بہ چاپ رسیدہ است).
- ۳۵- المنیف فی علم التصریف (دوبار بہ چاپ رسیدہ است)
- ۳۶- حاشیة المطول (در ایام اشتغال بہ این درس، آن را در قالب اشعار نوشته است).
- وی ہم‌چنین ردیہا و نقدہایی علیہ مخالفان متعصب، بہ رشتہ تحریر در آورده کہ مهم‌ترین آن‌ها ردیہ‌هایی است بر رشیدرضا کہ در مجلہ المنار بہ چاپ رسانده است. ردیہ‌های دیگر او نظیر الشیعة و المنار، الحصون المنیعة و دعاة التفریق در مجلہ عرفان بہ چاپ رسیدہ است. وی ہم‌چنین در رد عقاید و ہابیان، کتاب کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوہاب را تألیف کرد کہ بارها بہ چاپ رسیدہ است. ہم‌چنین قصیدہ‌ای در ۴۰۰ بیت در این بارہ سروده کہ در حاشیہ کتاب کشف الارتیاب چاپ شدہ است.

سفرنامه‌هایی نیز که با قلم خود نوشته است در کتابی مستقل توسط پسر عمویش دکتر سید حسن امین با عنوان «رحلات السيد محسن الامين» به چاپ رسیده است. بعضی از این سفرنامه‌ها مانند الرحلة الحمصية و الرحلة العراقية در انتهای کتاب الرحيق المختوم نیز به چاپ رسیده است.

علامه امین هم‌چنین در شرح حال شاعران مشهور عرب و اسلام مانند ابو تمام طای، ابو فراس حمدانی و ابونواس کتاب‌های مستقلی تألیف کرد که همه آن‌ها به زیور طبع آراسته شده است. وی هم‌چنین در تألیفات خود به وحدت بین شیعه و سنی توجه ویژه‌ای داشت و در این باره کتابی مستقل با عنوان «الحق اليقين في التأليف بين المسلمين» نوشته و چاپ نمود، چنان‌که در مورد مناقب و فضایل اهل بیت عليهم السلام نیز کتابی با عنوان: «المجالس السننية في مناقب العترة النبوية» نوشته است.

غروب خورشید دمشق

سید محسن امین در اواخر عمر در اثر کهولت سن و ضعف جسمی بیمار شد و به بیمارستان بیروت انتقال داده شد اما معالجه پزشکی مؤثر نیفتاد و او در ساعت ۱۱ شب یکشنبه چهارم رجب ۱۳۷۱ ق (۱۹۵۲ م) در همان شهر به ملکوت اعلی پیوست. پس از ارتحال آن بزرگمرد علم و فضیلت، خبر آن توسط رادیو سراسری لبنان پخش شد و به دنبال آن تمام کشورهای عربی و اسلامی وفات او را از طریق رادیو و روزنامه‌ها انتشار دادند و به این ترتیب عالم اسلام در سوگ این مرد بزرگ عزادار گشت. متفکران و دانشمندان مسلمان در ضایعه وفاتش مقالات و نامه‌های تسلیت، نوشتند و در سوگ او مراسم عزاداری بر پا کردند، چندان‌که این مراسم از کشورهای عربی و اسلامی فراتر رفته، مهاجران مسلمان مقیم آمریکا و آفریقا نیز مجالس عزای بر پا نمودند.

جنازه شریف او در روز دوشنبه پنجم رجب ۱۳۷۱ ق با حضور مقامات دولتی، احزاب، اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌ها، تجار و انبوه مردم در بیروت تشییع شد. سپس بدن پاکش به دمشق انتقال داده شد و پس از تشییع با شکوه و طواف در حرم حضرت زینب عليها السلام، در مقبره‌ای در باب الکبیر دمشق به خاک سپرده شد. مراسم بزرگداشت علامه امین ماه‌ها ادامه داشت و در تهران نیز روز پانزدهم فروردین ۱۳۳۱ ش در مسجد جامع حضرت عبدالعظیم در شهر ری مجلس با شکوهی برگزار شد. (پیشین، صفحات ۴۲۲ به بعد).

یاد و خاطره آن مرد بزرگ گرامی باد.

منابع و مأخذ^۱

- ۲۴- آقابزرگ تهرانی، محسن، الذریعة الی تصانیف الشیعة، دار الاضواء، بیروت، ۱۴۰۰ ق.
- ۲۵- امین عاملی، محسن، اعیان الشیعه (قطع بزرگ)، تحقیق سید حسن امین، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ج ۱۰، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۶- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
- ۲۷- صدر حاج سید جوادی، احمد، دائرة المعارف تشیع، انتشارات سعید محبی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲۸- صدر، حسن، تکمله أمل الآمل، کتابخانه آیت الله مرعشی، قم، ۱۴۰۶ ق.
- ۲۹- کاظمی، محمدصالح، احسن الاثر، بی نا، تهران.
- ۳۰- کاظمی، محمدمهدی، احسن الودیعة، بی نا، تهران، ج ۲.
- ۳۱- مجله مجمع علمی العربی، شماره ۲۹.
- ۳۲- مجله العرفان، آوریل ۱۹۲۸ م.
- ۳۳- مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیة او اللقب، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۷۴ ش.



۱- در این مقاله اگر چه از منابع محدود استفاده شده است، اما مهم ترین این منابع همان زندگی نامه ای است که خود آیت الله امین در انتهای کتاب اعیان الشیعه نوشته است و بقیه منابع نیز عمدتاً از این کتاب سود جسته اند. بنابراین هدف از ذکر منابع فوق، صرفاً دسترسی خوانندگان عزیز به منابع موجود می باشد.

عبدالمجید سلیم (مرزبان شریعت)

(۱۳۷۴-۱۳۰۲م) (۱۹۵۴-۱۸۸۲ق)

مقدمه

جهان اسلام سرزمین مصر را مهد تمدن‌ها و اندیشه‌های مترقی می‌داند و مصریان، الأزهر را منظومه‌ای درخشان می‌دانند که از عصر فاطمیان تا کنون زینت‌بخش آسمان سرزمینشان بوده است. ازهریان نیز در منظومه فقهای توانمند و عالمان غیور خویش، چشم به ستاره‌ای پرنور دوخته‌اند که الأزهر را حیاتی دوباره بخشید و در سایه فتوهای اندیشمندان و عمیق خود جامعه مصر را آبرویی دوچندان داد؛ مردی که سکاندار تقریب بین مسلمانان شد و تا لحظهٔ افول ستارهٔ عمرش، به آن وفادار ماند. او با تربیت شاگردانی مؤمن به آرمان «بازگرداندن مسلمانان به عظمتی که شایستگی‌اش را دارند» توانست رسالت بزرگی را که پیشینیان آغاز کرده و به او سپرده بودند، به عالمان بعدی بسپارد و به این سبب به حق در شمار «طلایه‌داران تقریب» جای دارد و او کسی جز آفتاب درخشان منوفیه، عبدالمجید سلیم نیست.

وی در طول حیات خود با نام اصلاح‌گران بزرگی چون سید جمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده و... آشنا و در مسیر آنان قرار گرفت. او شاهد دو جنگ جهانی و تأثیرات آن بر کشور و دین و ملتش و نظاره‌گر انقلاب‌ها علیه استعمارگران، سقوط دولت عثمانی، ریاست‌های مختلف بر کشور و تأسیس جمهوری در مصر بود. نوشته حاضر، زندگی مردی را بازگو می‌کند که مصمم شد آزادی واقعی و عزت حقیقی مصر اسلامی را در اتحاد و تقریب مسلمین به تصویر کشد، گرچه حوادث و ماجراهای مربوط به وحدت اسلامی در زندگی او که هدف اصلی این مقاله را تشکیل می‌دهد، مانع از بررسی

۱. برگرفته از کتابی با همین عنوان، محمد عابدی میانجی، خارج فقه و اصول، کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن (اشتغال به تحصیل).

کامل جنبه‌های علمی و معرفی اساتید و شاگردان او شده است. امید است نوشته حاضر بتواند گوشه‌هایی از زندگی شیخ عبدالمجید سلیم و اوضاع فرهنگی و سیاسی مصر را ترسیم کرده و برای خوانندگان عزیز قابل استفاده باشد.

طلوع زندگی و دوران کودکی سلیم

زمانی که مصر با بحران اشغالگری و خیانت حاکمان بیگانه دست به گریبان بود، در یکی از شهرک‌های «مدینة الشهداء» (منوفیه) به نام «میت شهاله»^۱ واقعه‌ای روی داد که هم‌چون طلوعی مبارک، آسمان روستا را روشن کرد. این رویداد مهم که در سال ۱۳۰۲ ق. روی داد، تولد نوزادی مبارک بود که پدر و مادر به نشانه ایمان به معبود با مجد و عظمت نامش را عبدالمجید گذاشتند. عبدالمجید از اوان کودکی به تیزهوشی و زیرکی شناخته می‌شد و در سایه تربیت والدین، دوران کودکی را در روستای کوچک خود «میت شهاله» به دور از غوغاهای معمول و تأثیرات ناشی از تهاجم خارجی و... گذراند. وی همانند دیگر کودکان روستا با خواندن و نوشتن ابتدایی آشنا شد. با این تفاوت که تربیت و آموزش وی با علاقه و انگیزه و جدیت از سوی والدین پی‌گیری شد تا جایی که کل قرآن مجید را حفظ کرد و با تلاش فراوان در قرائت آن سعی وافر نمود.

دیگر وقت آن بود که عبدالمجید بار سفر را ببندد و به سوی کانون علم و ایمان و معبد عشق و عرفان یعنی الأزهر رهسپار شود، و این در حالی بود که سال‌های آغازین قرن نوزدهم هم‌زمان با گرایش جوانان عربی و مصری به تحصیل علوم غربی و تحصیل در مراکزی با رنگ و بوی آن چنانی بود. با این وصف، خانواده‌های مذهبی با احساس وظیفه دینی، فرزندان خود را برای تضمین آینده امت اسلامی و علوم دینی راهی الأزهر می‌کردند.

پیشینه الأزهر

الأزهر که آوازه‌اش در جهان اسلام پیچیده بود، توسط فاطمی‌ها در سال ۳۵۸ ق. در قاهره بنا شده بود. این دانشگاه نام خود را از فاطمه زهرا ع دختر پیامبر اسلام ص گرفته بود، چون فاطمیان خود را به آن حضرت منسوب می‌دانستند. چند سالی از عمر این بنا نگذشته بود که عنوان دانشگاه به

۱. قریه «میت شهاله» از شهرک‌های «مدینة الشهداء» منوفیه است. یاقوت می‌گوید: «منوف» از روستاهای مصر قدیم است که در فتوحات مصر نیز نامی از آن برده می‌شود. معمولاً واژه کوره هم به آن اضافه می‌کنند و «کوره رمسیس و منوف» می‌گویند. جایی که از کشتزارها و آبادی‌ها... پایین‌تر است و به بخش کوره آن، امروزه منوفیه می‌گویند. (معجم البلدان، ج ۵، ص ۲۱۶؛ المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۳۸۶ «توضیح واژه ریف»).

خود گرفت و قضات شیعه آن، به تدریس مبادی فقه شیعه پرداختند. در سال ۹۸۸ م. در زمان خلیفه فاطمی، «الغزیز»، اساتیدی به طور رسمی تعیین شدند تا به تدریس علوم دینی بپردازند و از این قرن الازهر به صورت دانشگاهی دینی درآمد که در آن علوم دینی تدریس می‌شد و دانشگاهی دیگر به نام دارالحکمة عهده‌دار علوم فلسفه، طب، شیمی و هیئت بود که ناصر خسرو ایرانی هم جزء دانشجویان آن بود.

در اواخر حکومت فاطمی‌ها درهای دارالحکمة بسته شد و چون در انتهای قرن دوازدهم ایوبیان به روی کار آمدند، تعلیم و پیروی از شیعه را لغو کردند و با تعطیلی نماز جمعه در الازهر از اهمیت آن کاستند. ولی با افزوده شدن دروس طب، نجوم، فلسفه و منطق به علوم اسلامی بار دیگر الازهر رونق گرفت. از قرن هفتم هجری، با سقوط خلافت عباسیان و ویرانی قرطبه، مرکز فرهنگ اسلامی در اسپانیا، دانشگاه الازهر بزرگ‌ترین دانشگاه اسلامی گردید که از کشورهای مختلف اسلامی به آن روی می‌آوردند و در رواق‌های آن به تحصیل علم می‌پرداختند و این نظام تا به امروز همچنان برقرار است.

روش آموزشی در الازهر، روش حلقه‌ای است که در تمام مدارس اسلامی معمول بوده است؛ به این ترتیب که شاگردان اطراف استاد حلقه‌وار نشسته و به فراگرفتن دانش می‌پردازند. در قرون چهاردهم و پانزدهم، این دانشگاه به عالی‌ترین دوران شکوفایی رسید، ولی با تسلط عثمانی بر مصر، سه قرن از پیشرفت باز ایستاد ولی همچنان شهرت خود را حفظ کرد. در اواخر قرن هجدهم که فرانسوی‌ها مصر را مورد تاخت و تاز خود قرار دادند، الازهر هنوز عظمت و اقتدار خود را حفظ کرده بود و علمای الازهر همچنان پیشوا و رهبران سیاسی مردم شناخته می‌شدند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۸۹ و ۳۹۰؛ ر.ک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ماده الازهر و...). عبدالمجید به مرکزی با چنین پیشینه مذهبی، سیاسی پای گذاشت و چون دیگر طلبه‌های علوم دینی محضر عالمان دینی را درک کرد.

تحصیل در الازهر

او در دوران طلبگی شوق زیادی نسبت به کسب علوم دینی و افزایش سطح معلومات خود نسبت به دانش‌های گوناگون نشان می‌داد؛ به گونه‌ای که این موضوع توجه هم‌درسان و مدرسان الازهر را نیز به خود جلب می‌کرد. علی‌العظیم در این باره می‌نویسد:

«او قرآن کریم را به خوبی حفظ کرد و آن‌گاه به الازهر پیوست. او باهوش و با استعداد بود و به کسب فنون علم مشغول شد. علاقه فراوانی به گردآوری دانش‌ها داشت. به همین دلیل به دروس

معمولی الأزهري اکتفا نکرد و دروس جنبی (فلسفه) را نیز خواند تا جایی که بین هم‌درسی‌ها به ابن‌سینا مشهور شد». (مشیخة الأزهري، ج ۲، ص ۱۰۷).

استادان عبدالمجید در الأزهري

هر چند از استادان و مشوقان عبدالمجید به تحصیل و حفظ قرآن در دوره قبل از ورود به الأزهري، اطلاعی در دست نیست، اما در دوره الأزهري نشانی از اساتید معروف وی ضبط شده است. وی در این دوره از محضر اساتید بزرگ و محدثان نامداری سود برد و دروس ادبی، کلامی، حدیثی، تفسیری، فقهی و... را با موفقیت پشت سر گذاشت. علی‌العظیم به طور مختصر می‌نویسد:

«برای تحصیل، بزرگانی از استادان و مشایخ را برگزید. به درس امام محمد عبده حاضر شد و پنج سال بر آن مداومت کرد. هم‌چنین به درس شیخ حسن طویل و عالم بزرگوار احمد ابی‌خطوه و بزرگان دیگری از ائمه و محدثان حاضر شد». (پیشین).

در میان اساتید سلیم، شیخ محمد عبده (۱۹۰۵ - ۱۸۴۹م) که در سال ۱۸۸۸م به عنوان مفتی اعظم مصر برگزیده شد، (رسالة الاسلام، سال ۶، ص ۴۳۱، به نقل از الاهرام) تأثیرگذارترین استاد در حیات مذهبی و سیاسی عبدالمجید بود. استاد فاضل شیخ احمد عسکری می‌نویسد:

«عبدالمجید سلیم مبادی خود در اصلاح را از استاد امام شیخ محمد عبده گرفت و شیوه بحث و درس و اندیشه را از او کسب کرد. امام محمد عبده او را دوست داشت و بر دیگر همسالان و هم‌قطاران‌ش ترجیح می‌داد». (پیشین).

علی‌العظیم هم به دل‌بستگی عبدالمجید به محضر درس محمد عبده اشاره می‌کند و مواظبت او بر حضور در درس استاد را یادآور می‌شود. (مشیخة الأزهري، پیشین).

و بالأخره، محمد عبدالمنعم خفاجی بر نقش عبده در شخصیت علمی عبدالمجید به این صورت اشاره می‌کند:

«عبدالمجید نزد امام محمد عبده تحصیل کرد و عالمی قدرتمند و شیخی بزرگوار شد». (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

از آن جا که عبدالمجید در سال ۱۸۸۲ م. به دنیا آمده و محمد عبده در سال ۱۹۰۵ م وفات یافته و هنگام رحلت استاد، شاگرد او جوانی ۲۳ ساله بوده و بعد از آن هم تا سه سال (۱۹۰۸ م.) فارغ‌التحصیلی او به طول کشیده است، (پیشین، ص ۳۰۶ و موسوعة اعلام مصر فی قرن العشرين، جلد ۴، ص ۳۱۸) می‌توان گفت احتمالاً مدت پنج سال حضور وی در محضر استاد بین سال‌های (۱۹۰۰ تا ۱۹۰۵) بوده است؛ یعنی از ۱۸ سالگی تا ۲۳ سالگی عبدالمجید.

محمد عبده در این دوره، به اصلاحات دینی و فرهنگی و حتی اجتماعی دست زده بود. او حتی به مقام مفتی مصر هم رسیده بود و در سه زمینه (دانشگاه الازهر، اوقاف، دادگاه‌های شرعی) فعالیت می‌کرد و از نظر سیاسی به شدت تحت فشار حکومت خدیو توفیق و فرماندار انگلیسی مصر (لرد کرومر) قرار داشت.

مرور زندگی سیاسی مذهبی محمد عبده، برای آشنایی با افکار و مبانی اصلاح‌گری و تقریب‌گرایانه عبدالمجید در دوره تحصیل، بسیار مهم است؛ زیرا بعدها شاگردان وی، به خصوص عبدالمجید، متأثر از استاد خود، گام‌های مهمی در راستای منویات و تفکرات او برداشتند. عبدالمجید سلیم جوان، با استادی روبه‌رو بود که در چارچوب اصلاح فکر دینی هم‌عقیده با سید جمال‌الدین اسدآبادی و تحت تأثیر تعالیم اصلاح‌طلبانه او، به احیای اندیشه دینی و ارایه تفسیری جدید از اسلام برای پاسخ‌گویی به مسایل عصر می‌اندیشید.

وقایع دوران تحصیل

در زمانی که کشور مسلمان مصر، تحت حاکمیت خدیو عباس حلمی (۱۹۱۴ - ۱۸۹۲ م.) و زیر پرچم و سلطه انگلیس قرار داشت و دوران تلخ ذلت را تجربه می‌کرد، عبدالمجید سلیم به آینده‌ای آزاد و اسلامی برای مصر می‌اندیشید و با این روحیه تحصیلاتش را ادامه می‌داد تا این‌که با گذر سال‌ها، در سن ۲۶ سالگی (۱۹۱۸ میلادی) توانست با درجه عالی از الازهر فارغ‌التحصیل شود. در این دوره از زندگی علمی عبدالمجید سلیم، الازهر شاهد تغییر و تحولات عملی و اداری بود و تلاش‌های زیادی صورت می‌گرفت تا این مرکز تبدیل به مکانی منطبق با شرایط روز و پاسخ‌گو به نیازهای علمی، مذهبی و سیاسی روز گردد.^۱ عبدالمجید سلیم در این دوره شاهد وضع قوانینی، نظیر قانون تشکیل مجلس اداره الازهر، امتحان گرفتن از کسانی که می‌خواستند در الازهر تدریس کنند، نحوه هزینه شهریه‌ها در الازهر (در سال ۱۸۹۵ م.)، قانون مدارج علمی و بالآخره قانون جامع الازهر (در سال ۱۸۹۶ م.) بود.

۱. در قرن نوزدهم، جنبشی فرهنگی و آموزشی در مصر پدید آمد و جوانان به سوی فرهنگ نوین گرایش پیدا کردند و صدها نفر برای تحصیل عازم اروپا شدند و مدارس جدید در مصر تأسیس شد. با این وضع، الازهر با روش قدیمی نمی‌توانست در جذب جوانان موفق باشد. به همین دلیل مدتی متروک ماند. در پی اقدامات اصلاح‌گرایانه که سال‌ها (از ۱۸۷۲ تا ۱۹۳۶) به طول کشید، به صورت مدرن و متشکل از سه دانشکده (اصول دین، حقوق اسلامی و زبان و ادبیات عرب) درآمد و دانشجویان قبل از ورود به رشته‌های تخصصی، دروس مقدماتی و عمومی را در دو دوره مقدماتی و متوسطه می‌گذرانند. هنوز هم برخی کلاس‌ها به روش سابق، یعنی نشستن دور استاد، اداره می‌شود. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۹۱؛ خفاجی، ج ۱، ص ۱۸۱).

علاوه بر این امور، عبدالمجید سلیم در این دوره با وقایع تلخی هم روبه رو بود؛ درگذشت اساتید بزرگوارش و نیز شخصیت‌های علمی و اصلاح‌گر بزرگ در مصر تحت سلطه روح او را می‌آزرد. او در سال ۱۸۹۷م. از وفات سید جمال‌الدین اسدآبادی آغازگر نهضت اصلاح‌گری اسلامی مطلع شد و به فاصله پنج سال از این ماجرا، از درگذشت عبدالرحمن کواکبی (۱۹۰۲م.) برجسته‌ترین شخصیت پیرو مکتب اتحاد اسلامی سید جمال‌الدین و محمد عبده، آگاهی یافت. کواکبی اهل حلب و ایرانی‌الاصل بود. او در سال ۱۸۹۹م. بعد از هجرت به مصر، منصب قضاوت شرعی را عهده‌دار شد و بعد از مسافرت به کشورهای دیگر به مصر بازگشت و با محمد عبده که حاصل افکار جمال‌الدین بود، آشنا شد. (موتقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۲۵۷). اما بزرگ‌ترین مصیبتی که عبدالمجید به آن دچار شد، درگذشت استاد فرزانه و پیشوای عزت‌طلب او شیخ محمد عبده بود که در سال ۱۹۰۵م. روی داد.

ویژگی این دوره از زندگی عبدالمجید سلیم، تلاش اندیشمندان و دلسوزان اسلامی، برای بازگرداندن عزت اسلامی به جهان اسلام و ایجاد نهضت‌های اصلاح‌گری دینی است. از این رو عبدالمجید در یکی از حساس‌ترین قله‌های وقایع مربوط به جهان اسلام قرار داشت. در این بین باید به حرکت‌هایی که عبدالمجید بعدها ادامه دهنده آن شد، یعنی روند تاریخی تقریب و وحدت اسلامی نیز توجه کرد. زمانی که عبدالمجید دو سال تا فارغ‌التحصیلی فاصله داشت، علامه شرف‌الدین موسوی عاملی در مصر با سلیم بشری، مفتی مصر ارتباطات علمی برقرار کرده و در مسیر شناخت و ارتباط بیش‌تر مذاهب اسلامی، تلاش می‌کرد، که حاصل این تلاش، کتاب گرانقدر «المراجعات» می‌باشد. (ر.ک: پیشین، ص ۲۷۲-۲۶۰).^۱ به این ترتیب، وی با رئیس علمای مصر، سلیم بشری (۱۳۳۵ - ۱۲۸۴ ق) آشنا شد و هر دو برای درد مشترک، گام بر می‌داشتند. اهمیت این رویداد آن‌جا روشن می‌شود که بدانیم عبدالمجید سلیم، دقیقاً رهنورد همین مسیری است که در دوران جوانی و تحصیل او، سلیم بشری و سید عبدالحسین شرف‌الدین پی ریخته‌اند و نهایت کار عبدالمجید سلیم هم توسط شاگردش شیخ محمود شلتوت به این آرمان می‌رسد که: «اتحاد اسلامی و پیمان برادری وقتی به دست می‌آید که شما مذهب شیعه را آزاد اعلام کنید و آن را مانند یکی از مذاهب چهارگانه بدانید. باید نظر شافعی و حنفی و مالکی و حنبلی به شیعه و پیروان آل محمد علیهم‌السلام مانند نظرشان به یک‌دیگر باشد تا در اثر این اختلافات مسلمانان برطرف شود». (پیشین، ص ۲۸).^۲

۱. این کتاب که حاصل نامه‌های دو اندیشمند اهل سنت و شیعه است به نام «رهبری امام علی علیه‌السلام» و به نام «مذهب و رهبر ما» به فارسی ترجمه و بارها چاپ و منتشر شده است.
۲. اولین نامه بین آن دو در ذی‌قعدة ۱۳۲۹ ق. رد و بدل شد.

اوضاع فرهنگی مصر در زمان عبدالمجید سلیم

وقوع جنگ جهانی بین سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵، وضع کشور مصر را نیز آشفته ساخت و این کشور اسیر دست انگلیس را با تلاطم دیگر روبه‌رو کرد. در این سال‌ها حزب وفد که با امضای معاهده ۱۹۳۶ با انگلیس، مصر را دربند نمود و به جدایی حزب سعد زغلول از مردم انجامید، در سال ۱۹۴۲ با پشتیبانی تانک‌های انگلیس به قدرت رسید و با ویژگی غیرمذهبی ظاهر شد و شعار «دین برای خدا و وطن برای همه و حق مافوق قدرت و ملت برتر از حکومت است» سرداد. (احزاب سیاسی در مصر، ص ۱۰۹).

برخی از استفتاهایی که از شیخ عبدالمجید سلیم می‌شد، و پاسخ‌های وی، گوشه‌هایی از اوضاع فرهنگی آن دوره را نشان می‌دهد. در یکی از استفتاها (۲۴ رجب ۱۳۶۲) بانویی از خانواده‌ای مذهبی می‌نویسد: «شوهرم که اوایل مرا دعوت به حجاب کامل و... می‌کرد، اینک زنان فریبکار را بیرون خانه می‌بیند و از من می‌خواهد بدون روسری و جوراب و... در گردش‌ها و... حاضر شوم و در صورت امتناع مرا تهدید به طلاق می‌کند». این استفتا به تنهایی می‌تواند نشان‌دهنده اوضاع دینی و فرهنگی بخشی از جامعه مصر آن روز باشد؛ دوره‌ای که در آن به تدریج استحاله فرهنگی آغاز می‌شد.

عبدالمجید در پاسخ به این استفتا، ضمن اعلام حرمت خروج زن با حالت آشکار کردن زینت‌ها، به آیه ۳۱ نور تمسک می‌کند و می‌نویسد: «خمار، مقنعه است که زن بر سرش می‌اندازد... زنان باید گردن و سینه خود را از نامحرم بپوشانند و اگر شوهر چنان امر کند، اطاعتش حرام است، چون امر به معصیت کرده و رسول اکرم ﷺ فرموده: لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق. اطاعت زوجه از زوج در جایی است که زوج حقی داشته باشد و آشکار کردن زینت سر و گردن به اجنبی از حقوق او نیست و واجب است تقوا و تحمل اذیت‌های شوهر». در نهایت نیز او را به نصیحت نمودن و امر به معروف و نهی از منکر شوهرش فرا خوانده و آیات امر به معروف و نهی از منکر را به او یادآوری می‌کند. (الفتاوی الجدیة، ص ۴۲۳ تا ۴۲۸).

نمونه‌ای دیگر از نفوذ فرهنگ غربی، موضوع رقص غربی بود که در جامعه گسترش یافته بود. محمد نزیه نویسنده مجله «آخر ساعة» در ۴ رمضان ۱۳۶۲ ق (۱۹۴۳ م) از حکم رقص زن با مرد اجنبی، مرد با زن اجنبی و رقص مرد با زن خود در جمع مردم سؤال می‌کند و سلیم در پاسخ، می‌گوید: «هیچ مسلمانی در سرزمین اسلام شک ندارد که رقص فرنگی معروف که مرد و زن در آن شرکت دارند، شرعاً حرام است و حرمت آن به ضرورت و به‌طور بدیهی معلوم است و هر زنی که با

اجنبی بر قصد یا مردی که با زن اجنبی بر قصد، با ارتکاب آن گناهکار است و مستحق عقوبت دنیا و آخرتی است که خداوند به فاسقان وعده داده است. همان طور که مردی که با زنش در منظر مردم بر قصد، مرتکب این گناه شده است. این قضایا خیلی روشن است و نیاز به برهان و دلیل ندارد. و هر کس که به آن راضی شود، حاضر و غایب، گناهکار است، چون رضایت به گناه، گناه است. همان طور که رضایت به کفر، کفر است و کسی که بتواند این منکر را تغییر داده و از بین ببرد ولی اقدامی نکند، او هم گناهکار است. خداوند کم تر از این را حرام کرده است، چگونه این منکرات را حرام نکند و از آن نهی ننماید». (پیشین، ص ۱۲۹۱-۱۲۹۲).

استفتای استاد مصطفی افندی وکیل از عبدالمجید سلیم هم اوضاع اسفبار آن روزگار را نشان می دهد. وی در نامه ای از مسئله شراب در اسلام، فروش آن به غیر مسلمانان و مراکز مشروب فروشی در مقابل مساجد سؤال می کند. عبدالمجید، که خود مجسمه تقوا و مرزبانی از دین است، چنان عنان قلم از کف می دهد که هفت صفحه درباره این استفتا پاسخ می نویسد و با تقسیم وظایف پیرامون امر به معروف و نهی از منکر، در عمل کم کاری و تقصیر حاکمان را یادآور می شود. بخشی از پاسخ وی چنین است:

«بهره مند کردن غیر مسلمانان از شراب به طور علنی در شهرهای مسلمانان جایز نیست، چون اظهار فروش شراب، اظهار فسق است، از این کار منع می شوند، بلکه می توانند پنهانی خود به هم بفروشند. به طور کلی تجارت شراب در شهرهای مسلمانان به طور عمومی جایز نیست». (پیشین، ص ۱۵۷۲).

ریشه یابی افکار ضد استعماری عبدالمجید

عبدالمجید سلیم بعد از فراغت از تحصیل، اوقات خود را به تحقیق و تدریس و... گذراند و در واقع سال های بین ۱۹۰۹ تا ۱۹۲۶ م.، یعنی از ۲۷ سالگی تا ۴۴ سالگی، را به تکمیل شخصیت علمی و اندوختن تجربه های لازم گذراند. او در این سال ها با تاریخی ترین دوران مصر و در عین حال تلخ ترین ایام آن روبه رو بود. مصر هم چنان زیر سیطره انگلیسی ها قرار داشت تا این که در سال ۱۹۱۴ م. شعله های جنگ جهانی اول مصر را هم در بر گرفت.

انگلیسی ها به دلیل تمایل خدیو عباس حلمی به آلمانی ها، او را برکنار کرده و سلطان حسین کامل (۱۹۱۷ - ۱۹۱۴ م.) را به سلطنت رساندند و انگلیس کشور مسلمان مصر را تحت الحمايه خود اعلام کرد (دانشگاه الأزهر، تاریخ هزار ساله تعلیمات اسلامی، ص ۱۶۴) و در سال ۱۹۱۷ م. قیمومیت خود بر مصر را به جای سلطه عثمانی تثبیت نمود.

عوارض جنگ جهانی نسبت به این کشور همچنان ادامه داشت تا این که در سال ۱۹۱۹ وضعیت به حد بحرانی رسید. سربازان انگلیسی در شهرها به رژه قدرت‌نمایی می‌پرداختند و در مقابل، مردم به اعتراض خشم‌آلود روی می‌آوردند. مسیونرهای مسیحی در سایه شوم انگلیسی‌ها که از ۳۷ سال پیش مصر را تحت سلطه داشتند، به تبلیغ می‌پرداختند و مسلمانان و علما در پی ختنی کردن آن بودند و انجمن‌های متعدد امر به معروف و نهی از منکر و... به وجود می‌آوردند. (خاطرات حسن البنا، ص ۳۶).

در عصر اشغال‌گری، احزابی که گرایش ضد دینی داشتند یا نسبت به دین بی‌تفاوت بودند، ایجاد می‌شد، مانند حزب وفد که به آن «جلالیب آبی» می‌گفتند و رهبری آن را سعد زغلول عهده‌دار بود و شعار «دین برای خدا، وطن برای همه، حق مافوق قدرت و ملت مافوق حکومت» سر می‌داد و از میان شش نفر عضو هیئت اصلی آن، تنها زغلول مسلمان بود. (احزاب سیاسی مصر، ص ۱۱۱-۱۰۹). اقدامات علیه انگلیسی‌ها محدود به مصر نمی‌شد و در سال ۱۹۲۰ مردم عراق هم علیه انگلیسی‌ها قیام کردند و بالأخره با حاکم شدن فؤاد انگلیسی در دو سال بعد، وضعیت به نفع استعمارگر پیر خاتمه یافت و او تا چهارده سال بعد سکان اداره مصر را در دست داشت.

سقوط عثمانی در سال ۱۹۲۴ م. و به قدرت رسیدن آناترک، تشکیل حکومت وهابی در عربستان و... وضعیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی مصر را تیره کرد و در همین دوره عبدالمجید سلیم عزم خود را برای مبارزه با استعمار جزم کرد و با دیدن این همه ضعف و زبونی مسلمین، به راز آن یعنی تفرقه پی برد و در تمام این دوران، الأزهر تا حد توان به ایفای نقش می‌پرداخت و علما و طلاب آن می‌کوشیدند بنیان‌های اسلامی محفوظ بماند. همکاری با سیاست‌مداران مصر دقیقاً در همین راستا قابل ارزیابی است، علاوه بر این که بعدها شخصیت‌هایی مثل حسن البنا را نیز تحویل جامعه مصر داد. دکتر محمد رجب البیومی در این باره می‌نویسد:

«الأزهر در قیام ۱۹۱۹ شرکت کرد و علمای الأزهر به عنوان استقلال خواهی و وحدت‌طلبی قیام کردند که مصطفی القادینانی، محمود ابوالعیون، عبدربه مفتاح، محمد عبداللطیف دراز و علی سرور زنکویی از آن جمله بودند». (بیومی، ص ۶۸).

دکتر رفعت سید احمد هم به دنبال سخن البیومی می‌نویسد:

«الأزهر در نهضت‌های بیگانه‌ستیزی و استقلال‌طلبی همواره شرکت می‌کرد و به قوای انقلابی وطنی می‌پیوست، هر چند از مواجهه داخلی با حاکمان کناره‌گیری می‌کرد». (الدین و الدولة و الثورة، ص ۲۳۶).

جالب این که عبدالمجید سلیم بعد از دستیابی به مراحل بالاتر علم و حضور در جماعت کبار علما، با همین شخصیت‌های مبارز هم‌ردیف و هم‌مسلك می‌شود، هم در «کبارالعلماء» و مبارزات برای اصلاح امور اجتماعی و هم در «جماعت تقریب».

وضعیت آن دوره مصر بسیار نگران کننده بود. استعمار سیاه انگلیس سایه شوم خود را بر مصر و تمام خاورمیانه گسترانده بود. در نتیجه سیاست‌های استعماری، ترکیه تحت رهبری کمال آتاترک در ورطه غرب‌زدگی فرو رفته بود و کشمکش‌ها بین اعراب و ترک‌ها، که به وسیله دولت‌های استعماری غرب تشویق می‌شد، «ناسیونالیسم عرب» را توسعه می‌داد و بهانه‌ای برای حمله به اسلام با عنوان «میهن پرستی» فراهم می‌نمود و سپری برای مخالفان اسلام ایجاد شده بود تا در سایه آن با تهبیح احساسات میهن دوستی، بر مسلمانان یورش ببرند و موانع را درهم بشکنند. حوادث مذکور به این عده جرئت داد در مصر برای ریشه کنی اسلام بکوشند؛ از این رو مصر در این دوره شاهد انتشار کتاب‌هایی چون «اسلام و اصول الحکم» نوشته علی عبدالرزاق (ر.ک: نقوی، ۱۳۶۱، ص ۲۳-۲۰) بود که در آن بر کنار گذاشتن اسلام از امور حکومت تأکید شده بود.

در کنار پیوند قشریان با روشن‌فکران مریض، عده‌ای روشن فکر مثل «طه حسین» با چاپ کتاب‌هایی حقایق اسلامی را مورد تردید قرار می‌دادند. از جمله این که وی در کتاب «الشعر الجاهلی» کوشید اصالت قرآن را زیر سؤال ببرد، که بعدها معلوم شد کتاب او رونویسی از اثر کم‌ارزش یکی از خاورشناسان طراز سوم غرب بوده است. مجلاتی مانند «مجله السياسة الاسبوعیة» هم مصری‌ها را به بازگشت به دوران فرعون می‌خواند و ندا می‌داد که مصر از لحاظ تاریخی به کشورهای عربی مربوط نیست، بلکه با یونان و اروپا پیوند دارد. وضعیت چنان بحرانی و فضا چنان تنگ و تاریک شد که عده‌ای از علمای الأزهر هم به خاموشی و سکوت اجباری فرو رفتند. (ر.ک: موثقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۰۸-۱۰۲). البته هر یک به گونه‌ای در فکر دفاع از دین و نجات آن از خواری و ذلت بودند که در بُعد اقدامات تند اجتماعی و سیاسی می‌توان به تلاش‌های حسن البنا، و در ابعاد مذهبی و فرهنگی و زیربنایی به فعالیت‌های شخصیت‌هایی چون عبدالمجید سلیم و شلتوت و... اشاره کرد که با کشف علت ضعف مسلمین در این دوره (تفرقه و جدایی مسلمین) تمام عمر خود را وقف اصلاح آن کردند. در صفحات بعد با این نوع اقدامات وی آشنا خواهیم شد، اما این اشاره، از آن جهت ضروری است که خاستگاه اقدامات سیاسی عبدالمجید در دهه‌های پایانی عمر جهت ایجاد تقریب بین مسلمین را نشان می‌دهد.

البته در همان دوره‌ها نیز عبدالمجید به حد توان، در فعالیت‌ها شرکت فعال داشت، هر چند اطلاعات سربسته‌ای از آن دوره وجود دارد. «خفاجی» می‌نویسد:

«او شاهد حوادثی بزرگ در تاریخ دینی، فکری، اجتماعی و سیاسی مصر بود و به عنوان یک جهت‌بخش و هدایت‌گر در امور مشارکت داشت. (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

عبدالمجید سلیم در سایه الطاف و توفیق الهی و شایستگی‌های علمی و فردی خویش در موقعیت‌های علمی مختلفی توانست به مسلمانان خدمت کند که تدریس علوم دینی، عهده‌داری مقام قضاوت شرعی و تدریس در این زمینه، حضور در دارالافتاء، اشراف بر دروس الأزهر، ریاست لجنة فتوا و افتای مصر، حضور در مجمع کبار العلماء، لجنة احوال شخصی، ریاست دارالتقريب، شيخ الأزهر و... از جمله آن‌هاست، که در زیر به شرح برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت.

سلیم بر مسند تدریس

عبدالمجید سلیم، همانند دیگر عالمان الأزهر، به تدریس روی آورد و البته در این مسیر، درجه عالی او در فارغ‌التحصیلی از الأزهر، مشوق بزرگ و اطمینان بخش مهمی برای او به حساب می‌آمد. او با اندوخته‌های علمی فراوانی که کسب کرده بود، به تعلیم و تدریس می‌پرداخت. علی‌العظیم، آن‌گاه که از وی به عنوان یکی از مشایخ الأزهر نام می‌برد و مناصب او را برمی‌شمرد، قبل از هر چیز به موضوع تدریس وی تأکید می‌کند و می‌نویسد: «مناصب چندی را پذیرفت و در مراکز دینی به تدریس پرداخت. سپس در مدرسه قضاوت شرعی تدریس کرد. (مشیخة الأزهر، ج ۲، ص ۱۰۷) هر چند از تاریخ دقیق اشتغال وی به تدریس اطلاعی در دست نیست، اما با قراین مختلف می‌توان فهمید که اولین فعالیت وی تدریس بوده است. خفاجی نیز ضمن شرح حال او می‌نویسد:

«در سال ۱۹۰۸ م. در حالی که عالم بودن را در درجه بالای آن داشت، فارغ‌التحصیل شد... و به وظایف تدریس مشغول گردید» (خفاجی، پیشین).

شیخ احمد عسکری هم در مقاله‌ای که به مناسبت وفات عبدالمجید در «الاهرام» چاپ کرد، به این موضوع اشاره کرده است. (رسالة الاسلام، سال ۷۶، ص ۴۳۴).

همین سابقه طولانی در تدریس، از وی مردی توانا در تعلیم و تربیت و معلمی پاسخگو به سؤالات طالبان دانش در تمام زمینه‌های علمی اسلامی چون فقه، کلام، تفسیر و... ساخته بود تا آن جا که رئیس تحریریه مجله رسالة الاسلام درباره تبحر وی در تدریس و اداره نمودن جلسات علمی در واپسین سال‌های حیاتش، می‌نویسد:

«استاد بزرگ، شیخ الاسلام، شیخ عبدالمجید سلیم مجالس آکنده از مستمعان دارد که خواص از اهل علم و نظر در آن حاضر می‌شوند و سخت در آنان اثرگذار است. وقتی مسئله‌ای از مسایل

شریعت در فقه، کلام، اصول، تفسیر یا غیر آن مطرح می‌شود، چشم‌های شیخ بزرگ از هوش و ذکاوت می‌درخشد و بر پیشانی‌اش چین‌هایی می‌افتد که موج‌هایی است که علم صحیح و رأی درست را از قلب قوی که شور جوانی و شعور پیری و عمق بصیرت و کثرت تعجیل در آن است، منتقل می‌کند. آن‌گاه که وجوه پنهان مسئله‌ای را به روشنی آشکار می‌سازد قلب‌ها پر می‌کشد، همان‌طور که گوش‌ها قانع می‌شود (پیشین، سال ۱۶، ص ۱۳۴).

شاگردان عبدالمجید

در مورد شاگردان او نیز از افراد معینی غیر از «محمود شلتوت» نام برده نشده است،^۱ اما کثرت شاگردانش از نوشته‌های اهل تراجم و گزارشگران روشن می‌شود. خفاجی درباره وفات وی می‌گوید: «خلأ بزرگی ایجاد کرد که چیزی آن را پر نمی‌کند گرچه شاگردان و مریدانی بجا گذاشت که از او به خیر و شکوه و وفا یاد می‌کنند».

عبدالمجید سلیم در هر موقعیتی، به موضوع تحصیل و اصلاح نظام آموزشی الأزهر اهمیت می‌داد که از جمله می‌توان به سخنان وی در مجله رساله الاسلام اشاره نمود. وی در دفاع از تحصیل محققانه علوم دینی و جلوگیری از هجوم برخی افراد به نظام درسی الأزهر می‌نویسد: «طبق آیه (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) یادگیری علوم زندگی بر امت واجب است، و با اشتغال گروهی از فرزندان ما به علوم شرعی و احکام فقهی منافات ندارد، چون فقه اسلام چیزی جز روش و راه درست زندگی نیست. (لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرَعَةً وَمِنْهَا جَا) و به افراد شاغل در آن ایراد گرفته نمی‌شود که در مطالعه و بررسی آن تعمق کرده‌اند، بلکه عیب در کوتاهی نسبت به مطالعه و تحقیق و وا گذاشتن علوم عملی است که امت اسلام به علوم نظری، بدون علوم عملی اکتفا کردند». (رساله الاسلام، سال ۶، ص ۸).

شلتوت شاگردی نمونه

شیخ عبدالمجید در طول دوران تدریس بی‌گمان چون چشمه‌ای جوشان هزاران تن از تشنگان علوم اسلامی را سیراب ساخته است و هر چند ما به طور دقیق از نام آنان بی‌اطلاع هستیم، ولی بارزترین شاگرد او «شیخ شلتوت» را به خوبی می‌شناسیم. شیخ شلتوت چنان متأثر از استادش

۱. به دلیل ارتباط ویژه‌ای که بین عبدالمجید سلیم و شلتوت وجود داشت، از وی در گزینه بعدی سخن خواهیم گفت.

عبدالمجید بود که بعدها در مسیر تقریب بین مذاهب، راه استاد را تداوم بخشید.^۱ مهم‌ترین اقدام وی فتوای معروف او در به رسمیت شناختن مذهب شیعه در کنار مذاهب اهل سنت است که دنباله تلاش‌های شیخ سلیم بود. این فتوا اصلی از اصول اساسی تقریب بود و در حقیقت این فتوای یک نفر نبود، بلکه فتوای شخصیت‌هایی بود که بار امانت تقریب را به دوش کشیدند و در طلیعه آن استاد بزرگ عبدالمجید سلیم قرار داشت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷۰).

به این ترتیب این حقیقت تاریخی روشن می‌شود که در مسیر تقریب، شاگرد و استاد چون یک روح در دو بدن، رسالتی بزرگ را به اتمام رساندند و همان‌گونه که فتوای جواز پیروی از مذهب شیعه را به طور آشکار از شاگرد می‌دانیم، بی‌هیچ تردیدی به استاد نیز نسبت می‌دهیم. متن این فتوا چنین است:

«... ۱. اسلام بر کسی پیروی از مذهب معینی را واجب نکرده است بلکه می‌گوییم هر مسلمانی حق دارد که از هر مذهب از مذاهبی که به طور صحیح نقل شده است و احکامش در کتب خاصه مدون شده است پیروی کند. و هر کسی که از این مذاهب پیروی می‌کند، می‌تواند به مذهب دیگری منتقل شود، هر مذهبی که باشد و در این راه هیچ مشکلی نیست.

۲. مذهب جعفری معروف به مذهب شیعه امامیه اثنا عشری مذهبی است که تعبد به آن مانند سایر مذاهب اهل سنت شرعاً جایز است. پس بر مسلمین سزاوار است که این را بدانند و از عصبیت ناروا نسبت به یک مذهب خاص بپرهیزند. دین خدا و شریعت او تابع مذهب یا محصور در یک مذهب نیست. پس هر کدام تلاش‌گر و مورد قبول نزد خدا هستند و جایز است برای کسی که اهل فحص و اجتهاد نیست، از آن‌ها تقلید کند و به آن‌چه که در فقه خود تقریر می‌کنند عمل کند و در این مورد فرقی بین عبادات و معاملات نیست». (رضوی، ص ۸).

شلتوت درباره خود عبدالمجید سلیم می‌گوید: «آرزو داشتم می‌توانستم تصویری آرایه دهم هم‌چون... مرحوم استاد اکبر شیخ عبدالمجید سلیم، مردی با ایمان و عالم به علوم مختلف اسلامی و مسلط به مذاهب فقهی در اصول و فروع. او هم‌چون کوهی عظیم و پایدار بود، مردی که در تأسیس پایه‌های تقریب، گام‌های بسیار مؤثری برداشت. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۵۲، به نقل از شیخ شلتوت در مقاله تاریخیچه فشرده تقریب).

۱. شیخ شلتوت در مصاحبه با روزنامه اطلاعات درباره شکل‌گیری جماعت تقریب می‌گوید: «افتخار همکاری من از روز اول شکل گرفت و استاد مغفور ما شیخ عبدالمجید سلیم شیخ سابق الأزهر مرا دعوت کرد و من فهمیدم که او و شیخ مراغی و عبدالرزاق آرزوهای زیادی در این زمینه دارند لذا من هم در رساله‌الاسلام بحثی قرآنی را شروع کردم». (رساله‌الاسلام، سال ۱۱، ص ۲۱۹).

شیخ عبدالمجید بر مسند قضاوت

عبدالمجید سلیم با کوله‌باری از تجربه‌های تلخ عصر اشغال و تحقیر، کوشید در حد توان خود باری از دوش ملت بردارد و در فضایی که امکان بیان افکار و تبلیغات دینی وجود نداشت، بر مسند قضاوت تکیه زد. وی در سال ۱۹۲۶ م.^۱ وارد کار قضاوت شد. آنچه ما را از درخشان بودن دو سال خدمت او در مقام قضاوت (۱۹۲۶ تا ۱۹۲۸ م.) مطمئن می‌کند، روحیه ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی اوست که همه کسانی که با او آشنا بوده‌اند از آن سخن می‌گویند.

علامه محمدتقی قمی دبیر کل دارالتقریب می‌نویسد:

«شیخ عبدالمجید سلیم... نسبت به ظلم هم نهایت حساسیت داشت». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹،

ص ۱۹۱؛ ر. ک: احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۲۳۵ از آیت‌الله واعظزاده خراسانی).

هم‌چنین شیخ حسنین محمد مخلوف مفتی مصر درباره عبدالمجید و دوره قضاوت وی می‌گوید: «او را برای قضاوت برگزیدند و دو سال قضاوت کرد... شیخ عبدالمجید سلیم را به عنوان قاضی پاکیزه، عالمی توانا، فقیهی مجتهد، مردی صالح و تقواییشه، برادری باوفا و صبوری مخلص هرگز فراموش نمی‌کنم، او را که آزار دید و مورد هجوم قرار گرفت و تحت فشار بود، علم و عالمان در الازهر و غیر آن از او محروم شدند. تاریخ به زودی از مواضع مهم و شجاعت و قوت ایمان و صلابت عقیده وی یاد خواهد کرد.»^۲ (رسالة الاسلام، سال ۶، ص ۴۳۶-۴۳۰).

در دوره دو ساله فعالیت عبدالمجید سلیم، واقعه خاصی روی نداد، جز این که روند تخریب مسئله خلافت که از سال ۱۹۲۴ در پی سقوط عثمانی و روی کار آمدن آتاترک، ایجاد شده بود، وارد مرحله جدیدی شد و حتی کنگره مهمی در سال ۱۹۲۶ م. هم‌زمان با آغاز کار عبدالمجید در مسند قضاوت، در شهر قاهره پیرامون مسئله خلافت برگزار شد. این موضوع ذهن علمای الازهر را به خود مشغول کرده بود و حتی شخصی مانند رشید رضا ده سال قبل از الغای خلافت، کتابی با عنوان «الخلافة و الامامة العظمی» (۱۹۲۲ م.) نوشت و بر تربیت کادرهای شایسته خلافت تأکید کرد؛ بر خلاف علی عبدالرزاق که خلافت را چندان قبول نداشت. رشید رضا به ترک‌ها پیشنهاد کرد که به شکل کنونی حکومت (جمهوری) خود به عنوان موقت نگاه کنند تا مسئله خلافت به تصمیم یک کنگره واگذار شود؛ کنگره‌ای که مرکب از نمایندگان تمام کشورهای اسلامی باشد. پیرو همین نظریه، در سال

۱. به دنبال سقوط عثمانی بحث‌های زیادی درباره خلافت درگرفته بود. در همین سال، کنگره مهمی در قاهره در مورد مسئله خلافت برگزار شد. (موتقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۰).

۲. درباره ویژگی‌های اخلاقی وی از جمله عدالت‌طلبی در تمام ابعاد، در بخش ویژگی‌های اخلاقی سخن خواهیم گفت.

۱۹۲۶ م. کنگره قاهره تشکیل شد و پیشنهاد داد مدرسه‌ای مخصوص برای پرورش نامزدهای خلافت برپا شود... (موثقی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۰).

آغاز خدمت در دار الافتاء (۱۹۵۲-۱۹۲۸م)

عبدالمجید سلیم بعد از گذشت دو سال از تصدی‌گری مقام قضاوت، در سال ۱۹۲۸ م. وارد دارالافتاء شد. این مجتهد ۴۶ ساله از چنان بنیان‌های علمی قوی‌ای برخوردار بود که با ورودش به موقعیت جدید، توانست منشأ آثار زیادی شود و تا سال ۱۹۵۲ در این مقام بماند. در مجموعه «الفتاوی الاسلامیه» ورود وی ۲ ذی‌الحجه ۱۳۴۶ ق و خروجش ۱۵ ذی‌الحجه ۱۳۶۴ ق عنوان شده است. (الفتاوی الاسلامیه، ج ۱، ص ۳۴). خفاجی در مورد تعداد فتواهای صادر شده از طرف وی در این دوره طولانی می‌نویسد: «بیش از پنج هزار فتوا دارد». (خفاجی، ج ۱، ص ۳۰۶).

و استاد احمد عسکری آن را پانزده هزار مورد ذکر می‌کند (رسالة الاسلام، سال ۶، ص ۴۳۴؛ به نقل از الاهرام) که این نظر به صواب نزدیک‌تر است؛ زیرا بعدها در مجموعه الفتاوی الاسلامیه با دقتی که در شمارش فتواها شد، به طور دقیق این میزان تأیید و تعداد فتواها «۱۵۷۹۲» مورد اعلام گردید. (الفتاوی الاسلامیه، پیشین).

عبدالمجید سلیم در میان فقهای الازهر، همواره از پرکارترین افراد بود و تعداد فتواهایش این نظر را تأیید می‌کند. نکته مهم در فتواهای عبدالمجید این است که به رغم کثرت آن‌ها، میانی عمیق فقهی و علمی در آن‌ها به چشم می‌خورد و او هرگز تعمق و تفقه در فتوا را فدای کثرت صدور فتوا نکرده است. استاد شیخ احمد العسکری در این باره می‌نویسد:

«او فتوا دارد که هزاران مورد از آن‌ها دارای مبادی علمی هستند» (رسالة الاسلام، پیشین).

در مجموعه الفتاوی الاسلامیه هم به نقل از علی عبدالعظیم پیرامون این موضوع آمده است: «از خلال این فرصت طولانی در مقام فتوا، ثروت زیادی از فتوهای فقهی برای ما باقی گذاشت که مشکلات زندگی و حوادث و وقایع جدید و احکام جدید را از دیدگاه اسلام شامل می‌شود». (مشیخة الازهر، ج ۲، ص ۱۰۷).

چنین حجمی از فتواها با آن میزان دقت، بهترین دلیل برای گردآوری آن‌ها در یک مجموعه مستقل است؛ هدفی که گمان می‌رفت به زودی عملی خواهد شد، از این رو استاد احمد عسکری خبر از چاپ آن در مجموعه‌ای واحد داده و نوشته بود:

«وزارت عدل برای جمع‌آوری و طبع آن کوشش می‌کند تا این دستاوردهای علمی مفید برای

همه مورد استفاده قرار گیرد و بی‌گمان این اثر در طول تاریخ مرجع فتوا دهندگان و فقیهان و قانون‌دان‌ها خواهد شد.^۱ (رسالة الاسلام، پیشین).

با وجود این امیدواری، فتوهای عبدالمجید هرگز در مجموعه واحدی جمع نشد، تا آن که در زمان شیخ جادالحق بخش‌های کوچکی از آن در الفتاوی الاسلامیه که مجموعه‌ای از فتوهای دارالافتای مصر است، گردآوری شد. علی‌العظیم از اشتیاق افراد زیادی به جمع‌آوری این ثروت عظیم از فتواها و چاپ و نشر آن سخن می‌گوید و اضافه می‌کند این امر تنها در زمان ریاست جادالحق بر منصب افتا ممکن شد و گروهی این میراث بزرگ اسلامی را که مفتی‌های مصر به جا گذاشته بودند، طبع و نشر کردند که فتوهای شیخ عبدالمجید سلیم نیز در ضمن آن آمده است. (مشیخة الازهر، پیشین؛ به نقل از الفتاوی الاسلامیه، ج ۷، ص ۲۶۸۵).

سلیم در هیئت «کبار العلماء»

هیئت کبار العلماء مجموعه‌ای متشکل از نخبگان علمی الازهر است که رئیس الازهر را انتخاب می‌کند. شرط ورود به این هیئت، داشتن ویژگی‌های برجسته علمی و مذهبی است که عبدالمجید سلیم از آن برخوردار بود. وی در زمان ریاست مصطفی مراغی جزء هیئت کبار العلماء بوده است. او در این موقعیت نیز نبوغ علمی خود را نشان داد و در شمار برجستگان این هیئت درآمد. در این هیئت، عبدالمجید سلیم علاوه بر امور معمول، به مشکلات و معضلات اجتماعی و مذهبی نیز توجه داشت و در صورت بروز پیش‌آمدی خاص، برای حل آن تلاش می‌نمود. نمونه آن را می‌توان در مبارزه با مفسد اخلاقی در جامعه دانست. ورود عبدالمجید به هیئت کبار العلماء هم‌زمان با اوج انحطاط مصر از لحاظ اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی بود. جوانان جذب مخالفان دین می‌شدند، و مکاتب الحادی با رنگ‌های فریبنده آنان را از دین منحرف می‌کردند. در بعد فرهنگی، بی‌اعتنایی به مظاهر اسلامی هم‌چون حجاب و اصول اخلاقی اوج گرفته بود. رواج شراب‌خواری، مجالس مختلط، مراسم وقیحانه ملکه زیبایی و ده‌ها مفسد اخلاقی، جلوه‌ای زشت از جامعه مصر آن دوره ترسیم کرده بود. مسابقات حرام، کسب‌های خلاف شرع و... همگی هیئت مذکور را در برابر کوهی از مشکلات قرار داده بود، تا این که بهانه‌ای برای اعلام این همه هجمه علیه دین و مظاهر دین پیدا شد و آن خیر تحریم شراب در ایالت‌هایی از هند و تقاضای شیخ مرتضی آل‌یاسین، از علمای مصر برای انجام اقداماتی مشابه در کشور مصر بود.

۱. پیرامون ویژگی‌های علمی سلیم، از جمله خصوصیات فقهی او در فصلی جداگانه سخن خواهیم گفت.

ماجرا از این قرار بود که علامه شیخ مرتضی آل یاسین از علمای بزرگ نجف اشرف بعد از اطلاع از تحریم مشروبات الکلی در هندوستان توسط دولت هند، نامه‌ای از سوی علمای نجف اشرف به جماعت کبار العلمای الازهر فرستاد و آنان را به تبادل رأی و ایجاد نهضتی همگانی جهت مبارزه با مشروبات الکلی دعوت کرد. وی این نامه را در رجب ۱۳۶۹ ق به الازهر ارسال کرد.

جماعت تقریب الازهر با دو شخصیت بزرگ، شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمود شلتوت، از اعضای هیئت کبار علما، ارتباط برقرار نمود و با آنان گفت‌وگو کرد، آنان هم از پیشنهاد علامه آل یاسین استقبال نموده و قول همکاری دادند.

چند روز بعد، با همکاری عبدالمجید سلیم، جلسه‌ای تاریخی در جامع الازهر برگزار شد و کبار علما و رجال الازهر درباره این موضوع به تبادل نظر پرداختند.

آنان به این نتیجه رسیدند که به صورت دسته جمعی نامه‌ای به رییس مجلس و وزیرای مصطفی نحاس پاشا بفرستند و از وی بخواهند برای تحریم مشروبات الکلی در مصر اقدام نماید. هم‌چنین مقرر شد هم‌زمان نامه‌ای به پادشاه مصر بنویسند و اهمیت تحریم مشروبات الکلی را برای وی توضیح دهند.

هر دو نامه نگاشته شد و ارسال گردید و در ۲۵ شعبان ۱۳۶۹ در دو نوبت در رادیوی دولتی مصر قرائت شد.

چند تن از کبار العلمای الازهر در این مورد با علمای نجف اشرف همکاری بیش‌تری داشتند که عبارت‌اند از:

شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ محمد عبداللطیف دراز، شیخ محمد الفتح العنانی، شیخ عیسی منون و شیخ محمد محمد مدنی.

از ریاست الازهر تا استعفاهای مکرر

منش سیاسی عبدالمجید سلیم به زودی تأثیر خود را در آینده سیاسی و علمی وی نشان داد. او که پس از چند سال فعالیت در مقام مفتی مصر، به عضویت هیئت کبار العلماء، که رییس الازهر از بین آن‌ها برگزیده می‌شد، درآمده بود پس از درگذشت مصطفی مراغی، به رغم اولویت‌های علمی و شخصیتی‌اش به ریاست الازهر انتخاب نشد، بلکه دولت، شیخ عبدالرزاق را به ریاست این هیئت برگزید؛ به گونه‌ای که خود عبدالرزاق منصفانه سلیم را ترجیح می‌داد و در بیان اصلح بودن وی به صراحت سخن می‌گفت. او اعتراف کرده بود که: «دولت از لحاظ سیاسی مرا انتخاب کرده است».

همچنین این دو سخن از اوست که: «شیخ عبدالمجید سلیم شیخ مسلم علما و فقیه‌ترین آن‌هاست». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۴۶) و «شیخ سلیم افقه فقهای مصر و حتی از نظر فضل از من برتر و عالم‌تر است... اگر ابوحنیفه زنده بود و می‌خواست برای مذهبش جای‌گزینی بگمارد، کسی جز عبدالمجید را بر نمی‌گزید.» (موتقی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷) با این همه، عبدالرزاق از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۷ م و بعد از او محمد مأمون الشناوی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۰ م ریاست الازهر را به عهده داشتند. پس از آن، عبدالمجید سلیم در سال ۱۹۵۰ م. این مقام را عهده‌دار شد. بررسی مواضع سلیم در دولت فاروق و نجیب، خود تحقیقی دیگر را می‌طلبد ولی به طور کلی می‌توان گفت موضع عبدالمجید سلیم صریح‌تر و قوی‌تر از شیوه معمول علمای اهل سنت در برابر دولت‌ها بود.

عبدالمجید سلیم بار اول در تاریخ ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۶۹ برابر با ۱۸ اکتبر ۱۹۵۰ پس از یازده ماه ریاست بر الازهر، استعفا کرد. نمونه‌هایی از ناسازگاری روحیات عبدالمجید با اعمال دولت‌مردان آن روز نقل شده است، از جمله این که وی در برابر توقعات دستگاه حکومتی فاروق گفته بود: «من این‌جا برای این‌گونه امور ننشسته‌ام.» (بی‌آزار شیرازی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۲۸) و یا این که وقتی فاروق در بنادر اروپا مشغول تفریح و خوشگذرانی بود، امور مالی الازهر با تنگ‌نظری مورد موشکافی قرار می‌گرفت و از سلیم تقاضای صرفه‌جویی بیش از پیش می‌شد و این موضوع تا جایی پیش رفته بود که شیخ به تنگ آمده و گفته بود: «اسراف و تبذیر در آن‌جاها و ذره‌بینی و نگرستن به ته سوزن این‌جاها!» (پیشین) و همین امور باعث شد ناسازگاری حکومت با وی بیش‌تر شود و سرانجام وی مجبور به استعفا گردد. بعد از وی ابراهیم حمروش (۱۹۵۲-۱۹۵۱) به ریاست برگزیده شد. (دداج، ص ۱۶۴). البته شیخ بعد از این کناره‌گیری با اهتمام تمام در دارالتقریب شروع به فعالیت کرد. خودش در این‌باره گفته بود:

«من نور این رسالت تقریب و وحدت اسلامی را خواستم در الازهر تعقیب کنم؛ رسالتی که به مصلحت اسلام است، اما دیدم که این دستگاه زنگ زده شده و دنباله‌رو جاهایی است که نباید باشد. و از این به بعد من اهتمامم به تقریب زیادتر خواهد بود و دارالتقریب جایی است که ما می‌توانیم دور از این عوامل کار بکنیم.» (بی‌آزار شیرازی، پیشین، ص ۱۲۹).

در سال ۱۹۵۲ م. (کم‌تر از دو سال بعد از کناره‌گیری سلیم از ریاست الازهر) بار دیگر با تقاضا و خواهش، عبدالمجید سلیم را به الازهر برگرداندند، که این امر مصادف با انقلاب مصر بود. در دولت جمال عبدالناصر هم سلیم موضع مساعدی نداشت و احتمالاً مشابه درگیری فکری - سیاسی جمعیت اخوان المسلمین با ناصر، او نیز دیدگاه مشترکی با دولت جدید نداشت. از این رو نتوانست با دولت همکاری کند و سرانجام کناره‌گیری کرد.

دکتر رفعت سید احمد در کتاب «الدین و الدولة و الثورة» تحلیلی عام ارایه می‌دهد و معتقد است نظام سیاسی آن دوره ثبات نداشت و دخالت الازهر در سیاست در دوره محمدعلی پاشا به نفع وی و علیه عثمانی‌ها و در دوره بعد باعث از بین رفتن استقلال اقتصادی الازهر شد و به مرور سلطه دولت بر آن افزوده شد و تا جایی پیش رفت که حجم سنگین دخالت‌ها، عبدالمجید و خیلی‌ها را وادار به استعفا و بی‌میلی به مناصب الازهر و... کرد. (رفعت سید احمد، ص ۲۳۸-۲۳۵).

گام‌های نخستین تقریب و همبستگی

در سال ۱۹۳۸م. استاد محمدتقی وارد مصر شد. وی یک روحانی ایرانی بود که برای انجام امور فرهنگی از سوی دولت ایران به مصر اعزام شده بود، اما او با الازهر تماس گرفت و در نتیجه، با شیوخ بزرگواری چون عبدالمجید سلیم، محمود شلتوت، محمد فحام، محمد ابوزهره، محمد غزالی، حسن البنا و... آشنا شد. او موضوع تقریب را به عنوان استراتژی در نظر داشت و برای دستیابی به آن تحمل زیادی از خود نشان می‌داد به گونه‌ای که تنها تصویب اساس‌نامه تقریب ۹ سال به طول کشید و این قانون در سال ۱۹۴۷م. به تصویب رسید. در این دوره مصطفی مراغی ریاست الازهر را به عهده داشت.

دعوت تقریب، اندیشه‌ای اصلاحی بود و در چارچوب اصلاح‌طلبی دینی جای داشت که از رهبران بزرگ اصلاحی دینی، چون سید جمال و محمد عبده الهام گرفته و از مواضع قوی سنتی و فقهی و جنبه‌های قوی اصلاحی از جمله در مسئله اجتهاد و فکر تقریب برخوردار بود و محمدتقی قمی با ورود به مصر در سال ۱۹۳۸م. سفیر آن شد. وی لزوم رعایت دعوت مرحله‌ای برای دستیابی به هدف تقریب را یادآور شد. او در سخنانی که ۲۵ سال بعد از آغاز تقریب بیان کرده است، می‌گوید:

«خداوند اراده فرمود که اندیشه‌ای اصیل و خالص که پیرامون آن تحقیق و بررسی انجام گردیده بود، به صورت دعوتی اصلاحی و دینی بر عالم اسلام طلوع نماید؛ اندیشه‌ای که بزرگ‌ترین درد و گرفتاری مسلمانان را که تفرق و پراکندگی است، درمان می‌سازد». زمانی که اندیشه تقریب شکل گرفت بسیاری به مبارزه با آن برخاستند. توده مردم انتظاری نداشتند که نکته‌ای از تقریب بشنوند، بنابراین چاره‌ای نبود که قبل از اقدام به اصلاح، محیط را برای اصلاح مساعد کنند. به این ترتیب، اندیشه تقریب، سه مرحله را پشت سر گذاشت: ۱. تمهید؛ ۲. تکوین؛ ۳. اجرا.

مرحله مقدماتی تقریب

مرحله آغازین تقریب از سال ۱۹۳۸ م. (ورود قمی به مصر) تا سال ۱۹۴۶ م. به طول کشید. در این دوره ریاست الازهر تا سال ۱۹۴۴ م. با مراغی و بعد از آن (۱۹۴۵ تا ۱۹۴۸ م.) با مصطفی عبدالرزاق بود. در این زمان جنگ جهانی دوم به فاصله یک سال پس از آغاز دعوت تقریب، تا سال ۱۹۴۵ م. تداوم یافت و در کار تقریب وقفه پیش آورد. در این دوره عبدالمجید هم‌چنان مفتی دیار مصر بود و هر دو رئیس الازهر، با وی ارتباطات گرمی داشتند و در مراحل تمهید و تکوین از او یاری جستند. محمدتقی قمی درباره جایگاه شیخ مراغی در الازهر و آن‌گاه تمهید او برای ورود عبدالمجید سلیم به جریان تقریب می‌نویسد:

«مراغی مردی با وقار و با شخصیت و دارای فکری منظم و هماهنگ و بینشی وسیع بود. در اولین ملاقات، ایمان او را نسبت به اندیشه تقریب دریافتم، ولی به حکم مرکزیتی که داشت، نمی‌توانست شخصاً این دعوت را به‌عهده گیرد، بلکه با زعامت و ریاستی که بر اهل سنت داشت، نمی‌توانست در برابر محیطی که الازهر و در نتیجه این شهر عزیز از آن بهره‌مند می‌گشت چنین اندیشه‌ای را به‌طور آشکار تأیید نماید. ولی او می‌دانست که چگونه به این اندیشه خدمت کند و بدین منظور میدان و محلی برای ایراد سخنرانی در دانشگاه الازهر و خارج از آن به روی ما گشود و تسهیلاتی برای ارتباط ما با رجال الازهر برای تفاهم فراهم ساخت و ما را با کسانی که به علم و استعدادشان نسبت به تحقیقات علمی اعتراف داشت و در آن‌ها میل و علاقه به تقریب می‌دید آشنا کرد.

شیخ مراغی به سوی رحمت الهی رهسپار گردید... او مردی فعال بود و در ایجاد ارتباط میان اشخاص و اتفاق بر نقاط اساسی سهم بسزایی داشت. او محیط را برای بعضی از بزرگان و علمای دین که در صدر آن‌ها شیخ مصطفی عبدالرزاق و شیخ عبدالمجید سلیم قرار داشتند آماده ساخت. با این‌که جنگ بسیاری از آثار را واژگون کرد و خانه‌ها و شهرها و دل‌های مردم را ویران ساخت، اما هیچ‌گونه تغییری در دوستی و تفاهم افراد رخ نداد بلکه روز به روز این دوستی و تفاهم گسترش یافت...» (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۴۵-۶۶).

خدمت بزرگی که مصطفی مراغی به جریان تقریب کرد، برگزیدن و شناساندن افرادی بود که می‌توانستند در مسیر تقریب مفید واقع شوند و البته در این میان شخصیت علمی عبدالمجید سلیم چنان برجسته بود که در صدر فهرست پیشنهادی مراغی قرار گرفت.

بر اساس یکی از مقالات و گزارش‌های دارالتقریب، مصطفی مراغی، خود شیخ عبدالمجید سلیم

را به دارالتقريب معرفی کرد و احترام بسیار زیادی برای او قائل بود و معتقد بود اگر بتوانیم شیخ سلیم را وارد جماعت تقرب کنیم، قدم بسیار مهمی برداشته‌ایم. (مرثعی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۷). به این ترتیب، عبدالمجید از همان مرحله اول وارد تقرب شد. از جمله اتفاقات این دوره می‌توان به جشن هزارمین سال تأسیس الازهر اشاره کرد که قرار شد در آن، فعالیتی در مورد تقرب انجام گیرد. البته این جشن به سال بعد موکول شد و گسترش جنگ جهانی مانع برگزاری آن گردید. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۶۵). دکتر بی‌آزار شیرازی در مقدمه چاپ اول کتاب همبستگی مذاهب اسلامی می‌نویسد:

«از مهم‌ترین پایه‌های استقرار دعوت تقرب، پیوستن شخصیت‌های بزرگ و استثنایی عالم اسلام به آن بود، از جمله:.... ب: شیخ عبدالمجید سلیم مرجع بزرگ افتاء و فقاہت اهل سنت، شخصیت وزین و قابل اعتنایی که از حیث وسعت معلومات و فضایل اخلاقی کم‌نظیر بود.» (پیشین، ص ۸ و ۳۷).

دکتر شیخ محمد فحام، شیخ جامع الازهر نیز از نقش عبدالمجید سلیم یاد می‌کرد. وی طی ملاقاتی که بین مفتی اعظم اهل سنت، محمد فحام، و علمای اعلام تهران در منزل علامه محمدتقی قمی در روز سه‌شنبه ۲۲ تیر ۱۳۵۰ ش. صورت گرفت، در مجلس مهمانی سفیر مصر گفت:

«تصور می‌کنم جناب علامه قمی اجازه بدهند که بگویم هیئت تقرب که دارای این آثار گران‌بها بود و شخصیت‌هایی مانند شیخ عبدالمجید سلیم و دیگران که مشایخ و استادان ما محسوب می‌شوند، در آن شرکت داشتند، همه به همت شخص ایشان (قمی) به وجود آمد. البته این شخصیت‌ها کورکورانه به دنبال این اندیشه نرفتند، بلکه آنان کسانی بودند که تا به طور قطع و یقین اندیشه‌ای را صحیح و سالم نمی‌دانستند، گرد آن نمی‌رفتند و از آن پیروی نمی‌کردند» (پیشین، ص ۳۷۸).

مرحله تکوین و تجهیز تقرب

نقش دادن شیخ مراغی در مرحله تکوین و تجهیز تقرب به اشخاصی چون عبدالمجید سلیم و مصطفی عبدالرزاق همواره مورد تشویق و اعجاب محمدتقی قمی بانی و مؤسس تقرب بود. با این حال او عبدالرزاق را قهرمان مرحله دوم، یعنی تکوین و پیدایش تقرب، می‌داند. این مرحله را باید از سال ۱۹۴۶، زمان بازگشت محمدتقی قمی به مصر، تا حمایت علنی عبدالرزاق از تقرب دانست که موجب رسمیت یافتن آن شد. وی می‌نویسد:

«در سال ۱۹۴۶م. به مصر برگشتم. مرحله مقدماتی که آن را پشت سر گذاشته بودیم، این تجربه را به ما آموخت که قبل از هر دعوتی ارتباطات شخصی برای آمادگی لازم و ضروری است و شرط بقا از هر دعوتی این است که از میدان شخص خارج گردد و به دوش جماعتی از افراد با ایمان و با عمل گذاشته شود، به طوری که اگر یکی از میان رود دیگری به جایش قرار گیرد. در این فترت، مرحله تکوین آغاز گشت.» (پیشین، ص ۶۶).

این مرحله با تصویب قانون تقریب در سال ۱۹۴۷ م. با موفقیت به پایان رسید که از افراد دخیل در آن می‌توان به عبدالمجید سلیم رئیس هیئت فتوای دانشگاه الازهر اشاره کرد. به گفته مرحوم قمی، در این مرحله شیخ مصطفی عبدالرزاق رئیس الازهر در کنار این دعوت ولی خارج از جمعیت تقریب باقی ماند تا هنگام بحران بهتر بتواند آنان را کمک کند و در واقع نقش سپر دفاعی را به شیخ عبدالمجید سلیم واگذار کرد. علامه محمدتقی قمی تصریح می‌کند که در آن موقعیت، مصطفی عبدالرزاق، سلیم را شیخ مسلم علما و افقه آنها می‌دانست. به این ترتیب، شیخ سلیم وارد تقریب شد. در این مرحله مشکلات زیادی برای تقریب پیش آمد، ولی همگی با درایت و ایمان و ایستادگی مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم و محمدتقی قمی و... پشت سر گذاشته شد. محمدتقی قمی می‌نویسد:

«اتفاقاً آن چه از آن می‌ترسیدیم، واقع گردید؛ همین که خبر پیدایش دارالتقریب به گوش افراد متعصب رسید، برآشفته شده و آشوب به پا کردند و افکار مسئولین و مقامات مملکتی آن روز مصر را مشوش کردند. گمان‌ها و سوءتفاهماتی در ذهن آنها وارد ساختند و همین که کار اوج گرفت مصطفی عبدالرزاق در برابر مسئولین امر ایستاد و از این اندیشه و بی‌نظری مجریان آن و ارزش شخصیت و مراکز آنها در مصر و سایر کشورها به دفاع پرداخت. اگر دفاع این مرد با ایمان نبود کار اندیشه تقریب در همان مراحل ابتدایی پایان یافته بود. ایشان بعضی از اعضای الازهر را برای این منظور انتخاب و بعضی از نقاط اساسی قانون جمعیت تقریب را نیز تدوین کرد.»

سپس ادامه می‌دهد: «و این مرحله، مرحله‌ای بود که شیخ بزرگ عبدالمجید سلیم با جهد و کوشش و علم و ایمان به جانب تقریب آمد. بعد از مدت کوتاهی شیخ مصطفی عبدالرزاق به سوی پروردگار خود بازگشت، گویی ایشان رسالتی برعهده داشت که آن را به انجام رسانید و رفت.» (پیشین).

به این ترتیب، گزینش عبدالمجید از سوی عبدالرزاق و به کار بردن عباراتی چون شیخ مسلم علما و فقیه‌ترین عالمان، نشان از وزانت علمی وی دارد که تا آن موقع به آن دست یافته بود. از این

رو با کوله‌باری از علم و دانش به یاری تقریب شتافت تا آینده‌ای متحد برای جهان اسلام رقم زند. از مراحل حساس دوران تکوین، زمان مربوط به تنظیم قانون جمعیت تقریب بود که علم و دانش عالی عبدالمجید در این مرحله نیز به کمک تقریب شتافت تا آن جا که استاد قمی می‌نویسد: «عبدالرزاق بعضی از اعضای علمای الازهر را انتخاب کرد و بعضی از نقاط اساسی قانون جمعیت تقریب از آثار فکری اوست» (پیشین، ص ۴۶).

همان‌گونه که عبدالرزاق و علمای دخیل در تقریب پیش‌بینی کرده بودند، به زودی موجی از مخالفت‌ها علیه نهضت تقریب برخاست و درستی تحلیل و پیش‌بینی اعضا را نشان داد. در این مقطع که عبدالمجید به همراه یارانش در پی ایجاد طرحی برای ایجاد الفت بین مسلمین بودند، به تعبیر شیخ شلتوت، محیط عمومی پر از سرزنش‌ها و تهمت‌ها و آمیخته به افترا و سوءظن فرقه‌ها نسبت به یک‌دیگر گردید. تشکیل جماعت تقریب از مذاهب مختلف اسلامی (مذاهب چهارگانه اهل سنت و «مذهب شیعه امامی و زیدی») پیروزی آشکاری بود که کینه‌توزان را هراسان ساخت. (پیشین، ص ۲۴۶).

سئی‌ها خیال می‌کردند که دارالتقریب می‌خواهد آن‌ها را شیعه کند و شیعه‌ها تصور می‌کردند که ما تصمیم داریم آن‌ها را سئی کنیم. این‌ها و سایرین که در حقیقت هدف رسالت تقریب را در نیافته بودند و یا نمی‌خواستند دریابند، گفتند تقریب می‌خواهد مذاهب را القا کند یا آن‌ها را در هم ادغام نماید. و نیز عده‌ای کوتاه‌فکر و کسانی که سوء غرض داشتند... و یا منافع خود را در تفرقه و تشتت می‌دیدند و یا روحشان مریضی و آلوده به هوا و هوس و تمایلات خاصی بود، با این اندیشه به پیکار برخاستند. اینان و کسانی که قلم‌های خود را در معرض اجاره سیاست‌های تفرقه‌انگیز قرار می‌دهند، هم‌چنان که با هر نهضت اصلاحی به مبارزه برمی‌خیزند و از هر اقدام اصلاحی که باعث وحدت مسلمین می‌شود، جلوگیری به عمل می‌آورند، به‌طور مستقیم و غیر مستقیم با آن به نبرد پرداختند و هر کدام به سهم خود با این نهضت مبارزه کردند». (پیشین، ص ۳۳-۳۴).

قانون تصویبی تقریب در سال ۱۹۴۷م. را باید نتیجه تلاش تمام عالمان حاضر به ویژه مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم و شاگرد او شیخ محمود شلتوت دانست.

مرحله اجرایی و نهایی تقریب

بخشی از چهره سیاسی عبدالمجید سلیم را باید در دارالتقریب جست‌وجو کرد، همان‌گونه که بخشی دیگر نیز، از مطالعه حضور وی در الازهر به دست می‌آید. با این که عبدالرزاق از نظر سیاسی

اختلاف نظرهایی با سلیم داشت، اما سلیم، عبدالرزاق را شخصیتی صاحب علم و تقوا و مورد اطمینان می‌دانست و توسط وی به دارالتقریب راه یافته بود. شیخ سلیم با حضور در دارالتقریب منشأ آثار زیادی شد، هم از لحاظ علمی و اجتماعی، هم از لحاظ جلب شخصیت‌های جدید به دارالتقریب که پشتوانه آینده آن شدند، مانند شاگردش شیخ شلتوت، و هم از جهت دفاع مستحکم در برابر حمله برخی شیوخ الازهر به اندیشه اصلاح‌گرایانه در باب تقریب بین مذاهب اسلامی. (ر.ک: موثقی، ۱۳۷۱، ص ۱۴۸).

مصطفی عبدالرزاق بعد از زحمات زیاد و اتمام این بخش حیاتی از پروژه تقریب، دار فانی را وداع گفت و از آن پس بود که مرحله اجرایی آغاز شد. عالمان بزرگ در پی طرح‌ریزی فردایی متحد برای امت اسلام بودند. تا این مرحله از تقریب را عمدتاً محمدمصطفی مراغی (۱۹۴۵ - ۱۹۳۵) و مصطفی عبدالرزاق (۱۹۴۷ - ۱۹۴۵) با همراهی و مجاهدت مردانی چون شیخ عبدالمجید سلیم و شیخ محمدحسین کاشف‌الغطا (راهبری و هدایت کرده و به سلامت به سرمنزل مقصود رسانده بود و اکنون (۱۹۴۸) نوبت مردانی دیگر بود که این راه را ببیمایند.

بعد از عبدالرزاق، ریاست الازهر به محمد مأمون الشناوی (۱۹۴۸-۱۹۵۰) سپرده شده بود، از این رو عبدالمجید سلیم فارغ از مسئولیت اجرایی و سنگین ریاست، هم‌چنان می‌توانست با فراغ بال به اندیشه تقریب پردازد و برای آن تلاش کند.^۱ در این جا به گوشه‌ای از نقش سلیم از نگاه محمدتقی قمی مؤسس و دبیرکل دارالتقریب اشاره نمود و نقش وی را در دوره‌های مختلف تقریب بررسی می‌کنیم.

شخصیت‌هایی از رؤسای الازهر که به صورت مستقیم و غیر مستقیم در دعوت تقریب سهیم بوده‌اند، عبارت‌اند از: محمدمصطفی مراغی، مصطفی عبدالرزاق، عبدالمجید سلیم.

مدتی بعد از آغاز فعالیت تقریب، انقلاب مصر (۱۹۵۲) به وقوع پیوست و فاروق از قدرت برکنار شد. هر چند عبدالمجید سلیم و همکارانش به تلاش‌های خود ادامه می‌دادند، اما حکومت جدید تا حدود یک سال و نیم نسبت به تقریب نظر مساعدی نشان نمی‌داد و می‌خواست بداند «این دعوت چیست، از کجا آمده و چه نقشه‌ای دارد و چطور شده که این چنین کارش گرفته و این شخصی که از ایران آمده و این تشکیلات را راه انداخته، هم شیعه است و هم غیر مصری، چطور شده که تمام

۱. بعد از محمدمأمون، ریاست الازهر به عبدالمجید سلیم (۱۹۵۰-۱۹۵۱) ابراهیم حمروش (۱۹۵۱-۱۹۵۲)، بار دیگر عبدالمجید سلیم (۱۹۵۲)، محمدالخضر حین مالکی (۱۹۵۲-۱۹۵۴)، عبدالرحمن تاج (۱۹۵۴-۱۹۵۸) و بالاخره محمود شلتوت (۱۹۵۸) رسید و در طول این مدت اندیشه تقریب با مدیریت محمدتقی قمی سامان یافت.

رجال را به دور خود جمع کرده و بالأخره نیرویش چیست و از کجا تقویت می‌شود». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۸، ص ۳۱ و ۳۰). این وضع به جایی رسید که رفت و آمد افراد دارالتقرب را کنترل می‌کردند و به گفته قمی در دیدار با ناصر، مجله رساله الاسلام با فقر مالی اداره می‌شد و نویسندگان، مقالات مجانی می‌دادند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۴).

در هر صورت، دارالتقرب همچنان به فعالیت خود ادامه داد و افراد مهمی مثل ابراهیم الطحاوی از همقطاران ناصر را هم به امور مذهبی جذب کرد، به گونه‌ای که وی بعدها، رییس هیئت شباب المسلمین مصر شد. (پیشین).

در چنین موقعیت مهم و حساسی بیش‌ترین کمک‌ها از سوی شیخ عبدالمجید سلیم بود. دوره اصلی تلاش‌های عبدالمجید سلیم در تقرب بین مذاهب، مربوط به دوران ریاست وی در الازهر است. وی در این مقطع خدمات زیادی به اندیشه تقرب بین مذاهب نمود. محمدتقی قمی به صورت فهرست‌وار درباره این دوره از زندگی وی می‌نویسد:

«میزان علاقه و دلبستگی وی به تقرب به گونه‌ای بود که وی با این که پس از چند سال رییس الازهر شد، باز به عضویت خود در جمعیت ادامه داد و حتی بیش‌تر نامه‌های خود را با عنوان شیخ الازهر و نائب رییس جمعیت تقرب امضا می‌کرد. در عهد او بود که فصل تازه‌ای در ارتباط میان سنی و شیعه گشوده شد. او باب نامه‌نگاری را با علمای شیعه گشود و پاسخ آن‌ها را دریافت نمود و برای اولین بار دانشگاه الازهر را که منحصر به مذاهب چهارگانه تسنن بود، به صورت دانشگاه عمومی اسلامی درآورد تا به ماده واحده‌ای که راجع به دانشگاه‌های اسلامی در قانون اساسی تقرب آمده بود، عمل کند و او برای اولین بار بعضی از احکام و قوانین شیعه را که در نظرش از سایر قوانین بهتر بود، در قانون مصر در قوانین مربوط به احوال شخصی وارد کرد و او بود که به دارالتقرب پیشنهاد چاپ تفسیر مجمع‌البیان را داد». (پیشین، ص ۴۸ و ۴۷).

شیخ سلیم در برابر فتنه تفرقه

از آغاز فعالیت دارالتقرب بیش از همه مخالفان، دو جریان در پیوند با هم، علیه این جمعیت و همبستگی آن وارد عمل شدند؛ یکی استعمار و سیاست‌های استعماری و دیگری دولت سعودی با کمک عوامل سیاسی و وهابی و نویسندگان مزدور وابسته به استعمار که انواع کتاب‌ها و تبلیغات دورغ را علیه شیعه نشر می‌دادند. به خصوص این که وهابی‌ها و سعودی‌ها به تأثیر از سیاست‌های استعماری غرب، فکر می‌کردند با وجود دارالتقرب، تبلیغات ضد شیعی آنان خنثی می‌شود. هم‌چنین

حضور حسن‌البنی رهبر اخوان المسلمین در دارالتقریب برای آنان بسیار گران آمده بود، زیرا این امر مانع پیشرفت دعوت و تبلیغ وهابی‌گری در میان اخوان المسلمین می‌شد. از این رو تلاش می‌کردند حسن‌البنی را مجبور به کناره‌گیری از دارالتقریب کنند.

در حالی که شیخ سلیم در راستای اهداف مقدس دارالتقریب مشغول تهیه مقدمات صدور فتوای جواز پیروی از مذهب شیعه بود، ایادی استعمار و دشمنان مشترک شیعه و سنی، کتابی را از یکی از علمای شیعه دوره صفویه علیه اهل سنت و شیخین - ظاهراً کتاب منسوب به شیخ علی کرکی است - از طریق پست برای تمام اعضای دارالتقریب فرستادند. این کتاب در بسته‌هایی با عنوان «نفحات اللاهوت فی وجوب سبّ الجبّ و الطاغوت» ارسال گردید، بدون این که تاریخ چاپ یا نام چاپ‌خانه یا کشور محل چاپ در آن معلوم باشد. به علاوه، هر کدام از بسته‌ها از کشورهای مختلف اروپایی فرستاده شده بود و معلوم نبود که مبدأ، کدام یک از این کشورها است. کار ارسال این بسته‌ها هم جهت اطمینان از رسیدن آن به دست اعضای تقریب، دوبار صورت گرفته بود.

توزیع این کتاب، فتنه و هنگامه‌ای برپا کرد، به خصوص برای جمعیت تقریب که با زحمت در دارالتقریب شرکت می‌کردند و مورد ملامت مردم و متعصبان بودند.

رجال تقریب در اولین جلسه‌ای که به دنبال این جریان گرفتند، با عصبانیت زیاد نسخه‌ای از این کتاب را به یک‌دیگر نشان داده و گفتند: «ما آمده‌ایم این‌جا چه کار کنیم؟ ما چه الزامی داشتیم که با دچار کردن خود به انواع گرفتاری‌ها، از شیعه‌ای دفاع کنیم که این چنین نسبت به اصحاب بدگویی می‌کند و تا این حد پیش رفته است؟»

پس از پایان سخنان مخالفین، شیخ عبدالمجید سلیم برخاست و گفت: «ای برادران! اگر کسی پدران شما را سب و لعن کند او را از اسلام خارج می‌دانید؟ برادری دینی خود را با او قطع می‌کنید؟ گفتند: نه.

شیخ گفت:

اصحاب نیز پدران روحانی ما هستند و اگر کسی نسبت به بعضی از آن‌ها دچار بدبینی بوده و به آن‌ها ناسزا گوید، موجب خروج وی از اسلام و برادری اسلامی نخواهد گشت. به علاوه، اگر این مصائب و تفرقه و جدایی‌ها نبود که لزومی نداشت ما در این‌جا دور هم جمع شویم. ما در این‌جا گرد هم آمده‌ایم تا مشکلات و بیماری‌های اجتماعی را بررسی کنیم و به درمان اساسی آن‌ها بپردازیم». بالآخره شیخ عبدالمجید سلیم آن‌ها را آرام ساخت اما این توطئه باعث شد که شیخ نتواند فتوای تاریخی خود را مبنی بر جواز پیروی از مذهب شیعه صادر کند و این کار چندین سال به تأخیر افتاد تا

این که به دست شاگرد توانایش شیخ محمود شلتوت انجام گرفت. این افتخار بزرگی برای تمام مسلمانان جهان بود، زیرا تا کنون هیچ یک از مذاهب جهان نتوانسته‌اند میان خود این چنین تقریب و همبستگی برقرار سازند. چنان که یکی از شعبه‌های مسیحیت، یعنی کاتولیک، گذشته از این که شعبه دیگر مسیحیت، یعنی پروتستان، را به هیچ وجه قبول ندارد، نتوانست حتی عقد ازدواج هر یک از فرقه‌های خود را به دیگری بقبولاند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۴-۱۹۱ و بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۳۴۳).

ارتباط سلیم با آیت الله بروجردی

گام دیگری که عبدالمجید سلیم و دیگر ارکان تقریب در مسیر گسترش تقریب برداشتند ایجاد ارتباط‌های گسترده با عالمان دیگر کشورها و مذاهب بود. این ارتباطات با علمای کشورهای گوناگون مانند پاکستان، برخی کشورهای آفریقایی و... ادامه یافت و بارها تا مراحل حل مشکلات آنان پیش رفت. در این میان، ارتباط عبدالمجید سلیم و بعد از وی شاگردش شیخ محمود شلتوت با علمای شیعه به عنوان صاحبان فقه پویا و مجتهدان آزاداندیش، توجه محققان را به خود جلب می‌کند. ارتباطات از طرق مختلف مانند مکاتبه، اعزام نماینده، ملاقات و... انجام می‌گرفت. در یکی از این نامه‌ها، شیخ سلیم به آیت‌الله بروجردی که پیامی شفاهی برایش فرستاده بود، می‌نویسد:

«پیام شفاهی از طریق آقای قمی رسید. از حمایت‌ها و اعتماد حضرت عالی به این جانب و از این که فکر تقریب بین مذاهب اسلامی مورد عنایت فراوان شماست تشکر می‌کنم». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ص ۷ و ۲۷۶).

سپس با اشاره به دسیسه‌های گذشته مغرضین در باز داشتن مسلمین از حق فهم و درک صحیح اسلام و ایجاد تفرقه و اختلاف، لزوم تبادل رأی و مشورت میان آنان را تأکید می‌کند و نخستین قدم واجب برای علما را این می‌داند که «آنچه را مربوط به این افتراق و پراکندگی است از اذهان مردم دور سازیم و صفحات روشن و طرح‌های اسلامی و شریعت سهل و آسان اسلام را انتشار دهیم». آیت‌الله بروجردی نیز در جواب، نامه‌ای به ایشان نوشت و در آن نامه از هدف تقریب، تمجید فراوان نموده و متذکر شد که من هم تا جایی که امکان داشته باشد برای از بین بردن موجبات نفاق کوشش و جدیت می‌کنم. هم‌چنین نامه‌های دیگری بین آن‌ها رد و بدل شد. علامه محمدتقی قمی درباره میزان احترام عبدالمجید سلیم به آیت‌الله بروجردی در مسیر تقریب بین مذاهب می‌نویسد:

«هرگاه نامه آیت‌الله بروجردی را برای شیخ عبدالمجید سلیم، رئیس جامع الازهر، می‌بردم، ایشان بلند می‌شدند و نامه را می‌گرفتند و می‌بوسیدند و آن‌گاه می‌نشستند». (احمدی و دیگران، ۱۳۷۹، ص ۱۵).
آیت‌الله واعظزاده خراسانی هم در ارزیابی نامه‌های رد و بدل شده بین این دو شخصیت بزرگ علمی و مذهبی چنین می‌گوید:

«از نامه‌هایی که بین آیت‌الله بروجردی و عبدالمجید سلیم و محمود شلتوت رد و بدل شده، فهمیده می‌شود که مرحوم بروجردی از تلاش آنان در راه اتحاد تقدیر می‌کرد. در یک جلسه خصوصی فرمود:

مرحوم شیخ عبدالمجید سلیم وقتی متذکر فاجعه کربلا می‌شد، می‌گفت: این فاجعه لکه ننگی در تاریخ اسلام است و بسیار متأثر می‌گردیدم...»^۱ (پیشین، ص ۲۳۵).

میزان اهتمام عبدالمجید سلیم و دست‌اندرکاران تقریب به ارتباط با علمای مذاهب، به‌ویژه آیت‌الله بروجردی، به حدی بود که حتی اخبار مربوط به مریضی و سلامتی وی را هم در رساله‌الاسلام یادآور می‌شدند و به این طریق بر پیوند دشمن‌شکن مسلمین در هر فرصتی افزوده می‌شد.

آثار عبدالمجید سلیم

از این شخصیت مذهبی، علمی و اجتماعی، آثار زیادی در حوزه‌های مذهبی و اجتماعی بر جای مانده که مجموعه سخنرانی‌ها و فتوای وی از آن جمله است. محمد عبدالمنعم خفاجی می‌نویسد: «آثار زیادی در الازهر بر جای گذاشت». (خفاجی، ج ۱، ص ۲۵۷).

۱. فتواها: از این عالم بزرگ نزدیک به پانزده هزار فتوای شرعی برجای مانده است که بی‌گمان گردآوری آن در بازشناسی شخصیت علمی و مذهبی وی، تأثیری اساسی خواهد داشت.

۲. پیرامون تقریب

در این بخش نیز نوشته‌ها، نامه‌ها و رساله‌های مختلفی از وی بر جای مانده است. رساله‌های خطی به جای مانده از او گویای ابعاد دیگری از شخصیت وی مانند شجاعت در قول حق و آشکار کردن آن است. (پیشین).

۱. شاگرد وی شیخ شلتوت هم چنین بود. استاد عبدالکریم بی‌آزار شیرازی در مورد او می‌نویسد: «وی مانند استادش شیخ عبدالمجید سلیم از مظالم بنی‌امیه نسبت به امام حسین علیه‌السلام و سایر اهل بیت علیهم‌السلام متأثر بود و در دوران ریاست او در الازهر در روز عاشورا در محوطه جامع الازهر مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام را برگزار می‌کرد». (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۲۰).

خفاجی درباره آثار او چنین می‌گوید: «در مسیر تفاهم طوایف اسلامی و... کتاب‌ها و رساله‌ها و نامه‌هایی بین او و بسیاری از علمای شهرهای اسلامی رد و بدل گردید. ارزش‌های او به مصر محدود نیست بلکه به آفاق اسلام و تمام طوایف رسید. از وی آثاری خطی بر جای ماند که در آن‌ها شجاعت در بیان سخن حق و آشکار کردن آن نزد حکام بدون خوف و پرهیز دیده می‌شود». (پیشین، ص ۲).

در گذشت عبدالمجید سلیم

عبدالمجید سلیم، سرانجام در صبح پنج‌شنبه دهم صفر ۱۳۷۴ ق. (۱۷ اکتبر ۱۹۵۴ م.) در سن ۷۲ سالگی به رحمت الهی پیوست و مسلمانان را از وجود عالمی فرهیخته و اندیشمندی اصلاح‌گر محروم نمود. مجله رساله‌الاسلام در ضمن مقالات خود به مناسبت درگذشت وی، آورده است: «شیخ‌الاسلام عبدالمجید سلیم در روز پنج‌شنبه ۹ صفر ۱۳۷۴ هـ (۱۷ اکتبر ۱۹۵۴ م.) وفات یافت. خداوند او را نزد خویش برد؛ بنده صالح، تقوایبش، پاکیزه، شیخ اسلام، علم‌اعلام، مغفوره، استاد بزرگ، شیخ عبدالمجید سلیم».

به این ترتیب، طومار زندگانی مردی بزرگ که در تقوا، علم، اخلاق و جهاد در راه خدا کم‌نظیر بود پیچیده شد؛ شخصیتی که برای خدمت به افکار و اندیشه و دین و امت زندگی کرد، نه مال و جاه و منصب. به شدت وفادار، خوش‌برخورد، پاک‌زبان و غیور بر دین بود و در راه حق، سرزنش کسی را بر نمی‌تابید. غیرتش در دین ضرب‌المثل بود. وقتی فساد یا شری را می‌دید که قدرت بر دفع آن نداشت چشمانش پر از اشک می‌شد. او به راستی صلاح‌امت را در تمسک به دین در همه شئون زندگی می‌دید. یادش گرمی و راهش پر رهرو باد.

منابع و مأخذ:

- ۱- احزاب سیاسی در مصر.
- ۲- الفتاوی الاسلامیه من دارالافتاء المصریه، ج ۱.
- ۳- الفتاوی الجدیدة.
- ۴- به کوشش احمدی و دیگران، چشم و چراغ مرجعیت، مصاحبه‌های ویژه مجله حوزه با شاگردان آیت‌الله بروجردی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۹.
- ۵- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، اسلام‌آیین‌همبستگی، مؤسسه انتشارات بعثت، ۱۳۵۴ و زکات علم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸.

- ۶- بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، توحید کلمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۰۴ ق، ج ۲.
- ۷- _____، شیخ محمود شلتوت، *طلایه دار تقرب*، مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸- _____، *همبستگی مذاهب اسلامی*، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی (مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی)، تهران، ۱۳۷۷.
- ۹- بیومی، محمدرجب، *الأزهر بین السياسة و حرية الفكر*، القاهرة، دار الهلال، ۱۹۸۳ م.
- ۱۰- *خاطرات حسن البنا*، ترجمه استاد جلال الدین فارسی.
- ۱۱- خفاجی، محمد عبدالمنعم، *الأزهر فی الف عام*، ج ۱.
- ۱۲- دداج، بابار، *دانشگاه الأزهر، تاریخ هزار ساله تعلیمات اسلامی*، ترجمه آذرمیدخت و مشایخ فریدنی.
- ۱۳- *رسالة الاسلام*، مجله اسلامیة عالمیة، دار التقرب بین المذاهب اسلامیة، قاهره، سال ۶.
- ۱۴- رضوی، مرتضی، *فی سبیل الوحدة الاسلامیة*، مطبوعات النجاح بالقاهرة.
- ۱۵- رفعت سید احمد، *الدین و الدولة و الثورة*، الدار الشرقیة.
- ۱۶- *مشیخة الأزهر*، ج ۲.
- ۱۷- موثقی، سید احمد، *استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام*، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، قم، ۱۳۷۱، ج ۲.
- ۱۸- نقوی، علی محمد، *شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر*، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور، تهران، ۱۳۶۱.



جهان اسلام
سرزمین‌های

لا يمشى تقرب

سودان پهناورترین کشور جهان اسلام

چکیده:

با توجه به سخن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به سرزمین سودان و مهاجرت‌های صحابه به این سرزمین و پذیرش اسلام از سوی سودانیان و تاریخ سرافرازی که این کشور از خود به یادگار گذاشته، اهمیت سخن گفتن از پهناورترین کشور جهان اسلام، روشن می‌شود. در این نوشتار سعی شده است ضمن اشاره اجمالی به قلمرو جغرافیایی، دین و اعیاد سودانیان، تحولات اجتماعی - فرهنگی و وضعیت فعلی مسلمانان و مسایلی هم‌چون قیام مهدی سودانی، اوضاع جنوب سودان، ادیان و مذاهب، تصوف و فرقه‌های صوفیه، نظام آموزشی، وضعیت زنان و بالاخره رابطه این کشور با جمهوری اسلامی ایران، بررسی گردد.

مقدمه

سودان کشوری است که نقش منطقه‌ای و جهانی آن در طول تاریخ بازگو نشده است و این در حالی است که سودان را سرزمین اصلی و اولیه نسل بشری و جایگاه اولیه تمدن انسانی دانسته‌اند. (حسن شیخ فاتح، ص ۹).

سودان سرزمینی است که قرآن کریم بندگان صالحش را ستوده است (مائده/۸۵-۸۳؛ انعام/۵۲؛ کهف/۲۸) و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نسبت به کمال و بزرگواری برخی از ساکنان و مردمان آن سخن گفته و بهترین مردم سودان، را قبیله «نوبه» خوانده است. (سیوطی، ج ۴، ص ۱۰۸). هم‌چنین پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «اتخذوا السودان فان ثلاثة منهم من سادات أهل الجنة، لقمان الحكيم، و النجاشي، و بلال؛ با سودان باشید، (به سودان توجه کنید) چه این که سه نفر از سودانیان از بزرگان اهل بهشت‌اند: لقمان حکیم، نجاشی و بلال. (سیوطی، بی تا، ج ۱، ص ۶۶).

سودان، سرزمین فرزندان اصحاب اخدود، لقمان حکیم و وطن برخی از مردان و زنان صحابه و محل هجرت اول و دوم بعضی از یاران پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است. سرزمینی که تاریخ و حوادثی از اقوام و امت‌های پیامبران پیشین در آن رخ داده است و ده‌ها دانشمند و نویسنده در علوم مختلف از این سرزمین برخاسته‌اند.

در این نوشتار، به اختصار به تاریخ و وضعیت فرهنگی، سیاسی و اجتماعی این کشور پرداخته

شده است تا مقدمه‌ای باشد برای کسانی که شناخت تفصیلی پهناورترین کشور اسلامی را دنبال می‌کنند.

۱. سرزمین‌های تشکیل دهنده سودان فعلی

جغرافی نویسان مسلمان قرون وسطی، منطقه جنوبی کویر صحرا در قاره آفریقا را «بلاد السودان» (سرزمین سیاهان) نامیدند. به عبارت دقیق‌تر، سرزمین‌های واقع در جنوب مصر، که از سال ۱۸۹۹ تا ۱۹۵۵م. قلمرو حکومت مشترک مصر و انگلیس را تشکیل می‌داد، اکنون شامل جمهوری سودان می‌شود. سابقه این واژه از قرن نوزدهم است، و عنوان اداری مناسبی برای امپراتوری آفریقایی محمد علی پاشا، نایب السلطنه مصر، و جانشینان او می‌باشد. با این توضیح که در سال ۱۸۲۳م، دفتردار محمدبن خسرو لقب «فرمانده کلّ سودان و کردفان» گرفت. ده سال پس از آن، لقب «حاکم ایالات سودان» به علی خورشید پاشا واگذار شد، که شاید نخستین کاربر رسمی این واژه به مفهومی نزدیک به معنی جدید آن باشد. (هیسکت، ۱۳۶۹، ص ۸ و ۲۴۱).

۲. قلمرو جغرافیایی جمهوری سودان

وسعت فعلی قلمرو سودان، که پهناورترین کشور جهان اسلام است، $۲/۵۰۵/۸۱۳$ کیلومتر مربع (تقریباً یک چهارم مساحت اروپا) است که با ۹ کشور آفریقایی هم مرز است. موقعیت جغرافیایی این کشور نسبت به کشورهای همسایه چنین است: از شمال به مصر، از شرق به دریای سرخ و اریتره، از غرب به آفریقای مرکزی، چاد و جمهوری لیبی، از جنوب به کنیا، اوگاندا و زئیر محدود است. از نظر جغرافیایی، بخش بزرگی از این کشور را دشتی وسیع تشکیل می‌دهد. این ناحیه را می‌توان به سه منطقه تقسیم کرد: در شمال، صحرایی ناهموار و نیمه صحرا؛ در جنوب، منطقه شن مواج که از ناحیه نیمه بیابان تا بخش جلگه‌ای گسترده است؛ و باز در جنوب این قسمت منطقه رُسی قرار دارد که هر چه از جنوب دارفور به طرف شرق و به نواحی مرطوب و نیمه بیابانی واقع در شرق رودخانه نیل آبی و نیل اصلی، پیش می‌رود گسترده تر می‌شود. تپه‌دریای سرخ، که امتداد شمالی ارتفاعات اتیوپی است، این دشت پهناور را از نوار باریک ساحلی جدا می‌کند.

رود نیل و انشعاباتش دشت سودان را آبیاری می‌کند. سرچشمه هر دو رود نیل سفید و آبی در خارج کشور است. نیل سفید در ناحیه نمول (محلی که بخش‌های فوقانی آن بحرالجبیل نام دارد) وارد کشور سودان می‌شود و پس از طی مسافتی نزدیک به صد و شصت کیلومتر وارد دشت رُسی می‌شود و در منطقه باتلاقی وسیعی به نام «سدّ» گسترده می‌شود و پس از طی مسیر پریبیچ و خم صد و شصت کیلومتری، به شاخه غربی خود، بحرالغزال - که آب چند رودخانه کوچک را در خود جمع نموده

و دشت جنوب غربی را آبیاری می‌کند و سرچشمه آن فلات سنگ آهن خام است - می‌پیوندد و شعبه نیل - کنگو را تشکیل می‌دهد و سپس حدود صد و سی کیلومتر جلوتر به رود سوبات از جانب شرق می‌پیوندد.

رود پر دامنه و کند حرکت نیل سفید از مرداب‌ها سرچشمه می‌گیرد و به درون ناحیه جنگل‌های افاقیای جریان می‌یابد. زمانی دو سوی کرانه آن تا خرطوم پوشیده از این درختان بود ولی اکنون قسمت انتهایی مسیر رودخانه از دشت‌های باز و تقریباً بی درخت می‌گذرد. مسافت میان محل تلاقی نیل سفید و بحرالغزال تا خرطوم بیش از نهصد کیلومتر است. نیل آبی رودی کوتاه‌تر، سریع‌تر و زیباتر است و مسافتی را که در داخل سودان طی می‌کند نزدیک به هشتصد کیلومتر است. شبیه جزیره واقع در بین دو رودخانه نیل سفید و نیل آبی، که در خرطوم به هم می‌پیوندند، به «جزیره» معروف است. «جزیره» که زمانی غله زار خرطوم بود، اکنون مرکز ناحیه عمده کشت پنبه در سودان به شمار می‌رود. رودخانه نیل اصلی از خرطوم به سمت شمال کشور، که به گونه فزاینده‌ای لم یزرع است، پیش می‌رود و در حدود سیصد کیلومتری پایین خرطوم، به آبادی موسمی عطبره، آخرین انشعاب خود، می‌پیوندد و حدود دویست و پنجاه کیلومتر جلوتر، در ابوحمد، به سوی جنوب غرب تغییر مسیر داده و پس از آن مسیرش را به سوی شمال از «دُنقله» تا مرز مصر ادامه می‌دهد. (هالت و دالی، ص ۹۰-۹۱).

۳. قبایل در سودان

قبیله در تمام کشورهای آفریقایی وجود دارد و تأثیر آن در ساختار اکثر دولت‌های آفریقایی نمایان است و شاید بتوان گفت نقش احزاب و گروه‌ها را در کشورهای دیگر بازی می‌کنند. در سودان قبایل و نژادهای زیادی زندگی می‌کنند. تعداد قبایل سودان (با زیرمجموعه‌ها و شعب آن) به بیش از هفتصد قبیله می‌رسد. تمام این قبایل از دو مجموعه بزرگ به نام‌های جعلیه و جهنیه (که به سودان آمده‌اند) نشئت گرفته است. قبایلی که از نژاد جعلیه‌اند بیش‌تر در شمال پراکنده شده و نژادهای جهنیه از غرب تا شرق سودان را فرا گرفته است. در جنوب سودان قبایلی غیر مسلمان با آداب و رسوم و اعتقاداتی خاص به سر می‌برند و هر یک رئیسی به نام سلطان دارند و با زبان و لهجه و قوانین ویژه و قلمرو مشخص، زندگی می‌کنند.

از مهم‌ترین قبایل جعلیه می‌توان از قبیلہ میرغاب، رباطاب، جوابره، رکابیه، جموعیه، جمع، عذیات، شایقیه، بدیری. .. نام برد. این قبایل در نشر فرهنگ اسلامی بسیار مؤثر بوده‌اند. اهمیت فرهنگ قبایل در سودان به حدی است که حتی امروز افراد و شخصیت‌ها با افتخار از قبیلہ خود یاد می‌کنند و به آن می‌بالند و به جرئت می‌توان گفت کسی نیست که به قبیلہ‌ای نسبت نداشته باشد.

جالب است که نسبت برخی از قبایل به ائمه اطهار علیهم السلام می‌رسد و افراد چنین قبیله‌هایی سخت به این انتساب مباهات می‌کنند.

اگر با نظری ژرف به تاریخ سودان بنگریم درمی‌یابیم که قبیله یکی از مهم‌ترین عوامل حرکت تاریخ در سودان به شمار می‌آید. در تمام جنگ‌ها و مهاجرت‌هایی که در تاریخ سودان روی داده و دولت‌ها و سلطنت‌نشین‌ها پابرجا مانده و یا نابود شدند، قبیله نقش اصلی را بازی کرده است. بسیاری از قبایل مسلمان در تاریخ سیاسی سودان نقش داشته و مناطقی را تحت فرمانروایی خود در آورده بودند. به طور طبیعی این قبایل بر سر حکمرانی با یکدیگر به نزاع برخاسته، لشکرکشی می‌کردند. (حیدری، ۱۳۷۹، ص ۱۸۱۹).

۴. دین سودانیان

دین رسمی در سودان، دین اسلام است و ۷۴/۷٪ جمعیت مردم آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. مسلمانان بیش‌تر در مناطق شمالی زندگی می‌کنند و درصد آنان در بعضی مناطق شمالی مانند ولایت کردفان، دارفور و ولایت جزیره به ۹۹٪ می‌رسد. بعد از اسلام، حدود ۱۷/۱٪ مردم سودان معتقد به باورهای قبیله و پیروان مذاهب ابتدایی «آنیمست» هستند که بیش‌تر در مناطق جنگلی جنوب کشور (یعنی استان‌های بحر الغزال، استوائیه و نیل علیا) زندگی می‌کنند و حدود ۸/۲٪ از جمعیت سودان، مسیحی هستند. مسیحیان سودانی الاصل بیش‌تر در جنوب زندگی می‌کنند. آنان قبل از پذیرش مسیحیت، پیرو مذاهب ابتدایی بودند و بر اثر تبلیغات مسیحیان به این دین گرویدند. وضعیت فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنان ضعیف است. مسیحیان مهاجر که اکثراً از مصر «قبطی‌ها» و لبنان - در زمان تسلط ترک و مصر بر این سرزمین - به سودان هجرت کرده‌اند در خارطوم و ولایت‌های شمالی به سر می‌برند. (پیشین، ص ۳).

۵- اعیاد سودانیان

اعیاد سودانیان را می‌توان به دو دسته دینی و ملی تقسیم کرد:

الف) اعیاد دینی

- **عید فطر**؛ از مهم‌ترین اعیاد دینی مسلمانان است. کلیه اداره‌های دولتی و مراکز خصوصی به مناسبت حلول ماه شوال پنج روز تعطیل است. قبل از فرارسیدن عید فطر مردم به بازار هجوم می‌آورند و برای خانواده خود لباس نو تهیه می‌کنند. کسانی که از خانواده دور هستند سریع به شهر و دیار خود باز می‌گردند تا در مجالس جشن و سرور عید با خویشاوندان خود همراه شوند.

- **عید قربان**؛ یکی دیگر از اعیاد مهم مسلمانان، عید قربان است. در عید قربان که هفت روز تعطیل

رسمی است، افراد متمکن گوسفند سر می‌برند و آن را طبخ کرده، بین خویشان و آشنایان و همسایگان تقسیم می‌کنند. در عید قربان و عید فطر، همه خانواده‌ها به دید و بازدید یک‌دیگر می‌روند.

- میلاد پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ یک روز تعطیل است. مردم در این روز گرد هم جمع شده و صوفیان همراه با دف و نی به خواندن مدایح نبوی می‌پردازند.

- اول محرم؛ به عنوان آغاز سال هجری قمری، مغازه‌ها یک روز تعطیل است.

- روز اسراء و معراج پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ یک روز تعطیل است.

- بزرگداشت شب قدر در ماه رمضان.

- نیمه شعبان؛ معمولاً صوفیان این روز را روزه می‌گیرند.

- میلاد حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام.

و بالأخره روز جمعه، روز تعطیل رسمی هفتگی است.

ب) اعیاد ملی

- اول ماه ژانویه؛
- جشن استقلال سودان (دو روز تعطیل)؛
- عید انقلاب؛
- سی ام ژوئن (یک روز تعطیل)؛
- روز مادر؛
- روز پیروزی ملت سودان در قیام علیه حکومت نمیری؛
- عید شم النسیم (عید ویژه مسیحیان سودان)؛
- روز کارگر؛
- روز عید اکتبر؛
- عید دفاع ملی؛
- روز شهید؛
- روز انتفاضه فلسطین؛
- روز نفت.

۶. مکان‌ها و مراکز دیدنی

سودان با پیشینه تاریخی و موقعیت جغرافیایی ویژه‌ای که دارد دارای مکان‌ها و مراکز دیدنی متعددی است. برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

- مسجد الفاروق، موزه ملی، موزه سنتی سودان (موزه طبیعی) و دارالوثائق، که در شهر خارطوم، پایتخت سودان قرار دارند.

- مسجد النبیلین (که در محل التقای دو نیل سفید و آبی ساخته شده است)، موزه و .. مقام امام المهدی، بازار لبیبی و بازار چوب، که در شهر فرهنگی ام درمان قرار دارند.
- سد جبل اولیاء، واقع در استان جبل اولیاء، در ۵۰ کیلومتری خارطوم و اهرام بجرایوه واقع در ۱۸۰ کیلومتری خارطوم و شهر کسلا واقع در فاصله ۷۰۰ کیلومتری خارطوم.

۷. قیام مهدی سودانی:

گرچه سودان در طول تاریخ شاهد تحولات سیاسی - اجتماعی زیادی بوده است اما برخی از حوادث آن به یادماندنی بوده و در سرنوشت مردم و حکومت این کشور تأثیر بسزایی داشته است. یکی از این موارد، قیام مهدی سودانی است که به شرح اجمالی آن می‌پردازیم:

محمد احمد بن عبدا... مشهور به «المهدی» در سال ۱۸۴۴ در جزیره «اشراف» (جزیره لباب) واقع در شهر دنقلا در شمال سودان متولد شد. پدر وی مردی متدین و یک قایق ساز ساده بود. وی به همراه خانواده به خارطوم مهاجرت کرد و در شهر ام درمان ساکن شد، سپس جهت تحصیل راهی خلوه شد و با نبوغی که داشت به حفظ قرآن و تحصیل علوم دینی پرداخت. وی پیرو طریقه سمانیه بود و پای‌بندی او به اصول اسلامی و اخلاص و مردم‌داری‌اش باعث شد عده زیادی به دور او جمع شوند. او دارای روحیه ضد استعماری بود و در محافل مختلف نسبت به حضور استعمار به مردم هشدار می‌داد. در آن زمان مردم از ستم و فشار حکومت عثمانی و مصر به تنگ آمده بودند و هنوز از زیر یوغ حکومت رها نشده بودند که استعمار انگلیس دست چپاول به سوی آن‌ها دراز کرد.

محمد احمد بن عبدا... با مساعد دیدن وضعیت به این نتیجه رسید که باید با ادعای مهدویت، مردم را به سوی خود جمع کند و به جنگ استعمار بپردازد. وی در سن ۴۰ سالگی ادعای مهدویت کرد و برای گرفتن بیعت به عنوان «امام المهدی» به سوی غرب سودان حرکت کرد و از قبایل متعدد بیعت گرفت و با نیروی مجهز فراوان به جنگ استعمار رفت و شهرها را یکی پس از دیگری آزاد کرد و پس از آزاد سازی ام درمان آن‌جا را محل حکومت خود قرار داد و سپس خارطوم را آزاد کرد و استعمار به ناچار از سودان خارج شد.

البته ادعای مهدویت او، به مفهوم مصطلح آن نبوده است و هم‌اکنون نیز چند میلیون طرفدار او در سودان او را به عنوان «مهدی موعود» نمی‌شناسند، بلکه او را «مجدّد» می‌دانند که مطابق بعضی از روایات، هر صد سال یک بار، برای احیای سنت‌های اسلامی قیام می‌کند. در منشورات رسمی خود «محمد احمد سودانی» آمده است که او بر ضد نفوذ غرب و برای از بین بردن بدعت‌ها،

قیام کرده و می‌خواهد مردم مسلمان را به سوی اسلام واقعی بخواند و احکام قرآن و سنت را اجرا کند و نخستین گام در این راه، بیرون راندن نیروهای اشغال‌گر انگلیسی است. (شقیق، ج ۲، ص ۳۷۴). او می‌گفت: «ما مسلمانان فقط با وحدت می‌توانیم اصول استوار اسلام را احیا کنیم و نیروهای متجاوز بیگانه را از بلاد مسلمین بیرون برانیم». (خسروشاهی، ج ۲، ص ۶۸).

مهدی سودانی پس از استقرار حکومت خود، اعلان حکومت اسلامی نمود و ولات نصب کرد و به دنبال اجرای قوانین اسلامی برآمد. وی در اکثر مسایل فتوا می‌داد. مدت حکومت وی دوامی نداشت و بر اثر یک بیماری در ژوئن ۱۸۸۵ درگذشت و در همان خانه‌ای که از دنیا رفت، دفن گردید. (فدال، ۱۴۱۲ق، ص ۱۳۶) و مزار وی از آن زمان تا کنون زیارت گاه مریدان اوست.

آن‌چه او برای جانشین خود بر جای گذاشت، یک دستگاه حکومت مقدماتی بود که اصول عقیدتی جنبش دینی و جنگ‌هایی که سبب قدرت او شد در آن انعکاس داشت. مهدی سودانی به پیروان خود لقب «انصار المهدی» داد و بر این باور بود که اسلام اولیه را دوباره به مرحله اجرا در می‌آورند.

المهدی «عبدالهی بن محمد» را ملقب به «خلیفه الصدیق» و جانشین خلیفه ابوبکر و «علی بن محمد هیلو» را که مردی بسیار پارسا و مرید دیرینه او بود ملقب به «خلیفه الفاروق» نمود و جانشین خلیفه عمر معرفی کرد و...؛ هر یک از خلیفه‌ها بر لشکری از ارتش مهدی فرمان می‌راندند. (هالت و دالی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۰۶-۱۰۵).

المهدی برای سودانی‌ها «ابوالاستقلال» به شمار می‌آید. وی رهبری ملی بود که موفق شد قبایل سودان را بر مبنای عقاید و ارزش‌های اسلامی متحد سازد، زمامداران بیگانه را از کشور بیرون راند و حکومتی ملی پی‌ریزی کند. برخی از سودانی‌ها او را مجدد و احیاکننده دین اسلام به شمار می‌آورند.

پس از مرگ مهدی، «خلیفه عبدالهی» با لقب «خلیفه المهدی» جانشین وی شد و به مدت ۱۳ سال حکومت کرد و بعد از حکومت وی، بار دیگر استعمار به کشور سودان حمله کرد و آن را اشغال نمود و در سال ۱۸۹۸ با درگذشت عبدالله تعایشی، حکومت المهدی پایان یافت. حکومت عبدالله تعایشی با هم‌دلی همه گروه‌ها و شخصیت‌ها همراه نبود و در زمان وی مشکلات داخلی و خارجی زیادی رخ داد. (ضرار صالح ضرار، ۱۹۷۵م، ص ۱۹۳-۱۶۶).

با وجود این که حکومت مهدی در تاریخ سودان بسیار کوتاه مدت بود ولی دارای آثاری از این جمله بود: ۱- دوران حکومت وی دوره ذوب شدن قبایل در حاکمیت مرکزی بود؛ ۲- طریقت‌های صوفیه برای استقلال کشور با هم متحد شدند؛ ۳- دین و سیاست ارتباط ارگانیکی یافت و این رابطه نمایان‌گر نقش مهم دو طریقت بزرگ انصار و ختمیه در نهضت ملی بود که به استقلال سودان منتهی شد.

۸. وضعیت جنوب سودان:

پس از براندازی حکومت مهدی در سودان توسط انگلستان و مصر، بالاترین قدرت نظامی و کشوری در سودان به والی واگذار شد. از سال ۱۸۹۹ تا پایان حکومت مشترک انگلستان و مصر در سال ۱۹۵۵، تمام والی‌ها از اتباع انگلستان بودند و بر دولت سودان اشراف داشتند. نخستین والی انتصابی، «لرد کیچنر» بود. او تا دسامبر سال ۱۸۹۹ این منصب را در اختیار داشت. پس از او «سر رچینالد ونگیت» والی سودان گردید و تا سال ۱۹۱۷ این عنوان را در اختیار داشت. در زمان او «رویه مذهبی در جنوب» با آنچه در شمال اسلامی دنبال می‌شد، تفاوتی آشکار داشت.

ونگیت و زیردستانش، آزرده از خطرهای ایجاد شده از ناحیه اسلام، در پی آن بودند که نفوذ اسلام را در ایالت‌های جنوبی به طور کامل از بین ببرند. سازمان‌های تبلیغی مسیحی که فعالیت آنان در اثر سیاست دولت در شمال کشور بی‌نتیجه مانده بود، در جنوب به صورت حوزه‌هایی جهت دعوت مردم به دین مسیحی درآمدند، آموزش و پرورش به زبان انگلیسی را به آن‌ها واگذار کردند، کوشش‌هایی در راه منع یادگیری و استفاده از زبان عربی و حتی پوشیدن لباس عربی به عمل آوردند، و برای توقف گسترش اسلام که از حضور سپاهیان شمالی «جلابه»^۱ ناشی می‌شد، با استخدام افراد محلی، لشکری استوایی در ایالت مونگالا ایجاد نمودند که پس از چندی گروه‌های محلی دیگری نیز به آن پیوستند و لشکریان شمالی کم‌کم آن‌جا را ترک گفتند و مأموران انگلیسی به طور روز افزون مردم جلابه را بیرون کردند. (هالت و دالی، ۱۳۶۶ش، ص ۱۳۶).

در واقع، انگلستان به مدت چند دهه مانع از آن شد که منطقه جنوب تحت تأثیر نفوذ اعراب قرار گیرد و به سکنه جنوب صرفاً این امکان را داد که در زیر پرچم حکومت افسانه‌ای بارون‌های انگلیسی و بر اساس ضوابط محلی، در جهت رشد و توسعه گام بردارند، و این کار توأم با اعمال استبداد نسبت به آن‌ها و حمایت از برخی قبایل شورشی بود. دولت سودان به سختی حاضر بود عدم تعادلی را که از انگلیسی‌ها به ارث مانده بود برطرف کند و تقاضاهایی را که برای برقراری حکومت فدرال مطرح می‌شد، یا بلافاصله رد می‌کرد و یا به منظور آرام ساختن مردم جنوب و جلب رضایت آن‌ها در مواقع لازم صرفاً به دادن وعده و وعید اکتفا می‌نمود.

طولی نکشید که معلوم گردید در سودان مستقل، مردم جنوب در حکم اتباع درجه دوم می‌باشند. حتی افراد تحصیل کرده جنوب ضربه تبعیض را احساس کردند و دریافتند که تا آینده نامعلومی از تحرک اجتماعی آن‌ها جلوگیری خواهد شد.

بروز این حوادث ناگهانی، این تصور را برای جنوبی‌ها به وجود آورد که یک بار دیگر قربانی

۱- نامی بود که بر سپاهیان مسلمان شمال گذارده بودند.

تبانی‌های سکنه شمال شده‌اند. بنا به گفته یکی از نویسندگان، سرخوردگی آن‌ها از اقدامات قانونی، برگزیدگان جنوب را برانگیخت که دست به کار شوند و به تدریج به سوی جدایی‌خواهی، آن هم از طریق توسل به زور، گرایش پیدا کنند.

اولین جنگ داخلی سودان در سال ۱۹۶۰ شروع شد و با امضای موافقت‌نامه آدیس آبابا در سال ۱۹۷۲ به پایان رسید. گرچه این موافقت‌نامه خالی از اشکال نبود ولی دو طرف تمایل به امضای آن داشتند و تا اوایل سال ۱۹۸۰ به مردم جنوب سودان امکان داد که تحت اداره یک حکومت منطقه‌ای که بر اساس اصول دمکراتیک انتخاب شده بود به صورت نوعی خودمختاری، حاکم بر سرنوشت خود باشند. در سال ۱۹۸۳ دولت نمیری این موافقت‌نامه را زیر پا گذاشت.

مسئله جنوب و تجزیه آن همواره در قالب‌های متفاوتی مورد نظر گروه‌ها یا خط‌مشی‌های متفاوت و ایدئولوژی‌های گوناگون بوده است. زمانی جناح‌های مارکسیست حمایت شده از طرف ائیوپی در صدد تجزیه جنوب سودان و استقرار یک حکومت چپ هواخواه مسکو بودند و زمانی دیگر گروه‌های ناسیونالیست مدعی می‌شدند که جنوب یک واحد جغرافیایی و قومی مستقل است که توسط مسلمانان شمال اشغال شده است. در حال حاضر جان گارانگ با تغییر جهت دادن به طرف سیاست‌های آمریکا، نوع دیگری از تجزیه جنوب سودان را مورد توجه قرار داده است.

بنابراین به روشنی می‌توان دید که مسئله جنوب سودان همواره به صورت اهرمی علیه خارطوم به کار رفته است. لازم به ذکر است که اولین رهبر شورشی جنوب «ژوزف لافو» بود و سرهنگ «جان گارانگ» جانشین او گردید. او طرفدار تر خود مختاری و جدایی منطقه جنوب از دولت مرکزی است. در واقع تنها دولت نجات ملی، یعنی حکومت البشیر، توانست به طور موقت با طرح آشتی ملی در سال ۱۹۹۶ از مشکلات جنوب بکاهد؛ به این صورت که دولت مرکزی توانست بعضی از رؤسای قبایل جنوب را قانع کند که تا چند سال دیگر، جنوب تحت حکومت مرکزی اداره شود و بعد از آن انفصال و جدایی جنوب به شور و انتخابات گذاشته شود و در صورت تحقق اکثریت آرا مبنی بر جدایی، مستقل گردد. بعضی از شورشیان، مانند جان گارانگ، زیر بار قبول این طرح نرفتند و سرانجام در سال ۲۰۰۲ دولت توانست با شورشیان به آتش بس دست یابد و از آن تاریخ، تلاش‌ها برای توافق و صلحی پایدار در کشور ادامه دارد.

اهمیت ژئوپلیتیکی جنوب سودان باعث شده است دشمنان کشور چشم طمع به آن بدوزند؛ زیرا در این منطقه معادن مختلفی از قبیل طلا، الماس و نفت وجود دارد و اخیراً نفت سودان از جنوب استخراج شده و به گفته برخی کارشناسان، نفت جنوب سه برابر نفت عربستان است. همچنین این منطقه به طور کامل پوشیده از جنگل‌های سرسبز است و آب رودخانه نیل در منطقه‌ای به نام «سدود» به صورت حوری بزرگ جمع می‌شود که دارای اهمیت ویژه‌ای است.

آمریکا حضور در جنوب را به عنوان فشاری بر مسلمانان شمال سودان و کشور مصر و نیز پایگاهی در کنار منطقه استراتژی دریاچه‌های بزرگ می‌بیند. اسرائیل نیز طبق همین سیاست چشم به جنوب دوخته است.

جنگ دو ساله با شورشیان جنوب سودان، خسارت زیادی بر این کشور وارد کرد. این شورش‌ها هر از چندگاهی از سرگرفته می‌شود. هوشیاری و تصمیم دقیق و قاطعیت دولت و همبستگی مردم مناطق سودان، می‌تواند این غائله را پایان دهد.

۹. ادیان و مذاهب:

برخی از دانشمندان معتقدند که ظهور بعضی از ادیان آسمانی و حتی برخی از تمدن‌های انسانی اگر در سرزمین سودان نبوده باشد، در اطراف آن بوده است، به گونه‌ای که ساکنان سودان از امتیازات و ویژگی‌های آن برخوردار بودند. پرستش خدای یگانه از دیرزمان در سودان رواج داشته است. رواج دین خنیفیت حضرت ابراهیم، و سپس یهود و مسیحیت در منطقه به صورتی بوده است که می‌توان آثار پیروان ادیان آسمانی را در آن یافت. (حسن شیخ فاتح، ص ۵۳-۹۰).

۱-۹. اسلام در سودان

سرزمین سودان (حبشه) قبل از پذیرش دین اسلام، محلی امن و آرام برای مسلمانان مهاجر بوده است. در دو نوبتی که مسلمانان از مکه به حبشه مهاجرت کرده‌اند، خاطراتی زیبا و به یادماندنی به یادگار گذاشته‌اند. برخی از محققان، تحقیق جامعی ارائه داده‌اند که شامل آمار و ارقام اجمالی و تفصیلی مهاجران مسلمان (اعم از مرد و زن) از صحابه و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌باشد. عناوین و موضوعاتی که درباره مهاجران از صحابه و فرزندان آنان در این تحقیق آمده، به ۴۷ عنوان می‌رسد. (ر.ک: حسن شیخ فاتح، ص ۱۴۹-۱۹۰). با این نگاه، سرزمین سودان برای مسلمانان، از اهمیت تاریخی زیادی برخوردار است. در این بخش، فقط به ورود اسلام به سودان اشاره می‌شود و تفصیل آن به فرصتی دیگر موکول می‌شود.

اسلام در سال ۲۱ هجری قمری با ورود سربازان اسلام به منطقه نوبه سودان، وارد این سرزمین شد و در کناره‌های رود نیل ریشه دوانید. در مرحله بعد، اسلام از طریق بازرگانان در سودان گسترش یافت و به تدریج حکومت‌های محلی را از بین برد و مسیحیت و بت پرستی در مناطق مختلف سودان رونق خود را از دست داد و اکثر مردم بومی این کشور که اسلام را پذیرفته بودند با مسلمانان مهاجر که از مصر و الجزایر آمده بودند رابطه برقرار کردند و اسلام چنان گسترش یافت که پیروان مسیحیت در اقلیت قرار گرفتند. کم کم بر اثر مهاجرت‌هایی که توسط مسلمانان عرب از سه پایگاه دریای سرخ،

شمال و غرب صورت گرفت، اسلام سودان را تسخیر کرد و قاره سیاه را در بر گرفت. بر این اساس است که سودان به عنوان گذرگاه اسلام به قاره سیاه شهرت یافته است.

نشانه‌ای از نخستین زمان نشر اسلام، در آثار فزاری، نویسنده و منجم عرب، که ایالت سودانی غنا را به عنوان مرکز اصلی طلا می‌شناخت، دیده می‌شود. از آن‌جا که فزاری بین سال‌های ۱۳۲ و ۱۸۲ هجری، در کار نگارش بوده است، معلوم می‌شود که بازرگانان مسلمان از جمله کسانی بودند که از آغاز قرن دوم یا اندکی پس از آن با شهرهای داخلی سودان رابطه داشته‌اند. (هیسکت، ۱۳۶۹، ص ۴۱). از زمانی که اسلام در سودان گسترش یافت تصوف نیز وارد سودان شد و گسترش پیدا کرد و مردم و قبایل تحت تأثیر آن قرار گرفتند. روحیه قبیله‌گرایی و گریز از ظاهر به باطن از جمله عواملی است که موجب گسترش تصوف در سودان شده است. از ویژگی‌های بارز تصوف در سودان نزدیکی آن به شیعه است که این امر را می‌توان در باورهای مذهبی و اعتقادات اسلامی و عبادات و اعمال دینی آن‌ها و علاقه و محبت به اهل بیت علیهم‌السلام و حتی در ساخت مساجد، گنبدها و ضریح اولیا و... مشاهده نمود.

متصوفه با داشتن شبکه وسیعی از خلاوی (مدارس آموزش قرآن به شیوه‌ای ویژه و سنتی) به آموزش و تعلیم احکام اسلامی و حفظ قرآن می‌پردازند و از این طریق موفق شده‌اند در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه سودان به صورت ریشه داری نفوذ نمایند و تأثیر عمیقی بر جریان‌ها و رویدادهای مهم و حیاتی سودان بگذارند. بر این اساس است که تصوف در جای جای جامعه سودان و در عمق توده‌های مردم ریشه دوانده، تا آن‌جا که می‌توان گفت هر خانواده‌ای که تصوف به درون آن راه نیافته باشد سودانی نیست و از این رو اسلام سودان اسلام صوفی است. متصوفه در حال حاضر نیز در سودان فعال هستند اما استقبال مردم و به خصوص جوانان از این فرقه کاهش یافته است، که از جمله علت‌های آن می‌توان به خرافی بودن برخی از اعتقادات آن‌ها و نیز تبلیغات سوء و هابیت علیه آن اشاره کرد.

۲-۹. تصوف در سودان:

تصوف نخستین بار از مغرب عربی (و بنا به گفته شیخ فاتح قریب... مرجع بزرگ طریقه السمانیه، از ایران) (سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند شماره ۲۰۴۵) توسط شیخی به نام «تاج الدین بهاری» وارد سودان شد و با پیدایش فرقه تیجانیه و سپس سمانیه، نگرش صوفیانه در این دیار گسترش یافت و هم اکنون نیز پیروان بسیاری دارد و از نفوذ و تأثیر قابل توجهی در فرهنگ سودان برخوردار می‌باشد. در پی گسترش این دو گروه، فرقه‌های دیگری چون مجذوبیه، ادرسیه، میرغنیه، اسماعیلیه، مهدویه و هندیه پدید آمدند که از آن‌ها می‌توان به عنوان مهم‌ترین فرقه‌های صوفیه در سودان یاد کرد.

بیشتر مسلمانان سودان با اعتقاد به مذهب اشعری در عقاید توحیدی و مذهب مالکی در فقه، تحت تأثیر تصوف قرار دارند. این اندیشه صوفیانه غالباً از طریق ممالک و سرزمین‌های اسلامی مجاور، به این خطه راه یافته و با گسترش همه جانبه، بسیاری از قبایل را تحت الشعاع قرار داده است. شاید بتوان گفت این مجاورت، همراه با روحیه قبیله‌گرایی و گریز از ظاهر به باطن در عبادت و عواملی دیگر، موجب پدید آمدن صوفی‌گرایی در سودان شده است.

تصوف در سودان میان بعد روحانی و پای‌بندی به فقه و شریعت تلفیق ایجاد کرده است، هر چند در برخی مراحل، اندیشه‌های آنان با خرافه‌پرستی در هم آمیخته است، و بر مبنای مذاهب فقهی اهل سنت استوار نیست. فرقه صوفیه در سودان بر مبنای سیستم مرید و مراد استوار است و محور فرقه، شیخ طریقت است و پس از شیخ «اوتاد» و «پیش کسوتان» مطرح هستند. طرق صوفیه در سودان تحت عنوان طائفه و طائفیه شهرت دارند.

در حال حاضر بیش از ۷۰٪ مسلمانان سودان تابع طرق صوفیه هستند و همگی در مناسبت‌هایی که از طرف شیخ طریقه برگزار می‌شود شرکت می‌کنند. اگر شخصی بخواهد طریقه اختیار کند نزد شیخ می‌رود و با او بیعت می‌کند، شیخ دست بر سر او می‌گذارد و جملاتی را زیر لب زمزمه می‌کند، و او اذکار طریقه را از شیخ گرفته و به آن ملتزم می‌شود. شیوخ ملجأ مردم هستند و هر کس مشکلی داشته باشد، اعم از روحی و جسمی، نزد شیخ رفته و مشکل خود را مطرح می‌کند و شیخ برای او دعا می‌کند.

۳-۹. فرقه‌های مهم صوفیه سودان:

۱۳-۹. سمانیه:

این طریقه در اوایل قرن دوازدهم هجری توسط سید محمد کریم سمانی در مدینه منوره تأسیس شد و توسط یکی از شاگردان وی به نام شیخ بن شیر وارد سودان شد. این طریقه اتباع زیادی دارد. بیش‌تر شیوخ آن هم تحصیل کرده هستند. شیوخ معروف آن عبارت‌اند از: شیخ دکتر حسین فاتح قریب ا...، شیخ دکتر طیب فاتح قریب ا...، شیخ مکرم و شیخ یاقوت. این افراد رابطه بسیاری خوبی با جمهوری اسلامی ایران دارند.

۲-۳-۹. قاریه:

این طریقه در سال دهم هجری توسط شیخ تاج الدین وارد سودان شد و گسترش پیدا کرد و کم‌کم فروعاتی مانند قاریه، صادقات، یعقوبات، قادریه عرکیه و... از آن منشعب شد. این طریقه با وجود این که از اولین طرق صوفیه سودان است پیروان چندانی ندارد.

۳-۳-۹. تیجانیه:

مؤسس این طریقه شیخ احمد بن محمد تیجانی متولد ۱۱۵۰ ق. و متوفی ۱۲۳۰ است. این طریقه در قرن دوازدهم توسط سید محمد بن مختار شنقیطی وارد سودان شد. از آن جایی که این طریقه از طرف غرب سودان وارد این کشور شد بیش تر تابعین آن اهالی غرب سودان هستند. این طریقه در غرب آفریقا انتشار زیادی دارد و بیش تر شیوخ آن در کشورهای نیجریه و سنگال زندگی می کنند. بر اساس این، شیوخ این طریقه در سودان رابطه خاصی با شیوخ آن کشورها دارند.

۳-۴-۹. طریقه ختمیه:

محمد علی پاشا حاکم مصر جهت مقابله با تهاجم و فعالیت های مسیحیت با صلاح دید شریف مکه، سید محمد عثمان میرغنی کبیر را به سودان فرستاد تا در نشر اسلام همت گمارد. میرغنی با سیر و سفر به تمام بخش های سودان به تبلیغ طریقت صوفیانه پرداخت و آن را در سراسر سودان نشر داد و با استقبال گسترده مردم روبه رو شد و در شهر کسلا محله مشهور ختمیه را بنا نهاد. این فرقه در زمان انقلاب مهدی، به مخالفت با آن برخاست و با دشمنان مهدی، یعنی انگلیس و مصر، هم پیمان گردید. فرقه ختمیه یکی از بزرگ ترین فرقه های صوفیه سودان می باشد. مؤسس آن از آن جهت اسم آن را ختمیه گذاشت تا ختم تمام طرق دیگر بشود. اتباع آن بیش تر در شمال و شرق و مرکز این کشور زندگی می کنند و از آن جهت که رهبران این طریقه وارد مسایل سیاسی شدند شکل سیاسی به خود گرفت و به همین دلیل، بر این اساس بعضی از پیروان آن به طرق دیگر روی آوردند. یکی از احزاب مخالف دولت به نام «حزب الدیمقراطی الوطنی» از این طریقه می باشد. پیروان اصلی آن همگی سفید پوست و در منطقه بحری زندگی می کنند و در معتقدات خود نزدیکی بسیاری با مکتب اهل بیت (علیهم السلام) دارند و مساجد مرکزی میر غنی ها در شهر بحری طبق هندسه و معماری حرم امام حسین (علیه السلام) بنا شده است.

۳-۵-۹. انصاریه «المهدی»:

چنان چه در بخش قیام مهدی سودانی گفته شد، بعد از این که سودان به کنترل انگلیسی ها درآمد، در سال ۱۸۸۲ یک حرکت اسلامی مسلحانه ضد استعماری توسط وی که ادعای امامت امت را می کرد طرح ریزی شد و او انقلاب خود را در ابتدا با نیروهای اندک علیه استعمار انگلیس شروع کرد، کم کم فرق دیگر صوفیه و مردم به این جمع پیوستند و توانستند انگلیس را به زانو درآوردند و از کشور بیرون برانند، گرچه دوباره انگلیس بر سودان مسلط شد ولی برای مدتی نیروهای مهدی توانستند پوزه استعمار انگلیس را به خاک بمالند.

مهدی رهبر این فرقه ادعای مهدویت نمود ولی این ادعا بر مبنای باورهای شیعی نبود بلکه

مهدویت برای او و پیروانش مفهوم خاصی داشت. او دیدگاه خود را این‌گونه بیان می‌داشت: «مهدویت دارای مفهوم خاصی است و آن مراعات تقوا و پیروی از سنت رسول... ﷺ است». این طریقه بیش‌تر به یک تشکل سیاسی شباهت دارد تا یک طریقه صوفیه و مردم نیز به این دید به آن می‌نگرند. حرکت مهدی مقبولیت خاصی بین مردم پیدا کرد و طرفداران آن به «انصار المهدی» معروف شدند و در کل سودان پراکنده‌اند. نام سیاسی آن‌ها «حزب الأمة» است. از دیگر طرق معروف سودان می‌توان به ادريسه، رفاعیه، شاذلیه و... اشاره کرد.

۴-۹. ویژگی‌های تصوف در سودان

تصوف سودان دارای ویژگی‌های بارزی است و به تشیع نزدیک است. در ذیل به مهم‌ترین این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

تکریم تا حد تقدیس برای شیخ خود؛

ذکر صلوات به طور کامل؛

اعتقاد به توسل به اولیا و صالحین؛

حب و عشق به اهل بیت ﷺ؛

اعتقاد به تبرک به آثار رسول اکرم ﷺ و اولیاء؛

اعتقاد به شفا و نیز شفاعت اولیا و صالحین؛

زیارت قبور اولیا و صالحین؛

بنای گنبد و بارگاه برای اولیا و صالحین؛

اسم‌گذاری فرزندان بر اساس ادعیه و اسامی اهل بیت ﷺ.

قابل ذکر این‌که گروه‌های صوفی در سودان عشق و علاقه وافری به اهل بیت ﷺ دارند و حتی شیوخ و بزرگان آن‌ها برای ذکرشان، از پیامبر ﷺ و ائمه اطهار ﷺ اجازه می‌گیرند.

۵-۹. وهابیت در سودان:

حضور وهابیت در سودان به بیش از ۵۰ سال قبل باز می‌گردد. آن‌ها بیش از ۲۰ سال است که با حرکت منظم و سازمان‌دهی شده، فعالیت خود را دوچندان کرده و با پوشش سازمان انصار السنة مشغول به کار هستند. آن‌ها همواره مخالفت جدی خود را با تشیع اعلام داشته و با شناخت نقاط ضعف طرق صوفیه به جنگ سرد دینی و مذهبی در این کشور دامن زده‌اند و با هزینه کردن میلیون‌ها دلار، سعی در خریدن مغزهای متفکر سودانی و جذب افراد به طرف خود دارند و با به

دست گرفتن مراکز حساس و استراتژیک، هم‌چون دانشگاه قرآن کریم، رادیو و تلویزیون، بعضی روزنامه‌ها و... فرصت خوبی جهت نشر افکار خود پیدا کرده‌اند.

صوفیان سودان نیز متوجه این موضوع شده و گهگاه مخالفت خود را به صورت علنی و یا غیر علنی با تفکر وهابیت و تبلیغ آن در سودان اعلام می‌کنند، از جمله شیخ عبد الجبار المبارک یکی از شیوخ صوفیه طی مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود که «ریشه و اصل انصار السنّة در سودان به تفکرات محمد بن عبدالوهاب که از محمد بن سعود در جنگ‌هایش در جزیره العرب حمایت کرد بر می‌گردد». وی اعلام کرد: «وهابیت با وجود تأکید بر سنت رسول الله ﷺ عموماً از سنت حضرت پیروی نکرده و به خصوص از آل بیت رسول الله ﷺ کاملاً دور شده‌اند؛ این مکتب خواهان جداسازی رسول الله ﷺ و اهل بیت معصومش می‌باشد».

۶-۹. تعارض بین تصوف و وهابیت:

تفکر صوفیه و روش‌ها و منش‌های این طایفه در سودان از عمق والایی در نفوس مردم سودان برخوردار است تا جایی که شناخت انسان‌ها از یک‌دیگر به دو جنبه اساسی برمی‌گردد:

الف) از کدام قبیله هستی؟

ب) از کدام طریقه صوفی تبعیت می‌کنی؟

تفکر صوفیه مخصوص طبقه‌ای از طبقات سودان نمی‌باشد، بلکه در همه طبقات اجتماعی وجود دارد. شیخ طریقه با توجه به موقعیت روحی و سلطه بالایی که دارد در روح و روان طرفداران خود اثر می‌گذارد و بهره‌و افری در همه زمینه‌ها می‌برد، تا جایی که با ظهور و بروز هرگونه رأیی از طرف شیخ طریقه، آن رأی به طور مستقیم به طرفداران او منتقل شده و آن‌ها با جان و دل پذیرای آن می‌گردند. از طرفی، بروز تفکر وهابیت در چهار دهه اخیر در کشور سودان، به خصوص تمرکز و فعالیت مستمر آن با پول‌های بادآورده عربستان و مخالفت آن‌ها با تفکر صوفیه چنین احساسی را در صوفیان به وجود آورده که انتشار و پخش تفکر وهابی زمینه‌ای برای تزلزل کیان صوفیه در سودان است.

باید متذکر شد که کلیه فرق صوفیه در سودان با وهابیت درگیر هستند و حاصل این درگیری، چاپ ده‌ها جلد کتاب، مقاله و سخنرانی است که در سودان مشهود می‌باشد.

۷-۹. فعالیت مسیحیان در سودان:

حضور مسیحیت در سودان به عهد حکومت عثمانی‌ها بر این کشور برمی‌گردد. آن‌ها در سال ۱۸۴۸ اولین کلیسا را در شهر خارطوم بنا کردند. بعد از انقلاب مهدی در سودان فعالیت مسیحیت

کاملاً متوقف شد؛ تعدادی از مسیحیان به مصر فرار کردند و تعدادی هم از ترس، اسلام آوردند. پس از پایان حکومت مهدی و برگشت مجدد استعمار، حرکت و فعالیت مبشران مسیحی آغاز شد. آن‌ها با ساخت کلیساهای متعدد، به فعالیت گسترده‌ای دست زدند. مسیحیانی که به مصر فرار کرده بودند بازگشتند و کسانی که از ترس اسلام آورده بودند، دوباره به دین خود بازگشتند.

اولین و مهم‌ترین حرکت مسیحیت در سودان، راه‌اندازی مؤسسات آموزشی بود که در شهرهای مختلف صورت گرفت. مسیحیت عمده فعالیت خود را در جنوب متمرکز کرد و از چهل و فقر مردم این منطقه که بیش‌تر آن‌ها از پیروان ادیان ابتدایی بودند بهره برد و با ارائه خدمات رفاهی به آن‌ها مانند خدمات پزشکی، دارویی، حفر چاه و آبرسانی، ایجاد شغل، توزیع آذوقه و پوشاک، پخش کتاب و فیلم، و راه‌اندازی مراکز آموزشی، توانست عده زیادی از آن‌ها را به این دین درآورد. هم‌چنین با ساخت کلیسا و ارائه خدمات در مناطق شمال و از جمله خارطوم، عده‌ای را جذب این دین نمود. به عنوان مثال، در منطقه دارالسلام که بیش‌تر ساکنان آن مسلمان هستند بیش از ۷۰ کلیسای کوچک و بزرگ ساختند، در حالی که مساجد آن منطقه به بیش از ۵۰ مسجد نمی‌رسد.

اولین مرکز آموزشی مسیحیت مدارس «کمون» نام دارد که در خارطوم و دیگر شهرها دایر می‌باشد. بیش‌تر دانش‌آموزان این مدارس مسلمان هستند. آن‌ها هم‌چنین با تأسیس مدارس انجیلی، عمده فعالیت آموزشی خود را بر روی فرزندان خردسال انجام می‌دهند.

۱۰. نظام آموزشی سودان

سیستم آموزشی سودان را می‌توان به دو بخش آکادمی و دینی تقسیم نمود:

۱۰-۱. آموزش آکادمی:

۱۰-۱-۱. مراحل آموزش آکادمی کودکان: این مرحله زیر نظر آموزش و پرورش اداره می‌شود و سن قبولی در این دوره چهار سال و طول دوره دو تا سه سال می‌باشد. دانش‌آموز در این دوره به تعلیم و حفظ قرآن، مقدمات نوشتن، نقاشی و .. می‌پردازد و پس از گذراندن این دوره می‌تواند جهت ادامه تحصیل وارد دبستان «مرحله الاساس» بشود. این دوره برای کودکانی که کودکان در نزدیک منزلشان باشد اجباری است.

۱۰-۲. مرحله الاساس:

این مقطع آموزشی شامل دو مرحله ابتدایی و راهنمایی می‌شود و تا چندی قبل این دو مرحله در دو مقطع به صورت مجزا بود. طول این دوره هشت سال است و پس از اتمام دوره، مدرک «شهادة الاساس» به دانش‌آموز اعطا می‌شود. این مرحله آموزشی در بیش‌تر شهرها و روستاهای سودان وجود دارد.

۱۱۰-۳. مرحلة الثانوية:

این مرحله همان دبیرستان است و طول دوره آن سه سال می‌باشد. دانش آموز در این مقطع می‌تواند در یکی از گرایش‌های مورد علاقه خود ادامه تحصیل دهد.

رشته‌های موجود در این دوره عبارت‌اند از:

۱. دبیرستان علوم تجربی، که خود از دو بخش علمی و ادبی تشکیل شده است؛
۲. دبیرستان معارف اسلامی؛
۳. دبیرستان حرفه و فن؛
۴. دبیرستان تجارت؛
۵. دبیرستان زراعت؛
۶. دبیرستان تربیت معلم.

۱۱۰-۴. سال تحصیلی:

شروع سال تحصیلی مدارس از ابتدای ماه هفتم میلادی است و تا ماه سوم میلادی سال بعد ادامه دارد. نظام آموزشی به صورت دو نیم‌سال است. نیم‌سال اول تا ماه یازدهم و نیم‌سال دوم تا ماه سوم ادامه دارد. بعد از اتمام هر نیم‌سال امتحان گرفته می‌شود. در بعضی از ولایت‌ها به دلیل شرایط آب و هوایی و مصادف بودن با فصل کار و برداشت محصول، این جدول تحصیلی تغییر می‌کند. تحصیلات در سودان مجانی است و مدارس دولتی از این جهت وجهی دریافت نمی‌کنند.

۱۱۰-۵. مدارس انتفاعی و غیرانتفاعی

دو نوع مدرسه در سودان وجود دارد: مدرسه انتفاعی (المدارس الحكومية) و مدرسه غیرانتفاعی (المدارس غیر الحكومية). هر دو نوع مدرسه زیر نظر وزارت آموزش و پرورش اداره می‌شود، با این فرق که مدارس دولتی شهریه‌ای از دانش آموزان نمی‌گیرند و مدارس غیرانتفاعی شهریه دریافت می‌کنند و در قبال آن یک سری تسهیلات برای دانش آموز فراهم می‌کنند و کیفیت سطح تدریس در آن‌ها نسبت به مدارس دولتی بالاتر است.

۱۱۰-۶. آموزش عالی و دانشگاه‌ها:

کشور سودان در بخش آموزش عالی در بین کشورهای عرب معروف می‌باشد. اولین دانشکده به نام «دانشکده گردون» در سال ۱۸۸۱م در شهر خارطوم تأسیس شد. این دانشکده توسط انگلیسی‌ها راه اندازی شده بود. آنان در سال ۱۹۹۰ آن را به دانشکده خارطوم تبدیل کردند. هم‌اکنون تعداد زیادی دانشگاه و دانشکده در خارطوم و دیگر اقالیم سودان وجود دارد. در این کشور برای ورود به دانشگاه امتحان ورودی لازم نیست بلکه معیار، قبولی شخص در

دیپلم و نمره آن است که با توجه به نمره، رشته مورد نظر را انتخاب می‌کند. با توجه به سهولت ورود به دانشگاه، بیش‌تر مردم سودان دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند.

مهم‌ترین دانشگاه‌های سودان عبارت‌اند از:

- دانشگاه خارطوم: بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین دانشگاه سودان که توسط انگلیسی‌ها در سال ۱۸۸۱ تأسیس شد. در حال حاضر این دانشگاه حدود ۳۰ دانشکده دارد.

- دانشگاه نیلین: این دانشگاه توسط مصری‌ها بعد از دانشگاه خارطوم تأسیس شد و برنامه‌های آن از طرف مصر و طبق دانشگاه الازهر تدوین می‌شود. در حال حاضر حدود ۲۵ رشته تحصیلی در این دانشگاه تدریس می‌شود.

- دانشگاه اسلامی ام درمان؛ رشته‌های تحصیلی این دانشگاه عبارت‌اند از: شریعت و قانون، لغت عربی، اصول الدین، تربیت اسلامی.

- دانشگاه بین‌المللی آفریقا.

- دانشگاه قرآن کریم و علوم قرآنی.

- دانشگاه علوم و تکنولوژی سودان.

۲-۱۰. آموزش دینی در سودان:

۱۰-۱۲. خلوها: تا پیش از قرون بیستم میلادی و در دورانی که استعمار انگلیس هنوز بر سودان تسلط نیافته بود، نظام آموزشی کشور در خلاوی رقم می‌خورد و اساس کار خلوها آموزش و حفظ قرآن کریم بود، سپس دانش آموز وارد معاهد دینی می‌شد و با فراگیری دروس فقه، اصول، تاریخ و... ادامه تحصیل می‌داد، اما پس از سلطه استعمار انگلیس و تأسیس مدارس جدید، خلوها و معاهد دینی به تدریج رونق دیرینه خود را از دست داده و حضورشان در جامعه سودان کم رنگ شد. خلوه (یا مسید که در اصل مسجد بود) نامی آشنا در فرهنگ مردم سودان است و به اتافی اطلاق می‌شود که در آن قرآن کریم آموزش داده می‌شود و ممکن است مکان آن در مساجد، منازل یا مکان دیگر باشد.

نظام خلوه به گونه‌ای است که از کودک پنج ساله تا مرد پنجاه ساله می‌تواند در آن قرآن بیاموزد. کسانی که به خلوه می‌آیند به شرط توفیق درقرائت و تجوید و حفظ کامل قرآن، گواهینامه‌ای که به آن «شرفه» می‌گویند دریافت می‌نمایند، آن‌گاه مجازند به آموزشگاه‌های دینی وزارت ارشاد و توجیه که زیر نظر اداره آموزش دینی قرار دارد وارد شوند و پس از گذراندن دو دوره چهار ساله و سه ساله، برای گرفتن دکترا ادامه تحصیل دهند.

خلوها معمولاً با کمک مالی افراد نیکوکار و والدین دانش آموزان اداره می‌شود و به طور رسمی زیر نظر وزارت ارشاد قرار دارد. این مرکز ساده دینی آداب و رسوم خاصی دارد و در تمام شهرها و

روستاها پراکنده است. اهمیت خلوه به حدی است که باید آن را در عین سادگی، زیربنای ساختار فرهنگ اسلامی سودان تلقی کرد. گفتنی است در حال حاضر در سودان بیش از ۱۵ هزار خلوه وجود دارد و تاکنون صدها هزار نفر حافظ قرآن، ائمه جماعات و وعاظ از این خلوه‌ها فارغ التحصیل شده‌اند. بیش‌ترین خلوه در ولایت‌های دافور، کردفان، جزیره، کسلا و خارطوم می‌باشد. قدیمی‌ترین خلوه، خلوه ودالفادنی در ولایت جزیره و بزرگ‌ترین خلوه، خلوه همشکوریب در ولایت کسلا است. در این خلوه بیش از ده هزار دانش‌آموز مشغول حفظ قرآن کریم می‌باشند. از نظر تعدد خلوه‌ها، استان دارفور، الاوسط و الشرقی از بیش‌ترین تعداد برخوردار است. در این مناطق بیش از ده هزار خلوه وجود دارد.

تعداد حافظین کل قرآن کریم در سودان بیش از نیم میلیون نفر می‌باشد.

اداره خلوه‌ها در حال حاضر به عهده شیوخ صوفیه می‌باشد و این خلوه‌ها به عنوان مهم‌ترین پایگاه آنان مطرح است. اکثر شیوخ دارای خلوه هستند. آنان در جاهای مختلف از جمله کنار قبور اجداد خود مکان‌هایی را به عنوان خوابگاه و کلاس ایجاد کرده و پذیرای مشتاقان آموزش و حفظ قرآن کریم می‌باشند.

بیش‌تر دانش‌آموزان خلاوی از روستاها و شهرهای دور از پایتخت هستند. در شهرهای بزرگ چون خارطوم، وادمدنی، و پورت سودان مردم کم‌تر فرزندان خود را به خلاوی می‌فرستند.

۱۰-۲-۲. معاهد:

معاهد دینی، آموزش دینی دوره متوسطه را برعهده دارند و در زمان نمیری تأسیس شده و هم اکنون زیر نظر وزارت آموزش و پرورش کشور اداره می‌شود. در این مقطع از آموزش دینی سه نوع معاهد وجود دارد: ۱- معاهد الدینی الثانوی؛ ۲- معاهد تجوید القرآن الکریم؛ ۳- معاهد القرآن الکریم و علومه القرائات.

۱۰-۲-۱. معاهد الدینی الثانویه:

این نوع معاهد در تاریخ آموزشی سودان از قدمت چندانی برخوردار نیست و دانش‌آموزانی که مرحله الیاساس را گذرانده‌اند و مایل به خواندن دروس اسلامی هستند می‌توانند جهت ادامه تحصیل وارد این معاهد شده و ادامه تحصیل دهند. مدت دوره آموزشی در این محل سه سال می‌باشد و دانش‌آموز پس از گذراندن این دوره مدرک دیپلم می‌گیرد و می‌تواند جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه شود.

۱۰-۲-۲-۱. معاهد تجوید القرآن الکریم:

طلاب خلاوی پس از حفظ قرآن کریم جهت ادامه تحصیل وارد معاهد تجویدی خواهند شد. شرط اساسی برای این دوره حفظ قرآن کریم است و دوره آموزشی آن سه سال است که پس از اتمام دوره به دانش‌آموز مدرک «شهادة التجوید» داده می‌شود.

۱۰-۲-۳. معهد قرانت:

دانش آموز پس از گذراندن دوره معهد التجوید می‌تواند وارد این معهد شده و با قرائت مختلف قرآن و تفسیر آن آشنا شده و پس از گذراندن چهار سال در این دوره مدرک دیپلم قرائت دریافت نماید. فارغ‌التحصیلان این دوره می‌توانند جهت ادامه تحصیل وارد دانشگاه علوم و قرآن شوند.

علاوه بر معاهد ذکر شده، از مهم ترین معاهد دینی سودان می‌توان از معهد شرونی، معهد خلیفه، معهد ام درمان العلمی الثانوی و معهد امام صادق ع نام برد. (برای توضیح بیشتر ر. ک: عون الشریف قاسم، ۱۴۰۹، ص ۶۸-۱۲۲).

۱۱. اوضاع فرهنگی - اجتماعی سودان

گرچه سودان با سرزمین پهناوری که دارد زیستگاه قبایل متعدد است و آداب و رسوم قبیله‌ای نقش بسزایی در وضعیت فرهنگی - اجتماعی آن کشور دارد، اما از آن‌جا که بیش‌تر مردم این کشور مسلمان هستند، رعایت احکام اسلامی و انجام فرایض دینی، آنان را در روابط صحیح اجتماعی و برخورداری از تدبیر و گرایش‌های مذهبی و قومی در مقایسه با دیگر کشورهای اسلامی ممتاز کرده است. به همین دلیل است که بسیاری از مفسدات اخلاقی و اجتماعی که در جاهای دیگر رواج چشم‌گیری دارد، در سودان به صورت نادر یافت می‌شود و میانگین سرقت، مصرف مواد مخدر و فحشا در میان مسلمانان بسیار پایین است.

دولت «البشیر» نیز پس از به قدرت رسیدن و تثبیت حاکمیت سیاسی خود سعی نموده است به اجرای احکام اسلامی بپردازد. او با ارایه طرحی که مفاهیم و مضامین آن اسلامی است، در بازگرداندن قدرت عمل دین در جامعه سعی وافر دارد تا به هدف خود که تشکیل دولت جدید سودان بر پایه میراث تاریخ اسلامی است، دست یابد.

عمر البشیر به عنوان رئیس دولت، در ابتدای کار، در مورد اجرای احکام شریعت در سودان، سیاست تساهل و احتیاط را در پیش گرفت و مترصد فرصتی بود تا پس از فایق آمدن بر مشکلات اقتصادی، چون فقر و گرسنگی و حلّ مشکل آشوب‌های جنوب کشور، به فکر پیاده کردن اسلام باشد.

در حال حاضر بسیاری از قوانین بر اساس شریعت اسلامی تغییر یافته است؛ قوانین بانک‌داری و قضا بر مبنای قوانین اسلامی تنظیم شده است. حجاب زنان در ادارات دولتی و تلویزیون حالت الزامی پیدا کرده و در خیابان‌ها و مراکز عمومی، توجه هر بیننده غیر سودانی را به خود جلب می‌کند. از سوی دیگر، به آموزش دینی، از جمله تعلیم و حفظ قرآن، اهتمام بیش‌تری داده شده و کودکان از

سن سه یا چهار سالگی با قرائت و حفظ قرآن و سپس تعلیم علوم دینی و حدیث و تفسیر آشنا می‌شوند.

۱۲. وضعیت زنان در سودان

زنان سودانی، به ویژه در شهرهای بزرگ، بر خلاف بسیاری از کشورهای آفریقایی، عربی و آسیایی در صحنه سیاسی نقش بسیار فعال و متمایز دارند و در بیش‌تر جریان‌های سیاسی، حتی در جریان‌های تند، حضوری چشم‌گیر داشته و دارند. آنان در کسب استقلال سودان و قیام‌هایی که علیه رژیم‌های دیکتاتوری «عبود» و «نمیری» بر پا شد، حضور فعال داشتند. زنان سودانی با شرکت گسترده در انتخابات این کشور، به ویژه در انتخابات پارلمانی، توانسته‌اند با فرستادن چند نماینده زن به مجلس، حضور سیاسی خود را بیش‌تر تثبیت کنند.

از سوی دیگر، گرچه مشکل عمده زنان سودانی بی‌سوادی آنان است که حدود ۶۰٪ آن‌ها را در بر می‌گیرد و این امر مانعی برای مشارکت بیش‌تر آنان در عرصه سیاسی و اجتماعی به شمار می‌رود، اما حضور زنان بی‌سواد در فعالیتهای اقتصادی و کشاورزی در کنار مردان چشم‌گیر است.

هم‌چنین فعالیتهای اجتماعی زنان در مشاغل همانند مربی معهد و کار در ادارات و مراکز مختلف شهری که از دهه ۶۰ آغاز گردید، در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ رو به افزایش گذاشت و اینک فعالیت آنان در پست‌ها و مشاغل چون وزارتخانه، قضاوت، روزنامه‌نگاری و پزشکی گسترش یافته است. علاوه بر آنچه گفته شد، زنان سودانی در عرصه سیاسی - اجتماعی، صاحب تشکیلات ویژه شده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت است از:

الف) جبهه ملی میهنی زنان سودان؛ این تشکیلات یکی از تشکیلات زیرمجموعه حرکت اسلامی سودان به رهبری دکتر ترابی به شمار می‌آید که در طول فعالیتهای چندین ساله اخیر نقش فعالی در حیات سیاسی این کشور داشته است. ریاست این جبهه به عهده خانم دکتر «سعاد الفاتح البدوی» است که یکی از چهره‌های شناخته شده فعال در صحنه سیاسی سودان به شمار می‌رود. (روزنامه کیهان ۷۲/۴/۲۰، شماره ۱۴۸۱۱).

ب) جمعیت پیش‌تازان نهضت زنان؛ این تشکیلات به کارهای فرهنگی مبادرت می‌ورزد و مسئولیت آن برعهده «لبابه الفضل» می‌باشد.

ج) سازمان جهانی زنان مسلمانان؛ این سازمان تنها تشکیلات رسمی است که در سودان مشغول فعالیت است و با جبهه نجات ملی ارتباط ارگانیک دارد. این سازمان در سال ۱۹۸۹ میلادی پس از انحلال تمام تشکیلات زنان در سودان تشکیل شد و از اهداف آن گسترش فرهنگ اسلامی در میان زنان غیر مسلمان و ارشاد زنان جهت رشد شخصیت آن‌ها می‌باشد. ریاست این سازمان برعهده

خانم «وصال المهدی» همسر دکتر ترابی و خواهر صادق المهدی است. این سازمان در سطح بین‌المللی فعالیت‌های محدودی داشته است. (د) اتحادیه سازمان زنان سودان؛ این تشکیلات در حقیقت بر مبنای همان اهداف و انگیزه‌های سازمان جهانی زنان مسلمان تشکیل شده است اما دامنه فعالیت‌هایش در محدوده مرزهای سودان می‌باشد. (روزنامه کیهان ۷۲/۴/۲۱ شماره ۱۴۸۱۲).

۱۳. سودان و انقلاب اسلامی ایران

پیروزی انقلاب اسلامی ایران، تأثیر زیادی در شخصیت دینی و هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان داشت. مردم مسلمان سودان و نیز حکومت این کشور از این پیروزی خوشحال شده و با آغوش باز پیام انقلاب شکوهمند ایران را دریافت نمودند. نماینده سودان در کنفرانس آزادی قدس (در سال ۱۳۵۹ش) اظهار داشت:

«آن چه شگفت آور است، این است که این انقلاب، به زودی آغوش خود را بر روی جنبش‌های آزادی بخش باز می‌کند». (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹/۵/۲۰).

انقلاب اسلامی ایران، توجه مسلمانان سودان را به خود جلب کرد و آنان احساس کردند می‌توانند برای اسلام به پا خیزند و از استقلال کشور و حکومتشان دفاع کنند.

سرهنگ عمر حسن البشیر رئیس شورای انقلاب نجات ملی سودان (در سال ۱۳۶۶ش) طی اظهاراتی در این باره گفت: «... انقلاب اسلامی واقعه بسیار عظیمی است و ما همواره به آن به چشم امید نگاه کرده‌ایم و آن را الهام بخش خود می‌دانیم. انقلاب اسلامی ایران به عنوان کشوری اسلامی و مدرن، تکیه گاه مسلمانان جهان می‌باشد. ما اسلامی کردن زندگی سودان را عملاً آغاز کرده ایم و قصد داریم برای این منظور از تجربیات انقلاب عظیم ایران استفاده کنیم. ما بر این باور و اعتقاد هستیم که مسلمانان در هر نقطه‌ای از جهان دارای وظایف و حقوق مشترک هستند...» (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۶/۹/۲۲).

این احساس چنان گسترده است که مسلمانان سودان در مصاحبه‌ها و اظهار نظرهای گوناگون به ویژه در موسم حج و در ملاقات با ایرانیان، ارادت قلبی خود را نشان می‌دهند و از معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران به بزرگی و عظمت یاد می‌کنند. یکی از شخصیت‌های سیاسی سودان (در مقام وزرات اطلاعات در سال ۱۳۶۸) اظهار داشت:

«حضرت امام خمینی علیه السلام نه تنها رهبر ایران، بلکه امام جهان اسلام بود. این شخصیت بزرگ در قلب ما جای دارد و در حقیقت مشوق ما برای انقلاب در سودان، امام خمینی بودند». (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۸/۲/۲۷).

۱۴. روابط جمهوری اسلامی ایران با سودان

الف) روابط دو کشور قبل از انقلاب اسلامی:

رژیم وقت ایران و سودان در تاریخ ۱۳۵۱/۵/۲۴ مناسبات سیاسی برقرار نموده و مبادرت به مبادله سفیر در دو کشور نمودند. در اسفند ماه ۱۳۵۲ «جعفر نمیری» از ایران دیدار نمود و در جهت تقویت و استحکام روابط دو کشور موافقت نامه‌ای فرهنگی و اقتصادی امضا کرد. از آن جایی که هر دو رژیم متمایل به غرب بودند روابط بسیار خوبی داشتند. (طالی مقدم، ص ۱۱).

ب) روابط دو کشور بعد از انقلاب اسلامی:

پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی روحیه مسلمان را در سراسر سودان تقویت کرد. مسلمانان سودانی خبرهای انقلاب اسلامی را دنبال می‌کردند. تظاهرات دانشجویی وسیعی از سوی اخوان المسلمین به حمایت از انقلاب اسلامی ایران در خارطوم بر پا گردید. تظاهرکنندگان یادداشتی خطاب به «جیمی کارتر»، رئیس جمهور وقت آمریکا، به سفارت این کشور تسلیم کردند و از آمریکا خواستند دست از سر تهران بردارد. اخوان المسلمین روز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران را روز خوشحالی بزرگ توصیف کرد. آن‌ها خبر ورود امام خمینی به تهران را دنبال می‌کردند. (مکی، حسن، ص ۸۴).

رژیم وقت سودان در ابتدا حمایت خود را نسبت به انقلاب اسلامی اعلام داشت ولی پس از جریان گروگان‌گیری در لانه جاسوسی آمریکا، موضع نمیری نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر کرد و در خرداد ۱۳۶۱ دستور تعطیلی سفارت ایران را صادر نمود.

پس از سقوط نمیری و وقفه سه ساله در روابط دو کشور، از سال ۱۳۶۴ بار دیگر مناسبات از سرگرفته شد. در سال ۱۳۶۷ رئیس جمهور وقت سودان «صادق المهدی» دیدار چهار روزه از ایران داشت و یادداشت تفاهمی در زمینه‌های فرهنگی و اقتصادی با ایران به امضا رساند. با آزادی سودانی‌هایی که در جنگ تحمیلی ایران و عراق به اسارت ایران درآمده بودند، روابط بین دو کشور عادی شد. این روابط بعد از کودتای ۱۹۸۹ و روی کار آمدن حکومت نجات ملی، به سطح بسیار عالی رسید و مسئولین سودان خود را به ایران نزدیک کردند و دید و بازدیدهای مکرری بین مسئولین دو کشور صورت گرفت. آقای هاشمی رفسنجانی در دوران ریاست جمهوری خود، دو مسافرت به سودان داشت و روابط سیاسی، فرهنگی بسیار خوبی بین دو کشور برقرار شد.

منابع و مأخذ

۱- پی.ام.هالت، ام.دبلیو، دالی، تاریخ سودان بعد از اسلام، ترجمه محمدتقی اکبری، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶.

- ٢- حسن شيخ فاتح، شيخ قريب الله، السودان دار الهجرتين الأولى و الثانية للصحابة، المؤسسة العامة للطباعة و النشر و التوزيع و الإعلان.
- ٣- حيدري، جلال، السودان (جزوه)، مركز جهانى علوم اسلامى، مديريت بين الملل، بهمن ١٣٧٩.
- ٤- خسرو شاهی، سيد هادی، نبرد اسلام در آفريقا، مركز انتشارات دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم، چاپ سوم، ج ٢.
- ٥- سيوطى، جامع الاحاديث، بيروت، بى تا، ج ١ و ٢.
- ٦- شقير، نعوم، تاريخ السودان القديم والحديث، چاپ قاهره، ج ٢.
- ٧- ضرار صالح ضرار، تاريخ السودان الحديث، الدار السودانية، خرطوم، چاپ سوم، ١٩٧٥ م.
- ٨- طالبى مقدم، السودان (جزوه)، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامى.
- ٩- عون الشريف قاسم، الإسلام والعربية في السودان، دار الجيل، بيروت، دار المأمون المحدودة، خرطوم، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
- ١٠- قذال، محمد سعيد، الامام المهدي محمد احمد بن عبد الله، دار الجيل، بيروت، چاپ اول، ١٤١٢ق.
- ١١- مكى، حسن، الحركة الإسلامية في السودان، بى تا، بى جا.
- ١٢- هيسكت، مروين، گسترش اسلام در غرب آفريقا، ترجمه احمد نمايى و محمدتقى اكبرى، بنياد پژوهش هاى اسلامى آستان قدس رضوى، چاپ اول، ١٣٦٩.



گزارشی از یک کتاب

لا يمشى تقرب

معرفی دو میراث مکتوب غربیان در نقد دموکراسی

مرتضی شیرودی*

مقدمه

فروپاشی بلوک شرق، نویددهنده پایان عصر دولت‌ها و آغاز عصر ملت‌ها است. در حالی که هنوز در دموکراسی امروز غرب، سرزمین عنصر اصلی قوام یک ملت است، منابع لازم برای دستیابی به حیات انسانی را دولت تأمین می‌کند. دولت‌ها بیش‌ترین پول را در امور دفاعی هزینه می‌نمایند، و خود را توان‌مند در برقراری ثبات جهانی می‌دانند، ولی اکنون، ناتوانی و غیرکارآمدی چنین نظام‌های سیاسی، آشکار شده است، و این امر، مزدهای بر پایان عصر دموکراسی است. در عرصه‌های دیگر هم دموکراسی به پایان خود نزدیک می‌شود. به راستی در چند سده اخیر در غرب چه اتفاقی افتاده که میل به کنار گذاشتن ارزش‌ها و آرمان‌های دموکراسی شدت گرفته است؟ پاسخ به این سؤال را با معرفی و مرور بر دو کتابی که در نقد دموکراسی از سوی غربیان نگاشته شده جست‌وجو می‌کنیم:

دموکراسی، معنویت‌گریز و اومانستی^۱

آلکسی دو توکویل (Alexis de Tocqueville) سیاست‌مدار و نویسنده فرانسوی، در سال ۱۸۰۵ متولد شد و در سال ۱۸۵۹ وفات یافت. او در جوانی به خاطر سنت‌های خانوادگی می‌بایست حرفه سپاهی‌گری را پیشه کند، ولی رشته حقوق را برگزید. توکویل پس از فراغت از تحصیل، در سال ۱۸۲۷ به عضویت دادگاه مارسی منصوب گردید، و در سال ۱۸۳۱ از طرف دولت فرانسه مأموریت

* عضو هیئت علمی پژوهشی پژوهشکده تحقیقات اسلامی و مدرس دانشگاه.

۱- آلکسی دو توکویل، تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مقدم، تهران، زوار، ۱۳۴۷، ۳۵۱ص.

یافت به همراه یکی از دوستانش، سیستم جزایی و امور زندان‌ها در آمریکا را به منظور استفاده از آن در فرانسه، بررسی نماید، اما مطالعه در وضع زندان‌ها بهانه‌ای شد تا توکویل و دوستش مدت ۱۸ ماه درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی آمریکا مطالعه نمایند، و با سیاستمداران و مردم بحث و تبادل نظر کنند. حاصل این مسافرت و مطالعات را توکویل در کتابی به نام تحلیل دموکراسی در آمریکا (This is a Translation Of Democracy In America) به رشته تحریر در آورد. این کتاب، برای اولین بار در سال ۱۸۳۵ انتشار یافت، و خیلی سریع به شهرت رسید، و چنان مورد توجه قرار گرفت که در فاصله سال‌های ۱۸۳۶ تا ۱۸۵۰، سیزده بار دیگر به چاپ رسید. به دلیل نگارش این کتاب، توکویل از طرف آکادمی فرانسه جایزه مونتون را دریافت نمود.

توکویل در سال ۱۸۳۹ به نمایندگی مجلس فرانسه منصوب شد، و در صف مخالفین لوئی فیلیپ قرار گرفت. نطق‌های او در مجلس نمایندگان، مکمل آثار اجتماعی او، به ویژه کتاب دموکراسی در آمریکا است. بعد از انقلاب ۱۸۴۸، و در سال ۱۸۴۶ به سمت وزیر خارجه فرانسه انتخاب گردید. توکویل پس از کودتای ۱۸۵۴، از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی کناره‌گیری کرد. بخش‌هایی از کتاب توکویل را بررسی می‌کنیم:

«دور شدن فرهنگ غرب از خداوند و دین، باعث گردید دموکراسی به عنوان مهم‌ترین تجلی آن، عملاً با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود، طبیعتاً آمریکا به دلیل روی‌آوری سریع به دموکراسی با مشکلات ناشی از اجرای حکومت بدون خدا، یعنی دموکراسی، زودتر روبه‌رو گردید. به بیان دیگر، در اروپا طبقه متوسط بعد از مبارزه و تلاش طولانی توانسته بود بر اساس پروژه معنویت‌زدایی برای خود جایی پیدا کند و به عنوان یک عامل فعال و مؤثر اجتماعی در صحنه تاریخی ظاهر گردد. با این حال، این طبقه هنوز در اروپا سرگرم مبارزه بود و هنوز کسانی یافت می‌شدند که گمان می‌کردند می‌توان مانع از معنویت‌زدایی شوند، ولی در آمریکا این طبقه حکومت را در دست داشت، و اصولی که در اروپا هنوز موضوع مبارزات بود بر جامعه آمریکا حاکم شده بود.»

انگیزه توکویل برای مطالعه در اوضاع اجتماعی آمریکا، از علاقه او به درک خصوصیات حکومت سکولاریستی جدید (دموکراسی) سرچشمه می‌گرفت. او نوشته است: «من در آن‌جا دموکراسی را جست‌وجو می‌کردم و به تمایلات، خصوصیات و هیجانات دموکراسی توجه داشتم. من در اندیشه این بودم که تحقیق کنم از دموکراسی چه بیم‌هایی می‌توان انتظار داشت.»

او برای آینده دموکراسی نگرانی‌های بسیار داشت، به خود می‌گفت آیا ارزش‌های قرون وسطایی و اشرافیت کلیسایی، دوباره سر از آستین سرمایه‌داری صنعتی بیرون نخواهد آورد و آیا بعد از محو استبداد و تلاش برای تأمین حیثیت انسانی، بار دیگر استبداد در چهره دموکراسی ظهور نخواهد کرد. آیا بی‌نظمی‌ها و هیجانات آزادی‌خواهی و مساوات‌طلبی، مقدمه‌ای برای ظهور سزارها نیست؟ این نگرانی‌ها، تردیدها، ابهامات و سؤالات، ناشی از معایبی است که تا آن زمان، وی در دموکراسی آمریکا دیده بود. از جمله این که:

۱- هیچ اصلی نفرت آورتر و نامشروع‌تر از آن نیست که قبول کنیم اکثریت در جامعه آمریکا به سبب حاکمیتی که دارد، حق دارد هر آن‌چه را بخواهد انجام دهد؟ در پاسخ به این سؤال باید بگوییم که در دنیا، قانون کلی و ثابتی وجود دارد که تصویب آن از طرف یک ملت خاص و معینی صورت نگرفته است، بلکه اکثریت انسان‌ها در ازمنه و در محل‌های مختلف آن را وضع و یا مورد قبول قرار داده‌اند. این قانون ثابت و لایتغیر، عدالت است.

بدین ترتیب، در نزد ملت‌ها پایه و اساس حق را عدالت تشکیل می‌دهد، ملت‌ها در حکم هیئت منصفه هستند، و همان طور که هیئت منصفه در محاکم معرف روح جامعه است، ملت‌ها نیز باید مظهر عدالت، یا همان روح اجتماعی انسان‌های زمان خود قرار گیرند. پس ملت آمریکا قادر نیست علیه روحیه جامعه بشریت، یعنی عدالت، قدمی بردارد. بدین ترتیب، وقتی در حقانیت قانونی که اکثریت برخلاف عدالت وضع کرده است، تردید و استنکاف می‌کنم، مفهوم تردید و استنکاف من انکار حاکمیت اکثریت ملت نیست، بلکه من نظر خود را به جای حاکمیت ملت به حاکمیت بشریت که مافوق آن است، معطوف می‌نمایم.

کسانی هستند که بی‌پروا می‌گویند از آن‌جا که هرگز ملت‌ها در مسایلی که منحصرأ مربوط به آن‌هاست از حدود عدالت و منطق خارج نمی‌شوند، پس نباید از واگذاری حاکمیت به اکثریت که مظهر اراده ملت است، بیمناک بود، ولی این سخنان خاص غلامان و بردگان است که در دموکراسی آمریکا تبلور یافته است.

۲- آن‌ها که معتقد هستند اگر به یک فرد قدرت مطلقه واگذار شود، ممکن است از آن قدرت به زیان رقیب خود استفاده نماید، چرا در مورد اکثریت این حقیقت را قبول نمی‌کنند؟ آیا گمان می‌کنند افراد در نتیجه اجتماع، خوی و خصلت خود را تغییر می‌دهند؟ و آیا تصور می‌نمایند وقتی قدرت آن‌ها فزونی یافت در برداشتن موانعی که بر سر راه آن‌هاست تعمق و تحمل بیش‌تری از خود نشان خواهند داد؟ من شخصاً هرگز چنین گمانی را ندارم. چرا باید آن اختیار مطلقه‌ای را که حاضر نیستیم

به یکی از هم‌نوعان خود واگذار کنیم حاضر می‌شویم آن را به اکثریت که جمعی از افراد است، واگذار کنیم؟

به عقیده من، حکومت‌های اکثریتی همیشه مایه فلاکت بوده‌اند و حکومت آمریکا نمونه یک حکومت اکثریت است. در حقیقت، وقتی در یک جامعه کار به جایی می‌رسد که ناگزیر از تشکیل یک حکومت اکثریت می‌شوند، حکومت به طرف انقلاب و یا انقراض پیش می‌رود.

۳- عقیده من آن است که در هر جامعه‌ای باید همواره یک قدرت اجتماعی عالی‌ه حاکم بر کلیه قوا وجود داشته باشد، ولی در عین حال، معتقدم که در مقابل چنین قدرتی، قوه قانونی باید وجود داشته باشد که بتواند او را در صورت لزوم متوجه معایب کار خود ساخته و به او فرصت تعدیل نظریاتش را بدهد. اگر جز این باشد، امکان وقوع اشتباهات زیادی خواهد بود.

در نظر من، قدرت بدون قانون، در هر حال، ذاتاً یک عامل مضر و نامطلوب است، و مصلحت نیست که در جامعه چنین قدرتی، یعنی قدرتی که از قانون سرچشمه نگیرد، به وجود آید. به نظر من به غیر از پروردگار، هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌آن که بیم خطری برود، قدرت بی‌قانون را به دست گیرد، زیرا تنها اوست که قدرتش با عدالت و مکارمش برابری دارد، و در روی زمین هیچ قدرتی وجود ندارد که ذاتاً مانند او شایان احترام باشد و دارای چنان حقوق مقدسی باشد که من بگویم باید او را در اعمال خود آزاد گذارد و هیچ قانونی بر سر راه او نگذاشت.

به این جهت، وقتی که می‌بینیم در جایی قدرت بی‌قانون و اختیار مطلق به دستگاهی تفویض گردیده است، خواه نام آن ملت و یا دموکراسی و یا آریستوکراسی و یا جمهوری باشد، بذر و نهال خودسری افشانده شده است و این موارد در دموکراسی آمریکایی وجود دارد.

۴- آن چیزی که بیش‌تر از هر چیز مرا از دموکراسی آمریکا بیزار می‌کند، هم آزادی نامحدود حکومت است، و هم نقصان تضمینی است که برای مقابله با ظلم و استبداد وجود دارد؛ یعنی اگر در آمریکا فردی یا حزبی بی‌عدالتی دید، به زعم شما باید به چه مرجعی متوسل گردد؟ می‌گویید به افکار عمومی متوسل شود؟ افکار عمومی خود سازنده اکثریتی است که حکومت را در دست دارد. به هیئت مقننه پناه آورد؟ هیئت مقننه خود مبعوث و نماینده اکثریت است و آلت و ابزار بالااراده‌ای در اختیار اوست. به قوای مملکتی مراجعه کند؟ قوای مملکتی همان اکثریت هستند که با ابزار قدرت خودنمایی می‌کنند.

در بعضی ایالات حتی قضات، منتخب و مبعوث اکثریت هستند، بدین ترتیب، برای شخص و یا حزب مظلوم از هر طرف راه چاره مسدود است، هر فرد و حزبی ناچار است که در مقابل بی‌عدالتی‌ها

و اعمال غیرمنطقی اکثریت تسلیم شود. آنچه در آمریکا جریان دارد آن است که قوه مقننه به ترتیبی تشکیل می‌گردد که با احراز نمایندگی اکثریت، همه را به پذیرش هوس‌های خود مجبور می‌سازد، در چنین وضعی، حکومت تنها صورت دموکراتیک دارد ولی واقعاً دموکراتیک نیست.

۵ - در آمریکا قدرت اکثریت، افکار را در محیطی محدود محبوس نگاه می‌دارد. در داخل این محیط، نویسنده، آزادی کامل دارد، ولی بدبخت آن کسی که جسارت کرده و بخواهد از این دایره محدود قدمی خارج شود. البته در این صورت، او را داغ و درفش نخواهند کرد، ولی چنین شخصی باید نفرت عمومی را تحمل نماید، و هر روز باید خود را برای قبول انواع شکنجه‌ها و عذاب‌های روحی آماده کند. دیگر درهای زندگی سیاسی همیشه برای او بسته خواهد بود، زیرا تنها قدرتی که ممکن بود این در را بر روی او بگشاید، از او اهانت دیده و آزرده گردیده است.

در دموکراسی آمریکا، نویسنده قبل از طبع و نشر اثر خود گمان می‌کند در میان مردم طرفدارانی به دست خواهد آورد، ولی بعد از انتشار وقتی عقایدش برای عامه مردم معلوم گردید، دیگر هیچ‌کس از او نمی‌تواند طرفداری نماید؛ چون آن‌ها که مخالف هستند، آشکارا او را با صدای بلند تخطئه و تهدید می‌کنند، و آن‌ها که افکاری مشابه با او دارند، چون دارای جرئت و جسارتی نظیر نویسنده نیستند، سکوت اختیار می‌کنند و از معرکه خود را بر کنار نگاه می‌دارند، و چنان عرصه بر نویسنده تنگ می‌شود که در مقابل فشار مداوم بالاخره خم شده و تسلیم می‌گردد. او نیز، به نوبه خود چنان سکوت اختیار می‌کند که گویی از بیان حقیقت پشیمان شده است.

نتیجه این که تمدن جدید غرب خود را از خدا رهانید و انسان را جای خدا نشانده. یکی از مصداق‌های جای‌گزینی انسان به جای خدا در حکومت تبلور یافت، و از این رو، نام دموکراسی یا حکومت مردم بر مردم به خود گرفت ولی به سرعت این گمان که حکومت انسانی رنسانسی به جای حکومت دینی کلیسایی قادر است انسان را به سعادت و خوشبختی برساند، همانند کفی روی آب محو شد. این حادثه نخست در آمریکا به عنوان پیشگام در اجرای دموکراسی ظاهر گردید و البته به آن محدود نماند.

واکنش‌های ضد دموکراسی^۱

کرافورد براف مکفرسون (Craford Brough Macpherson) نظریه‌پرداز سیاسی کانادایی در سال ۱۹۱۱ به دنیا آمد و در سال ۱۹۸۷ وفات یافت. او پس از تحصیل در مدرسه اقتصاد لندن، در سال

۱- سی. بی. مکفرسون، جهان واقعی دموکراسی، ترجمه علی معنوی تهرانی، تهران، آگاه، ۱۳۷۹، ۱۱۲ ص.

۱۹۳۵ به زادگاهش (تورتو) بازگشت و در دانشگاه به تدریس درس نظریه سیاسی پرداخت. جز چند سفر کوتاه علمی به چند کشور، سراسر زندگی علمی و دانشگاهی خود را در ترونتو گذراند. در سال ۱۹۶۲، یکی از مشهورترین آثارش را به نام نظریه سیاسی فردگرایی انحصارطلبانه منتشر ساخت. وی در این اثر استدلال می‌کند که پیدایش بازار سرمایه‌داری قرن هفدهم انگلستان فرهنگی را به وجود آورد که طی آن تصاحب و تملک (انحصار) کالاها به هدف عمده زندگی تبدیل شد. مکفرسون در کتاب نظریه دموکراسی: جستارهایی در بازاریابی (چاپ ۱۹۷۳) نشان داد که پیشرفت و بقای دموکراسی در صورتی امکان‌پذیر است که برخی از ارزش‌های فراموش شده دموکراسی چون آزادی خواهی احیا شود.

به اعتقاد مکفرسون، نظریه‌پردازان جدید دموکراسی چون ژوزف شومپتر و رابرت دال تعریف نوینی از دموکراسی ارائه کرده‌اند که از یک سو با بازار رقابتی کاپیتالیسم و از سوی دیگر با عدم مشارکت گسترده دموکراتیک تناسب دارد. از این رو، وی بازاریابی آزادی را برای دموکراسی سالم و نیرومند ضروری می‌داند. مکفرسون هواخواه شکلی از سوسیالیسم دموکراتیک بود و به همین دلیل، در یک سلسله سخنرانی‌های رادیویی تلاش کرد نشان دهد جوامع سوسیالیستی و جهان سومی دارای امکانات بالقوه و منحصر به فردی برای استقراربخشی به دموکراسی با شرایط خود هستند. مجموعه این سخنرانی‌ها در سال ۱۹۶۵ در کتاب جهان واقعی دموکراسی منتشر گردید (The Real Word Of Democracy) که بخش‌هایی از آن را بررسی می‌کنیم:

«افلاطون در سده پنجم پیش از میلاد، دموکراسی را به دلیل دیدگاه برابر خواهانه‌اش، مردود شمرد. به طور مشابه نیز، در قرن هفدهم میلادی، کرامول - رهبر انقلاب انگلیس - آن را رد کرد. حتی متحدان چپ‌گرای کرامول، به علت اصرار دموکراسی بر اعطای حق رأی به مردم، با آن به مخالفت برخاستند.

مبلغ اصلی لیبرالیسم در قرن نوزدهم میلادی، یعنی جان استوارت میل، علی‌رغم نقش مهمی که برای توده‌های مردمی قائل بود، نظام خاصی از رأی‌گیری را پیشنهاد می‌کرد که در آن، طبقه کارگر به اکثریتی پر نفوذ تبدیل نشود. ژان ژاک روسو، یک جامعه دموکراتیک را جامعه‌ای می‌دانست که انسان‌ها به آزاد بودن مجبور می‌شوند نه این که آزاد باشند. به علاوه اشکالات دیگری در دموکراسی به چشم می‌خورد، از جمله:

۱ - دموکراسی یا جامعه مبتنی بر حق انتخاب فردی، نقاط ضعف دیگری نیز دارد. از جمله: اول - جامعه سرمایه‌داری مبتنی بر بازار، شکل نمی‌گیرد، مگر آن‌که در یک سو، تعدادی از مردم از سرمایه‌های کلان برخوردار می‌شوند، و در سوی دیگر، تعداد کثیری فاقد سرمایه می‌گردند، یا

سرمایه‌شان آن قدر اندک است که نمی‌توانند آن‌را به کار اندازند و سود ببرند، پس ناچار می‌شوند نیروی کار خود را در اختیار دیگران قرار دهند. این واقعیت، آزادی انتخاب را هم نابرابر می‌سازد. در واقع، همه آزادند، اما برخی آزادترند.

دوم - جامعه دیروز لیبرال، جامعه‌ای فردگرا بود. در این جامعه، هیچ وجه دموکراتیکی وجود نداشت، نه از لحاظ تساوی و نه از لحاظ حفظ حقوق واقعی افراد. این جامعه فقط لیبرال بود، حتی جمعیت زنان کشورهای لیبرالی حق رأی برابر با مردان را نداشتند. تنها پس از آن‌که زنان وارد عرصه‌های کار شدند و در صحنه‌های اقتصادی حضور یافتند، توانستند جایگاهی مستقل در بازار و سیاست کسب کنند و از حق رأی برابر برخوردار گردند. این اتفاق، به معنای در هم تنیده شدن لیبرالیسم و دموکراسی بود.

تأسیس دولت رفاه که در پی ادغام لیبرالیسم و دموکراسی (لیبرال دموکراسی) روی نمود، همان‌طور که بیسمارک - صدر اعظم امپراتوری آلمان - در ۱۸۸۰ پیشنهاد کرده بود، تنها با هدف رفع نارضایتی توده‌ها صورت گرفت. در حقیقت، الحاق دموکراسی به حکومت لیبرال، به منظور پیش‌گیری از وقوع انقلاب توده‌ها انجام پذیرفت. به این وسیله، دولت لیبرال هم خود را تقویت کرد و هم جامعه بازار را، بدون آن‌که هدفش تقویت و تثبیت ارزش‌های دموکراتیک باشد.

۲ - دموکراسی خلقی یا کمونیستی ریشه در غرب دارد اگرچه در شوروی و چین تحقق یافت. با این وصف، در همین دموکراسی هم اشکالات فراوانی به چشم می‌خورد. به بیان عمیق‌تر، پیروان مارکس، قبل از ورود به مرحله کمونیسم، به یک مرحله انتقالی قدرت اعتقاد دارند که نام آن‌را دیکتاتوری پرولتاریا (کارگران) می‌نهند، و این حکومت پرولتری، از نظر آنان، همان دموکراسی است. لذا دموکراسی از نوع کمونیستی، مفهومی طبقاتی دارد و به بیان دیگر، دموکراسی در نظر مارکس نوعی حکومت طبقاتی، یا در واقع، حکومت طبقه کارگر است.

با پیروزی اولین انقلاب پرولتری، حزب کمونیست زمام امور را به دست گرفت. در نتیجه، حکومت شوروی، یک گام از مفهوم دموکراسی مارکسیستی، فاصله گرفت، چون این حکومت به جای آن‌که با دموکراسی طبقاتی آغاز کند. حکومت را با یک دموکراسی حزبی آغاز کرد، آیا می‌توان دولت‌های برآمده از کمونیسم را واقعاً دموکراتیک دانست؟ در پاسخ باید گفت که، اگر دموکراسی را در معنای دقیق آن، یعنی نظامی که حاکمان آن از سوی مردم انتخاب می‌شوند، در نظر بگیریم، آن‌گاه یک دولت حزبی، دموکراتیک نخواهد بود. این دولت، شاید برای مردم خدمت کند، ولی به دست مردم و بر اساس انتخاب مردم، برگزیده نشده است. اصولاً دولت

تک‌حزبی که حتی امکان نظارت از پایین به بالا، یا درون حزبی را فراهم نمی‌آورد، نمی‌تواند دموکراتیک باشد.

آزادی عضویت نیز، در احزاب کمونیستی وجود ندارد. دولت تک‌حزبی فقط برای کسانی حق رأی قائل است که به اندازه کافی، در درون حزب به فعالیت سیاسی اشتغال داشته باشند، در حالی که همه مردم این کشورها امکان فعالیت سیاسی در درون حزب را ندارند.

۳ - ملت‌های جهان سوم، طی چند دهه گذشته، از انقیاد دولت‌های استعمارگر، خارج شده‌اند و به استقلال رسیده‌اند، برخی از راه انقلاب، و برخی دیگر، به شیوه‌ای مسالمت‌آمیز و تدریجی. از میان آن‌ها، بعضی مدعی برقرار کردن دموکراسی در کشورهايشان هستند. قدر مسلم این دموکراسی، ریشه در دموکراسی از نوع غربی و دموکراسی مورد نظر مارکس ولنین دارد.

در دموکراسی جهان سومی، ثروت‌اندوزی، ارزشی ذاتی نیست، در پی نفع فردی بودن، ناپسند تلقی می‌شود، برابری و وحدت، بیش از آزادی اهمیت دارد، رقابت سیاسی در آن، همانند رقابت اقتصادی، مردود است، گاه در آن تشکیل احزاب سیاسی مخالف، تحمل نمی‌شود، و اعتقاد به نظامی مرکب از احزاب ملی، به عنوان نظامی راه‌گشا، مقتدر و کارآمد، در میان این کشورها، نگرشی بیگانه و خارجی تلقی می‌گردد. پس، ملل در حال توسعه، مدعی نوعی دموکراسی هستند که غیرلیبرال است، و البته، تنها اشتراک آن با دموکراسی لیبرال، آرمان آزادی و منزلت انسانی برای یکایک اعضای جامعه است.

۴ - دموکراسی‌های غربی، دیگر نمی‌توانند مدعی رهبری یا انحصار رهبری جهان باشند. به دیگر بیان، وجود دو دموکراسی دیگر که دو سوم جهان را در بر گرفته است، مانع اساسی در هژمونی رهبری جهانی دموکراسی غربی است. به آن جهت که دو مفهوم دموکراسی دیگر ارایه شده، بر این باورند که جامعه مبتنی بر بازار نمی‌تواند حقوق انسان و آزادی فردی که مستلزم برابری است، را تأمین کند، و از این رو، در دموکراسی کمونیستی و جهان سومی، دورشدن از بازار در دستور کار قرار دارد.

به علاوه، آزادی در جامعه مبتنی بر بازار رقابتی، خود را نقض می‌کند، زیرا با وجود نابرابری‌ها در زمینه مهارت و قدرت، چنین آزادی‌ای به آن‌جا ختم می‌شود که عده‌ای منابع و سرمایه و ابزار تولید را در انحصار خود درآورند و اکثریت جامعه از آن محروم بمانند. در حقیقت، اعطای آزادی به افراد در شرایط نابرابر، در واقع، نافی آزادی است، زیرا هرکس که از قدرت و مهارت بیشتری برخوردار باشد، از آزادی و حقوق بیشتر برخوردار می‌شود. لذا دموکراسی غربی به ناچار باید یکی

از این دو راه را انتخاب کند: پذیرش آزادی در عین انکار انسانیت برای همه، جز صاحبان قدرت و مهارت، یا انکار آزادی به سود برابری امکانات انسانی. بنابراین، ارزش‌های لیبرال باید با ارزش‌های دموکراسی غیرلیبرال رقابت کنند، در حالی که پیش از این مجبور نبودند، به چنین اقدامی دست بزنند».

نتیجه

علايق دينی، از قلب انسان غربی عصر دموکراسی ناپدید شده است. ظاهراً پیش‌بینی دو قرن و نیم پیش مونتسکیو که گفته بود: پویایی برآمده از عصر روشن‌فکری به مرگ ادیان می‌انجامد، اتفاق افتاده است. هم‌اکنون، از دین، برای انسان غربی جز مناسک و دلبستگی‌های سحرآمیز که برای معنا دادن به زندگی پرحادثه امروزی لازم است، چیزی باقی نمانده است. سیاست خاستگاه دینی‌اش را رها کرده، و از این رو، از درد رهاسازی دین به خود می‌پیچید.

بنیادگرایی‌های جدیدی که به دنبال انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، در غرب پدید آمده است، به همین دلیل، خواهان مناسبات اجتماعی صمیمی در روابط شخصی، تأسیس اجتماع همگن یا در واقع، بازگرداندن دین به صحنه اجتماع‌اند. جامعه عادلانه‌ای که بنیادگرایان می‌خواهند پدید آورند، از بالا و با جلوس شاهزاده‌ای خوب، ایجاد نخواهد شد، بلکه از پایین و با به قدرت رسیدن مستضعفان ساخته می‌شود. این بلندپروازی معقول، تنها بر پایه شکست پیوند دین و سیاست بنا می‌شود. در کشورهای ثروت‌مند دموکراتیک غربی، تمایل دینی به شیوه‌های متفاوت ابراز می‌شود، اما همه جا با سرخوردگی از سیاست روبه‌رو می‌شود.

با ناامید شدن از یافتن چاره شوربختی انسان‌ها در سیاست، عده‌ای، اقدامات بشردوستانه را بستری برای فعالیت یافته‌اند. فعالیت بشردوستانه، بیان‌گر ناامیدی و سرخوردگی از نهادهای سیاسی در قبال ناتوانی در ایجاد همبستگی واقعی است. اقدام بشردوستانه وسیله‌ای است برای فرار از رویارویی با انسان تنها. به بیان دیگر، مسئله پیش‌روی انسان دموکراتیک، هنوز هم تنهایی است. تنهایی این انسان، تنهایی انسان گم شده در انبوه جماعت است؛ یعنی انسان رها شده و در عین حال، بدون همبستگی.

در دنیای متکثر امروزین غرب، نه نظم سیاسی حکومت می‌کند و نه نظم فلسفی و دینی. انقلاب کوپرنیکی، مثال خوبی برای تبیین چنین وضعیتی است، زیرا انقلاب کوپرنیکی زمین را از موقعیت مرکزی آن بیرون کشیده و خورشید را جای‌گزین آن کرد؛ یعنی ایده ضرورت وجود یک مرکز را حفظ

کرده است. این همان ایده‌ای است که در حال مردن است. این ایده همان دین است. از این رو است که انسان غربی تهی شده از دین، در پی بازگشت مجدد به دین است. دینی که تنها به معنای مجموعه‌ای از مناسک و عادت‌ها نیست، بلکه به گفتهٔ آلکسی دوتوکویل، رفتار اجتماعی انسان را شکل داده و به آن معنا می‌بخشد؛ چیزی که در دموکراسی غربی وجود ندارد.

منابع و مآخذ

- ۱- آلکسی دو توکویل، تحلیل دموکراسی در آمریکا، ترجمه رحمت‌الله مقدم، تهران، زوار، ۱۳۴۷.
- ۲- سی. بی. مکفرسون، جهان واقعی دموکراسی، ترجمه علی معنوی‌تهرانی، تهران، آگاه، ۱۳۷۹.



فرہنگی
انجبار

لا يمشى تقرب

بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی درباره حملات ددمنشانه صهیونیست‌ها

بار دیگر حملات رژیم صهیونیستی در نوار غزه و کشته شدن غیر نظامی‌های فلسطین از جمله زنان و کودکان فلسطینی، سند دیگری از ظلم و جنایت علیه مسلمانان بر صفحه تاریخ به ثبت رساند.

امروز اسرائیل با پای‌بند نبودن به تعهدات خود در خروج از غزه و در اختیار داشتن تجهیزات و بمب‌های هسته‌ای، امنیت جهان به ویژه خاورمیانه را به خطر انداخته و نه تنها برای فلسطین بلکه برای جهان نگرانی و مشکل ایجاد کرده است.

مقاومت و پایداری مردم فداکار و حماسه آفرین فلسطین، هوشیاری، یک‌پارچگی، اتحاد، همبستگی مسلمانان و اراده آنان برای دفاع از استقلال، آزادی، تمامیت ارضی و حفظ هویت یک‌پارچه اسلامی و بیداری جهان اسلام، اجرای اهداف شیطان‌ی و توطئه‌های آمریکا و صهیونیست را در پی‌گیری طرح خاورمیانه بزرگ بی‌اثر و ناکام خواهد ساخت.

امروز وظیفه مسلمانان جهان است که یک دل و یک صدا حمایت خود را از قدس شریف و حکومت منتخب مردم مظلوم فلسطین اعلام نمایند و اعمال خشن و وحشیانه اسرائیل غاصب و سیاست خصمانه حامیان اشغالگران قدس شریف به ویژه شیطان بزرگ را باز گو کنند و پیامدهای اسف‌بار رفتار ضد اسلامی و غیر انسانی اسرائیل در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را گوشزد نمایند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ضمن محکوم نمودن اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی بر ضد فلسطینیان یادآور می‌شود که اسرائیل در مورد غزه یک گام جلو آمد، اما چندین گام به عقب برگشت و با حمله ددمنشانه به فلسطینیان تعهدات خود را نقض کرد. این مجمع هم‌چنین از سازمان‌های حامی حقوق بشر و در رأس آن‌ها سازمان ملل متحد و نیز سازمان کنفرانس اسلامی و دولت‌های مسلمان خواستار پی‌گیری مجدانه این امر و جلوگیری از پایمال شدن خون مظلومان است.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حملات رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان را محکوم کرد

بار دیگر رژیم غاصب اسرائیل با وحشی‌گری هر چه تمام‌تر و با زیر پا گذاشتن تعهدات انسانی و بین‌المللی، امنیت جهان و به ویژه خاورمیانه را به خطر انداخته و با حمله وحشیانه از زمین، هوا و دریا به جنوب لبنان و مورد هدف قرار دادن مناطق مسکونی، فرودگاه بین‌المللی بیروت و سایر ساختمان‌ها و مراکز زیربنایی و به شهادت رساندن جمع زیادی از مردم این کشور، نه تنها برای فلسطین و لبنان، بلکه برای جهان ایجاد نگرانی و مشکل نموده است.

حمایت آمریکا و غرب و سکوت مرگ‌بار جهان اسلام و عرب، موجب گستاخی بیش از پیش این رژیم شده است که با اقدام‌های توسعه‌طلبانه و حملات نظامی به نوار غزه و جنوب لبنان و در پیش گرفتن سیاست ترور شخصیت‌های فلسطینی، خود را در معرض منفورتر شدن در بین جهانیان قرار داده است.

امروز اگر اعمال وحشیانه اسرائیل با واکنش سخت و عملی کشورهای اسلامی روبه‌رو نشود، این رژیم به ادامه جنایات و اقدام‌های ددمنشانه تشویق می‌شود، به همین جهت جهان اسلام باید با حفظ وحدت و یک پارچگی و بسیج همه نیروهای خود به حمایت گسترده از مردم فلسطین و لبنان بپردازد و بیش از گذشته برای نابودی این رژیم اشغال‌گر تلاش نماید.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با محکوم نمودن این اعمال و ابراز نگرانی شدید از اوضاع بحرانی خاورمیانه در پی تنش آفرینی رژیم صهیونیستی در لبنان و غزه، خواستار توقف این وضعیت و عکس‌العمل سریع مجامع بین‌المللی و کشورهای اسلامی در مقابله با تهاجم رژیم غاصب صهیونیست می‌باشد.

برگزاری اولین کنفرانس بین‌المللی

«حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی» در تهران

نخستین کنفرانس بین‌المللی «حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی» روزهای ۲۴ و ۲۵ تیرماه سال جاری به مدت دو روز و با حضور اندیشمندان و فرهیختگان داخلی و خارجی، در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما و به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، مرکز امور زنان و خانواده و شورای فرهنگی اجتماعی زنان برگزار شد.

گفتنی است درابتدای این کنفرانس پیام دکتر احمدی نژاد، رئیس جمهوری اسلامی ایران،

قراوت گردید و در مراسم اختتامیه نیز آقای حداد عادل رییس مجلس شورای اسلامی سخنرانی نمود.

این کنفرانس با صدور بیانیه زیر به کار خود پایان داد:

۱. نظر به اهمیت موضوع، شرکت کنندگان در این اجلاس بر مصوبات بین المللی اسلامی در این باره طبق سندهای ذیل تأکید می نمایند:

الف: بیانیه اسلامی حقوق بشر؛

ب: بیانیه حقوق زن هشتمین اجلاس کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران؛

ج: مصوبات مجمع جهانی فقه اسلامی و از جمله مصوبه شماره ۵۹ (۱۷/۸) و ضرورت توجه لازم به آن؛

۲. ضرورت ادامه مطالعه بیانیه پیشنهادی از طرف اعضا به منظور:

الف: حصول اطمینان نسبت به احکام صادره در این مورد و میزان انطباق آن با موازین شریعت اسلامی؛

ب: ساختار بیانیه باید ساختاری قانونی و به دور از هر گونه شائبه تکرار و ابهام باشد؛

ج: بیانیه دو مرحله ذیل را مورد توجه قرار دهد:

اول: جایگاه حقوق و مسئولیت عموم زنان از نظر اسلام؛

دوم: جایگاه حقوق و مسئولیت زنان مسلمان از نظر اسلام.

۳. به منظور تحقق اهداف کنفرانس در مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دبیرخانه دائمی دایر گردد.

۴. در عرصه های سیاسی کنفرانس خاطر نشان می سازد:

الف: کنفرانس ضمن حمایت کامل خود از مقاومت شجاعانه اسلامی در فلسطین و لبنان، تجاوزهای ناجوانمردانه صهیونیست ها به این دو کشور را شدیداً محکوم نموده و از جامعه جهانی خواستار پایان دادن به این تجاوزها است؛

ب: شرکت کنندگان در کنفرانس، همه اقشار ملت عراق را به وحدت و همدلی و از بین بردن بهانه حضور دشمن در خاک خود فرا می خواند و خواستار تلاش بیش تر آنان برای پایان بخشیدن به اشغال خاک عراق می باشد؛

ج: کنفرانس از حق جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به تکنولوژی مسالمت آمیز هسته ای پشتیبانی می کند؛

د: کنفرانس ضمن حمایت از وحدت و یک پارچگی ملت سومالی، نسبت به بازگشت اشغال گران هشدار داده و خواهان بازسازی نهادهای آن کشور می باشد.

برگزاری هفدهمین اجلاس مجمع بین المللی فقه اسلامی در اردن

هفدهمین اجلاس مجمع بین المللی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی به منظور تقویت و ارتباط فکری میان علمای مسلمان، تبادل آرای مسلمانان و وحدت آن‌ها و ارایه چهره صحیح اسلامی در یک نشست پنج روزه از سوم تا هفتم تیر (۲۴ ژوئن تا ۲۸ ژوئن) و با حضور یکصد تن از فقها و علمای مذاهب فقهی از ۴۴ کشور اسلامی در امان پایتخت اردن برگزار شد. در این اجلاس، موضوعاتی نظیر «موضع اسلام درباره تندروی و غلو»، «وحدت مذاهب»، «مسائل زنان»، «تروریسم و فتوا» و «شروط و آداب روابط کشورهای اسلامی با کشورهای دیگر» در دستور کار بود و از ایران، آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب، آیت الله واعظ زاده خراسانی عضو شورای عالی مجمع، آیت الله جواهری از اساتید حوزه علمیه قم و حجت الاسلام والمسلمین مبلغی مدیر مرکز تحقیقات قم در این اجلاس حضور داشتند.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله تسخیری با سخنرانی پیرامون «پای‌بندی مسلمانان به اصول و مقتضیات در خارج از کشورهای خود» در دومین جلسه علمی اجلاس مجمع فقه اسلامی، گفت: اندیشه ناب اسلامی در اعتدال و میانه روی تبلور یافته که در یک سوی آن جریان سکولار و بی تفاوتی نسبت به اوضاع و سرنوشت امت اسلامی و در سوی دیگر تندروی‌های تروریستی قرار گرفته است.

دبیرکل مجمع در ادامه ضمن ارایه تعریف تروریسم، گفت: جهاد بر پایه ضوابط اخلاقی و در چارچوب پی‌گیری اهداف انسانی تنظیم و تشریح شده و به همین جهت نه تنها از دایره فعالیت‌های تروریسم بیرون است بلکه به‌عنوان سدی مقاوم و محکم در برابر تروریسم و خطرات آن به‌شمار می‌آید. وی با بیان این‌که آمریکا با هم‌دستی اسرائیل رهبری فعالیت‌های تروریستی را در جهان در دست دارد، تصریح کرد: آمریکا این نقش را در قالب مبارزه با تروریسم و رهبری این جریان پی‌گیری و دنبال می‌کند.

در جلسه دوم، شرکت‌کنندگان بر حق ایران نسبت به برخورداری از فناوری هسته‌ای تأکید نموده و نتایج آن را برای جهان اسلام سودمند توصیف کردند.

گفتنی است شرکت‌کنندگان در این اجلاس، در بیانیه پایانی خود به نکات زیر اشاره کردند:

دعوت مسلمانان به توحید کلمه و در پیش گرفتن مواضع واحد و احترام گذاشتن به هم؛

مجال دادن به هر نقد و گفت‌وگوی سازنده میان مذاهب اسلامی؛

ضرورت نشر و تعمیم آگاهی نسبت به اعتدال و میانه روی از هر طریق ممکن و با بهره‌گیری از

تمام نهادهای فعال در زمینه تقریب مذاهب اسلامی؛

ضرورت شناسایی و فعال سازی ابزارهای ایجاد وحدت اسلامی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛

ضرورت آموزش فقه وحدت اسلامی در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها؛

تحریم فعالیت‌های تروریستی در تمامی اشکال؛

متمایز بودن مقاومت مشروع و متکی بر امور پذیرفته شده از نظر دین، از جرایم تروریستی؛

ضرورت حل مشکل تروریسم از طریق برخورد ریشه‌ای با آن؛

حرمت تکفیر اتباع مذاهب هشت گانه (مذاهب چهارگانه اهل سنت، مذهب جعفری، مذهب

زیدی، مذهب اباضی و ظاهری)؛

حرمت افتاء بدون فراهم بودن شرایط آن؛

تأسیس مرکز اطلاعاتی در مورد اقلیت‌های مسلمان؛

مجاز بودن مشارکت مسلمانان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در کشورهای غیر

اسلامی، مشروط به مغایر نبودن آن با ضوابط اسلامی و لطمه نزدن این مشارکت به هویت و

شخصیت اسلامی آنان؛

ضرورت پایان دادن به اشغال در عراق؛

محکوم نمودن اعمال تروریستی در عراق و انفجارهایی که انسان‌های بی‌گناه را در مساجد و

عتبات مقدسه به خاک و خون می‌کشاند؛

محکوم نمودن تلاش‌هایی که در عراق با هدف برانگیختن اختلافات طایفه‌ای و ایجاد

بحران‌های مذهبی در حال انجام است؛

دعوت از همه عراقی‌ها برای استقبال از فعالیت‌های سیاسی در قالب نهادهای رسمی شکل

گرفته از انتخابات اخیر.

برگزاری کنگره بین‌المللی بزرگداشت

علامه سید «عبدالحسین شرف‌الدین» در لبنان

کنگره بین‌المللی بزرگداشت علامه سید عبدالحسین شرف‌الدین به مدت سه روز (۲۷-۲۹ اردیبهشت ماه) و در پنج محور «شرف‌الدین منادی وحدت مسلمانان و ادیان الهی، گفت‌وگو به عنوان روشی برای تعامل با اختلاف، پایه‌های اجتهاد و عوامل مؤثر در نزدیک شدن دین‌ها و مذاهب‌ها، پایه‌گذاری تمدنی و اندیشه اجتماعی سیاسی و آبشخور فقه و کلام

در مطالعات قرآن و سنت پیامبر» در تالار یونسکو و نیز در تالار همایش‌های هتل «ماربیوت» بیروت برگزار شد.

سی دین پژوه و نویسنده از کشورهای مختلف جهان اسلام از جمله ایران، لبنان، عراق، مصر، عربستان، مغرب، افغانستان، بحرین، نیجریه، اندونزی، یمن و استرالیا به طرح آراء، یافته‌ها و پژوهش‌های خود پرداختند. همچنین در آیین گشایش این کنگره، پیام مقام‌های بلندپایه سیاسی ایران و لبنان درباره اهمیت و ابعاد شخصیت علامه شرف‌الدین و آثار و عملکرد وی خوانده شد.

علامه شرف‌الدین با درایت و دانایی خود پیش از درگذشتش در دهه ۱۹۶۰ از امام موسی صدر دعوت کرد تا از ایران به لبنان مهاجرت کند و مسئولیت رهبری شیعیان این کشور را برعهده گیرد. این اقدام و انتخاب شایسته شرف‌الدین باعث شد که امام موسی صدر از آن دهه تا زمان ربوده شدنش در لیبی بتواند خدمات بزرگی به مردم لبنان ارائه کند.

علامه شرف‌الدین نزدیک به ۴۰ اثر علمی در موضوع‌های مختلف از خویش به جا گذاشته است. کنگره بین‌المللی علامه شرف‌الدین با تلاش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم‌السلام) و مجمع جهانی علوم اسلامی برگزار گردید.

«اسلام هراسی» پدیده‌ای روز افزون در اروپا

مدیر مسئول روزنامه «بولیتیکن» پدیده اسلام هراسی را مشکلی بزرگ و روزافزون در غرب عنوان کرد.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) به نقل از پایگاه اطلاع رسانی «نسیج»، «تورسایدینفان» مدیر مسئول روزنامه «بولیتیکن» در این باره گفت: امروزه اسلام هراسی در غرب پدیده‌ای مشکل برانگیز برای مسلمانان شده است.

وی ضمن بیان این مطلب که انتشار کاریکاتورهای اهانت آمیز به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مشکل اصلی مسلمان نبوده، افزود: مشکل اصلی، ترس غربی‌ها از اسلام و عدم توانایی مقابله آنان با پدیده اسلام هراسی است.

وی در ادامه تصریح کرد: شیوه برخورد حکومت دانمارک با بحران بی حرمتی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بیان‌گر عدم اهتمام این حکومت به جهان اسلام به ویژه شهروندان مسلمان دانمارکی است.

او همچنین ضمن بیان این مطلب که تبلیغات سوء زیادی علیه اسلام می‌شود، گفت: شیوه برخورد رسانه‌های غربی اروپا با مسلمانان نیز بسیار ناپسند است. وی در ادامه، تنها راه حل مقابله با پدیده اسلام‌هراسی را وارد کردن فشار به حکومت به منظور پاک‌سازی اذهان در مورد اسلام عنوان کرد. قابل ذکر است که دانمارک تنها کشور اروپایی است که در آن حتی یک مسجد برای انجام فرایض دینی مسلمانان وجود ندارد.

نجف اشرف بزرگ‌ترین دانشگاه جهان اسلام

محققان و مقامات مذهبی و سیاسی عراق برای بزرگداشت مقام آیت‌الله محمد باقر حکیم و نقش شهر نجف اشرف در اعتلای فرهنگ اسلامی گردهم آمدند. به گزارش خبرگزاری شبستان به نقل از جعفری نیوز، با حضور جمعی از مراجع و مسلمانان شیعه، کنفرانسی در شهر نجف اشرف برگزار شد.

در این همایش که به میزبانی اتحادیه شهید محراب عراق برگزار شد علاوه بر بررسی نقش این شهر مقدس در جهان اسلام، مقام شهید محراب آیت‌الله سید محمد باقر حکیم نیز گرامی داشته شد. در این گردهمایی عنوان شد نجف اشرف با گردآوردن مراجع و محققان برجسته اسلامی در طول تاریخ جایگاه مهمی در جهان اسلام داشته و می‌توان از آن به عنوان دانشگاه اسلام یاد کرد. بعد از شهادت آیت‌الله سید محمد باقر حکیم در بمب‌گذاری نماز جمعه، اتحادیه‌ای با نام شهید محراب در عراق تشکیل شد که فعالیت‌های خود را به تبلیغ و حفظ آثار و مقام آیت‌الله سید محمد باقر حکیم اختصاص داده است.

تجلیل از نقش مؤثر عبدالعزیز سعود الباطین

در تقریب بین ادبای عرب و فارس

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در مراسم تجلیل از عبدالعزیز سعود الباطین شاعر و ادیب کویته که در تاریخ بیست و ششم خرداد انجام شد، ضمن تشکر از تلاش‌های بی دریغ وی در زمینه اشاعه و اعتلای زبان عرب گفت: عبدالعزیز سعود الباطین نقش مؤثری در معرفی شعرای ایران و زبان و ادبیات فارسی به جهان عرب و تقریب بین ادبای عرب زبان و فارسی داشته است.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع در این مراسم گفت: امید داریم با توسعه و گسترش روابط فرهنگی فیما بین و اهتمام مؤسسه فرهنگی بابطین به ادبیات و ترویج شعر و نو آوری ادبی و تلاش دیگر مؤسسه‌های فرهنگی کویت در توسعه روابط میان ملت‌ها، هر چه بیش‌تر با فرهنگ و ادب یک‌دیگر آشنا شویم.

وی با بیان اهتمام جدی جمهوری اسلامی ایران به زبان عربی افزود: زبان عربی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پس از زبان فارسی از اهمیت زیادی برخوردار است.

عبدالعزیز سعود الباطین مؤسس مرکز علمی و فرهنگی بابطین نیز در این مراسم گفت: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نقش مهمی در جلوگیری از بروز فتنه و آشوب در جهان اسلام دارد. وی در ادامه تصریح کرد: توطئه‌هایی که امروزه صهیونیسم و غرب از آن حمایت می‌کنند، خطر بزرگی برای منطقه به شمار می‌رود و امیدواریم اندیشمندان، سیاستمداران و مسئولین این خطر بزرگ را درک نمایند تا ملت‌های مسلمان بتوانند در صلح، آرامش و امنیت زندگی کنند.

مؤسسه عبدالعزیز سعود الباطین مرکزی فرهنگی اسلامی است که سالانه با برپایی همایش‌های متعدد، سعی در شناساندن و معرفی آثار برتر ادبی شاعران اسلامی نموده و در چاپ و نشر کتب ادبی فعالیت چشم‌گیری دارد.

رهبران ادیان جهان، سران کشورهای صنعتی جهان (G 8) را به پای‌بندی به ارزش‌های دینی دعوت می‌کنند

نشست مقدماتی رهبران ادیان جهان در روز چهارم و پنجم خرداد ماه به دعوت شورای عالی روابط ادیان فدراسیون روسیه در مسکو برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در این نشست که نمایندگان ادیان جهانی اسلام، مسیحیت، یهود، بوداییسم، هندویسم و کنفوسیوس از ۲۸ کشور جهان حضور داشتند معاون بین الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به نمایندگی از کشورمان حضور یافت.

شرکت کنندگان در این نشست مقدماتی پیش نویس سندی را آماده کردند که قرار است از سوی رهبران ادیان جهان خطاب به سران کشورهای بزرگ صنعتی جهان (G 8) ارسال و توسط پاتریاک آلکسی دوم رهبر کلیسای ارتدوکس روسیه در اجلاس آنان قرائت گردد.

در پیش نویس نامه رهبران ادیان، ضمن تأکید بر نقش دین و اعتقادات دینی در زندگی بشر و جوامع انسانی، از سران کشورهای صنعتی خواسته شده است به مسئولیت دینی و ارزش‌های اعتقادی در جامعه مدرن امروز توجه نمایند.

در این نامه هم‌چنین سران کشورهای صنعتی به احترام به مقدسات دینی، حمایت از ارزش‌های نظام خانواده، اخلاق فاضله انسانی، محیط زیست، توجه به گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها دعوت شده و از خطرات تروریسم، تسلیحات کشتار جمعی، جهانی سازی، فقر و محرومیت، بیماری‌های خطرناک و... بر حذر داشته شده‌اند.

شایان ذکر است سران کشورهای (G 8) در تیر ماه امسال در سن پترزبورگ برای بررسی مسایل جهانی گردهم آمدند و رهبران ادیان بزرگ جهانی هم دو روز قبل از برگزاری اجلاس (G 8) گردهم آیی بزرگ خویش را برگزار نمودند. آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از جمهوری اسلامی ایران در اجلاس رهبران ادیان حضور یافت.

اجلاس کارشناسی و مقدماتی ادیان جهان قصد دارد پیام ادیان جهان را علاوه بر سران کشورهای صنعتی، برای کوفی عنان دبیر کل سازمان ملل متحد نیز ارسال نماید.

برگزاری اجلاس بین‌المللی رهبران ادیان جهان در مسکو

اجلاس بین‌المللی رهبران دینی جهان، سیزدهم و چهاردهم تیر ماه با حضور رهبران و نمایندگان دینی عالی رتبه، با دعوت شورای عالی روابط ادیان فدراسیون و رئیس شورای مفتیان روسیه در مسکو تشکیل شد.

در این اجلاس، موضوعاتی چون حفظ گفت‌وگو میان تمدن‌ها و مقاومت علیه عدم تساهل، تساهل فرهنگ‌ها و ادیان، راه‌های تحقق صلح و ایجاد نظام عادلانه جهانی، رویارویی با تهدیدات تروریسم و افراط‌گرایی بررسی گردید.

شرکت کنندگان در این همایش تأکید کردند که وظایف روحانیت نه تنها هدایت و تربیت و رشد فضایل و سجایای اخلاقی، بلکه تلاش برای جلوگیری از سوء استفاده از دین به عنوان عامل تزویر و ریا است تا دین قدرت خود را از دست ندهد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، رهبران و نمایندگان ادیان از ۱۴۰ کشور جهان، کثرت‌گرایی، گفت‌وگو و همکاری میان ادیان را بهترین راه حل مشکلات جهانی دانستند.

آن‌ها همچنین انحصاری‌گری، نژاد پرستی، تروریسم، دوری از معنویت و افراط‌گرایی را بزرگ‌ترین تهدید جهان امروز اعلام نمودند.

آیت‌الله تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، به عنوان نماینده جهان اسلام، در این همایش گفت: کوتاه‌ترین راه برای حل اختلافات و همکاری‌های ادیان، تساهل و تسامح و احترام متقابل است.

وی در این همایش، اعتلای کلمه حق، عمق بخشیدن به عدالت، افزایش سطح معنویت و معلومات را وظیفه ادیان در جهان معاصر خواند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تصریح کرد: امام خمینی علیه السلام دعوت بر عقلانیت، همکاری و گفت‌وگو را سر لوحه تعلیمات خود قرار داده و این‌ها مواردی بود که در نامه معروف وی به رهبر شوروی منعکس شده بود.

احمد بدر الدین حسون مفتی سوری نیز در سخنان خود، بحران معنویت را ریشه همه مشکلات جهانی خواند و گفت: ظلم و ستمی که به مردم عراق و فلسطین می‌شود با رسالت همه پیامبران مغایرت دارد.

هم‌چنین راویل عین‌الدین مفتی مسلمان روسیه بی‌عدالتی و فقر را تهدید بشریت خواند. وی گفت: سیاست یکه تازی و تک قطبی بودن جهان از عوامل اصلی مناقشات عراق، فلسطین و افغانستان و بحران تصنعی پیرامون برنامه هسته‌ای ایران است.

عبدالله معتوق وزیر اوقاف و امور اسلامی کویت نیز در این همایش با اشاره به ضرورت تعمیق و تثبیت نقاط مشترک میان ادیان آسمانی، گفت: تقریب میان تمدن‌ها و ادیان به منظور اشاعه فرهنگ صلح، محبت و آرامش در جهان، ضرورتی غیر قابل انکار است.

در ادامه این همایش هم‌چنین رهبران ادیان از کشورهای چین، آلمان، ارمنستان، رومانی و کویت سخنرانی کرده و بر دعوت به ائتلاف و گفت‌وگوی ادیان تأکید نمودند.

قابل ذکر است، چندی پیش ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه، نیز در دیدار با رهبران جوامع دینی آذربایجان، از سیاست ترویج گفت‌وگوی بین ادیان حمایت کرده و تأکید کرده بود که این اجلاس در عصر فعلی برای تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی که در تمام ادیان وجود دارد، بسیار مهم محسوب می‌شود، از این رو آمادگی خود را برای حمایت از پیشنهاد پاتریاک آلکسی دوم، رهبر روحانی کلیسای ارتدکس روسیه در برگزاری نشست جهانی رهبران دینی در مسکو اعلام کرده بود.

برگزاری دومین کنفرانس بین‌المللی متفکران و اندیشمندان اسلامی در اندونزی

دومین اجلاس بین‌المللی «علمای جهان اسلام» با عنوان «احیای اسلام به عنوان رحمت برای جهانیان» به منظور برپاداشتن عدالت و صلح جهانی و بررسی آینده مسلمانان خاورمیانه و راه‌های خروج امت اسلام از بحران‌های اخیر، با موضوعات تناقضات جهانی، بی‌عدالتی و فقر، دین‌گرایی و حرکت اقتصادی، اجتماعی و آموزشی، به عنوان راه‌کارهایی برای تحول، به مدت سه روز، از سی‌ام خرداد تا یکم تیر، و با سخنرانی لسیوسیلوبامبانگ یوهویرنو رئیس‌جمهور اندونزی آغاز به کار کرد. به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، رئیس‌جمهور اندونزی، در مراسم افتتاحیه این اجلاس و در جمع علما، روحانیون و رهبران برجسته دینی از ۴۵ کشور اسلامی به ویژه از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، با تأکید بر همکاری و وحدت بین کشورهای اسلامی، هم‌گرایی و همبستگی را از اصول اساسی پیشرفت و توسعه کشورهای اسلامی دانست و نمونه بارز این همکاری را کمک کشورهای اسلامی در واقعه سونامی و زلزله جنوب شرقی آسیا نام برد. در ادامه این کنفرانس، بدایوی نخست‌وزیر مالزی، امیر غازی بن محمد نماینده پادشاه اردن و نماینده پاپ رهبر کاتولیک‌های جهان نیز سخنرانی کردند.

در این همایش، ۳۲۰ اندیشمند مسلمان شرکت‌کننده از ۵۳ کشور جهان از حقوق مسلم کشورهای اسلامی در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حمایت کردند و در بیانیه خود با ارایه ۳۷ پیشنهاد برای انعکاس عکس‌العمل علما و اندیشمندان مسلمان در برابر تعرضات متعدد جهانی شدن، رفع بحران‌های بین‌المللی، ایجاد قدرت‌های اقتصادی و آموزشی و فعال‌سازی امور با سازمان کنفرانس اسلامی، ریشه‌کنی فقر و پیشرفت آموزشی و اجتماعی و جهت‌گیری‌های آینده، بر حق مسلم و انکار نشدنی همه کشورها در استفاده از انرژی هسته‌ای برای توسعه تحقیقات، تولید و دیگر مقاصد صلح‌آمیز تأکید کردند.

تلاش برای پر کردن شکاف میان مکاتب اسلامی به منظور تقویت وحدت مسلمانان، تشویق سازمان‌های مدنی در راستای مشارکت در امور اقتصادی و اجتماعی برای احقاق حقوق جوامع مسلمان و ایجاد نظام پولی مستقل در ICSI برای همکاری اقتصادی میان کشورهای مسلمان از بندهای دیگر مورد تأکید در این بیانیه است.

در آخرین روز این کنفرانس آیت‌الله تسخیری در کمیته مذهبی این کنفرانس طی سخنانی گفت: در نقاطی از جهان تفاوت‌های موجود در شناخت از اسلام به منشأ برخی درگیری‌ها تبدیل شده است. دبیر کل مجمع افزود: اسلام روحیه اخوت و برادری را در میان مسلمانان آموزش می‌دهد و انتظار می‌رود این روحیه سرمایه‌گران بهایی برای ایجاد سعادت، هو شیاری و بیداری مسلمانان باشد. وی از این که تحقق این روحیه با تشنه فرهنگی، مذهبی و دولتی روبه‌رو است ابراز تأسف کرد.

در حاشیه این اجلاس، آیت‌الله تسخیری با حضور در سمینار همبستگی مذاهب اسلامی در دانشگاه اسلامی شهر باندوگ و مرکز فرهنگی جا کارتا، در جمع زیادی از مسلمانان پیرامون شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام سخنرانی کرد.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حمله به مسجد برائا را محکوم کرد

بار دیگر دست پلید و جنایت‌کار آمریکا از آستین تروریست‌های وابسته، بیرون آمد و چهره زشت و اغراض شیطانی خود را با انفجار انتحاری در مسجد برائا و کشتار ملت مظلوم و مسلمان در مکان‌های مذهبی و دینی عراق به نمایش گذاشت و کینه‌ورزی خود را نسبت به اسلام و امت اسلامی ابراز داشت.

امروز آمریکا و انگلیس تحقق نقشه‌های خود را در دخالت در امور عراق به بهانه تشکیل حکومت منتخب عراق و دامن زدن به اختلافات مذهبی می‌بینند، از این رو بر ملت عراق است که با حفظ هوشیاری، وحدت و حرکت در مسیر مرجعیت آگاه، توطئه‌های آنان را خنثی کنند.

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اعلام انزجار شدید و محکوم نمودن این حوادث، اعلام می‌دارد بهترین راه مقابله اساسی و ریشه‌ای با این گونه حرکات تروریستی، خروج نیروهای اشغال‌گر از عراق، وحدت گروه‌های شیعی و سنی، ایجاد یک نیروی امنیتی قوی و در دست گرفتن حفظ امنیت به طور کامل توسط دولت منتخب ملت عراق است تا آنان بتوانند در آزادی کامل و در سایه اسلام، سرنوشت خود را رقم زنند.

وظیفه همه رهبران، علما و متفکران جهان اسلام است تا تمام توان و امکانات خود را در برابر این گونه دسیسه‌ها به کار گیرند و برای ایجاد وحدت بین مسلمانان از هیچ کوششی فروگذار ننمایند. این مجمع در پایان تأکید می‌کند که این قبیل حوادث اسفناک هرگز نمی‌تواند در روند وحدت و تقریب امت اسلامی و ارزش‌های والای آن کوچک‌ترین خدشه و خللی وارد آورد.

برگزاری کنفرانس بین‌المللی فلسفه تطبیقی

«علم و دین: تنوع رویکردهای فلسفی» در روسیه

کنفرانس بین‌المللی فلسفه تطبیقی «علم و دین: تنوع رویکردهای فلسفی» از نهم تا سیزدهم خرداد در انستیتوی فلسفه آکادمی علوم روسیه برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، این کنفرانس در بخش‌هایی با

عنوان روش‌های فلسفی خاور دور، سنت‌های هند و فلسفه اسلامی، به بررسی رویکردهای موجود درباره علم و دین پرداخت. در این نشست اندیشمندانی از کشورهای ایران، روسیه، آمریکا، انگلیس، فرانسه، لیتوانی و... حضور داشتند.

در بخش فلسفه اسلامی، پروفسور اسمیر نوف معاون انستیتوی فلسفه آکادمی علوم روسیه با موضوع «علم و ادیان: تحلیل ساختاری»، توفیق ابراهیم کارشناس ارشد انستیتوی خاورشناسی آکادمی علوم با موضوع «تعالیم عقلانی در قرآن»، پروفسور نورکر بایف رئیس دانشکده علوم انسانی دانشگاه دوستی ملل با موضوع «علم و ایمان در فلسفه غزالی»، خانم پروفسور یفرموا، کارشناس ارشد انستیتو فلسفه آکادمی علوم روسیه با موضوع «وحدت فلسفه و دین در تعالیم ابن رشد» و آیت‌الله تسخیری دبیر کل مجمع تقریب مذاهب اسلامی با موضوع «بازگشت به عقلانیت در دین» به ایراد سخن پرداختند.

آیت‌الله تسخیری در سخنرانی خود با اشاره به ضرورت بازگشت به عقلانیت از دیدگاه فلسفه و دین، به بیان مستندات از آیات و روایات اسلامی درباره دعوت به عقل پرداخت.

وی ضمن بر شمردن عقل به عنوان یکی از منابع شناخت در اسلام، به عدم مغایرت برداشت‌های عقلانی و وحی اشاره نمود و مطلق‌انگاری، تعصب، اخباری‌گری، تحجر و جمود فکری را از موانع عقل شمرد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، گفت‌وگوی مذاهب اسلامی و تفاسیر خردگرایانه از تعالیم اسلامی را یگانه راه پیش روی جوامع اسلامی شمرد. وی با تشریح گفت‌وگوی مؤثر میان نخبگان مذاهب اسلامی، این گام را به عنوان گام نخست در مسیر تفاهم متدینین به مذاهب اسلامی دانست و گفت: پس از گفت‌وگوی میان نخبگان علمی و فرهنگی نوبت به سیاست‌مداران و سپس عامه مردم خواهد رسید و این سیری است که ما به آینده آن بسیار امیدواریم.

آیت‌الله تسخیری در پایان سخنان خود به سؤالات اندیشمندان حاضر در جلسه در مورد «چگونگی گفت‌وگوی شیعه و سنی در خصوص ختم نبوت»، «مفهوم وحدت وجود فلسفه اسلامی» و... پاسخ گفت.

گفتنی است، دکتر اعوانی رئیس پژوهشکده فلسفه و حکمت ایران نیز که به دعوت رایزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کنفرانس شرکت نموده بود، پیرامون «سیر تحول در تعریف و مفهوم علم» سخنرانی کرد.

قابل ذکر است که در حاشیه این کنفرانس، آیت‌الله تسخیری با پوپف نماینده رئیس جمهور و سفیر فدراسیون روسیه در سازمان کنفرانس اسلامی دیدار و گفت‌وگو کرد.

برگزاری همایش «ارزش‌های انسانی و جوانان مسلمان روسیه» در مسکو

همایش «ارزش‌های انسانی و جوانان مسلمان روسیه» با حضور اندیش‌مندان و متفکرانی از کشورهای ایران، لیبی، کویت، عربستان سعودی، کشورهای آسیای میانه و میهمانانی از دفتر ریاست جمهوری روسیه، دولت، رؤسا و شهردار مسکو و سفرای کشورهای اسلامی با هدف گام برداشتن در مسیر اتحاد حرکت‌های جوانان مسلمان و ایجاد یک پارچگی جامعه اسلامی روسیه و پیشبرد اهداف متعالی دین مبین اسلام، نهم و دهم خرداد ماه از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اداره روحانیت مسکو و چند مرکز فرهنگی اسلامی در مسکو برگزار شد.

دبیر کل مجمع در مراسم افتتاحیه این کنفرانس، پس از ابلاغ سلام ریاست جمهوری اسلامی ایران دکتر احمدی‌نژاد به جوانان مسلمان روسیه و شرکت‌کنندگان در سمینار و تأکید بر این نکته که دنیای اسلام از غرب آسیب دیده است، در حالی که غرب شعار حقوق بشر سر می‌دهد، گفت: روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند به جهان اسلام نزدیک‌تر شود و جوانان در این میان نقش بسیار مؤثری دارند.

وی در ادامه افزود: بر جوانان مسلمان واجب است با پای‌بندی بر هویت اسلامی خود در خدمت آینده

ملت خود باشند و نقش تمدنی خود را ایفا کنند.

دبیر کل مجمع در این کنفرانس تصریح کرد: تعالیم و آموزش‌ها باید با تربیت عواطف و احساسات همراه باشد، زیرا تأثیر مثبتی بر سلوک و رفتار دارد.

وی در پایان با بیان این‌که توازن و تعادل در تمام ابعاد اسلام وجود دارد، گفت: با تربیت اسلامی جوانان در این جامعه و ارتباط کاری آنان با مفتی و علمای این کشور، آن‌ها می‌توانند در زمینه‌های سیاسی، علمی، اقتصادی و... نقش مؤثری داشته باشند.

در این مراسم، انصاری سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو گفت: امروز جهان بیش از هر زمانی نیاز به معنویت دارد و همه ادیان الهی باید تلاش کنند این معنویت را به جهان معرفی کنند. اگر بشریت به سمت معنویت هدایت نشود روز به روز مشکلات جوانان بیش‌تر خواهد شد.

وی خاطر نشان کرد: کشورهای اسلامی باید در جهت آموزش جوانان سرمایه‌گذاری اساسی نمایند، به ویژه کشورهایی که مسلمانان در آن‌ها در اقلیت هستند.

هم‌چنین راویل عین‌الدین رئیس شورای مفتی‌های روسیه، با تأکید بر خودداری از افراط‌گرایی در اسلام گفت: در آینده نزدیک در مسجد جامع مسکو «مرکز اسلام متعادل» آغاز به کار خواهد کرد.

به گفته وی هدف اصلی این نهاد «روشن‌گری اسلامی متعادل» در مراکز آموزشی روسیه خواهد بود. این رهبر مسلمانان روسیه، قوانین کشور در امور مذهبی و موضع رئیس جمهوری روسیه در این مورد را عالی ارزیابی کرد.

وی در همین حال به موانعی در مسیر احداث مساجد و تأسیس مراکز آموزشی اسلامی در برخی مناطق روسیه اشاره کرد.

راویل عین‌الدین این مسئله را خطرناک خواند و گفت: به جای این که مسلمانان در مساجد تحت کنترل ما گرد هم آیند در منازل اجتماع می‌کنند و به موعظه‌های افراد ناشناس گوش می‌دهند. وسولد چاپلین سخن‌گوی کلیسای ارتدوکس روس در این همایش از مسلمانان دعوت کرد به اتفاق پیروان سایر مذاهب، با افراط‌گرایی مبارزه کنند. وی گفت: تمایل به اصلاح جهان از خصوصیات جوانان است اما مریبان باید به آن‌ها در یافتن راه صحیح کمک کنند.

عادل فلاح معاون وزیر اوقاف کویت سخنران دیگر این مراسم بود که بر پیشبرد اهداف متعالی اسلام در بین جوانان مسلمان روسیه و پیروی از اعتدال در آموزش‌ها تأکید کرد. وی خاطر نشان کرد: دولت کویت ده میلیون دلار برای این منظور اختصاص داده است.

در این مراسم نمایندگان مناطق روسیه و نمایندگان ادیان آسمانی تأکید کردند که افراط و تفریط، لیبرالیسم، پوچ‌گرایی، گرایش به مواد مخدر و الکل از عوامل تهدید کننده جوانان است که نیاز است با آموزش جوانان به عنوان سرمایه‌های جهان اسلام و در پیش گرفتن راه اعتدال، آنان را از این خطرات نجات داد.

در نشست روز اول این کنفرانس، آیت‌الله تسخیری، در موضوع مسلمانان جوان، آن گونه که اسلام می‌خواهد» سخنرانی کرد.

دبیر کل مجمع با اشاره به نقش علما و مفتیان در شکل دهی و استوار سازی شخصیت نوجوانان و جوانان مسلمان، بر اصل توازن و تعادل در اعتقادات، اخلاق و سلوک اسلامی تأکید ورزید و با ذکر آیات و روایات متعدد، زیبایی انسان را در بندگی خداوند و حرکت در صراط مستقیم و دوری از معصیت دانست.

وی با یادآوری ابزارهای تربیتی - تشویقی اسلام در متون اسلامی، مرحله جوانی را معادل فصل بهار در طبیعت دانست و افزود: جوانی مرحله‌ای است که تمامی جنبه‌های عقیدتی، عاطفی و تربیت آدمی در چارچوبی از خردورزی منطقی و تربیت ریشه‌دار، شکل می‌گیرد و از این رو اسلام بر این دوره تأکید می‌کند.

دبیر کل مجمع در پایان گفت: اسلام اهمیت زیادی به تربیت نسل جوان صالح که امانت الهی را به نسل بعد از خود می‌سپارد و با قدرت و صلابت تمام، اسباب جانشینی خدا را آماده می‌کند، داده است. در نشست روز اول کنفرانس، مراد مرتازین نائب رئیس شورای مفتی و رئیس دانشگاه اسلامی مسکو، عادل فلاح معاون وزیر اوقاف کویت، توفیق ابراهیم، دکترای فلسفه، و لیونید سیوکیانین، دکترای حقوق، پیرامون «آموزش دینی و هدایت جوانان مسلمان، شکل‌ها و چشم‌اندازها»، سخنرانی کردند.

هم‌چنین روسیه و انتشارات اسلامی، نقش جوانان مسلمان در زندگی اجتماعی و سیاسی روسیه و ویژگی‌های قومی و منطقه‌ای جوانان مسلمان، از موضوعات اصلی مورد بحث شرکت‌کنندگان در روز دوم اجلاس بود که محمد عبدالغفار الشریف، دبیر کل اوقاف کویت، پیرامون «اسلام: گفت‌وگو با دیگران»، عبدالله نوروللایف، دکترای فلسفه، پیرامون «تحکیم صلح و آرامش بین پیروان ادیان مختلف و تسامح بین نمایندگان جوان از قومیت‌های مختلف»، اکلسی مالاشینکو، دکترای تاریخ، درباره «ترس از اسلام در روسیه و اثر آن بر جوانان مسلمان»، فرید فارسوف، دکترای حقوق، پیرامون «سیاست دولت در برابر سازمان‌های جوانان مسلمان» و عصام البشیر، دکترای علوم دینی، پیرامون «ویژگی‌های منطقه‌ای برای ترویج اندیشه اعتدال بین مسلمانان» سخنرانی کردند.

اتحادیه جهانی علمای مسلمان،

امت اسلام را به حمایت از مقاومت لبنان و فلسطین فراخواند

اتحادیه جهانی علمای مسلمان، همه کشورهای عربی و اسلامی را به حمایت از مقاومت لبنان و فلسطین فراخواند.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اتحادیه جهانی علمای مسلمان در بیانیه‌ای ضمن تحسین مقاومت قهرمانانه مردم مظلوم فلسطین و لبنان به عنوان اقدامی مشروع و به حق، تأکید کرد: این همان حقی است که توسط اسلام و دیگر آیین‌های الهی مقرر گردیده و قطع‌نامه‌های سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی بر آن صحنه گذاشته‌اند. این اتحادیه، امت اسلامی را نسبت به توطئه بزرگی که تلاش می‌کند مقاومت مردم فلسطین و لبنان را نامشروع جلوه دهد برحذر می‌دارد.

در بخشی از این بیانیه آمده است: باید با سربازان دشمن که به اسارت گرفته شده‌اند، طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به اسرا برخورد کرد.

اتحادیه جهانی علمای مسلمان همچنین از کشورهای به اصطلاح متمدن می‌خواهد که برخورد آن‌ها با تجاوز گر و کسانی که در معرض تجاوز قرار گرفته‌اند یکسان نباشد و بدانند شکیبایی ملت‌های مقهور و مستضعف چنان‌چه به درازا بکشد به ناچار منجر به انفجاری خواهد شد که تر و خشک را خواهد سوزاند.

اتحادیه جهانی علمای مسلمان، مؤسسه‌ای است که در راه وحدت نیروهای مسلمان و پیروان مذاهب و جریان‌های مختلف و نیز یکسان‌سازی تلاش‌های علما و موضع‌گیری فکری و عملی آنان در برابر مسایل سرنوشت‌ساز امت بزرگ اسلامی در مقابل چالش‌های رویاروی گام بر می‌دارد. علامه دکتر یوسف قرضاوی رئیس اتحادیه و آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع به عنوان نائب رئیس و عضو هیئت امنای این اتحادیه می‌باشند.

موفقیت بی‌نظیر برای مسلمانان بلژیک*

بیستم مارس یکی از روزهای تاریخی برای مسلمانان بلژیک به شمار می‌آید. در این روز، انتخاب شورای مسلمانان بلژیک با کاندیداتوری ۱۷۸ نفر و با حضور ۶۹ هزار مسلمان بلژیکی برای تعیین ۶۸ تن برگزار شد که ۱۷ تن از آن‌ها برای انتخابات داخلی دفتر اجرایی معین می‌شوند. این در حالی است که قانون انتخابات، به نمایندگان مساجد و همه اقلیت‌های مسلمان ساکن بلژیک حق کاندیداتوری می‌دهد.

بلژیک اولین دولت در اروپای غربی است که اسلام را در سال ۱۹۷۴ میلادی، به رسمیت شناخت. یک ربع قرن پس از به رسمیت شناخته شدن اسلام در بلژیک، مسلمانان این کشور موفقیت دیگری را به دست آوردند و آن تعیین یک هیئت نماینده مسلمان در دولت است که برای مقامات بلژیک یک مسئله مهم به شمار می‌رود. تعیین هیئت مؤسسان برای مسلمانان اولین تجربه در نوع خود در قاره اروپا محسوب می‌شود و این تجربه باید در سایر کشورهای اروپایی گسترش پیدا کند تا به مانند پیروان ادیان دیگر در کشورهای اروپایی مستقل شده و از هویت اسلامی خود در جامعه حفاظت کرده و با جریان‌ها و طیف‌های مختلف فکری هم‌گام شوند.

انتخابات ۱۹۹۸ میلادی

انتخابات سال ۱۹۹۸ میلادی برای تعیین اعضای هیئت مؤسسان پس از تصمیم دولت بلژیک

* مجله پیک تقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، شماره ۳۱، مهر ۱۳۸۴.

در ژوئن ۱۹۹۸ با اعطای حق انتخاب یک نماینده مسلمان به عنوان سخن‌گوی مسلمانان در دولت برگزار شد.

این انتخابات در مساجد مراکز اسلامی بلژیک با حضور ۷۰ هزار مسلمان واجد شرایط برگزار گردید.

هیئت مؤسسان ۶۸ عضو دارد که از این تعداد ۵۱ تن غیردائمی و ۱۷ تن دائمی می‌باشند. مقام‌های بلژیکی وظیفه حمایت از امور عبادی و حفاظت از مساجد، هزینه حقوق ائمه جماعات، آموزش دین اسلام و تدوین قانون ثابت در وزارت آموزش و پرورش برای معلمان دین اسلام را به عهده گرفته‌اند. این در حالی است که قبل از آن، تأمین این امور از طریق کمک‌ها و هزینه‌های کشورهای اسلامی و عربی انجام می‌شد و این یک دستاورد و موفقیت بزرگ برای مسلمانان این کشور محسوب می‌شود.

۴۵۰ هزار مسلمان در این کشور زندگی می‌کنند که از این تعداد، ۲۵ هزار مراکشی، ۱۳۰ هزار ترک، ۳۰ هزار آلبانیایی و بقیه دارای تابعیت‌های فلسطینی، الجزایری، تونسی و بوسنیایی هستند و از فعال‌ترین اقلیت‌های ساکن در اروپا محسوب می‌شوند.

۲۹۰ مسجد در بلژیک ساخته شده و قدیمی‌ترین مرکز تاریخی، مرکز فرهنگ اسلامی در بروکسل وابسته به انجمن جهان اسلام در مکه مکرمه است. این مرکز با کمک‌های عربستان سعودی ساخته شده است.

مرکز فرهنگ اسلامی

مرکز فرهنگ اسلامی نقش برجسته‌ای در گسترش بیداری مسلمانان دارد. طرح ساخت این مرکز در آغاز دهه ۶۰ شروع شد و در سال ۱۹۶۵ به پایان رسید.

این مرکز با هزینه و کمک مقام‌های دولتی و کشورهای دیگر عربی از جمله عربستان سعودی ساخته شده است. طولی نکشید که ساخت مساجد و مراکز اسلامی در بزرگ‌ترین پایتخت‌های اروپایی و غیر اروپایی گسترش یافت و انجمن‌ها و شوراهای دینی نیز بر آن‌ها نظارت نموده و بودجه لازم را در اختیار آن‌ها قرار دادند تا مباداد گروه‌های تندرو برای اغراض حزبی و سیاسی خود از دین بهره‌برداری کنند. در حال حاضر نیز تعدادی از نمایندگان انجمن جهان اسلام (بزرگ‌ترین نماینده اقلیت اسلامی در بلژیک) بر این سازمان‌ها و مراکز اسلامی نظارت دارند.

مرکز فرهنگ اسلامی در بروکسل به خاطر مزایای ویژه‌اش از مراکز دیگر متمایز شده است. بروکسل مرکز اتحادیه اروپا و مقر کمیساریای دولتی است. همچنین مرکز و مقر پیمان ناتو، یکی از مهم‌ترین و قوی‌ترین پیمان‌های نظامی جهان، به شمار می‌آید.

از سویی دیگر، بلژیک اولین دولت در اروپای غربی است که دین اسلام را به رسمیت شناخت و حقوق شهروندی یکسان با دیگر شهروندان مسیحی و یهودی برای مسلمانان قرار داد و راه‌های دستیابی و مطالبه این حقوق را نیز به روی آنان گشود. این مرکز نقش تاریخی و سرنوشت سازی را در تحکیم اسلام در سراسر اروپای غربی ایفا کرده است.

تشویق مسلمانان در کشورهای دیگر برای رسمی نمودن دین اسلام و تلاش جهت به رسمیت شناختن این دین از سوی دولت‌های اروپایی به عنوان دومین دین رسمی بعد از کاتولیک و پروتستان از جمله فعالیت‌های این مرکز به شمار می‌آید.

فعالیت‌های مرکز فرهنگ اسلامی در دو بخش دینی، فرهنگی و اجتماعی است، به طوری که در مناسبت‌های مختلف، برنامه‌هایی را برای گسترش اسلام در زمینه فقه، حفظ قرآن کریم، تفسیر برای خردسالان و بزرگسالان مرد و زن برپا می‌کنند. همچنین پاسخ‌گوی مسایل شرعی مسلمانان نیز هستند.

این مرکز برنامه‌هایی را نیز برای راهنمایی زائران خانه خدا در ادای فریضه حج برگزار می‌کند و مشکلات و نیازهای ضروری اقلیت‌های مسلمانان را در جامعه اروپا برطرف می‌کند.

از سوی دیگر، این مراکز یک مدرسه اسلامی برای آموزش داوطلبان مسلمان و غیر مسلمان به زبان غربی و فرهنگ عربی و اسلامی دارد که هر روز بر مشتاقان فراگیری اصول دین اسلام و آموزش زبان برای شناخت معجزه‌ها و اسرار پیچیده عقلی افزوده می‌شود.

این مرکز یک کتابخانه شامل کتاب و منابع اسلامی به زبان عربی، فرانسوی، فنلاندی، ترکیه‌ای و انگلیسی را در خود جای داده است. همچنین دارای یک سالن گفت‌وگو برای برپایی همایش‌ها، انجمن‌ها و مناظرات فکری و دینی است.

مرکز فرهنگ اسلامی با توجه به اهمیت تبلیغ فرهنگ، «مؤسسه نشر و چاپ» را در بلژیک تأسیس کرده است. این مؤسسه خدمات تبلیغ و انتشار نشریه‌هایی به زبان فرانسوی و عربی، تولید فیلم‌های فرهنگی متنوع با نوارهای کاست و ویدیویی و انتشار مهم‌ترین اطلاعات در مورد فعال‌ترین مراکز و فعالیت‌های مسلمانان را برعهده دارد.

همچنین این مراکز با آغاز دهه هشتاد، رادیویی محلی با نام "صدای انجمن جهان اسلام" در بروکسل تأسیس کرد. این رادیو برنامه‌های اسلامی چون تلاوت قرآن کریم، اذان و برخی اطلاعات ضروری در مورد نماز و روزه را برای مسلمانان بلژیک پخش می‌کند.

مسلمانان در اروپا موفقیت مرکز فرهنگ اسلامی در بروکسل و به رسمیت شناخته شدن اسلام

در بلژیک را عامل و انگیزه‌ای برای تأسیس مراکز و مساجد مختلف در شهرهای دیگر کشور دانسته‌اند، به طوری که در اواخر دهه هشتاد، مسلمانان با شکوه اسلامی را در ۸ شهر بلژیک به ویژه آنتورپ ساختند.

نمایندگان انجمن جهان اسلام به مساجد بلژیک که حدود ۱۰۰ مسجد و نمازخانه است، نظارت دارند.

گفتنی است در سال ۲۰۰۵ میلادی بیش از ۳۰۰ نفر از مردم بلژیک به اسلام گرویده‌اند؛ یعنی تقریباً هر روز یک نفر مسلمانان شده است، که این مسئله در تاریخ بلژیک بی‌سابقه می‌باشد.



أخذتني
أقرب

لا يمشى تقرب

مآخذشناسی اندیشه تقریب

سلمان حبیبی

آثار منتشر شده توسط مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

من الظواهر العامة فی الاسلام

محمد علی تسخیری، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۳۸۴ صفحه، وزیری.
عنوان کتاب، پدیده‌های اجتماعی در اسلام است که مؤلف محترم کوشیده است بعضی از پدیده‌های اجتماعی را بررسی نموده و آیات و روایات مرتبط با آن را شرح و تفسیر نماید.

نخستین پدیده یا موضوعی که مؤلف به آن پرداخته، مسئله اخلاق و تحقق عدالت و حقوق افراد در جوامع اسلامی است. در بخش دوم کتاب، موضوع همکاری و تعاون و هماهنگی بررسی شده و مؤلف، تعاون را با توجه به آیه شریفه «تعاونوا علی البر و التقوی...» به تمام میدان‌های انسانی گسترش داده و آن را در بین عده‌ای خاص یا موضوعی خاص محدود نکرده است، بلکه معتقد است هر عملی که عنوان برّ و نیکی بر آن جایز باشد میدان تعاون و هماهنگی و انسجام نیز می‌باشد و آن را امری فطری می‌داند.

سومین موضوع که مؤلف حدود ۱۸۰ صفحه از کتاب را به آن اختصاص داده است، مسئله تعادل و توازن می‌باشد. وی در آغاز بحث مقصود خویش از توازن را چنین بیان نموده است: «مقصود از توازن، برابر بودن دو طرف یک موضوع نیست، همچنان که در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، بلکه توازن آن است که هر چیزی در جای خویش قرار گیرد» و سپس در دو قسمت از آن بحث نموده است: الف: متوازن و هماهنگ دیدن تمام هستی و آنچه در آن است؛ ب: هماهنگی و توازن در برخورد یک مسلمان با نظام هستی، که در شرح این قسمت، احکام عبادی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اسلام را هماهنگ و متوازن با هستی دانسته است.

در بخش چهارم، موضوع جهان‌شمولی اسلامی از جهت نظری و واقعی بحث شده و بیان گردیده که قرآن از جهت نظری برای بشریت، نظام و دولت واحد و یک رهبر و پیشوا و قانونی که هماهنگ با فطرت او است باور دارد، و از جنبه واقعیت و تحقق خارجی نیز نامه‌های پیامبر ﷺ به سران آن روز جهان به عنوان نمونه مطرح شده است.

و در بخش پنجم، موضوع مدارا و نرمش در اسلام بررسی گردیده و به بعضی از شبهات موجود در این باره پاسخ داده شده است.

در پایان نیز مؤلف موضوع امیدواری را مطرح نموده و بیان می‌دارد که در باور اسلامی جایی برای یأس و نومیدی وجود ندارد و به اموری که امید را زنده نگه می‌دارد چون، توکل، توبه، دعا، شفاعت، انتظار و... می‌پردازد.

الاقليات الاسلاميه و علاقاتها بمجتمعاتها

محمدعلی تسخیری، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی،

چاپ دوم، ۱۳۸۵، ۱۵۲ صفحه، رقعی.

اقلیت‌های مسلمان، یک سوم مسلمانان جهان را تشکیل می‌دهند که در سرتاسر جهان در بین پیروان ادیان مذاهب دیگر زندگی می‌کنند و در حالی که از فرهنگ و تمدن و دستاوردهای علمی و اقتصادی آن‌ها

بهره‌مند می‌شوند، مشکلات زیادی دارند که در این کتاب سعی شده است مشکلات و خواسته‌های آنان بررسی گردد.

کتاب از چند مقاله تشکیل شده است که نویسنده آن را به کنگره‌ها و کنفرانس‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی ارایه نموده است. در مقاله اول که عنوان آن «نقش سازمان کنفرانس اسلامی در حل مشکلات اقلیت‌های مسلمان» می‌باشد، مشکلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بررسی و در ضمن شرح مشکلات اجتماعی، به مسایلی چون آموزش و پرورش، اختلاط و رسانه‌های عمومی نیز پرداخته شده است.

در مقاله دوم که عنوان آن «حمایت حقوقی از اقلیت‌های مسلمان در پرتو قوانین کشورهای

اروپایی» است، ضمن تعریف اقلیت در اصطلاح قانون و ذکر تعداد مسلمانان در هر یک از کشورهای اروپایی - که در اکثر کشورها اولین اقلیت مذهبی می‌باشند - مشکلات حقوقی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان در اروپا بررسی شده است و در مقالات بعد به موضوعاتی هم‌چون فرهنگ جهانی و اقلیت‌های مسلمان، آن‌چه که یک مسلمان باید انجام دهد، نقش مسلمانان در احیای دین در جوامع روسیه و سایر بلاد، وضعیت فرهنگی کشورهای آفریقایی و وظیفه اقلیت‌های مسلمان در مقید بودن به اصول و مقتضیات زمان پرداخته شده و در پایان نیز به چند نمونه از سئوالات اقلیت‌های مسلمان و پاسخ آن‌ها اشاره شده است.

المسلمون فی اقطار غیر الاسلامیه

عبدالعزیز بن عثمان التویجری، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴، ۱۰۴ صفحه، رقعی.
عنوان کتاب، «مسلمانان در کشورهای غیرمسلمان» می‌باشد که توسط آقای دکتر عبدالعزیز بن عثمان التویجری مدیر کل سازمان آموزش علمی و فرهنگی اسلامی «آیسیسکو» نگاشته شده است.

کتاب دارای دو بخش است؛ بخش اول که عنوان آن «نقش انجمن‌ها و مؤسسات اسلامی در ارایه تصویر اسلام» می‌باشد، با مقدمه‌ای به سه زبان عربی، انگلیسی و فرانسه آغاز شده و ضمن بیان ضرورت معرفی حقایق اسلامی، به خصوص پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، و پیراستن آن از خرافات و اباطیلی که دشمن به نام اسلام در صدد گسترش آن است، به مفهوم اقلیت‌های اسلامی پرداخته و بیان داشته است که پدیده اقلیت‌های مسلمان در دهه اول قرن بیستم شکل گرفته و به تدریج در سرتاسر جهان حتی در بعضی از کشورهایی که در گذشته بسیار نزدیک تحت حکومت‌های اسلامی بودند پدیدار گشته است.

موضوع دوم این بخش مربوط به اوضاع اقلیت‌های مسلمان و انجمن‌های اسلامی در محیط‌های مختلف اعم از اروپا و آمریکا و هم‌زیستی آنان با غیر مسلمانان است. موضوع سوم درباره راه‌های استفاده از پشتوانه فرهنگی اسلامی در ارتباط با دیگران و سعی در ارتقا، حفظ و نگاه‌داری و ضعیف نشدن این پشتوانه در محیط جدید است.

موضوع چهارم به وابستگی مسلمانان به مناطق و کشورهایی که در آن زندگی می‌نمایند و یا ناگزیرند خود را با محیط سازش داده و با سایر مردم هماهنگ نمایند، پرداخته است. نقش پشتوانه فرهنگی در حضور اقلیت‌های مسلمان، مؤسسات و سازمان‌های اسلامی، و ارتباط آنان با یک‌دیگر از موضوعات دیگر بخش اول می‌باشد. اما عنوان بخش دوم کتاب «مسلمانان غربی و جهان اسلام» می‌باشد که در آغاز توضیح می‌دهد مقصود از مسلمانان غربی، «تمام مسلمانانی می‌باشند که در کشورهای غیر اسلامی چه غرب یا شرق زندگی می‌نمایند» و سپس با مقدمه‌ای با سه زبان انگلیسی، فرانسوی و عربی به موضوعاتی چون گذشته تاریخی این پدیده که از نیمه اول قرن بیستم آغاز شده، می‌پردازد و در ادامه به موضوع حضور اسلام در غرب با هجرت مسلمانان به سایر بلاد پرداخته و در پایان، حوزه فعالیت‌های اسلامی مسلمانان در جهان غرب را بررسی می‌نماید.

لباب النقول فی موافقات جامع الأصول

سید محمدحسین جلالی، تهران، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۴ جلد، ۱۹۷۹ صفحه، وزیری. این کتاب شامل بررسی و تجزیه و تحلیل احادیث و روایات کتاب «جامع الأصول من احادیث الرسول ﷺ» تألیف «امام مجد الدین ابی السعادات المبارک بن محمد الموصلی» معروف به ابن الأثیر الجزری، ۶۰۶ هجری می‌باشد.

ابن اثیر الجزری در این کتاب هزاران حدیث را از کتاب‌های شش‌گانه‌ای که نزد اهل سنت معتبر می‌باشد جمع‌آوری نموده است و از جمله کتاب‌هایی است که با توجه به نگارش قوی آن، نزد اهل سنت از ارزش و اعتبار زیادی برخوردار بوده و جامع تمام کتاب‌های حدیثی آنان می‌باشد. سعی و تلاش آقای جلالی آن بوده است که با دقت نظر در یکایک احادیث این کتاب، آن‌ها را با احادیث شیعه تطبیق داده و سپس در کتاب لباب النقول ابتدا متن حدیث جامع الأصول و سپس حدیث موافق آن را از یک کتاب معتبر شیعه نقل نماید که البته بیش‌ترین حدیث موافق ابتدا از کتاب

بحار الانوار و بعد وسائل الشیعه و سپس سایر کتاب‌ها می‌باشد و گاهی نیز چند حدیث موافق برای حدیث جامع الأصول ذکر شده است.

نکته قابل توجه این‌که در بسیاری از موارد، عین روایت جامع‌الاصول یا با تغییری اندک، حدیث موافق آن از منابع شیعه نقل شده است و در بعضی از موارد اسناد آن‌ها نیز یکسان است. نویسنده ضمن بیان مقدمه‌ای در معرفی مؤلف کتاب و دلایل انتخاب آن برای تحقیق و بررسی، مباحث آن را بر اساس حروف الفبا مرتب کرده است. موضوعات مطرح شده بر اساس حروف الفبا عبارت‌اند از:

حرف الهمزة، الایمان، الاسلام، الاعتصام بکتاب الله و السنه، الامانة، الامر بالمعروف و النهی عن المنکر، الاعتکاف، احياء الموات، الأیلاء، الأسماء و الکنی الآتیة و الأمل و للأجل؛

حرف الباء: البر، البیع، البخل و ذم المال و البنیان و العمارات؛

حرف التاء: تفسیر القرآن و اسباب نزوله، تلاوة القرآن و قرأته، ترتیب القرآن و تألیفه، التوبه،

تعبیر الرؤیا، التفلیس و تمنی الموت؛

حرف الجیم: الجهاد، الجدال و المراء؛

حرف الحاء: حج و العمرة، الحدود، الحضانه، الحیاء، الحسد و الحرص؛

حرف الخاء: الخلق، الخوف من الله، خلق العلم، الخلافة و الأماره و الخلع؛

حرف الدال: الدعاء، الدیات، الذین و آداب الوفاء؛

حرف الذال: الذکر، الذبح، ذم الدنيا و ذم اماکن من الارض؛

حرف الراء: الرحمة، الرفق، الرهن و الریا؛

حرف الزاء: الزکاة، الزهد و الفقر، الزینه.

حرف السین: السخاء و الکرّم، السفر و آدابه، السبق و الرمی، السؤال و السحر و الکهانہ؛

حرف الشین: الشراب، الشركه و الشعر؛

حرف الصاد: الصلاة، الصوم، الصبر، الصدق، الصدقه، الصلة الرحم، الصحبه، الصداق، الصيد و

الصفات؛

حرف الضاد: الضیافه و الضمان؛

حرف الطاء: الطهاره، الطعام، الطب و الرقی، الطلاق و الطیره و الفال و الشؤم؛

حرف الظاء: الظهار و کفارتہ؛

حرف العین: العلم، العفو و المغفره، العتق و التدیبر، العدة و الأستبراء، العاریه، العمری و الرقی؛

حرف الغین: الغزوات و السرايات و البعوث، الغیره، الغضب، الغیظ، الغصب، الغیبة و النمیمه، الغناء و اللهو و الغدر؛

حرف الفاء: فضائل و مناقب القرآن و الانبیاء و الأولیاء و الأمکنه و... الفرائض و الموارث و الفتن و الأهواء و الأختلاف؛

حرف القاف: القدر، القناعة، القضاء، القتل، القصاص، القسامه، القراض، القصص و القیامه؛

حرف الکاف: الکسب و المعاش، الکذب، الکبر و العجب و الکبائر؛

حرف اللام: اللباس، اللقطه، اللعان و الحاق الولد، اللقیط، اللهو و اللعب و اللعن و اللب؛

حرف المیم: المواعظ، المزارعة، المدح، المزاح و المداعبه، الموت و المساجد؛

حرف النون: النبوه، النکاح، النذور، النیه، النصیح و المشوره، النوم، النفاق و النجوم؛

حرف الهاء: الهجرتین، الهدیه و الهبه؛

حرف الواو: الوصیه، الوعد و الوکاله؛

حرف الباء: الیمین.

و در جلد چهارم کتاب نیز در چهار فصل احادیث مشترک دیگری در مسایل اخلاقی بیان شده است.

اسلام در نگاه غرب

دومین شماره مجله «اسلام در نگاه غرب» از سوی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و مؤسسه اطلاعات و تحقیقات اسلامی به منظور نقد و بررسی آخرین آثار منتشر شده به زبان انگلیسی درباره اسلام و غرب در اسفند ماه ۱۳۸۴ منتشر گردیده است. در این شماره ابتدا عناوین تعداد پنجاه و نه کتاب از آخرین کتاب‌های منتشر شده به زبان انگلیسی

معرفی و از میان این فهرست محتویات هشت کتاب به تفصیل بیان گردیده و هفت کتاب نیز مورد نقد و بررسی بیشتری قرار گرفته و در پایان، منابع و مآخذ دسترسی به کتاب‌های معرفی شده، جهت اطلاع محققان و پژوهشگران محترم ذکر شده است.

عناوین برخی کتاب‌های معرفی شده عبارت است از:

فصلی در مکه: روایتی از حج، تنها ماندن در مکه؛ میهمانان خدا: زیارت و سیاست در جهان؛ مکه مکرمه و مدینه منوره؛ حج: زیارت یک آمریکایی در مکه؛ حج: زیارت درونی؛ حج: زیارت مسلمانان در مکه و اماکن مقدسه؛ مسافران وارسته؛ مقصود مقدس: مقالاتی در حاشیه اسلام؛ کمیل اسلام (۴۰ حدیث)؛ عدالت و تذکار: بیان معنویت امام علی، پیامبر اکرم و عصر خلفا؛ اسلام: از حضرت آدم تا حضرت خاتم و پس از آن؛ سرچشمه‌ها و پیشرفت‌های اولیه شیعه در اسلام؛ علی بن ابیطالب علیه السلام: چهارمین خلیفه اسلام؛ اعراب شیعی: مسلمانان فراموش شده؛ اولین سلسله اسلام: خلفای اموی، علی علیه السلام چهارمین خلیفه اسلام، جانشین محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛ امام علی بن ابیطالب: اولین روشن فکر مسلمان؛ اختلاف میان شیعیان و اکثریت محققان مسلمان؛ معرفی شیعه در اسلام؛ امام علی علیه السلام: سرچشمه نور، خرد و توانایی؛ علی امام المتقین؛ زندگی‌نامه آیت الله خمینی؛ در باغ گل‌های سرخ شهدا؛ معمای ایران: برخورد بین ایران و آمریکا؛ ایران نوین: ریشه‌ها و نتایج انقلاب؛ تمام مردان شاه؛ آخرین انقلاب عظیم؛ ایجاد حکومتی اسلامی: (امام) خمینی و ساخت ایرانی جدید، انقلاب غیرمنتظره در ایران؛ اسلام: یک مجموعه چند قسمتی نه یک پارچه؛ اقلیت‌های مذهبی در ایران و...



ب. سایر آثار منتشر شده در زمینه اندیشه تقریب

اهل بیت علیهم السلام محور وحدت

احمد حسین یعقوب، ترجمه عباس جلالی، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۴، ۶۰۰ صفحه، وزیری.

وحدت امت اسلامی، آرزوی قلبی هر مسلمان راستین و هدف مشترک مؤمنان شرق و غرب گیتی است. کتاب «اهل بیت علیهم السلام محور وحدت» ترجمه کتاب گران سنگ «الخطط السياسية لتوحيد الامة الاسلامية» است که محور وحدت را بر آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام استوار

ساخته و در سه بخش کلی ارکان شرعی وحدت امت اسلامی، اختلاف پس از وحدت و ائتلاف، در هم ریختن نظام سیاسی اسلام بعد وفات نبی اکرم صلی الله علیه و آله، به شرح آن پرداخته است. مهم‌ترین عناوین کتاب عبارت است از:

ماهیت وحدت امت اسلامی، معنی وحدت امت، وحدت امت اسلامی نعمتی الهی، ارکان وحدت امت اسلامی، نظام حقوقی الهی، نقد دیدگاه رسمی پیرامون جمع آوری قرآن، دیدگاه اهل بیت در جمع آوری قرآن، جایگاه سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در نظام حقوقی، شخصیت پیامبر صلی الله علیه و آله از دیدگاه شیعه، نگارش حدیث نبوی، نگارش احادیث نبوی از دیدگاه اهل سنت، امت؛ رکن سوم وحدت، ماهیت اختلاف و خطرهای آن، گشوده شدن درهای پراکندگی و اختلاف، اتحاد و همبستگی ره‌آورد قانون‌های بشری، تبدیل احکام خودساخته به اعتقاد، نظام حقوقی الهی در زمان پربرکت پیامبر صلی الله علیه و آله، درهم ریختن نظام سیاسی اسلام، اصلاح و الغای قانون الهی، پیدایش نظام جای‌گزین و... در صفحات پایانی کتاب نیز فهرست آیات، روایات، اسمای معصومین علیهم السلام، اشخاص، مکان‌ها و کتاب‌ها ارائه شده است.

وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت

سید محمدباقر حکیم، ترجمه عبدالهادی فقهی‌زاده، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۷، ۱۹۹ صفحه، وزیری.

این کتاب با نگاه به تحولات معاصر، موضوع وحدت اسلامی را از منظر قرآن و سنت بررسی نموده است. واقع‌نگری و دردمندی، از ویژگی‌هایی است که در تحلیل‌های کتاب به چشم می‌خورد، چنان‌چه خواننده خواه ناخواه به پی‌گیری بیش‌تر مطالب، کشیده می‌شود.

استنادات فراوان قرآنی و روایی، نشانه آگاهی عمیق مؤلف محترم از فرهنگ اسلامی و آشنایی گسترده وی با قرآن و سنت اهل بیت علیهم‌السلام است. نویسنده از عناصر مایه دار و مأخذ اصیل تفکر اسلامی بهره‌برداری فراوان نموده است. مهم‌ترین موضوعات کتاب، که از یک مقدمه و دو بخش و فصل‌های متعدد تشکیل شده، عبارت است از: وحدت اسلامی از جنبه فرهنگ و تمدن، اهمیت وحدت اسلامی، ابزارهای ضروری جبهه اسلامی در رویارویی با غرب، انگیزه‌های وحدت اسلامی، زمینه‌های وحدت اسلامی، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن، فرایند وحدت و اختلاف در تاریخ انسان، فرایند وحدت در جامعه اسلامی، ابزارهای تحقق وحدت اسلامی، نتایج و پی‌آمدهای وحدت اسلامی، وحدت اسلامی از دیدگاه سنت، وحدت و اولویت‌های دینی، شیوه دست‌یابی به وحدت اسلامی، فرایند اختلاف و تکرگرایی، تقریب بین مذاهب اسلامی، اساسی‌ترین هدف تقریب، شناخت علل و اسباب اختلاف، دست‌یابی به تقریب و راه کارهای تقریب.

میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی در قاهره - مصر

سید هادی خسروشاهی، قم، کلبه شروق، مرکز بررسی‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ۱۷۶ صفحه، رقعی.

حرکت تقریب بین مذاهب اسلامی در دههٔ چهل میلادی به همت استاد علامه، آیت‌الله شیخ محمدتقی قمی که توسط مرحوم آیت‌الله بروجردی از ایران به قاهره اعزام شده بود با همکاری شخصیت‌های بزرگ الازهر و معاریف مصر و بعضی از علمای دیگر بلاد اسلامی در قاهره تشکیل گردید و با انتشار

فصل‌نامه وزین و علمی «رسالة الاسلام» در تحکیم اندیشه تقریب و نشر اصول و مبادی همکاری بین مذاهب اسلامی، تلاش جهانی گسترده‌ای آغاز گردید.

در میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی، جمعی از صاحب‌نظران علوم دینی از کشورهای اسلامی از ساز و کارهای تفاهم و وحدت بین امت اسلامی بحث کرده‌اند. این نوشتار از دو بخش تشکیل شده است. در بخش نخست، مؤلف با اشاره به تاریخچه تقریب مذاهب اسلامی در نیم قرن گذشته، به فراز و نشیب‌های آن پرداخته و ضرورت احیای مجدد آن را خاطر نشان ساخته است و با اشاره به اصول مشترک بین مذاهب اسلامی از جمله وحدت دین، وحدت اصول دین و وحدت امت اسلامی و گفت و گوی اسلام با سایر ملت‌ها و ادیان، به ضرورت گفت و گو با زبان تفاهم بین فرقه‌های اسلامی پرداخته و در بخش دوم، قسمتی از سخنان بزرگان دین حاضر در این میزگرد ذکر گردیده که اسامی و موضوعات آن به این قرار است: محدود نکردن مذاهب، لبنان / شیخ محمود فرحات؛ ساز و کارهای تقریب، ایران / علی المؤمن؛ طرح شلتوت - قمی، مصر - ایران / عبدالله قمی (دبیر دار التقرب قاهره)؛ مرکز گفتگوی اسلامی / محمود مراد؛ تفاوت قرآن‌ها، مصر / محمود حمدی زقروق؛ تبلیغات، مسقط - عمان / شیخ احمد بن مسعود السیابی؛ تقریب میان پیروان مذاهب اسلامی، مصر / حضرت مفتی (شیخ نصر فرید واصل)؛ فرهنگ تقریب، ایران / محمدعلی تسخیری؛ اختلاف مذاهب، رحمت الهی، مصر / احمد عمر هاشم؛ ضرورت گفت‌وگو!، مصر / محمد سید الطنطاوی

تجربة الوحدة و التعايش، ضرورة اسلامية و قيمة حضارية

عبدالعظیم مهتدی بحرانی، قم، مؤسسه عاشورا، چاپ اول، ۲۰۰۳م، ۱۴۴ صفحه، رقعی، عربی.

این اثر شامل بیان اهمیت و فواید هم‌گرایی، وحدت و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان با تأکید بر آموزه‌های قرآن است. مؤلف به انگیزه تقریب بین مذاهب، مطالب خود را در دو بخش سامان داده است. در بخش نخست بعد از گزارش از زبان‌هایی که اروپا و جهان

غرب از اختلاف و تفرقه دیده است، به بیان دیدگاه‌های قرآن و برخی از عالمان اسلامی درباره وحدت و اختلاف و پیامدهای وحدت می‌پردازد. حکمت اختلاف و فلسفه کثرت‌گرایی در اسلام، اختلاف و تنوع در خلقت و حکمت آن و تجربه وحدت در سده نخست اسلام به همراه برخی از پرسش‌ها و پاسخ‌ها درباره این مهم، از مطالب اصلی بخش دوم است.

منادیان تقریب (۷)، محمدعلی جناح و اندیشه استقلال مسلمانان

سید محمدجواد هاشمی، زاهدان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور اهل سنت سیستان و بلوچستان، معاونت سیاسی و اجتماعی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ۱۲۷ صفحه، رقعی.

شاید آن چنان که در عصر حاضر مرزهای جهان اسلام آماج حملات فرهنگی و نظامی دشمنان قسم خورده اسلام است، در تاریخ پرفراز و نشیب اسلامی چنین چیزی دیده نشود و بی شک امروز جهان اسلام

بیش از هر زمان دیگری نیازمند وحدت و یکپارچگی است. در این میان یکی از گام‌های عملی در راستای تقریب میان مسلمانان، آشنایی با اندیشه‌های منادیان جهانی تقریب است؛ آن‌هایی که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و تنها با اندیشیدن به مصالح مسلمین، تلاشی پی‌گیر برای بهبود وضعیت مسلمانان آغاز کرده‌اند.

کتاب حاضر تلاشی است برای آشنا کردن نسل جوان با اندیشه‌ها و افکاری که می‌تواند در راستای تحکیم ارتباطات میان جوامع اسلامی مؤثر باشد. نویسنده در این اثر به بررسی افکار محمدعلی جناح و نقش او در استقلال کشورهای مسلمان به ویژه پاکستان اشاره نموده و سپس با بیان اعمال و رفتار استعمارگران، به خصوص انگلستان، در هندوستان، به فعالیت‌های جناح و مبارزه او برای احیای قانون اساسی و تأسیس دولت پاکستان پرداخته است. جناح از نگاه دیگران، ابهام در سرنوشت کشمیر و جناح و وضعیت کنونی پاکستان، از جمله عناوین مورد بحث در این کتاب است.

موسوعة الإمام شرف الدین، بیروت، دار المورخ العربی،

چاپ اول، ۱۴۲۷ ق، ۲۰۰۶ م.

این موسوعه که به زبان عربی است، با جمع‌آوری تمام آثار مکتوب و باقی مانده از تألیفات ارزشمند علامه آیة‌الله سید عبد الحسین شرف‌الدین عاملی (۱۳۳۷-۱۲۹۰ ق)، و تحقیق جدید در مورد مجموعه آثار چاپ شده در ده‌های گذشته و برخی از آثاری که تاکنون احیا نشده بود، توسط محققان واحد احیاء التراث دفتر تبلیغات اسلامی طی

سال‌های (۱۳۸۴ - ۱۳۸۰) تهیه شده است. یک جلد از این موسوعه که به قلم سید منذر حکیم نگاشته شده ویژه بررسی و تحلیل تاریخ علامه شرف الدین و زندگی‌نامه او می‌باشد.

سایر جلدهای موسوعه به شرح ذیل است:

- ج ۱. المراجعات؛
 - ج ۲. النص والاجتهاد؛
 - ج ۳. الفصول المهمة و أبو هريره؛
 - ج ۴. شامل کتابهای کلمة حول الرؤیه، فلسفه الميثاق و الولاية، أجوبة مسائل جار الله الى المجمع العلمی العربي بدمشق، مسائل فقهية؛
 - ج ۵. الكلمة القرآني تفضيل الزهراء، المجالس الفاخرة في مآتم العترة الطاهرة؛
 - ج ۶. مجموعة مقالات شرف الدين که در بردارنده ۱۶ مقاله و کتاب است؛
 - ج ۷. بغية الراغبين في سلسلة آل شرف الدين؛
 - ج ۸. ملحقات بغية الراغبين؛
 - ج ۹. وثائق، خطبهها، نامهها، اجازة نامهها، تقریضها؛
 - ج ۱۰. فهارس فنی که توسط آقای میر عظیمی تنظیم شده است.
- احیای این آثار گران بها خدمتی بزرگ به جهان اسلام و در بردارنده اصول علمی تقریب میان مذاهب اسلامی می باشد.



مقالات
خلاصه

لا يمشى تقرب

مشاكل العالم الاسلامي و علاجها في ظل العولمة

آية الله محمد علي التسخيري*

ان العولمة حركة شمولية تواجه البشر، وتحملهم على تغيير مواقفهم، والعالم الاسلامي ليس بمنأى عن اخطار تلك الظاهرة التي ابتكرتها امريكا. تناول هذا المقال تعريفا اجماليا لظاهرة العولمة لاسيما التعريف الذي طرحه الغرب وعلى رأسها امريكا والمستند الى نفي اي حضارة لا تتسم بالطابع الغربي و فرض الطرح الامريكي على سائر الحضارات بغية بسط نفوذها على العالم، هذا الى جانب البحث في النتائج الوخيمة الذي يفرزه هذا المشروع و العراقيل التي تواجه امريكا والتي تحول دون تحقيق اهدافها نحو الانفراد بعالم احادي القطب، منها على سبيل المثال ادعاء العالم الاسلامي شمولية الاسلام للعالم. وتعتبر مشاكل العالم الاسلامي في مواجهة هذا المشروع السلطوي وسبل علاجها من اهم هواجس الكاتب ولهذا السبب بدأ باستعراض واقع الامة الاسلامية و اشار الى الاستراتيجية التي ينبغي على العالم الاسلامي اتباعها على المستوى المحلي و العالمي لمواجهة الاتار المخربة لهذا الهجوم الثقافي الواسع .

المصطلحات الرئيسية: العولمة، العولمة الغربية، عالمية الاسلام، الامة الاسلامية، الاستراتيجية العملية .

استراتيجية التقريب

الدكتور محمد رضا رضوان طلب *

لقد دونت مقالات كثيرة حول تقريب المذاهب الاسلامية كضرورة وعقدت مؤتمرات واجتماعات كثيرة في هذا الصدد والتي كان يسودها طابع التاكيد، ويبدو ان الوقت قد حان لغض الطرف عن هذه البداهة والاقدام على خطوات عملية في هذا المسير، هذا المقال الى جانب طرح تعاريف دقيقة لمعاني الاستراتيجية والتقريب كمفهومين اساسيين في هذا المبحث، فقد استعرض ما يقرب عن عشرين منحى عملي لتقريب المذاهب الاسلامية، وفي الختام تبين حتمية أفاق التقريب والاتحاد بين المذاهب للعالم الاسلامي، وحذر المخالفين والمعاندين من مغبة مواجهة الشمس .

المصطلحات الرئيسية: الاستراتيجية، التقريب، المذاهب الاسلامية، الاهداف، الاختلاف، الوحدة، الفتنة، الشيعة، اهل السنة، الانفراج، التهمة، البراءة، العالم الاسلامي، التشتت.

الشيعة والتقريب

سال دوم / شماره هفتم

* .عضو الهيئة التدريسية بجامعة طهران .

نظرة في حركة برمجة القرآن الكريم لقسم التاريخ وتناؤها

السيد منذر الحكيم*

ان الحضارة الاسلامية العريقة رهن حركة برمجة القرآن الكريم للمجتمع الجاهلي الذي كان مهذا لنزوله.

هذا المجتمع تمكن من الوقوف على التحولات والتغيرات التي طرأت على المجتمعات البشرية عبر القاء نظرة فاحصة في اعماق التاريخ، كما تمكن من الاطلاع على التاريخ وفلسفته من خلال الاعتماد على العلوم المستقاة من القرآن الكريم، ومن هذا الرصيد الدسم انطلق بخطى ثابتة نحو صنع مستقبل مشرق واستطاع في مدة وجيزة للغاية ان يرفع لواء حركة معرفية عظيمة في المجتمع الاسلامي الفتي

وقد بزغت العلوم الاسلامية كانعكاس لتلك التحولات وحركة البرمجة العظيمة في فترة لا تتجاوز الثلاثة قرون

ويعد نظرة القرآن نحو العلوم ومنهج التعامل معها من اهم علل حركة البرمجة التي عقدت لها هذه المقالة.

المصطلحات الرئيسية: حركة البرمجيات، القرآن الكريم، قسم التاريخ .

قواعد بناء الثقة في العلاقات الدولية مع التأكيد على الدول الإسلامية المطللة على الخليج الفارسي

مرتضى شيروي *

بذلت في العقود الاخيرة اجراءات عديدة لبناء الثقة والحد من سوء الظن وايجاد علاقات حسنة في المناطق التي يسودها التوتر في العالم، وكانت لهذه الاجراءات نتائج ايجابية في امريكا الشمالية واللاتينية واوروبا وافريقية والارجنتين والبرازيل، اما اذا صياغة قواعد لبناء الثقة في منطقة الخليج الفارسي كجزء من العالم الاسلامي ومن ثم تعميمها الى سائر البلدان الاسلامية فما هي تلك القواعد المثلى الكفيلة بتعزيز الثقة؟ والاجابة عن هذا السؤال يتبناه هذا المقال .

المصطلحات الرئيسية: قواعد بناء الثقة، الخليج الفارسي، السلام، الامن، الاقتصاد، المصادر، منظمة، البيئة، البترول، الحقوق .

الإيشة

سال دوم / شماره هفتم

* .عضو الهيئة العلمية لمركز البحوث الاسلامية ومدرس في الجامعة

٢٢٢

دور علماء الدين في اتحاد اتباع المذاهب الاسلامية

محمد حسين فصيحى *

لاشك ان الاتحاد بين المسلمين في كل زمان - لاسيما في الظروف الراهنة التي يتعرض فيها المسلمين في لبنان وفلسطين لهجمات مسعورة وغير انسانية من قبل العدو الصهيوني بدعم صاخر من امريكا - امر ضروري وعقلي وفريضة دينية، فالواجب يحتم على الامة الاسلامية توفير اجواء الاتحاد والاخوة ويبرز على هذا الصعيد دور علماء الدين اكثر من غيرهم .
وقد شدد هذا المقال على ضرورة الاتحاد بين المسلمين والمؤمنين استنادا الى القران والسنة النبوية ثم تناول تعريف المسلم والمؤمن عند الفريقين، وهو :

١ - الايمان بالله ووحديته

٢ - التصديق بنبوة ورسالة محمد ﷺ وكل ما جاء به

٣ - الاعتقاد بالمعاد

كما تطرق بايجاز الى المنزلة الرفيعة لعلماء الدين في الثقافة الاسلامية باعتبارهم خلفاء النبي ﷺ وامناء الله تعالى .

وفي الختام اشار الى عشرين منحنى للاتحاد بين المسلمين منها

١ - الابتعاد عن الجمود الفكري ومنع الخرافات والبدع

٢ - العمل بما ورد في القران والسنة النبوية حول ضرورة الاتحاد

٣ - الاقتداء باهل بيت النبوة ﷺ

٤ - الكشف عن الحقائق والاحتراز عن التحريف والجعل

٥ - الاطلاع على عقائد الاخرين

المصطلحات الرئيسية: القران، رسول الله ﷺ، علماء الدين، الوحدة الاسلامية، الاتحاد، المذاهب الاسلامية، الاختلاف .

* محقق وباحث ومدرس في الحوزة العلمية .

- 3- Following the household of the Prophet, the Ahle bayt
- 4- Stating the realities and restraining from distorting
- 5- Raising awareness of each other's beliefs

Keywords: the Quran, the Holy Prophet, religious scholars, Islamic unity, alliance, Islamic faiths, disagreement

Role of religious scholars in creating the grounds for unity among the followers of Islamic religions

By Mohammad Hussein Fasihi*

Since unity of Muslims is a necessity and a religious obligation particularly in today's developments with the devastating situation of people of Palestine and Lebanon, who are under cruel attacks of Israel, the occupier - the Islamic Ummah is obliged to create a brotherly atmosphere between followers of different Islamic faiths. However, the Islamic scholars are the ones who play the most important roles for the creation of this atmosphere.

Explaining the importance of Muslims unity according to the Quran and sayings of the Prophet, this article presents definition of a Muslim and a pious man.

According to the Shiite and Sunni faith, a Muslim and pious individual is the one who:

- 1- believes in Allah and His oneness,
- 2- believes in prophethood and Muhammad (S.A)'s mission and whatever he has brought with him,
- 3- believes in Resurrection Day.

After giving the above attributes of a Muslim, the author briefly argues the position of religion scholars in Islamic culture.

Islamic culture attaches great importance to the Islamic scholars and introduces them as the successors of the Prophet and the trustees.

The author explains twenty strategies the scholars apply to prepare the grounds for the unity of all the Muslims, namely

- 1- Avoiding bigotry and restraining from superstitions and religious innovations.
- 2- Attending to Quran's recommendations and traditions of the Prophet concerning the importance of unity

* researcher, author and Hawzah teacher.

Confidence-building measures in international relations insisting on Islamic countries around the Persian Gulf

By Morteza Shirudi *

In recent decades many measures have been taken in line with increasing confidence, decreasing distrust and boosting better relations in the regions with large scale of tensions. These measures have borne fruits in South America, Latin America, Europe, Asia, Africa, Argentina and Brazil.

Here the question is if we want to take confidence-building measures in the region of Persian Gulf, as part of the Islamic world, what would be the best exemplar and how shall it be done. This article addresses the question.

Keywords: confidence-building exemplars, Persian Gulf, Peace, Security, Economy, Sources, Organization, Environment, Oil, Sea, Air, Law

* Faculty member of Islamic Studies Center and university professor.

A look at software movement of the Quran upon history and its consequences

By seyed Monzer Hakim *

The great Islamic civilization is beholden to the Quran's software movement which occurred in the former uncivilized Arab society which was a ground for the revelation of the Quran.

Through the Quran and attending deeply to the history, the uncivilized past-worshipping society could discover the reason behind developments and evolution of human societies. By the knowledge taken from the Quran, the then society could get to chronology and the philosophy of history; move towards futurology and future-building and in a short time raised to become the pioneer of a great knowledge movement in the newly established Islamic society.

Islamic sciences are a good sign for this breakthrough and the great software movement which appeared in as little as three century.

The Quran's attitude towards knowledge is one of the most important grounds for the software movement and this article strives to address and explain this attitude of the Quran.

Keywords: software movement, the Holy Quran, history

Problems of the Islamic world and its cures through globalization

By Ayatollah Mohammad Ali Taskhiri *

Globalization is an international question affecting everyone's life, sooner or later and compelling them to change their circumstances. The Islamic world, like the others, is exposed to the detriments of this made-in-the-U.S. phenomenon. With a brief definition of globalization, this article addresses the negative consequences of the trend and pays special attention to what America means by globalization, i.e. denial of every civilization other than western's and trial to inculcating the American model of civilization to the other nations in a bit to dominate them. The author also tackles the problems facing the U.S. in materialization of its unilateral goals. Problems such as the Islamic world claiming an Islamic-oriented globe instead of an American version of globalization.

The author strives to address the problems of globalization and defending strategies. To that end, he explains the situation of current Islamic world and indicates preventing ways and what Islamic governments can do to stop globalization and its destructing outcomes.

Keywords: globalization, western globalization, Islamic oriented globe, Islamic world, practical way

ABSTRACT

الابيض القوي.

In The Name Of God

لا إله إلا الله
